



## مجله سیاست دفاعی

نشریه علمی - ترویجی مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع)

سال هفدهم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۸، شماره پیاپی ۶۶ (شماره استاندارد بین‌المللی ۵۰۸۷-۱۰۲۵)

نشانی: دانشگاه امام حسین (ع) - مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی شماره تماس مستقیم: ۷۷۱۰۵۷۶۵ دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۴۷	صاحب امتیاز: دانشگاه امام حسین (ع)، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی مدیر مسئول: علیرضا فرشچی سر دبیر: دکتر سید یحیی صفوی دبیر تحریریه و مدیر داخلی: علی قنبرزاده حروف چینی و صفحه‌آرایی: حسین سرمدی ناظر چاپ: اندیشگاه علم و صنعت جهان معاصر لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات شکیب قیمت: ۳۵,۰۰۰ ریال
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۴۵۹-۱۶۷۶۵ مرکز فروش: تهران - بزرگراه شهید بابایی - بعد از پل لشکرک - دانشگاه امام حسین (ع) ساختمان شهید بروجردی - طبقه دوم - مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی شماره تماس: ۲ - ۷۷۱۰۵۷۴۱	

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۳/۲۹۱۰/۸۲۷ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۵

کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - ترویجی،

مورد تأیید قرار گرفته است.

## هیأت تحریریه، مشاوران علمی و داوران مجله سیاست دفاعی

(به ترتیب حروف الفبا)

### هیأت تحریریه

دکتر محمدابراهیم سنجقی (استادیار مدیریت استراتژیک، دانشگاه مالک اشتر)	دکتر علی اکبر احمدیان (استادیار مدیریت، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
دکتر سیدیحیی صفوی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	دکتر محمدحسین افشردی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
علیرضا فرشچی (رئیس مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی)	دکتر همایون الهی (استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران)
دکتر جهانگیر کرمی (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران)	دکتر بهادر امینیان (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
دکتر منوچهر محمدی (دانشیار مطالعات بین الملل، دانشگاه تهران)	دکتر حسین حسینی (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
سیدحسین محمدی نجم (پژوهشگر دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	دکتر حسین دهقان (استادیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر)

### هیأت داوران

دکتر حسین ظریف منش (فرمانده دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	دکتر حسین اردستانی (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
دکتر اصغر قاتدان (استادیار تاریخ، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	دکتر سیدعلی حسینی تاش (استادیار دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
غلامرضا محرابی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	دکتر محسن رضایی (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
دکتر پرویز میرعباسی (دانشیار حقوق، دانشگاه تهران)	اکبر رمضان زاده (رئیس پژوهشکده عالی جنگ)
	دکتر الله مراد سیف (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )

### مشاوران علمی

محمدحسین قنبری جهرمی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	دکتر هادی مراد پیری (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
احمد محمدزاده (رئیس مجتمع دانشگاهی علوم دفاعی و امنیتی)	سیدکمال الدین محمد رفیعی (پژوهشگر دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
دکتر عباس مهری (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	دکتر محمدعلی سبحانی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )
مهدی نطق پور (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )	احمد غلامپور (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین <sup>(ع)</sup> )

## شرایط تدوین و ارسال مقاله برای چاپ در مجله سیاست دفاعی

- ۱ - مقاله باید دستاورد پژوهش علمی نگارنده و برخوردار از مختصات روش شناختی، و سامان یافته، در ارائه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
- ۲ - پذیرش مقاله برای چاپ به عهده‌ی هیأت تحریریه مجله است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است که مجله هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن خواهد بود. در عین حال، مجله سیاست دفاعی در ویرایش مندرجات مقاله آزاد است.
- ۳ - مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه‌ی چاپی و بر یک روی کاغذ A4، با لوح فشرده در نرم‌افزار Word نسخه‌ی ۲۰۰۳ به بعد، همراه اصل مقاله ارسال گردد.
- ۴ - مقاله‌های علمی باید دارای ساختار مقالات علمی - پژوهشی و با رعایت شرایط ذیل باشد:
  - ۴-۱ - مقاله‌های علمی باید دارای عنوان، چکیده (حداکثر ده سطر)، کلیدواژگان (سه الی پنج کلید واژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع طبق راهنمای نحوه‌ی ارائه‌ی مقاله‌های علمی در انتهای توضیحات زیر، باشد.
  - ۴-۲ - مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا و مختصر باشد.
  - ۴-۳ - مقدمه‌ی مقاله محل طرح و بیان نظری موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع مسأله مورد پژوهش و بیان منظور پژوهشگر از طرح و انتشار آن است.
  - ۴-۴ - نتیجه‌گیری: در پایان مقاله، می‌بایست نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه، که روشنگر بحث و نتیجه‌گیری باشد، ارائه گردد.
  - ۴-۵ - منابع مورد استفاده: تمام منابع مورد استفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا آورده شود. در نگارش ارجاعات مربوط به منابع در داخل متن، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه‌ی مورد استفاده بدین شکل (اسمیت، ۲۰۰۱، ص ۲۲) یا (Smith, 2001, p. 22) نگاشته می‌شود. در مواردی که تعداد نویسنده بیش‌تر از یک نفر باشد، ذکر منبع بدین صورت خواهد بود (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۲۲) و یا (Smith, et.al, 2001, p. 22). برای ارجاع به منابع اینترنتی بدین شکل (www.smith,2001) نگاشته می‌شود. در نگارش متن، معادل لاتین اسامی افراد یا اصطلاحات و واژه‌های ضروری با شماره ارجاع در پاورقی هر صفحه آورده می‌شود.
  - ۴-۶ - ترتیب شناسه‌های کتاب‌شناختی در صفحه‌ی فهرست در مورد مقاله، کتاب، گزارش و سایر مراجع به شرح ذیل است:
    - مقاله‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، "عنوان مقاله"، نام مجله، دوره، شماره و صفحات مقاله.
    - کتاب‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل انتشار، نام ناشر.
    - منابع اینترنتی: نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان متن، نام سایت یا صفحه‌ی اینترنتی > نشانی دسترسی <، (تاریخ مشاهده).
  - ۴-۷ - خلاصه‌ی انگلیسی (۲۰-۱۵ سطر) باید همراه مقاله با مشخصات کامل نویسنده ارسال شود.

کلیه حقوق برای مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) محفوظ است.

نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ آزاد است.



## فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره پیاپی ۶۶، بهار ۱۳۸۸

صفحه

عنوان

### مقاله‌ها

- ۹..... رویکرد «دفاع همه‌جانبه» در چارچوب تفکر دفاعی امام<sup>(ره)</sup>.....  
/ سیداصغر کیوان حسینی  
/ مسعود درودی
- ۲۵..... عوامل مؤثر بر موفقیت لشکر ۳۲ انصارالحسین<sup>(ع)</sup> در عملیات مرصاد.....  
/ مهدی نطق پور  
/ امیر شالبافیان
- ۵۱..... چالش‌های فراروی حقوق بشردوستانه در جنگ پست‌مدرن.....  
/ نادر ساعد
- ۶۷..... کاربرد اصول نظریه آشوب در تصمیم‌گیری‌های دفاع هوایی.....  
/ نیک‌بخش حبیبی
- ۱۰۱..... جنگ‌های بیولوژیکی در بخش کشاورزی و چگونگی مقابله.....  
/ آئیش عزمی
- ۱۲۳..... آغاز و انجام سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا.....  
/ ایوب پورقیومی
- ۱۵۱..... پدیده مقاومت، بسترساز اعمال قدرت فراملی جمهوری اسلامی ایران.....  
/ حسین اکبری

### معرفی کتاب

- ۱۹۵..... مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران.....  
/ داود علمایی
- ۲۱۳..... مبانی تاریخ و اندیشه نظامی در جهان.....  
/ داود علمایی

### چکیده انگلیسی

/ سیدسعادت حسینی دماپی



### سخن سردبیر

یکی از پیامدهای عصر صنعتی بر منازعات بشری، جایگزین شدن ماشین به جای انسان بوده است. فناوری‌های تسلیحاتی گوناگون با هدف انجام اقداماتی که قبلاً بسادگی میسر نبودند، پا به صحنه مناقشات نهادند، تا جایی که این تصور در غرب صنعتی غالب گردید که سرنوشت جنگ‌ها بدست فناوری رقم می‌خورد. بتدریج این عقیده در میان صاحب‌نظران دفاعی غرب - به ویژه آمریکا - طرفداران با نفوذی یافت که با روی کار آمدن نئومحافظه‌کاران (بوش پسر) در سال ۲۰۰۰ از قوام بیشتری برخوردار گردید.

«انقلاب در امور نظامی» (RMA) اشاره‌ای است واضح و مستقیم به رویکرد فناورانه‌ی جنگ که در واپسین روزهای جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۱) رسماً حیات خود را آغاز کرد و طی یک دوره تکامل ده - دوازده ساله، عاقبت در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ عملاً در صحنه جنگ افغانستان و عراق به نمایش گذاشته شد. جنگ تمیز» و «چاقوی جراحی به‌جای پتک آهنگری» از جمله استعاره‌هایی بودند که نظریه‌پردازان انقلاب در امور نظامی - مانند دیک چنی، ولفووتیس، آرتور سبروسکی و ... - قبل از آغاز عملیات نظامی در افغانستان و عراق برای بیان ادعاهای خود مبنی بر کوتاه و کم هزینه کردن جنگ به کار می‌گرفتند.

هر چند پایان یافتن عملیات نظامی فتح بغداد در کم‌تر از بیست روز بخشی از این ادعا را اثبات کرد، اما تداوم ناآرامی‌ها و عدم تثبیت پیروزی عملیاتی آمریکا در عراق که تا امروز نیز ادامه دارد، مهر پایانی بود بر این خوش‌باوری

تکنوکرات‌های آمریکایی که مفهوم پیروزی در جنگ را متحول کرده‌اند. در واقع آنچه در حوادث پس از اشغال نظامی عراق معلوم شد، بعد اجتماعی جنگ بود که در پس تعصبات فناورانه سربازان آمریکایی مجالی برای ظهور نیافته بود. از حدود هشت سال پیش، یعنی از آغاز ناکامی آمریکا در عراق، کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌های متعددی را می‌توان در خصوص اهمیت این بعد جنگ سراغ گرفت که ادبیات کلاسیک نظامی را سخت به چالش کشیده‌اند. اکنون بعد اجتماعی در ادبیات نظامی آمریکا به حدی برجسته شده که برخی از آن به عنوان تغییر پارادایم در اندیشه دفاعی این کشور یاد می‌کنند.

دکتر سیدیحیی صفوی



## رویکرد «دفاع همه‌جانبه» در چارچوب تفکر دفاعی امام (ده)

سیداصغر کیوان‌حسینی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۱۶

مسعود درودی<sup>۲</sup>

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱/۲۰

صفحات مقاله: ۹-۲۳

### چکیده

مقاله‌ی «دفاع همه‌جانبه» به چارچوب تحلیلی خاصی در حوزه‌ی تفکر دفاعی حضرت امام (ده) اشاره دارد. برای تبیین این رویکرد می‌توان از دیدگاه‌هایی که در زمینه‌ی «سیاست دفاعی» ارائه شده بهره برد؛ با این تفاوت که نگرش ایشان به موضوع مزبور از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. این ویژگی‌ها از یک بُعد به الگوی بسیج منابع نرم و سخت‌افزاری جامعه برای تحقق اهداف کلان امنیتی - دفاعی مربوط می‌شود، و از بُعد دیگر سطوح ملی - فراملی درهم تنیده‌ای را شامل می‌شود که امنیت نظام اسلامی را به امنیت در جهان اسلام و در نهایت به جهان محرومین و مستضعفان پیوند زده و سیر تحلیل را به سوی تفسیر موسعی از سیاست دفاعی هموار می‌نماید.

\* \* \* \* \*

### کلیدواژگان

سیاست دفاعی، دفاع همه‌جانبه، دفاع فرهنگی، دفاع سیاسی، دفاع اقتصادی، دفاع نظامی

۱ - استادیار رشته روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

## مقدمه

در زمینه بررسی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوعات به الگوی تبیین دیدگاه‌های حضرت امام<sup>(ره)</sup> و سیره‌ی نظری و عملی وی در فرازهای گوناگون انقلاب مربوط می‌شود. این مهم حداقل از دو نکته ریشه می‌گیرد:

نکته‌ی اول به جایگاه منحصر به فرد ایشان به عنوان فقیهی جامع‌الشرایط و عالم به زمان ارتباط دارد، یعنی آنچه که با زیربنای اعتقادی جامعه‌ی ایرانی و فرهنگ فراملی تشیع در طول تاریخ پیوندی ناگسستنی داشته و در تمامی جریان‌های ضداستبدادی یا استکباری در یک یا دو قرن گذشته از ردپای مشخصی برخوردار بوده است. دومین نکته به نقش وی در روند شکل‌گیری، تداوم و پیروزی انقلاب اسلامی مربوط می‌شود، پیشینه‌ای که امام<sup>(ره)</sup> را در چهره‌های نظریه‌پرداز انقلاب، فرماندهی انقلاب و در نهایت سیاستمداری در مسند مدیریت نظام اسلامی معرفی می‌نماید. از این زاویه، آرا و نوع رویکرد وی نسبت به موضوعات گوناگون، از مرجعیت سیاسی - اجتماعی خاصی برخوردار شده و مانند سنگ محکی خدشه‌ناپذیر سره را از ناسره جدا می‌کند. اما در این میان، بُعد دفاعی دیدگاه‌های امام<sup>(ره)</sup> با دغدغه‌های پیچیده‌تری همراه است. در واقع، هر چند که ایشان از معدود (و شاید تنها) مرجع دینی در تاریخ معاصر است که در مجموعه‌ی آرای فقهی خود به صراحت از مقوله‌های دفاع و ضروریات آن سخن گفته، اما از آنجا که بیشترین آثار برجای مانده از وی در قالب سخنرانی و پیام‌های کتبی می‌باشد، دستیابی به تحلیلی اصیل و روشنمندانانه از دیدگاه دفاعی ایشان حداقل مستلزم دو گام مهم است: اولین گام به شناخت خطوط راهنمای اندیشه یا الهی - سیاسی امام<sup>(ره)</sup> مربوط می‌شود، اصولی که بر تمامی پیکره‌ی اندیشه‌ورزی ایشان سایه افکنده و آن را به پیش می‌برد. دومین مورد را باید در قابلیت تحلیلی - استنتاجی پژوهشگر پی‌جویی کرد، توانمندی که بر مبنای اصول مزبور می‌کوشد الگوی روش‌شناسانه‌ای را برای آشنایی با دقایق باورهای دفاعی وی معرفی نماید.

با توجه به توضیحات بالا، چارچوب تحلیلی حاضر با این پرسش آغاز می‌شود که:

مقوله‌ی دفاع همه‌جانبه در میان آرای فقهی - سیاسی امام (ع) از چه جایگاه و منزلتی برخوردار است؟ برای پاسخ‌یابی به این پرسش، فرضیه‌ی مورد نظر عبارتست از اینکه: در مجموعه‌ی آرای فقهی - سیاسی حضرت امام (ع)، مبحث «دفاع همه‌جانبه» از جامعیت خاصی در ابعاد زمانی (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)، موضوعی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) و سطوح تحلیلی (ملی / فراملی) برخوردار است.

نوشتار حاضر برای تأمین ابعاد روش‌شناسانه، از روش تحقیق توصیفی - علمی بهره می‌برد. در بعد توصیفی طرح دیدگاه‌های امام (ع) به صورت مستقیم (از منابع مربوط) یا غیرمستقیم (از آثار دیگر نویسندگان) مدنظر است. اما از آنجا که اتکای افراطی به این روش از شالوده‌ی پژوهشی مقاله می‌کاهد، سعی شده است که در کنار رعایت «اصل امانت‌داری» درخصوص سخنان و دیگر آثار ایشان، قواره‌ای نوآورانه و ابتکاری به عنوان «الگوی تبیینی» معرفی شود. این روند در چارچوب یک نظام چند بخشی سازمان‌یافته است. در بخش اول به عنوان «چارچوب نظری»، به نظریه‌ی «سیاست دفاعی» توجه خواهد شد. بخش دوم به طرح اصول حاکم بر آرا و دیدگاه‌های امام (ع) اختصاص یافته و در سومین بخش مقوله‌ی دفاع همه‌جانبه و ضروریات مفهومی و سطوح تحلیلی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱ - چارچوب نظری: نظریه‌ی «سیاست دفاعی»

هرگونه بحث در مورد سیاست دفاعی، از مقوله‌ی دفاع و دفع تهدید ریشه می‌گیرد. بر این مبنا، خطراتی که امنیت و منافع یک واحد ملی را به چالش می‌کشد، در سایه‌ی عمل دفاع به حداقل رسیده و در پی آن آسیب‌پذیری جامعه‌ی مورد نظر کاهش می‌یابد. به این ترتیب، در یک تحلیل ساده سیاست دفاعی را باید مجموعه‌ی

روش‌ها و تدابیری دانست که در جهت دفع یا کاهش پی‌آمدهای حاصل از بروز یک تهدید امنیتی مورد توجه رهبران جامعه قرار گیرد. با این وصف، در چارچوب مکاتب فکری گوناگونی که در مقام تعریف و تبیین نظریه‌ی مزبور (سیاست دفاعی) قرار گرفته‌اند، از زوایای متفاوتی به این معنا توجه شده که حداقل به دو مورد آن می‌توان اشاره داشت. اولین مورد برداشت محدود و مضیق است که سیاست دفاعی را صرفاً در حیطه‌ی رویکرد و اهتمام یک دولت نسبت به مسایل و مقوله‌های نظامی مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس، سیاست مزبور (دفاعی) با «سیاست نظامی» مترادف و مساوی تلقی شده و در کنار دیگر سیاست‌های دولتی مانند سیاست اقتصادی و سیاست آموزشی قرار می‌گیرد. (حسینی، ۱۳۷۱: ۴۵-۵۰) برداشت دوم ریشه در دیدگاه آنانی دارد که همگام با گسترش دامنه‌ی تحلیل امنیت و دفاع از حوزه‌ی نظامی، راهکارهای امنیت‌زایی و دفع تهدید را از طریق اتکای بر تمامی عناصر قدرت ملی مورد توجه قرار می‌دهند. بر مبنای این تفسیر موسع، مواردی چون جنگ اقتصادی، سلاح تبلیغات و جنگ روانی، رقابت‌های علمی و فناورانه، ابزارهای ضروری هستند که در چارچوب فرایندی هماهنگ کننده و انسجام آفرین به سیاست دفاعی یک دولت شکل می‌دهند. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۱۹)

بعد از آشنایی کلی با مقوله‌ی سیاست دفاعی، شایسته است که به نکاتی در این زمینه توجه شود:

نکته‌ی اول، سیاست دفاعی هر دولت از الگوی کلان برداشت آن از مقوله‌ی تهدید یا «راهبرد امنیت ملی» نشأت می‌گیرد. در این ارتباط، مفاهیم دیگری چون «راهبرد دفاعی» و «دکترین دفاعی» معنا می‌یابند. (زه‌دی، ۱۳۸۶: ۱۸) برخی از تحلیلگران راهبرد دفاع ملی را مجموعه‌ای از شیوه‌ها، راهکارها، ابزارها و اقداماتی دانسته‌اند که برای تحقق سیاست دفاعی و دکترین دفاعی تدبیر می‌شوند. در این زمینه، دکترین دفاعی نیز روابط میان ساختارهای سیاسی، سیاست دفاع ملی و راهبرد دفاع ملی را توصیف می‌کند. (صدوقی، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۳) نکته‌ی دوم، در هر نوع سیاست

دفاعی، سطح خاصی از «انتزاع‌گرایی» قابل مشاهده است. بر این مبنا، الگوی برداشت فاعل شناساننده از «ماهیت و شدت تهدید» بر چگونگی مقابله با آن (سیاست دفاعی) و حتی شیوه‌ی مدیریت تهدید تأثیرگذار است. ناگفته نماند که برداشت مزبور تحت تأثیر مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک، ... قرار دارد. نکته‌ی سوم، سیاست دفاعی نسبت به «روندهای فراملی» (منطقه‌ای و بین‌المللی) از حساسیت و تأثیرپذیری خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، بروز تحول در سطح قدرت و منابع آن که به بروز روندهای جدید در صحنه‌ی بین‌المللی منجر می‌شود، الگوی تعامل همکاری/ تنش میان دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و رویکردهای امنیتی بازیگران ملی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این زمینه مؤلفه‌های نرم/ سخت‌افزاری جدیدی برای تأثیرگذاری بر اراده‌ی بازیگر مقابل و کاهش آسیب‌پذیری خود در سطح سیاست‌سازی دفاعی تعبیه خواهد شد. (متقی، ۱۳۸۳: ۴۰)

نکته‌ی چهارم، نظام تعامل میان سیاست دفاعی یک واحد ملی با سطح نفوذپذیری آن از رابطه‌ای معکوس حکایت می‌نماید. به این ترتیب، به هر میزان که تمهیدات و رویکرد دفاعی از جامعیت و فراگیری بالاتری در جهت رویارویی با تهدید یا فشار محیطی برخوردار باشد، میزان آسیب‌پذیری بازیگر مورد نظر نیز با کاهش بیشتری مواجه خواهد شد. این بحث موضوع برنامه‌ریزی دفاعی را با مقوله‌ی «عدم اطمینان» پیوند می‌زند. به این مبنا، همواره مجموعه‌ای نامعین، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی از مؤلفه‌های تأثیرگذار وجود دارند که عقلانیت ناظر بر جریان تصمیم‌سازی دفاعی را در جهت پیش‌بینی آینده با محدودیت خاصی روبرو می‌نماید. به همین دلیل است که به زعم تحلیلگران سیاست دفاعی باید با نوعی انعطاف‌پذیری، قابلیت تطبیق و استحکام ذاتی همراه باشد (Johnson, 2003: 58) نکته‌ی نهایی اینکه سیاست دفاعی دولت‌ها همواره با مفهوم «دیپلماسی دفاعی» ارتباط دارد. این مفهوم به الگویی برای ترکیب شاخص‌های دفاعی با نشانه‌هایی از چانه‌زنی سیاسی، ترغیب و پاداش اشاره دارد. در این مورد آمریکا از جمله دولت‌هایی است که برای کارآمدسازی ساختار دفاعی خود از ابزارهای جانبی دیپلماتیک نیز بهره می‌گیرد. (متقی، ۱۳۸۵: ۱۲)

## ۲ - «دفاع همه جانبه»: نظریه‌ی دفاعی امام<sup>(ره)</sup>

امام<sup>(ره)</sup> را باید از زمره‌ی اندیشه‌ورزان دینی و مصلحان اجتماعی دانست که در قالب نوعی «چند جانبه‌گرایی و جامع‌نگری» در صدد پیشبرد آرمان‌های خویش برآمده بود. این ویژگی قبل از هر چیز محصول و معلول «نظام باورها و اعتقاداتی» است که زمینه‌ی قوام‌بخشی و ارتقای معانی و محتوایی آرمان‌های فکری و الگوی عملی وی را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، آثار نظری و عملی ایشان بویژه در حوزه‌ی امر دفاع را می‌توان به منزله‌ی حالات و عوارضی دانست که بر پیکره و جوهری خاص قرار یافته بود، شالوده‌ای که همان ملکوت آثار مزبور بوده و بر مجموعه‌ای از اصول موضوعه با مبادی تصدیقیه بنا یافته است. عدم توجه مناسب به این محتوا، جدای از بروز نارسایی‌های روش‌شناسانه، می‌تواند با سطوحی از وارونه‌نگری و سطحی‌بینی در فهم و تبیین سیره‌ی کلی امام<sup>(ره)</sup> همراه باشد. بر این مبنا، قبل از پرداختن به دقایق تفکر دفاعی ایشان، شایسته است که به طور اجمال به این شالوده توجه شود.

اصل اول: تکلیف‌گرایی در کنار باور به تلازم انفکاک‌ناپذیر دین و سیاست در جهت تبیین نسبت میان رویکرد دینی امام<sup>(ره)</sup> نسبت به سیاست، به چند محور توجه شده است: تعریف سیاست از منظر دینی، چند بعدی بودن سیاست، توجه به سطوح فرد و جامعه، تأکید بر اصل مصلحت و غایت‌گرایی. (توحیدی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۵)

اصل دوم: باور به «هویت اجتماعی» بر مبنای نوعی عرفان مثبت (شاهجوی، ۱۳۷۹: ۹۴)

اصل سوم: بصیرت و روشن‌بینی بر مبنای مقتضیات زمانی و مکانی. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های روشن‌بینی امام<sup>(ره)</sup> به حوزه‌ی اجتهاد و فقاہت باز می‌گردد. (حجازی، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۲ و قاضی‌زاده، ۱۳۷۶: ۳۵) جلوه‌های دیگر این ویژگی را نیز در سیره‌ی سیاسی ایشان از دوره‌ی قبل از ورود به عرصه‌ی مبارزه و فعالیت‌های اجتماعی می‌توان پیگیری کرد. در این زمینه به مواردی چون حضور در مجلس شورای ملی و استماع و پی‌جویی مباحث رایج در آن؛ برخورداری از مطالعات

تاریخی در مورد تحولات کشورهای اسلامی چون عراق، ترکیه، مصر، لیبی و حتی ممالک غیرمسلمان چون انقلاب روسیه و نهضت رهایی‌بخش هند؛ استفاده از رادیوهای خارجی برای آگاهی از حوادث روز (قادری، ۱۳۷۵: ۸۱)؛ بهره‌گیری از دیدگاه‌های انقلابی رهبران مذهبی مشروطه چون عبدالکریم حائری و محمدتقی خوانساری؛ (استادی، ۱۳۷۰: ۹)؛ ارتباط گسترده با مرحوم مدرس از طریق حضور در جلسات درس یا مجلس؛ (مهدی‌زادگان، ۱۳۷۸: ۱۴۷)؛ رابطه با مرحوم کاشانی در موضوع ملی شدن نفت (امین، ۱۳۷۸: ۱۵۳) توجه شده است. افزون بر موارد بالا، شیوهی رهبری ایشان در دوره‌ی آغاز حرکت انقلاب اسلامی و بعد از پیروزی آن نیز با قرائن گسترده‌ای در این زمینه همراه است. در این خصوص محورهایی چون تبیین نقش تاریخی روحانیت در تاریخ معاصر و یا پیش‌بینی تحولات شوروی (سابق) در قالب پیام به آخرین رهبر این کشور قابل توجه است.

اصل چهارم: باور انسان‌گرا - عرفانی نسبت به آزادمنشی ابنای بشر که براساس بسترسازی مناسب برای دستیابی تمامی انسان‌ها به مراتب کمال الهی و انسانی قابل حصول خواهد بود. (امام خمینی، چهل حدیث: ۱۸۷-۱۷۹)

بعد از این مقدمه‌ی کوتاه به حوزه‌ی اندیشه‌ورزی دفاعی امام (ع) باز می‌گردیم. اولین مسئله به چارچوب نظری نوشتار حاضر یعنی رابطه‌ی دفاع با مقوله‌های «دفاع تهدید» و «امنیت‌زایی» مربوط می‌شود. بر این مبنا، شالوده‌ی آموزه‌ی دفاعی ایشان نیز به مفهوم «دشمن‌شناسی» باز می‌گردد. می‌توان گفت که در چارچوب تفکر دفاعی امام (ع) پدیده‌ی تهدید و دشمن در یک «نظام عقیدتی - ژئوپلیتیک» معنا و هویت می‌یابد. در بُعد عقیدتی و فقهی، افزون بر تأکید ایشان بر شناخت دشمن و انگیزه‌های آن به عنوان نوعی تکلیف شرعی (صحیفه نور ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۲۱)، می‌توان به جایگاه این معنا در مجموعه‌ی فتاوی وی اشاره داشت. در تحریرالوسیله (صحیفه نور، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۸۵) و کشف الاسرار (امام خمینی، بی‌تا: ۲۲۹)، شواهد مهمی در خصوص جهاد ابتدایی قابل مشاهده است. به عنوان نوعی جمع‌بندی می‌توان گفت که از ۳۵ مورد فتوا

بر محور نظریه‌ی دفاع، ۹ مورد به «دفاع جمعی» و الباقی به «دفاع فردی» اختصاص یافته (ایزدپناه، ۱۳۷۹: ۱۰۲-۱۰۱). از زاویه‌ی ژئوپلیتیکی، الگوی تهدیدشناسی در دو سطح ملی یعنی ایران اسلامی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۲۳۴ و ج ۲۱: ۲۰۲) و فراملی یعنی «جهان اسلام» (منصوری، ۱۳۷۵: ۱۹۱ و ۱۹۷-۱۹۶) و «جهان محرومیت و استضعاف» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۱ و ج ۱۲: ۱۲۸ و ج ۱۵: ۱۷ و ج ۱۸: ۱۱-۱۲) قابل تفکیک است.

نکته‌ی بعد اجزای تشکیل دهنده یا چارچوب مفهومی نظریه‌ی دفاع همه‌جانبه را در برمی‌گیرد. براساس الگوی استنتاجی این نوشتار، رویکرد دفاعی امام<sup>(ره)</sup> فراتر از حوزه‌ی امنیتی - نظامی، به عرصه‌های غیرنظامی نیز قابل تسری است. به عبارت دیگر، آموزه‌ی دفاع همه‌جانبه متأثر از اصل جامع‌نگری در کنار بصیرت و روشن‌بینی (به عنوان بخشی از اصول مقوم اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام<sup>(ره)</sup>)، سیاست دفاعی را در قالب تفسیری موسع که تمامی ابعاد حیات اجتماعی را دربرمی‌گیرد، مورد تأکید قرار می‌دهد. بر این مبنا، گستره‌ی مفهومی آموزه‌ی مزبور افزون بر بعد نظامی، حوزه‌های «دفاع فرهنگی»، «دفاع اقتصادی» و «دفاع سیاسی» را شامل خواهد شد. این در شرایطی است که با تزریق مؤلفه‌ی ژئوپلیتیک به چارچوب مزبور، به طور عملی هر یک از سطوح دفاعی در حوزه‌های ملی و فراملی قابل طبقه‌بندی می‌شود.

#### الف) «دفاع فرهنگی» در سطوح ملی و فراملی

با توجه به رویکرد خاص الهی - انسان‌گرایانه‌ی امام<sup>(ره)</sup> نسبت به انسان و جوامع انسانی که پیش از این به عنوان یکی از ارکان زیربنایی مورد توجه قرار گرفت، می‌توان گفت که فرهنگ و مضامین وابسته به آن، جزء بنیادی راهبرد دفاعی ایشان را معرفی می‌نماید (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۳۷-۲۳۶). به زعم وی، بهره‌گیری از این اندوخته‌ی نرم‌افزاری یا منبع نرم‌افزاری قدرت برای دفع تهدید و افزایش امنیت، نیازمند لوازم و شرایط خاصی است. از جمله می‌توان به «ضرورت هماهنگی با پیام‌ها



و سازوکارهای فرهنگ اسلامی»، «پرهیز از قوم‌مداری فرهنگی» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۸۴-۲۸۳) اشاره کرد، که باعث تقویت «هویت» و «خودباوری فرهنگی» خواهد شد. (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۵۵)

در سطح ملی دفاع فرهنگی یعنی آنچه که به ایران اسلامی مربوط می‌شود، اصول خاصی مورد تأکید است:

ضرورت تحقق استقلال فرهنگی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۰ و ج ۱۹: ۸۰)  
 اصل خودباوری و خوداتکایی فرهنگی و علمی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۳۴ و ج ۱۷: ۱۱۰ و ج ۲۱: ۱۹۴)

اهمیت بهره‌گیری و سامان دهی به تمامی ارکان‌های تعلیمی و تبلیغی برای ترویج فرهنگ اسلامی (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۱۴۱-۱۴۰ و ج ۱۹: ۱۱۰ و ج ۲۱: ۲۰۲)

این نوع دفاع (فرهنگی) در سطح فراملی نیز با تأکید خاصی همراه است، از جمله در حوزه‌ی جهان اسلامی اصرار بر «تعامل و هماهنگی میان صفوف فرهنگی و روشنفکر» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۱۷ و ج ۱۹: ۱۰۲ و ج ۲۰: ۱۲۳) مورد تأکید قرار دارد. این نوع جهت‌گیری در ارتباط با جهان محرومین و مستضعفین به سوی پافشاری بر مواردی چون «دعوت از مستضعفان جهان برای پذیرش اسلام» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۵۸) و «مأموریت علما و اندیشمندان در سراسر جهان با هدف تحریک جوامع برای مقابله با استیلاطلبی جهانی» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۰۲) به پیش می‌رود.

#### ب) «دفاع اقتصادی» در سطوح ملی و فراملی

مسئله‌ی اقتصاد و ضرورت مقابله با تهدیدهای ملی و فراملی دشمنان در حوزه‌ی اقتصادی، از جمله مواردی است که از اولین گام‌های مبارزاتی امام (ع) قابل شناسایی است (امام خمینی، بی تا: ۱۶). در واقع، تأثیرپذیری تفکر دفاعی ایشان از اصولی چون

«توجه به مقتضیات زمانی» در کنار «انسان‌گرایی»، به مقدمه‌ای برای اهتمام به بعد اقتصاد تبدیل شد؛ چراکه وی انسان را غایت زیربنایی سیاست‌گذاری اقتصادی حکومت اسلامی می‌داند. (صحیفه نور ۱۳۷۸، ج ۹: ۷۶) دفاع اقتصادی در سطح ملی محورهایی چون «استقلال اقتصادی مقدمه‌ای بر استقلال سیاسی»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۶۳-۶۴ و ج ۱۱: ۲۲۲ و ج ۱۷: ۱۷۵-۱۶۹) «ضرورت مقابله با ترفندهای قدرت‌های استکباری در زمینه‌ی چپاول منابع اقتصادی کشور»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۵۲-۱۵۳ و ج ۱۶: ۳۳-۳۴) ... را دربرمی‌گیرد. این معنا در حوزه‌ی جهان اسلام مواردی چون «بهره‌گیری از اجتماع اسلامی چون حج برای افشای توطئه‌های اقتصادی استکبار در جهان اسلام» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۶) و در عرصه‌ی جهان محرومین و مستضعفین نیز به شاخص‌هایی چون «ترویج و تعمیم خودباوری در جهان مستضعفین در زمینه‌ی امکان حصول به خودکفایی اقتصادی» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۹۵-۱۹۳) را دربرمی‌گیرد.

### ج) «دفاع سیاسی» در سطوح ملی و فراملی

دفاع در حیطه‌ی امور سیاسی، به کارکرد نهادهای سیاسی جامعه در جهت تحقق بالاترین ضریب دفع تهدید و امنیت‌زایی اطلاق می‌شود. این مبحث در سطح ملی (ایران اسلامی) اصولی چون «ولایت فقیه مانع اصلی در برابر هر نوع آسیب و تهدید» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۱۸ و ج ۱۷: ۱۳۸ و ج ۱۸: ۱۳۴) و «مردم‌گرایی، ضامن مقابله‌گری با دشمنان» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۹: ۹۸ و ج ۱۶: ۸) را دربرمی‌گیرد. نکته‌ی مهم اینکه دفاع سیاسی در عرصه‌ی ملی، افزون بر حوزه‌ی داخلی، نسبت به محیط خارجی یعنی آنچه که در صحنه‌ی سیاست خارجی تولید و صادر می‌شود نیز قابل تعمیم است. در این ارتباط، ملاک‌هایی چون «پایبندی کامل به حفظ استقلال و آزادی، به عنوان بنیان سیاست در رابطه با بیگانگان» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۳۷) و «برقراری رابطه با کشورهای

غیرمسلمان براساس میزان دوری آنان از تعدی، پرهیز از اعمال سلطه بر ایران و پذیرش عدالت» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۵ و ج ۱۹: ۲۳۴) را مدنظر قرار می‌دهد. در سطح فراملی، دفاع سیاسی درصدد تبیین خطوط فاصل مشخصی میان جهان اسلام و جهان سلطه است. بر این مبنا تأکیداتی چون «تنها راه آسودگی مسلمانان به حداقل رساندن فاصله خود از مرز قدرت‌های بزرگ جهان است» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۳۳) و یا «ضرورت ایجاد حکومت بزرگ اسلامی توسط بسیجیان جهان اسلام همراه با هسته‌های مقاومت در برابر شرق و غرب»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۵۳) مطرح می‌شود. در همین سطح تحلیل، امام<sup>(ع)</sup> جبهه‌ی جهانی محرومین و مستضعفین را به سوی توسل به راهکارهایی چون «قیام ملی در برابر قدرت‌های بزرگ»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۳۰) توجه به روز قدس و قابلیت‌های آن به عنوان مقدمه‌ای برای تحقق حزب جهانی مستضعفین» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۵۰) فرا می‌خواند.

#### د) «دفاع نظامی» در سطوح ملی و فراملی

توضیحات بالا برای آشنایی با تفکر دفاعی امام<sup>(ع)</sup> بویژه در چارچوب آموزه‌ی دفاع همه‌جانبه کفایت می‌کند. با این وصف، در جهت تکمیل این نوع تفسیر موسع از سیاست دفاعی، بعد نظامی این رویکرد نیز مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در ابتدا باید به دو نکته اشاره داشت. اولاً مقوله‌ی نظامی‌گری و مسایل مربوط به آن در آثار مکتوب امام<sup>(ع)</sup> بویژه در دوره‌ی قبل از آغاز فعالیت سیاسی و ورود در صحنه‌ی مبارزه از سابقه‌ی خاصی برخوردار است، چنانچه در کشف اسرار به طور صریح به این مهم اشاره می‌شود. (شیخیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۹۳) اصطلاح «جندی» از جمله مفاهیمی است که ایشان در کتاب ولایت فقیه برای تشریح سیره‌ی ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> استفاده می‌کند. (امام خمینی، بی‌تا: ۱۳-۱۲) ثانیاً مقوله‌ی دفاع نظامی از دیگر بخش‌های تفکر دفاعی امام<sup>(ع)</sup> است که به طور مستقیم از ارکان فکری ایشان بویژه اصل «تکلیف‌گرایی

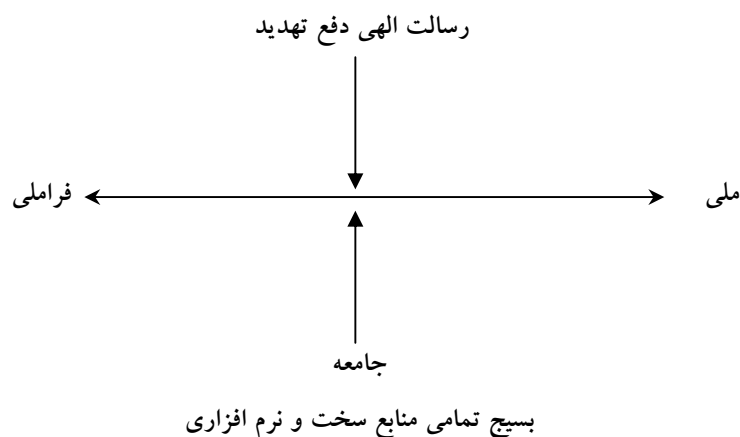
و پابندی به تلازم انفکاک‌ناپذیری دین از سیاست» تأثیر پذیرفته است، چنانکه در تعیین معیار تقسیم انواع نبرد، از «جنگ حق» و «جنگ باطل» سخن می‌گوید. (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۴)

دفاع نظامی در سطح ملی، اصولی چون «ضرورت حضور تمامی اقشار جامعه در صحنه‌ی دفاع از کشور اسلامی همراه با آمادگی دفاعی لازم»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۴۵-۲۴۴ و ج ۱۲: ۴۴ و ج ۱۳: ۱۶۵) «اهتمام خاص به اصل بازدارندگی در جهت خلع سلاح روانی دشمن»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۴۴-۴۶ و ج ۱۳: ۶۰ و ج ۱۹: ۱۰۴) «اهمیت توجه ملت به فواید و ثمرات نبرد»، (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۹-۱۸ و ج ۱۸: ۱۱۲-۱۱) را شامل می‌شود. در سطح فراملی نیز جهان اسلام به مواردی چون «ضرورت تشکیل بسیج در سطح جهان اسلام» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۵۳) دعوت می‌شود. در همین زمینه جبهه‌ی جهانی مستضعفین نیز به سوی اموری چون «هوشیاری نسبت به ابرقدرت‌ها در زمینه‌ی جنگ‌آفرینی میان جوامع» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۵۳) هدایت می‌گردند.

### نتیجه‌گیری

«دفاع همه‌جانبه» از بُعد مفهومی و تحلیلی به بخش خاصی از سیره‌ی نظری و عملی امام<sup>(ره)</sup> اشاره دارد که بر پایه‌ی «دفع تهدید همه‌جانبه از اسلام و نظام اسلامی» معنا و هویت می‌یابد. اما بر مبنای توضیحاتی که در این نوشتار آمد، این رویکرد دفاعی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. اولین مورد به نقش‌آفرینی «اصل تکلیف‌گرایی و باور به تلازم انفکاک‌ناپذیری دین و سیاست» مربوط می‌شود. در واقع سطره‌ی این اصل بر پیکره‌ی نظام فکری و رفتاری ایشان باعث شده است که بنیان آموزه‌ی دفاع همه‌جانبه بر «رسالتی الهی در جهت دفع تهدید از اسلام و نظام اسلامی» قرار یابد، شالوده‌ای که در مراحل طرح‌ریزی و اجرای این نوع سیاست دفاعی از اثر

تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. ویژگی دوم به دامنه‌ی بسیج منابع و عرصه‌های مورد نظر برای امنیت آفرینی و دفع تهدید مربوط می‌شود. براساس تفسیر موسعی که رویکرد دفاعی امام (ع) از سیاست دفاعی ارائه می‌دهد، تمامی منابع نرم و سخت‌افزاری جامعه باید در خدمت تحقق اهداف کلان امنیتی - دفاعی قرار داشته باشد و تنها در صورت تحقق این شیوه از بسیج امکانات، زمینه‌ی شکل‌گیری و تعمیق امنیت جامع و فراگیر در سطح کشور اسلامی محقق خواهد شد. ویژگی سوم به درهم‌تنیدگی سطوح ملی و فراملی این رویکرد دفاعی ارتباط می‌یابد. بر مبنای رویکرد دفاعی امام (ع)، کوشش در جهت تأمین امنیت مطلوب برای جامعه‌ی اسلامی حتی اگر بر مبنای بسیج تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود باشد، بدون توجه به منابع ناامنی و تهدید در سطح فراملی بویژه آنچه که به جهان اسلام مربوط می‌شود، حرکتی ناقص و ابتر خواهد بود. بر این اساس، در چارچوب آرمان دفاع همه‌جانبه سطوح تحلیل ملی و فراملی به هم پیوند خورده و بر پایه‌ی تعاملی پویا و مداوم به پیش می‌رود. در این میان اصل انسان‌گرایی امام (ع) که او را در زمره‌ی مصلحان اجتماعی همراه با نقشی جهانی قرار می‌دهد، دامنه‌ی این پیوند ملی - فراملی را به جوامع غیرمسلمان و در واقع ملت‌های محروم و مستحق هدایت و آزادی تسری می‌بخشد. نمودار زیر برای ترسیم چگونگی ارتباط میان ویژگی‌های مزبور مناسب است:



### منابع

- ۱ - استادی، رضا (۱۳۷۰)، «مشایخ امام خمینی<sup>(ره)</sup>»، کیهان فرهنگی، سال ششم.
- ۲ - امام خمینی، روح الله (۱۳۸۳)، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>.
- ۳ - امام خمینی، روح الله (بی تا)، کشف اسرار، بی جا.
- ۴ - امام خمینی، روح الله (بی تا)، ولایت فقیه، بی جا.
- ۵ - امین، حسن (۱۳۷۸)، «نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران» نامه پژوهش، سال ۳ و ۴، شماره ۱۲ و ۱۳.
- ۶ - ایزدپناه، عباس (۱۳۷۹)، «اصول و شیوه‌های تحقیق در آثار و اندیشه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup>»، ماهنامه حضور، شماره ۳۲.
- ۷ - توحیدی، علی اصغر (۱۳۷۸) قرائت امام خمینی<sup>(ره)</sup> از سیاست، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸ - زهدی، یعقوب (۱۳۸۶)، «مقایسه سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و دکترین دفاعی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- ۹ - حجازی، محمدرضا (۱۳۷۵)، «امام خمینی و شرایط اجتهاد لازم و کافی در دنیای کنونی»، ماهنامه حضور، شماره ۱۱.
- ۱۰ - حسینی، حسین (۱۳۷۱)، «سیاست دفاعی، چارچوبی برای تحلیل»، مجله سیاست دفاعی، سال اول، شماره ۱.
- ۱۱ - شاهجویی، محمدامین (۱۳۷۹)، بنیان مرصوص امام خمینی<sup>(ره)</sup> در بیان و بنیان آیت الله جوادی آملی، تهران، اسراء.
- ۱۲ - صدوقی، مرادعلی (پائیز ۱۳۸۲)، «ماهیت و روش شناسی نوین راهبرد دفاع ملی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال اول، شماره ۱.
- ۱۳ - صحیفه نور (۱۳۷۸)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>.

- ۱۴ - قادری، علی (۱۳۷۵)، «امام خمینی (ره) در پنج حوزه معرفت سیاسی»، حضور، شماره ۱۸.
- ۱۵ - قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۵)، «جلوه‌هایی از توجه به زمان و مکان در اجتهادات فقهی امام خمینی»، حضور، شماره ۱۶.
- ۱۶ - متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)، «ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جنگ‌های جدید و امنیت ملی ج.ا. ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره پنجم.
- ۱۷ - متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، آمریکا، هژمونی شکننده، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- ۱۸ - منصوری، جواد (۱۳۷۵)، سیر تکوین انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۹ - نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران، سنا.
- 20 - Johnson, Stut and others (ed), (2003), New challenges, New Tools for Defense Decision Making, Rand.





## عوامل مؤثر بر موفقیت لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> در عملیات مرصاد

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱/۲۰	مهدی نطق پور <sup>۱</sup>
تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۳/۲	امیر شالبافیان <sup>۲</sup>
صفحات مقاله: ۲۵-۵۰	

### چکیده

در طول هشت سال دفاع مقدس عملیات مرصاد در نوع خود بی‌نظیر و در بین عملیات‌های دفاع مقدس منحصر به فرد بود، لذا ثبت سوابق عملیاتی لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> به عنوان اولین یگان حاضر در منطقه ارزشمند می‌باشد و از طرفی ثبت رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های رزمندگان لشکر ۳۲ و زنده نمودن یاد و خاطره ۱۲۰ شهید لشکر در این عملیات و تبیین چگونگی عملیات و تاکتیک‌های اتخاذی لشکر و تبیین عوامل مؤثر بر موفقیت رزمندگان لشکر ۳۲ در عملیات مرصاد از اهداف این تحقیق بوده تا منبع مفیدی برای تمامی رزمندگان اسلام بویژه لشکر ۳۲ جهت بهره‌برداری از نقاط قوت آن و انتقال تجربیات به دیگران باشد چراکه در زمینه فوق هیچگونه تحقیقی صورت نگرفته است. بدین منظور ۱۵۰ نفر از فرماندهان لشکر ۳۲ در سطوح مختلف به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با ابزار گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای و میدانی از نوع پرسش‌نامه و مصاحبه ضمن طی مراحل روایی و پایایی اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردید

۱ - استادیار دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>.

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی.

که طبق جدول مورگان ۱۰۸ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و پرسش‌نامه‌ها توسط آنان تکمیل و یافته‌های به دست آمده از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی با شاخص‌های میانگین و واریانس و انحراف معیار تجزیه و تحلیل شده و جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون T تک گروهی و جهت تکمیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شده و سپس نتایج حاصله هر ۴ فرضیه تحقیق را تأیید و تأثیرات زیر را به ترتیب نشان داد: عوامل غیرفیزیکی با میانگین ۴/۵ عوامل برترساز با میانگین ۴/۴۱ و عوامل فیزیکی با میانگین ۴/۰۷ به عنوان سومین عامل تأثیرگذار از میان عوامل سه‌گانه تشکیل دهنده توان رزم مشخص و علاوه بر آن‌ها مشخص شد که روحیه و آموزش با  $\bar{X} = ۴/۶۸$  و تاکتیک‌های استفاده شده توسط لشکر ۳۲ با  $\bar{X} = ۴/۵۳$ ، خلاقیت و ابتکار فرماندهان با  $\bar{X} = ۴/۲۲$  و نهایتاً برآورد اشتباه منافقین از توان واقعی جمهوری اسلامی با  $\bar{X} = ۴/۲۰$  عوامل مهم موفقیت لشکر ۳۲ در عملیات مرصاد بوده است.

\* \* \* \* \*

## کلید واژگان

سازمان مجاهدین خلق، تاکتیک، لشکر ۳۲ انصارالحسین<sup>(ع)</sup>، عملیات مرصاد، ارتش

آزادی‌بخش، قطعنامه ۵۹۸

## مقدمه

در طول تاریخ، کشور ایران جنگ‌های بسیاری را تجربه کرده که یکی از آن‌ها جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود که هنوز انقلاب نوپای ایران بارور نشده آغاز و از زمین و هوا مورد حمله رژیم بعث قرار گرفت و به مدت ۸ سال به طول انجامید و سرانجام جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل مختلف قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. در این میان، سازمان مجاهدین خلق با رصد افق صلح بین عراق و ایران حیات سیاسی خویش را در مخاطره دید؛ رهبری سازمان با آشفته توصیف کردن وضعیت ایران و ارزیابی غلط مبنی بر اینکه ایران به دلیل قرار گرفتن در موضع ضعف و رو به افول بودن قدرتش مجبور به پذیرفتن قطعنامه شده، در اقدامی عجولانه و با برآورد غلط از اوضاع سیاسی اجتماعی اقتصادی و

نظامی ایران، عملیاتی را با عنوان «فروغ جاویدان» تنها ۵ روز بعد از پذیرش قطعنامه در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ از مرزهای غربی کشور آغاز و در زمان کوتاهی توانست چندین شهر را تصرف و تا عمق ۱۲۰ کیلومتری خاک ایران نفوذ نماید که این عملیات از جهاتی با سایر عملیات‌های جنگ ۸ سال دفاع مقدس متفاوت و حتی در نوع خود منحصر به فرد بود.

بنابر اهمیت ویژه این عملیات و به دلیل اینکه لشکر ۳۲ به عنوان اولین یگان حاضر در منطقه، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت لشکر ۳۲ در عملیات مرصاد ضروری می‌نماید. ضمن ادای دین به شهدای عزیز این عملیات ابعادی از آن را که تحقیقات لازم راجع به آن صورت نگرفته را به رشته تحریر درآورده‌ایم تا ناگفته‌های آن را از دیدگاه فرماندهان وقت لشکر بازگو و تجربه‌های ذی‌قیمت این عملیات را برجسته نموده تا به نسل‌های آتی منتقل گردد. لذا آنچه در این مقاله به عنوان فرضیه در نظر گرفته شده است این که: به نظر می‌رسد بالا بودن سطح آموزش و روحیه رزمندگان اسلام و خلاقیت و ابتکار فرماندهان لشکر ۳۲ و هم‌چنین تاکتیک‌های اتخاذی فرماندهان لشکر و نهایتاً برآورده اشتباه سازمان از توان واقعی جمهوری اسلامی ایران باعث موفقیت لشکر ۳۲ انصار الحسین (ع) گردید باشد.

امید است ضمن زنده نمودن یاد و خاطره رزمندگان لشکر ۳۲ گوشه‌ای از تلاش‌های بی‌شائبه آنان بازگو گشته و مورد بهره‌برداری پژوهشگران وقایع جنگ تحمیلی قرار گیرد.

### بیان مسئله

یقیناً رمز بقا و موفقیت هر سازمان و یگان و مجموعه، به جهان‌بینی آن نسبت به جهان خارج و محیط پیرامون و تجزیه تحلیل عملکرد خویش از منظر گذشته، حال و آینده بستگی دارد. این موضوع برای یگان‌های رزمی از اهمیت

مضاعفی برخوردار است؛ چراکه هزینه‌های جنگی مخصوصاً تلفات انسانی به هیچ‌وجه قابل جبران نیست. لذا کم یا زیاد شدن هزینه‌های یک یگان در جنگ دقیقاً با تجربه‌های آن ارتباط معکوس دارد. یعنی هر قدر تجربه یک یگان بیشتر باشد، تلفات آن کم می‌شود و تجربه حاصل نمی‌شود مگر به داشتن یک برنامه دقیق و مدون و دائمی که آن نیز در سایه بررسی‌های مداوم عملکرد یگان در گذشته، حال و آینده حاصل می‌گردد تا بتوان محاسن را برجسته و تقویت و معایب را بر طرف ساخت تا آمادگی لازم و دائمی ایجاد شود و بتواند پاسخگوی نیازهای آتی باشد.

بدیهی است که آمادگی دفاعی یک ضرورت است برای جنگ‌های احتمالی آینده که ممکن است مبتلا به هر کشوری باشد.

یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب تجربه رزمی بررسی تخصصی تک‌تک عملیات‌ها و تحلیل دلایل موفقیت و عدم موفقیت آن‌ها است. از جمله عملیات‌های مهم و متمایز دوران دفاع مقدس عملیات مرصاد می‌باشد.

ثبت سوابق عملیاتی لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> در خصوص عملیات مرصاد ارزشمند می‌باشد و می‌تواند منبعی برای اعضای آن لشکر و دیگران جهت بهره‌برداری از نقاط قوت و کاربردی نمودن آن‌ها برای انتقال تجربه به پایوران جدیدالورود باشد. با بررسی‌های انجام گرفته در این تحقیق به نظر می‌رسد در مورد عوامل مؤثر موفقیت لشکر ۳۲ در عملیات مرصاد هیچگونه تحقیق به نسبت کامل و جامعی صورت نگرفته که این خود تکلیف را سنگین‌تر می‌نماید. حتی در مورد خود عملیات مرصاد نیز تحقیقات انجام گرفته بسیار کم و محدود می‌باشد. به هر حال، سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از: چه عواملی در موفقیت لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> در عملیات مرصاد مؤثر بوده است؟

### روش تحقیق

در تحقیق حاضر روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و مبنای تجزیه تحلیل، اطلاعاتی است که به صورت کتابخانه‌ای و میدانی از نوع پرسش‌نامه و مصاحبه به دست آمده است. نوع تحقیق در این مقاله توسعه‌ای کاربردی بوده و روش تحقیق نیز توصیفی تحلیلی و ابزار گردآوری نیز کتابخانه‌ای و میدانی از نوع مصاحبه و پرسش‌نامه می‌باشد.

### سوابق تحقیق

با بررسی‌های انجام گرفته توسط محقق به نظر می‌رسد در مورد عملیات مرصاد تحقیقات زیادی صورت نگرفته و اندک تحقیقات انجام پذیرفته نیز دربرگیرنده مجموع ابعاد و پاسخگوی نیازهای موجود نیست. کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های نگاشته شده درخصوص عملیات مرصاد عبارتند از:

- ۱ - کتاب جبهه‌ای به عرض ۶ متر (غلامرضا یزدانی، ۱۳۸۲) که صرفاً توصیفی است.
- ۲ - کتاب پایان جنگ در حد ۱۲ صفحه به موضوع مرصاد پرداخته (محمد درودیان، ۱۳۷۸)
- ۳ - پایان‌نامه «بررسی عملیات مرصاد» (علی خانی، ۱۳۷۱)
- ۴ - پایان‌نامه «منافقین خلق تا سربازان بدون یونیفرم صدام» (فتاح علیزاده، ۱۳۷۲) دانشکده امام باقر (ع)
- ۵ - پایان‌نامه «بررسی شکست سازمان مجاهدین خلق در عملیات فروغ جاویدان» (محمد رضا شبانی، ۱۳۷۹)
- ۶ - پایان‌نامه «بررسی تأثیر دلایل آغاز عملیات فروغ جاویدان بر چگونگی اختتام آن» (محمد رضا شبانی، ۱۳۸۰)

این تحقیق با ارائه ۴ فرضیه و طرح ۴ سؤال فرعی زیر پی گرفته شده است که عبارتند از:

- ۱ - به نظر می‌رسد بالا بودن سطح آموزش و روحیه رزمندگان لشکر ۳۲ انصارالحسین<sup>(ع)</sup> عامل موفقیت آنان بوده باشد؛ ۲ - به نظر می‌رسد تاکتیک‌های مناسب به کار گرفته شده توسط رزمندگان لشکر ۳۲ باعث موفقیتشان شده باشد؛ ۳ - به نظر می‌رسد خلاقیت و ابتکار فرماندهان لشکر ۳۲ باعث موفقیتشان شده باشد؛ ۴) به نظر می‌رسد برآورد اشتباه فرماندهان ارتش آزادی‌بخش از توان واقعی جمهوری اسلامی باعث موفقیت رزمندگان اسلام (لشکر ۳۲) شده باشد.
- تحقیق حاضر با یک گروه ۱۵۰ نفره به عنوان جامعه آماری کارش را دنبال و طبق جدول مورگان و قانون کوکران ۱۰۸ نفر را به عنوان جامعه نمونه به روش خوشه‌ای انتخاب نمود که تمامی افراد جامعه آماری فرماندهان وقت لشکر ۳۲ در سطوح مختلف را شامل می‌شود. پس از انتخاب جامعه نمونه، پرسش‌نامه‌ای با ۲۲ سؤال به روش طیف لیکرت طراحی و اعتبار و روایی سؤالات طرح شده با مراجعه به افراد خبره و متخصص تحصیل و محاسبه شد که برابر ۸۷٪ گردید. سپس پرسش‌نامه‌ها در اختیار افراد جامعه نمونه قرار گرفت و پس از تکمیل شدن پرسش‌نامه‌ها اطلاعات به دست آمده از طریق روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی بهره گرفته شد؛ برای تحلیل داده‌های جمعیت‌شناسی (دموگرافی) از شاخص‌های میانگین، واریانس و انحراف معیار استفاده و علاوه بر آن برای آزمون فرضیه‌ها یا پاسخگویی به سؤالات اساسی تحقیق از آزمون T تک گروهی جهت مقایسه میانگین‌های مشاهده شده و مورد انتظار، بهره گرفته شد تا برای تحلیل سؤال‌های تحقیق استنباط و تحلیل مناسب صورت پذیرد. هم‌چنین برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار «spss» استفاده شده است.

$$T = \frac{\bar{x} - \eta}{\frac{s}{\sqrt{n-1}}}$$

$\bar{x}$  = میانگین مشاهده شده  
 $\eta$  = میانگین جامعه یا مورد انتظار  
 $s$  = انحراف استاندارد نمونه مورد مطالعه  
 $\sqrt{n-1}$  = حجم گروه مورد مطالعه منهای یک که همان درجه روی آن است.

### مبانی نظری تحقیق

#### الف) جغرافیای نظامی استان کرمانشاه

استان کرمانشاه در غرب ایران قرار دارد از سمت شمال به کردستان و در جنوب به استان‌های لرستان و ایلام و از غرب به عراق و از شرق به استان همدان محدود می‌شود. این استان منطقه‌ای است کوهستانی که مرتفع‌ترین رشته‌های آن پاتاق می‌باشد مردم این استان به زبان کردی تکلم می‌کنند این استان به دلیل مجاورت با کشور عراق دارای اهمیت سیاسی نظامی است. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

با توجه به محورهای نفوذی و مواضع پدافندی کرمانشاه این استان مناسب‌ترین محل برای هرگونه عملیات آفندی می‌باشد هم‌چنین به لحاظ مواضع پدافندی که چندین رده مناسب را ارائه می‌کند امکان نفوذ دشمن را به داخل کشور به حداقل می‌رساند. (همان: ۱۳۰)

#### ب) توان رزم و علوم نظامی

تعریف جنگ: جنگ عبارت است از برخورد خشونت‌آمیز نیروهای مسلح دو یا چند دولت پس از به بن‌بست رسیدن راه‌حل‌های سیاسی به منظور تحمیل اراده و یا جلوگیری از تحمیل اراده یکی بر دیگری (اصول جنگ دافوس، ۱۳۷۲: ۱۳)

### تعریف اصول جنگ

قواعد مسلم و مبانی اساسی در طرح‌ریزی، هدایت و اجرای عملیات نظامی بوده که بر جریان جنگ حاکم می‌باشد و به کارگیری صحیح و به موقع و مؤثر آن‌ها امکان موفقیت نبرد را افزایش می‌دهد.

این اصول عبارتند از: ۱- هدف ۲- آفند ۳- تمرکز قوا ۴- صرفه‌جویی در قوا ۵- مانور ۶- وحدت فرماندهی ۷- تأمین ۸- غافلگیری و فریب ۹- انعطاف‌پذیری ۱۰- بسیج منابع و تداوم پشتیبانی ۱۱- حفظ کارآیی رزمی (همان: ۱۵)

### توان رزم

تعریف: توان رزم مجموعه عوامل فیزیکی و غیرفیزیکی موجود با کارآیی لازم بوده که ترکیب و تلفیق مناسب و کاربرد صحیح آن‌ها در انجام مأموریت مؤثر می‌باشد. عناصر تشکیل دهنده توان رزم عبارتند از:

۱- عوامل فیزیکی شامل: یگان‌های رزمی پشتیبانی، رزمی و پشتیبانی خدمات رزم.

۲- عوامل غیرفیزیکی: عواملی که وجود مادی ندارد مثل ایمان، انگیزه، روحیه، انضباط، رهبری نظامی، آموزش، تجربه، آداب و سنن، تعصبات قومی، حمیت قسمتی

۳- عوامل برترساز از قبیل آب‌وهوا، جو، زمین، کنترل و هماهنگی، آسیب‌پذیری، و قبول خطر، عملیات و اطلاعات و حفاظت اطلاعات، عملیات پوشش و فریب تاکتیکی، عملیات روانی، عملیات جنگ الکترونیک، عملیات سد و ممانعت، تحرک و گسترش (همان: ۱۴)



### آفند

به کلیه اقداماتی گفته می‌شود که با استفاده صحیح از امکانات موجود به سمت دشمن پیشروی و یا به او هجوم می‌شود (دکترین رزم زمینی، ۱۳۸۳: ۱۹)

انواع عملیات آفندی:

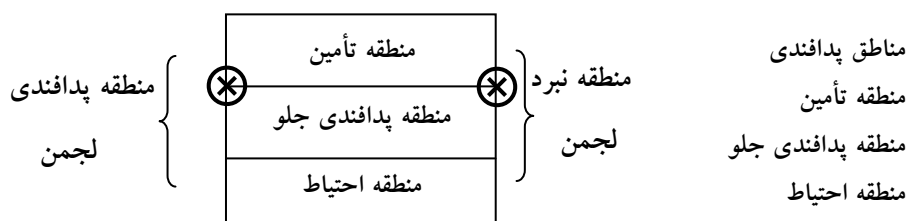
- ۱ - حرکت برای اخذ تماس ۲ - شناسایی با رزم ۳ - تک هماهنگ شده
- ۴ - استفاده از موفقیت ۵ - تعاقب

### مانور و انواع آن

عبارت است از حرکت و جابه‌جایی حساب شده نیروها و امکانات در زمان و مکان مناسب به منظور قرار گرفتن در یک وضعیت برتر به دشمن که شامل: مانور رخنه‌ای، نفوذی، احاطه‌ای (یک طرفه، قائم، دورانی) و جبهه‌ای است. (بیات، ۱۳۸۲: ۳۶)

### پدافند

عبارت است از هرگونه عملی که با استفاده از کلیه وسایل و امکانات موجود به منظور جلوگیری و مقاومت در مقابل پیشروی دشمن و انهدام نیروهای تکاور انجام می‌شود. (پدافند دوره عالی، ۱۳۷۵: ۱)



### پیشینه تاریخی سازمان مجاهدین خلق

سازمان مجاهدین خلق ایران در شهریور سال ۱۳۴۴ توسط سه نفر به نام‌های محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و عبدالرضا نیک‌بین‌رودسری (معروف به عبدی) تأسیس شد. این افراد در جریان فعالیت‌های سیاسی دوره نخست وزیری دکتر علی امینی، در چارچوب سازمان دانشجویی جبهه ملی دوم و بخش دانشجویی نهضت آزادی ایران فعالیت داشتند و از این راه با یکدیگر آشنا شده بودند. حنیف‌نژاد و سعید محسن از مسؤلان انجمن‌های اسلامی دانشجویی دانشگاه تهران بودند. نیک‌بین نیز با نهضت آزادی همکاری می‌کرد ولی فعالیت‌هایش نسبت به آن دو نمود مذهبی کم‌تری داشت. (مهرآبادی، ۱۳۸۴: ۲۷)

اندکی بعد بدیع‌زادگان، باکری، علی مشکین‌فام، ناصر صادق، علی میهن‌دوست، حسین روحانی و شمار دیگری به آنان پیوستند. در اوایل سال ۱۳۴۷ عنصر سوم بنیانگذار سازمان، به دلیل ضعف انگیزه مبارزاتی از سازمان کنار رفت که مهم‌ترین واقعه سازمان تا آن زمان به حساب می‌آمد (احمدی‌روحانی، ۱۳۸۴: ۲۷)

سازمان از اواخر سال ۴۹ و طی سال ۵۰ وارد مرحله نوینی شد. طی این مرحله براساس مشی مسلحانه کوشید تا عناصر و مهره‌های اصلی رژیم و برخی از مستشاران خارجی را ترور کند. نخستین عملیات نظامی آنان در مرداد سال ۵۰ در برابر جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی بود. این اقدام پس از ماجرای سیاهکل بود که توسط فدائیان خلق صورت گرفت. مجاهدین تلاش کردند تا با دست زدن به اقدامات نظامی نشان دهند که جریان مبارزه صرفاً در اختیار کمونیست‌ها نیست. ابتدا بمب‌گذاری در کارخانه صنایع الکتریکی تهران و پس از آن آماده شدن برای فعالیت‌های بیشتر که در نهایت به لو رفتن سازمان و به دنبال آن تعداد زیادی از اعضای سازمان شامل سه نفر مرکزیت اصلی و اغلب کادرهای همه‌جانبه منجر شد. این رخداد را تحت عنوان ضربه شهریور ۵۰ یاد می‌کنند. که

سرانجام در ۴ خرداد ۱۳۵۱ به جز دو نفر همگی آن‌ها اعدام شدند. (جعفریان، ۱۳۸۰: ۲۵۰)

در سال ۱۳۵۴ تعدادی از باقیمانندگان سازمان که اکثراً زندانی بودند تغییر ایدئولوژی داده و عملاً کمونیست شدند. که بعد از انقلاب آزاد شده و با جمهوری اسلامی نیز نتوانستند سازگاری نمایند و پس از به حکومت رسیدن آیت‌الله خمینی و هرج و مرجی که در کشور حاکم بود فرصتی طلایی برای مسعود رجوی پیش آمد تا بتواند از میان جوانان نیروگیری کند و در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ عملاً اقدام به قیام مسلحانه علیه انقلاب نمودند. (راستگو، ۱۳۸۴: ۲۷)

در بهمن ۱۳۶۰ خانه تیمی مرکزیت سازمان که موسی خیابانی و اشرف ربیعی نیز در آن بودند مورد حمله پاسداران قرار می‌گیرد و این دو نفر هم کشته می‌شوند. این در حالی است که مسعود قبل از آن تمامی هواداران خود را زیر تیغ گذاشته و به کشور فرانسه فرار می‌کند. (همان: ۵۰)

این مرحله از تلاش‌های سازمان و قیام مسلحانه عملاً نتیجه نمی‌دهد و اعضای آن پس از ترور تعدادی از شخصیت‌ها و مردم بی‌دفاع تارومار شده و فعالیت خود را تقریباً به طور کامل در داخل کشور خاتمه می‌دهد. سپس از فرانسه به عراق منتقل شده و از طریق رژیم بعثی فصل نوینی از جنایات خویش از طریق جبهه‌های جنگ و با کمک صدام آغاز می‌کند و در عراق نیز با الگوپذیری از مائو و نبردهای ژنرال جی‌آپ و نبرد ارتش آزادی‌بخش ویتنام و تحت تأثیر تئوری چه‌گوارا (فوکو) اقدام به تأسیس ارتش آزادی‌بخش می‌نماید که توسط همین ارتش جنایات زیادی نیز علیه جمهوری اسلامی انجام داد از جمله این عملیات‌ها آفتاب و عملیات چلچراغ بود که منجر به شهادت تعدادی از فرزندان این مرزوبوم گردید و نهایتاً این ارتش با تشکیل ۲۵ تیپ در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۲۷ تحت عنوان عملیاتی موسوم به «فروغ جاویدان» از طریق مرزهای غربی کشور به عمق ۱۲۰ کیلومتری خاک ایران نفوذ می‌نماید که با مقاومت

دلیرانه رزمندگان اسلام مواجه و ضربه غیرقابل جبرانی را تحمل نموده و با انهدام بخش عمده‌ای از نفرات و ادوات خود و برجای گذاشتن غنائم فراوان و دادن ۲۰۰۰ کشته اقدام به فرار می‌نماید. به تعبیر خود منافقین کمر سازمان در عملیات فروغ جاویدان شکسته شد. (عضو گروهک نفاق، ۱۳۶۷)

### مروری بر زمینه‌های شکل‌گیری عملیات فروغ جاویدان

#### الف) اوضاع داخلی ایران

اوضاع داخلی ایران به دلیل افزایش اختلاف نظرات سیاسی و مناقشات جناحی در آستانه فرا رسیدن انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در نیمه دوم فروردین ۱۳۶۷ از حساسیت خاصی برخوردار بود فضای داخلی کشور عمیقاً درگیر انتخابات مجلس و فارغ از وضعیت حساس و نگران‌کننده روند جنگ بود. (دورودیان، ۱۳۷۸: ۶۲)

#### ب) سقوط فاو

در حالی که ایران در آستانه برگزاری انتخابات مجلس سوم بود و نیروهای خودی پس از انجام عملیات والفجر ۱۰ نوعی احساس آرامش می‌کردند و به شهرهای خود بازگشته بودند ارتش عراق در ساعت ۵ بامداد روز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ با اجرای آتش تهیه سنگین در سراسر خطوط و اجرای حمله شیمیایی تهاجم خود را به فاو آغاز کرد و پس از ۳۶ ساعت فاو سقوط کرد. (همان: ۱۹۸)

#### ج) سقوط شلمچه

عراقی‌ها پس از حمله به فاو در زمانی کمتر از ۴۸ ساعت نقل و انتقال از منطقه فاو را با هدف آمادگی برای عملیات بعدی آغاز کرده و ۳۸ روز پس از

حمله به فاو سرانجام در ساعت ۸ صبح ۴ خرداد ۱۳۶۷ به شلمچه حمله کردند و در حالی که نیروهای خودی از زمان و مکان تهاجم دشمن آگاه بودند ولی شلمچه تنها در مدت ۸ ساعت سقوط کرد. سقوط شلمچه نشان دهنده برتری عراق و تغییر تاکتیک آن در تهاجم بود. (همان: ۸۷)

#### د) تغییر راهبرد عراق

عراقی‌ها با کسب پیروزی‌های جدید از استراتژی جدیدی سخن گفتند مجموعه وضعیت جدید باعث شد تا کارشناسان بر این مسئله تأکید کنند که موازنه قدرت بیش از پیش به نفع نیروهای عراقی تغییر کرده است عوامل مؤثر در تغییر استراتژیک عراق عبارت بودند از:

- ۱ - کمک‌های شوروی به عراق
- ۲ - افزایش خرید و انباشت اسلحه
- ۳ - کمک‌های آمریکا به عراق (۱/۵ میلیارد دلار)
- ۴ - کمک‌های فرانسه، انگلیس، آلمان، عربستان و کویت به ارتش عراق
- ۵ - تحولات ارتش عراق، آزمایش موشک با برد ۶۰۰ کیلومتر در مرداد ماه ۱۳۶۶ حمله موشکی به تهران و گسترش سازمان رزم عراق به حدود ۶۰ لشکر (همان: ۴۹-۲۹)

#### ه) عملیات‌های عراق در سال ۱۳۶۷

- ۱ - تصرف فاو (۶۷/۱/۲۸)
- ۲ - تصرف شلمچه (۶۷/۳/۴)
- ۳ - تصرف مهران (۶۷/۳/۲۹) با همکاری ارتش آزادی‌بخش
- ۴ - تصرف جزیره مجنون (۶۷/۴/۴)
- ۵ - تصرف دهلران (۶۷/۴/۲۱)

۶ - تصرف بخش‌هایی از جنوب کشور (۶۷/۴/۳۱) و تصرف حدود ۳۰ کیلومتر از جاده خرمشهر - اهواز (همان: ۱۷۷)

### (و) عقب‌نشینی ایران از حلبچه (ی) حمله آمریکا به ۲ سکوی نفتی

#### تشریح عملیات

عوامل مذکور و مجموعه‌ای از عوامل دیگر، همه و همه زمینه‌های شکل‌گیری عملیات مرصاد را فراهم کرد و از جمله عوامل مهم دیگر می‌توان به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران اشاره کرد. در واقع، پذیرش قطعنامه هم عراق و هم سازمان منافقین را غافلگیر کرد و لذا عراق بعد از پذیرش قطعنامه از سوی ایران چون تصور می‌کرد جمهوری اسلامی در موضع ضعف قرار دارد از چندین جبهه اقدام به حمله گسترده بر علیه ایران کرد و بار دیگر بخش‌هایی از خاک ایران را اشغال نمود به این نیت که امتیاز بیشتری بگیرد و آمار اسرایش را افزایش دهد در همین حال بود که سازمان مجاهدین نیز با یک حساب سر انگشتی قدرت ایران را رو به افول برآورد و در تحلیلی به نیروهایش گفت که ایران تمام توانش را در جبهه‌ها به کار برده و کافی است که ما یک رخنه‌ای ایجاد کنیم و با سرعت خودمان را به تهران برسانیم و در همین ارتباط پیام رجوی برای نیروها قرائت شد «طلسم جنگ در حال شکستن است و رژیم شل شده و باید ضربه کاری را بزنییم آماده باشید». (اسناد عملیات مرصاد، بنیاد حفظ آثار کرمانشاه: ۱۲۱) لذا سازمان عملیات خود را که قرار بود دو ماه بعد (در سالگرد شروع جنگ تحمیلی ۶/۳۱) انجام دهد در یک اقدام شتابزده در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ با عبور از مرز خسروی و پیشروی تا عمق ۱۲۰ کیلومتری خاک ایران (۳۰ کیلومتری کرمانشاه) آغاز کرد. در این عملیات، چندین شهر ایران

(قصر شیرین، سرپل ذهاب، کرد و اسلام‌آباد) را به تصرف درآورد، اما در تنگه چهارزبر توسط رزمندگان لشکر ۳۲ که در منطقه چهارزبر اردوگاه (شهید شهبازی) داشتند و تعدادی از نیروهای دیگر یگان‌ها زمین‌گیر شد. نهایتاً با انجام عملیات‌های آفندی توسط رزمندگان اسلام با تحمل خسارت و تلفات بسیار سنگین متواری شد. این عملیات که از سوی منافقین فروغ جاویدان و از سوی رزمندگان اسلام مرصاد نام گرفت؛ رزمندگان لشکر ۳۲ به عنوان اولین یگان حاضر در منطقه به اتفاق سایر یگان‌های سپاه توانست در یک حرکت سریع روی ارتفاعات کورکور و تنگه شیان مستقر شود و مانع پیشروی منافقین شود، که تا آن زمان هیچ محک جدی نخورده بودند. رزمندگان لشکر ۳۲ با استفاده از تجارب خویش که از عملیات ۸ سال دفاع مقدس اندوخته بودند و با استفاده از تاکتیک‌های جنگی و بهره‌گیری از روحیه بالای خود توانستند ضربه مهلکی بر پیکر ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش وارد کنند. در این نبرد ۱۲۱ تن از عزیزان لشکر ۳۲ نیز به فیض شهادت نائل گردیدند. رحمت خدا بر آن‌ها باد. از خداوند متعال علو درجات را برای شهیدان جنگ مخصوصاً شهدای عملیات مرصاد و علی‌الخصوص شهدای لشکر ۳۲ مسئلت می‌نماییم.

### تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که اشاره گردید در این تحقیق پرسش‌نامه‌ای با ۲۲ سؤال طراحی و روایی آن‌ها از طریق مراجعه به افراد متخصص صورت پذیرفته و نتایج روایی پرسشنامه‌ها محاسبه و برابر با ۰/۸۷ شد. پس از طی این مرحله پرسش‌نامه در اختیار افراد جامعه قرار گرفت و پاسخ‌ها جمع‌آوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی بهره گرفته شد. جهت تحلیل داده‌های جمعیت‌شناسی (دموگرافی) از شاخص‌های، میانگین، واریانس و انحراف معیار استفاده شد. علاوه بر این، برای آزمون فرضیه‌ها یا پاسخگویی به

سؤال‌های تحقیق از آزمون T تک گروهی برای مقایسه میانگین‌های مشاهده شده و مورد انتظار بهره گرفته شد؛ تا جهت تحلیل سؤال‌های تحقیق استنباط و تحلیل مناسب صورت پذیرد. همچنین برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار «spss» استفاده شد که در زیر به بخش‌هایی از آن اشاره می‌گردد.

### تحلیل داده‌ها به تفکیک فرضیه‌های پژوهش

جدول ۱ - مربوط است به فرضیه اول، مبنی بر اینکه به نظر می‌رسد بالا بودن سطح آموزش و روحیه رزمندگان لشکر ۳۲ عامل موفقیت آنان گردید.

جدول ۱ - نقش آموزش و روحیه

سطح معنادار sig	مقدار T	d.f	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۱	۳۷/۰۴	۱۰۷	۰/۳۷	۴/۶۸	۱۰۸	سطح آموزش و روحیه

برای بررسی نقش آموزش و روحیه رزمندگان لشکر ۳۲ از آزمون T با میانگین فرضی (۳) استفاده شده است که در ارتباط با اطلاعات جدول فوق می‌توان بیان داشت که نظرات پاسخ رزمندگان درخصوص سطح آموزش و روحیه نشان دهنده این واقعیت است که تأثیری در حد «زیاد و خیلی زیاد» داشته است. با این توضیح که میانگین مورد انتظار ( $\bar{x} = 3$ ) می‌باشد در حالی که میانگین مشاهده شده ناشی از دیدگاه پاسخ دهندگان ( $\bar{x} = 4/68$ ) می‌باشد. به عبارت دیگر، میانگین مشاهده شده بزرگ‌تر از میانگین مورد انتظار است، لذا می‌توان اظهار داشت که یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت رزمندگان لشکر ۳۲ انصارالحسین<sup>(ع)</sup> در عملیات مرصاد سطح آموزش و روحیه آنان بوده است؛ چراکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین موجود و مورد انتظار در سطح آلفا کم‌تر از ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.



جدول ۲ (مربوط به فرضیه دوم) مبنی بر اینکه: به نظر می‌رسد تاکتیک‌های اتخاذی لشکر ۳۲ باعث موفقیتشان شده باشد.

جدول ۲ - نقش تاکتیک‌های اتخاذی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	d.f	مقدار T	سطح معنادار sig
۱۰۸	۴/۵۳	۰/۳۸	۱۰۷	۳۲/۹۲	۰/۰۰۱

#### تاکتیک‌های اتخاذی لشکر ۳۲ (T تک گروهی)

با توجه به اطلاعات جدول فوق می‌توان بیان داشت که تاکتیک‌های اتخاذی لشکر تأثیری در حد «زیاد و خیلی زیاد» داشته است با این توضیح که میانگین مورد انتظار ( $\bar{x} = 3$ ) می‌باشد در حالی که میانگین مشاهده شده ناشی از دیدگاه پاسخ دهندگان ( $\bar{x} = 4/53$ ) را نشان می‌دهد به عبارت دیگر میانگین مشاهده شده بزرگ‌تر از میانگین مورد انتظار است، لذا می‌توان اظهار داشت که یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> در عملیات مرصاد تاکتیک‌های اتخاذی لشکر بوده است. چراکه تفاوت بین میانگین مورد انتظار و مشاهده شده در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

جدول ۳ (مربوط است به فرضیه شماره ۳) مبنی بر اینکه به نظر می‌رسد خلاقیت و ابتکار عمل فرماندهان لشکر ۳۲ باعث موفقیتشان شد.

جدول ۳ - نقش خلاقیت و ابتکار عمل فرماندهان (T تک گروهی)

تعداد	میانگین	انحراف معیار	d.f	مقدار T	سطح معنادار sig
۹۹	۴/۲۲	/۵۴	۹۸	۱۶/۹۲	۰/۰۰۱

اطلاعات جدول فوق نشان دهنده این واقعیت است که خلاقیت و ابتکار عمل فرماندهان تأثیری در حد «زیاد و خیلی زیاد» داشته است، چراکه میانگین مشاهده شده ناشی از دیدگاه پاسخ دهندگان ( $\bar{x} = 4/22$ ) را نشان می‌دهد در حالی که میانگین مورد انتظار ( $\bar{x} = 3$ ) بوده است لذا می‌توان اظهار داشت که یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> در عملیات مرصاد خلاقیت و ابتکار عمل فرماندهان بوده است چراکه تفاوت بین میانگین مورد انتظار و مشاهده شده در سطح آلفا کم‌تر از ۱٪ معنادار می‌باشد.

جدول ۴ مربوط است به فرضیه شماره ۴ مبنی بر اینکه:

به نظر می‌رسد برآورد اشتباه فرماندهان ارتش آزادی‌بخش (منافقین) از توان واقعی جمهوری اسلامی ایران باعث موفقیت رزمندگان اسلام (لشکر ۳۲) گردیده است.

#### جدول ۴ - برآورد اشتباه سازمان از توان واقعی جمهوری اسلامی (T تک گروهی)

تعداد	میانگین	انحراف معیار	d.f	مقدار T	سطح معنادار sig
۱۰۱	۴/۲۰	۰/۷۰	۱۰۰	۱۳/۱۴	۰/۰۰۱

اطلاعات جدول فوق حاکی از آن است که برآورد اشتباه سازمان تأثیری در حد «زیاد و خیلی زیاد» داشته است چراکه میانگین مشاهده شده ناشی از دیدگاه پاسخ دهندگان ( $\bar{x} = 4/20$ ) بزرگ‌تر از میانگین مورد نظر ( $\bar{x} = 3$ ) می‌باشد. لذا می‌توان اظهار داشت که یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> در عملیات مرصاد برآورد اشتباه سازمان از توان واقعی جمهوری اسلامی ایران بوده است چراکه تفاوت بین میانگین مشاهده شده و مورد انتظار در سطح آلفا کم‌تر از ۱٪ معنادار می‌باشد.

### داده های توصیفی بر مبنای عناصر توان رزم

عوامل مؤثر بر توان رزم و عوامل تعیین کننده توان رزم رزمندگان اسلام در عملیات مرصاد از طریق روش های آماری «spss» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و براساس یافته ها، عوامل سه گانه مذکور به ترتیب زیر اولویت بندی گردید.

### جدول ۵ - تأثیر عناصر تشکیل دهنده توان رزم بر موفقیت رزمندگان لشکر ۳۲ به ترتیب اولویت

انحراف معیار	واریانس	میانگین	
۰/۴۲	۰/۱۸	۴/۵۰	عوامل غیرفیزیکی
۰/۴۶	۰/۲۱	۴/۴۱	عوامل برترساز
۰/۴۵	۰/۲۰	۴/۰۷	عوامل فیزیکی

با توجه به ماهیت عوامل فوق و تأثیر شواهد موجود، طبیعی است که عوامل غیرفیزیکی اثرگذارترین عامل از میان عوامل سه گانه تعیین شود، چراکه در یک نگاه به مصادیق عوامل غیرفیزیکی مثل ایمان، انگیزه، روحیه، انضباط، رهبری نظامی، آموزش، تجربه، آداب و سنن تعصبات ملی و قومی و حمیت قسمتی می توان دریافت که وجود تک تک رزمندگان اسلام و از جمله لشکر ۳۲ انصار الحسین (ع) مملو از مصادیق مذکور بوده است.

عامل دوم، عوامل برترساز می باشد؛ اگرچه عوامل برترساز را اصطلاحاً عوامل خنثی یاد می کنند، به این مفهوم که شرایط برای طرفین دعوا یکسان است، اما با یک نگاه به مصادیق آن مانند (آب و هوا، جو، زمین، کنترل و هماهنگی، آسیب پذیری و قبول خطر و عملیات اطلاعاتی، حفاظت اطلاعات، عملیات پوشش و فریب تاکتیکی، عملیات روانی، جنگ الکترونیکی و عملیات سد و ممانعت، تحرک و گسترش) به راحتی می توان دریافت که در مقایسه ی

پارامترهای تأثیرگذار در عوامل فوق اگرچه بعضاً توسط نیروهای مهاجم رعایت شده بود مثل (خافلگیری و عملیات پوشش و فریب تاکتیکی و تحرک و عملیات روانی) اما پارامترهای مهم‌تر از آن توسط رزمندگان اسلام بهتر از منافقین مورد بهره‌برداری قرار گرفت. برای نمونه، عوامل می‌توان به آشنایی رزمندگان لشکر ۳۲ به جو، زمین و آب‌وهوا و جغرافیای منطقه اشاره کرد. منافقین در عوامل جغرافیایی به شدت دچار ضعف بودند و منطقه و زمین را نمی‌شناختند و به همین دلیل یکی از تیپ‌های آنان مسیر را اشتباه رفت و همین موضوع عملیات آنان را به شدت تحت الشعاع قرار داد در بحث گسترش نیز دچار مشکل بود و اصولاً هیچ برنامه‌ای برای این کار نداشت. در واقع، یکی از اصول اساسی جنگ را (اصل انعطاف‌پذیری) به کلی فراموش شده بود.

عامل سوم، عامل فیزیکی بود که به عنوان سومین پارامتر مؤثر بر موفقیت رزمندگان اسلام ارزیابی می‌گردد؛ این موضوع کاملاً روشن است. نمونه‌های بارز آن در دوران هشت سال دفاع مقدس بارها تأیید شده است که رژیم صدام به لحاظ کمک‌های خارجی از حیث تجهیزات و ادوات جنگی به مراتب از نیروهای سپاه اسلام وضعیت بهتری داشت، و هم‌چنین از حیث یگان‌های رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی بسیار پیشرفته‌تر از سپاهیان اسلام بود. داشتن ۶۰ تیپ و لشکر در اواخر جنگ دلیل روشنی بر این مدعاست؛ اما رزمندگان اسلام با کم‌ترین امکانات و حداقل نیرو بر دشمنان تا دندان مسلح فائق آمدند، لذا می‌توان استدلال کرد که نه تنها در عملیات مرصاد که در طول جنگ نیز عوامل فیزیکی در مراتب نازل‌تری نسبت به سایر عوامل قرار داشت. لذا با استناد به قرائن و شواهد موجود و بنا به دلایل فوق می‌توان گفت که یافته‌های تحقیق فوق یک سیر طبیعی و معمولی را نشان می‌دهند.

## خلاصه نتایج بدست آمده در ارتباط با سؤالات و فرضیه‌های پژوهش و داده‌های توصیفی بر مبنای عناصر رزم

براساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل یافته‌های این تحقیق که بر مبنای عناصر تشکیل دهنده توان رزم صورت پذیرفت نتایج بدست آمده از عوامل فیزیکی، غیرفیزیکی و برترساز که مؤلفه‌های توان رزم به حساب می‌آیند به ترتیب رتبه کسب شده به قرار زیر می‌باشد:

### الف) عوامل غیرفیزیکی با میانگین ۴/۵

عوامل غیرفیزیکی از بین سه عامل فوق اثرگذارترین عامل بر موفقیت رزمندگان اسلام لشکر ۳۲ به حساب می‌آید؛ این نتیجه از یافته‌های تحقیق بدست آمده است.

### ب) عوامل برترساز با میانگین ۴/۴۱

عامل دوم از میان عوامل سه گانه عامل برترساز می‌باشد که نتایج حاصله نشان دهنده این مطلب است که عامل برترساز پس از عامل غیرفیزیکی دومین مرتبه را به خود اختصاص داده است.

### ج) عوامل فیزیکی با میانگین ۴/۰۷

عوامل فیزیکی از میان عوامل سه گانه طبق نتایج بدست آمده از تحقیق انجام گرفته رتبه سوم را بدست آورده و نشان می‌دهد که در بین عوامل سه‌گانه نقش سوم در موفقیت رزمندگان اسلام در عملیات مرصاد را داشته است. نتایج بدست آمده از بین عوامل سه گانه حاکی از آن است که رزمندگان اسلام از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار بودند که همان ویژگی‌ها بر دیگر عوامل اثرگذار در جنگ فائق آمده و به‌رغم تصور ظاهری، نشان داد که کیفیت بر

کمیت ارجحیت دارد؛ لذا اثر ایمان، انگیزه، روحیه، تعصبات قومی و ملی، که از مؤلفه‌های عوامل غیرفیزیکی توان رزم هستند، بر عوامل برترساز و عوامل فیزیکی ارجحیت دارند. این موضوع ما را به سمتی هدایت می‌کند که بایستی در زمینه‌های فوق سرمایه‌گذاری بیشتری نماییم.

### بحث و بررسی

براساس نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون پارامتر T قرار گرفتند. نتایج بدست آمده به ترتیب رتبه بدست آمده عبارتند از:

#### الف) روحیه و آموزش

در فرضیه اول ادعا شده بود که بالا بودن سطح آموزش و روحیه رزمندگان لشکر ۳۲ انصار الحسین<sup>(ع)</sup> باعث موفقیت‌شان شد. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون T تک گروهی، فرضیه فوق را تأیید کرد. بدین ترتیب، با تأیید شدن فرضیه فوق، نتیجه می‌گیریم که هرچه سطح آموزش و روحیه رزمندگان بالا باشد به همان مقدار سطح موفقیت و پیروزی بالا خواهد رفت. می‌توان نتیجه گرفت که آموزش یکی از مؤلفه‌های اصلی آمادگی رزمی هر یگان نظامی می‌باشد، و هرگاه یگانی از سطح آمادگی مناسب و خوبی برخوردار باشد به همان مقدار نتایج مطلوب به دست می‌آید و این قول را تأیید می‌نماید که «هرچه قدر در آموزش عرق ریخته شود به همان مقدار خون کم‌تری در صحنه نبرد ریخته خواهد شد». مهم‌تر از آن این‌که اگر یگانی از سطح آموزش خوبی هم برخوردار باشد، اما به لحاظ روحیه در سطح خوبی نباشد نمی‌تواند نتیجه مطلوب بگیرد.

#### ب) تاکتیک

در فرضیه دوم ادعا شده بود که تاکتیک‌های مناسب به کار گرفته شده

توسط رزمندگان لشکر ۳۲ باعث موفقیت‌شان شد. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون T تک گروهی، فرضیه فوق را تأیید نمود. چراکه میانگین مشاهده شده ناشی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان بزرگ‌تر از میانگین مورد انتظار را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، با تأیید شدن فرضیه فوق نتیجه می‌گیریم که هرچه یگانی به لحاظ تاکتیکی در سطح مطلوبی باشد، و بتواند از تاکتیک‌های نوین استفاده نماید به همان مقدار ضریب موفقیتش افزایش می‌یابد.

### ج) خلاقیت و ابتکار

در فرضیه سوم ادعا شده بود که خلاقیت و ابتکار فرماندهان لشکر ۳۲ باعث موفقیت آنان شد نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون T تک گروهی، فرضیه فوق را تأیید کرد. چون که میانگین مشاهده از میانگین مورد انتظار بزرگ‌تر می‌باشد. بدین ترتیب و با تأیید شدن فرضیه فوق نتیجه می‌گیریم که هرچقدر نیروها و فرماندهان یک یگان از قدرت خلاقیت و ابتکار مناسب‌تری برخوردار باشند به همان مقدار ضریب موفقیت آنان در نبرد افزایش می‌یابد این موضوع ما را به سمتی هدایت می‌کند که مطالب و متون آموزشی را به سمتی سوقی دهیم که بتواند خلاقیت و شکوفایی ذهنی فرماندهان و مدیران را به دنبال داشته باشد.

### د) برآورد اشتباه ارتش آزادبخش

در فرضیه چهارم ادعا شده بود که برآورد اشتباه فرماندهان منافقین از توان واقعی جمهوری اسلامی از یگان‌های سپاه باعث موفقیت رزمندگان اسلام و شکست آنان گردید. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات T تک گروهی، فرضیه فوق را تأیید کرد. زیرا میانگین مشاهده شده بزرگ‌تر از میانگین مورد انتظار می‌باشد. بدین ترتیب و با تأیید شدن فرضیه فوق نتیجه می‌گیریم که هرچه یگانی اطلاعات دقیق‌تر و جامع‌تری از دشمنان خود داشته باشد به همان

مقدار موفقیت آن افزایش خواهد یافت که مؤید این گفته سون تزو در کتاب هنر جنگ نیز می‌باشد «فرماندهی که بدون اطلاعات دقیق از دشمن وارد جنگ شود حماقت کرده و شکست وی قطعی خواهد بود».

### نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال یافتن جواب این سؤال بود که چه عواملی بر موفقیت رزمندگان لشکر ۳۲ در عملیات مرصاد مؤثر بوده است. نتایج بدست آمده از تحقیقات صورت گرفته علاوه بر اینکه فرضیه‌های طرح شده را تأیید و به اثبات رساند، از زاویه دیگر عوامل و عناصری را به غیر از موارد یاد شده در فرضیه‌ها (عناصر تشکیل دهنده توان رزمی) مورد سنجش قرار داد و مشخص گردید آن‌ها نیز در پیروزی رزمندگان لشکر ۳۲ و شکست ارتش آزادی‌بخش نقش داشته‌اند. یک بار دیگر به عوامل مؤثر بر موفقیت لشکر ۳۲ به طور اخص اشاره می‌گردد، عوامل مؤثر بر موفقیت لشکر ۳۲ در عملیات مرصاد عبارت بودند از:

- ۱ - سطح بالای آموزش و روحیه رزمندگان لشکر ۳۲
- ۲ - تاکتیک‌های بکار گرفته شده توسط فرماندهان لشکر ۳۲
- ۳ - خلاقیت و ابتکار عمل رزمندگان و فرماندهان لشکر ۳۲
- ۴ - اشتباه دشمن در برآورد صحیح و عدم درک صحیح از توان واقعی جمهوری اسلامی ایران

علاوه بر دلایل فوق که در فرضیه‌ها پیش‌بینی گردیده بود عوامل دیگری نیز در پیروزی رزمندگان لشکر ۳۲ نقش داشتند که به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱ - جغرافیای منطقه
- ۲ - آشنایی رزمندگان لشکر ۳۲ و عدم آشنایی ارتش آزادی‌بخش به جغرافیای منطقه



- ۳- عدم تناسب توان ارتش آزادی‌بخش با اهداف راهبردی آن (تصرف تهران)
  - ۴- عدم توجه به تأمین در جناحین و ابتدا و انتها نیروهای خویش
  - ۵- نداشتن انعطاف‌پذیری در جنگ متناسب با شرایط مختلف
  - ۶- ضعف در رهبری نظامی در ارتش آزادی‌بخش
  - ۷- تعصبات ملی و قومی رزمندگان اسلام
- عوامل اخیر را از آن جهت می‌توان از نتایج تحقیق و پژوهش به حساب آورد که از عناصر تشکیل دهنده توان رزم می‌باشد که به طور مستقل مورد سنجش و بررسی قرار گرفتند.

#### پیشنهاد

- ایمان و اعتقاد و باور این نکته از سوی برنامه‌ریزان و مسئولین که هر مقدار در میداین آموزش عرق ریخته شود به همان مقدار از ریختن خون در صحنه نبرد جلوگیری می‌شود.
- ایمان و اعتقاد مسئولین به این مطلب که از ۱۰ تیر بایستی ۹ تیر در میداین آموزش مصرف شود و تنها یک تیر برای جنگ استفاده شود. (ر.ک به: مفهوم توان‌ساز پدافند غیرعامل)
- هدایت آموزش از حالت صرف نظری به سمت کاربردی و عملی با توجه به نیازهای جدید و تهدیدات جدید.
- تعامل جدی و عملی بین مراکز آموزش و یگان‌های رزم
- هدایت جهت‌گیری‌ها و آموزش به سمت برنامه محوری و پرهیز از فرد محوری
- بازدید از دستاوردهای جدید جهت ایجاد جرقه در اذهان
- تغییر سیستم آموزش از حافظه محوری به سمت خلاقیت و تفکر محوری
- برجسته و قابل استفاده همگانی کردن تاکتیک‌های عملیات‌های گوناگون
- توجه به پدافند غیرعامل و عنایت به آمایش سرزمینی

## منابع

- ۱ - صفوی، سیدیحیی (۱۳۷۸)؛ «جغرافیای نظامی ایران» تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۲ - قنبری جهرمی، محمدحسین (۱۳۷۲)؛ «کتاب کمک آموزشی» جزوه، چاپ دانشکده دافوس.
- ۳ - دافوس (۱۳۸۳) «اصول و دکترین رزم زمینی» ستاد تدوین متون درسی دافوس.
- ۴ - بیات، حسن (۱۳۸۲)؛ بررسی عوامل مهم موفقیت لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات والفجر ۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دافوس، استاد راهنما محمدحسین افشردی (باقری).
- ۵ - معاونت آموزشی نیروی زمینی سپاه (۱۳۷۵)؛ «پدافند» سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶ - مهرآبادی، مظفر (۱۳۸۴)؛ «بررسی تغییر ایدولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران» تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۷ - احمدی روحانی، حسین (۱۳۸۴)؛ «سازمان مجاهدین خلق» تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۸ - جعفریان، رسول (۱۳۸۰)؛ «جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی، سیاسی ایران» تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۹ - راستگو، علی‌اکبر (۱۳۸۴)؛ «مجاهدین خلق در آئینه تاریخ» تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۰ - عضو گروهک نفاق (۱۳۶۷)؛ «فروغ بی فروغ، دروغ بی فروغ» جزوه.
- ۱۱ - درودیان، محمد (۱۳۷۸)؛ «پایان جنگ» تحقیقات جنگ ستاد مشترک سپاه.
- ۱۲ - درودیان، محمد (۱۳۷۶)؛ «آغاز تا پایان» تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۳ - بنیاد حفظ آثار کرمانشاه (۱۳۶۷)؛ «اسناد و مدارک عملیات مرصاد» جزوه

## چالش‌های فراروی حقوق بشردوستانه در جنگ پست مدرن

نادر ساعد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱/۲۹

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۳/۵

صفحات مقاله: ۵۱-۶۶

### چکیده

جنگ پسامدرن، ترکیب فناوری، احساس در قالب زبان پسامدرنیسم است که جلوه‌هایی جذاب از رفتارهای متکی به نتایج پیشرفته‌ترین علوم و فناوری‌ها را ارائه می‌نماید و در پهنه خارج کردن انسان از میدان جنگ و جایگزینی ماشین، به ظاهر قربانیان انسانی جنگ را کاهش می‌دهد اما به واقع، رابطه انسان - انسان در نبرد را به ماشین - انسان و یا ماشین - ماشین تبدیل می‌نماید که در آن، ماشین بدون احتیاط‌های رفتاری مبتنی بر اصول مسئولیت انسانی و حقوقی، حداکثر سطح از انسان‌ها و اموال را در کمترین زمان، منهدم می‌نماید. این نوع جنگ مشتمل بر مصادیق متعددی است که اگر همه ابعاد جنگ‌های مدرن را متحول نکرده باشند، در بسیاری از ابعاد، مؤلفه‌های جنگ مدرن را درنور دیده بلکه آنرا غیرانسانی‌تر نموده‌اند.

در این نوشتار، دکترین جنگ پست مدرن، مبانی و مصادیق آن بررسی و آثار آن بر حقوق بشردوستانه درگیری‌های مسلحانه تحلیل می‌گردد.

\* \* \* \* \*

۱ - دکتری حقوق بین‌الملل و مدیر گروه صلح کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی.

## کلید واژگان

جنگ پسامدرن، جنگ پیشامدرن، جنگ مدرن، حقوق بشر دوستانه، اندیشه نظامی.

### مقدمه

جنگ (به تعبیر نظامی آن) یا درگیری مسلحانه (به عنوان مفهومی حقوقی و جامع تر از جنگ و البته محدودتر از نزاع یا منازعه در ادبیات سیاسی و امنیتی)، نمادی از کاربری گسترده نیروی مسلحانه و سلاح در کنش‌های متقابل افراد انسانی خواه در مجموعه اجتماعی واحد یا متعدد به نام دولت - کشور است. این نبردها را می‌توان بسته به نوع نگرش و غایت تحقیق، دسته‌بندی و تفکیک نمود و مورد مطالعه قرار داد. یکی از این شاخص‌ها، گونه‌شناسی درگیری‌های مسلحانه با مدنظر قرار دادن پویای تاریخی تحول در ابزارهای مؤثر بر کیفیت نبرد است.

در این رویکرد، نه تنها تحول تاریخ تحولات نظامی در نظر گرفته می‌شود بلکه اندیشه‌های سیاسی و حقوقی حاکم بر آن‌ها نیز که موجب توسعه علوم و دانش یا صنایع نظامی شده‌اند، مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع، هم شکل مورد نظر است و هم محتوا. در این راستا، جامعه انسانی تحول تدریجی سه نوع جنگ یا درگیری مسلحانه را شاهد بوده است: جنگ‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن که برخی آن را موج‌های اول، دوم و سوم جنگ (تافلر و همکاران، ۷۵: ۵۹، ۶۵ و ۹۶) نامیده‌اند. در هر یک از این دوره‌ها، اوصاف و مؤلفه‌های جنگ بویژه تاکتیک‌ها و راهبردها، متفاوت و متحول شده و به تناسب اوضاع و احوال زمانی و مکانی، نسخه‌ای خاص از آن‌ها تبیین و مورد عمل قرار گرفته است. ضمن اینکه گذار از هر دوره، الزاماً به معنای صرف نظر کردن از میراث گذشته و خلق پدیده‌ها و الزامات کاملاً نوین نبوده، بلکه ترکیبی از میراث‌های قابل اعمال در دوره‌های جدید و ابداع روش‌ها و ابزارهای مناسب شرایط نوین، در دستورکار قرار گرفته است.

حقوق بشردوستانه با درک ناتوانی حقوق منع توسل به زور در ایجاد جهانی عاری از پدیدارهای جنگی، در صدد برآمده تا نوع و سطح رفتار دولت‌ها و دیگر بازیگران در طول جنگ را سامان داده و به صورتی محدود و کنترل نماید که مقتضیات انسانی و کرامت بشری تحت‌الشعاع نبرد و رفتارهای خصمانه و خشونت‌های جنگی قرار نگیرد. پویایی قواعد حقوق بین‌الملل، لازمه پاسخگویی آن به نسل جدیدی از مشکلات جهانی، خواه مشکلات درون دولت‌ها (اسلوتر و همکاران، ۸۵: ۸۲۷) و خواه ناشی از این بازیگران است. حقوق بشردوستانه نیز در صورتی به هدف خود خواهد رسید که وضعیت جنگ را درک نموده و بادر نظر گرفتن ابعاد و جهات آن، قاعده‌سازی نموده و متحول گردد. اما کاربرد فناوری در جنگ‌های پسامدرن به‌رغم فلسفه‌ها و توجیه‌هایی که در مورد آن می‌شود، (رک به: دانلپ، ۷۷: ۱۹۵-۱۹۲) کاربرد فنون و روش‌های نبرد را غیرانسانی‌تر نموده، زنگ خطر را از منظر امنیت انسانی<sup>۱</sup> به صدا درآورده است. در این مقاله، با پردازش اوصاف جنگ‌های پسامدرن که در واقع ناظر بر دوران معاصر و آینده می‌باشد، میزان پاسخگویی حقوق بشردوستانه‌ی موجود به چالش‌های این نوع درگیری مسلحانه را ارزیابی خواهیم کرد.

### خاستگاه جنگ پسامدرن و جایگاه آن در اندیشه نظامی معاصر

تاریخ مؤید آن است که سطح خشونت و قربانیان درگیری‌های مسلحانه، به تدریج افزایش یافته است. در واقع، بین توسعه صنعت و اقتصاد از یک سو و نتایج خشونت‌بار و فجایع جنگ‌ها، رابطه‌ای مستقیم برقرار است به طوری که پیشرفت و توسعه ناشی از علوم و صنایع بی‌واسطه به امور نظامی و سلاح‌های

---

1 - Human Security

مورد استفاده در درگیری نیز بسط یافته است. در این راستا، روشن است که در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، «تحولات عرصه جنگ نیز همانند و همگام با سایر تحولات صنعتی، اقتصادی و سیاسی، شتاب بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. اما قدرت ویرانگری جنگ‌های جدید که نتیجه بکارگیری آخرین پیشرفت‌های علمی در ساخت جنگ‌افزارهای بی‌سابقه است، از تازگی و بدعت خاصی برخوردار است». (گری: ۳۹)

جنگ‌های پسامدرن، شاید عمومی‌ترین عنوان برای بیان جنگ‌هایی است که در اثر ادغام و ترکیب فناوری‌های فوق پیشرفته نظامی با اهداف و سیاست‌های نظامی، ایجاد شده و نمود یافته است. در ادبیات راهبردی و نظامی راجع به این تحولات، از سال ۱۹۷۴ تا کنون عناوین زیر را برای توصیف چنین جنگ‌هایی بکار برده‌اند: جنگ مداوم، جنگ فناوری، جنگ متکی به فناوری عالی یا فناورانه، جنگ کامل، جنگ خیالی، جنگ رایانه‌ای، جنگ پایان‌ناپذیر، نظامی‌گری آمریکایی، جنگ سیبرنتیک، جنگ فوق‌مدرن، جنگ فرامدرن، جنگ غیرواقعی، جنگ اطلاعات، جنگ اینترنتی، جدال مرزها، جنگ موج سوم، جنگ نسل ششم، جنگ دوران چهارم و جنگ محض. (همان: ۴۱-۴۰) برخی نیز برای معادل این جنگ در ادبیات نظامی کشورمان، آن را «جنگ فضیلت‌مند» نامیده‌اند. از طرف دیگر، در قالب جنگ‌های آینده (اسکیلز: ۸۴) یا نوین (مونکلر، ۸۴: ۱۶۸) که ناظر جنگ‌های قابل و محتمل‌الوقوع در دوره بعد از مدرنیسم است، برخی از اجزای جنگ‌های پسامدرن تحت عناوین مجزایی نظیر جنگ‌های کم هزینه (همان: ۱۶۸) بیان شده است.

### ۱ - گونه‌شناسی جنگ‌ها با تکیه بر شاخص فناوری و تحول جنگ‌افزار

جنگ را می‌توان با توجه به شاخص‌های متعدد، دسته‌بندی نمود. از حیث تحول تاریخی و با تمرکز بر سطح توسعه یافتگی جنگ‌افزارها یا تنوع جنگ‌ها از حیث انواع متفاوت ابزارهای جنگی، سه دوره متمایز را می‌توان مدنظر قرار داد:

جنگ‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن. فایده این دسته‌بندی علاوه بر تفکیک تحولات نوظهور در درگیری‌های مسلحانه از موارد گذشته، برجسته‌سازی جنگ‌های پسامدرن به عنوان مواردی متفاوت از قالب عادی طرح‌ریزی شده و مورد نظر تدوین کنندگان حقوق بین‌الملل بشردوستانه (معاهدات ۱۸۹۹، ۱۹۰۷ و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ و هم‌چنین پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷) برای درگیری مسلحانه است.

جنگ پسامدرن، نقطه‌ی عطفی در تاریخ در حال ظهور است که نه تنها صحنه مشروع جنگ<sup>۱</sup> بلکه منطقه نبرد<sup>۲</sup> و رزم (ر.ک به: بیگدلی، ۸۰: ۱۰۲-۹۵) را به شدت متحول می‌نمایاند و این تحول را حول محورهایی نظیر فناوری و استفاده‌های نوین از فناوری‌ها و جنگ‌افزارهای سنتی متمرکز می‌سازد. توسعه ریشه‌ای و گسترده در وسایل حمل و نقل، ارتباطات، اطلاعات، جنگ‌افزارهای هوشمند، حضور پر قدرت و مؤثر رایانه‌ها در تصمیم‌گیری نشانگر مواجهه مجدد انسان یا شکل جدیدی از جنگ است که با اشکال سنتی و مدرن آن تفاوت‌های اساسی دارد. به همین دلیل است که علی‌الظاهر<sup>۳</sup> حقوق بشردوستانه ناظر بر جنگ‌های مدرن و پیشامدرن نمی‌تواند پاسخگوی کامل ابعاد جدید و نوظهور جنگ‌های آینده باشد؛ جنگ‌هایی که این حقوق هرگز وقوع آن را متصور نبوده و در فرایند پیدایش قواعد بشردوستی نیز آن‌ها را مدنظر نداشته است.

نتیجه جنگ پست مدرن، تولید و تکثیر فناوری نظامی؛ مرگ مافوق تصور و تولید مثل علم فناوری که هم پدر و هم مادر آن بشر است. در سطح ناخودآگاه، نابودی گسترده ناشی از جنگ به همان میزان زیایی گسترده را به همراه دارد.

1 - Theatre of war

2 - Region of war

3 - Prima Facie

متأسفانه زاده‌های جنگ پست مدرن در مرحله‌ی زاینده‌گی چیزی جز سلاح‌های جدید و جنگ‌های تازه نیست. در واقع، با اینکه در دوره پست مدرنیسم دکتترین جنگ تمام عیار، به جنگ‌های محدود دوران پیشامدرن بازگشت نمود و جنگ‌های کم شدت متکی به فناوری‌های عالی و فوق پیشرفته در دستورکار است اما الزاماً نمی‌توان گفت نتایج و پیامدهای این قبیل جنگ‌ها، کمتر از جنگ تمام عیار دوران مدرنیته است.

در کل، نتایج و پیامدهای مخرب جنگ پسامدرن چنان است که برخی آن را چرخش زندگی به مرگ (ر.ک به: گری: ۲۸۱) نامگذاری کرده‌اند. فجایع این نوع جنگ متعاقب جنگ جهانی دوم یا جنگ بزرگ (آخرین و بدترین نمونه جنگ مدرن) به خوبی بیان شده است، نشان داد. البته این نخستین فاز از این قبیل جنگ‌ها است که نهایتاً به جنگ کویت و موارد آینده پیوند می‌خورد. می‌گویند با چنین جنگ‌هایی، میل به ساختن، جای خود را به شوق نابودی داده، پایه‌های تمایل به تقویت و کشش به سمت ایجاد و آفرینش روزبه‌روز انتزاعی‌تر شده است. (همان: ۲۸۱)

## ۲ - مؤلفه‌ها و اوصاف اصلی جنگ پسامدرن

مؤلفه‌ها و اوصاف جنگ پسامدرن، تابعی از اوضاع و احوال پسامدرنیسم در مقایسه با مدرنیسم است. دوران مدرنیته از دهه‌ی نخست ۱۵۰ میلادی شروع و تا اواسط یا اواخر قرن بیستم و به طور دقیق‌تر، تا قبل از وقوع جنگ جهانی دوم، ادامه داشته و در خلال آن، جنگ نیز به عنوان پدیده‌ای متأثر از دوران، اوصاف مدرن داشته است. اما با آغاز جنگ جهانی دوم که حدفاصل جنگ مدرن و بسترسازی تحول به سمت ایجاد جنگ‌های فرامدرن یا پسامدرن است، منطق و فرهنگ جنگ مدرن تغییرات محسوسی یافت. در این میان می‌توان بویژه به جایگاه و نقش اطلاعات اشاره کرد. اطلاعات و ملازمانش یعنی رایانه در خدمت پردازش آن، تجهیزات چندرسانه‌ای در خدمت گسترش در آن و سیستم‌ها در



خدمت عرضه آن، به اساسی‌ترین نماد دوران پست مدرنیته بدل گردیده و نقش یک حربه، اسطوره، استعاره، عامل فزاینده توان رزمی، اهرم نفوذ، مجاز، عامل و دارایی را در این برهه به خود گرفته است. اطلاعات همواره در جنگ‌ها حائز اهمیت بوده اما امروزه دیگر به برجسته‌ترین عامل نظامی تبدیل شده، هرچند هنوز یگانه عامل مؤثر نمی‌باشد.

در واقع، از سال ۱۹۴۵ مصادف با خاتمه بزرگ‌ترین جنگ تاریخ بشر تا کنون، در دوران پست مدرنیسم و جنگ پسامدرن به سر می‌بریم و جنگ‌های سرد از اجزای تفکیک ناپذیر این دوران به شمار می‌روند (همان: ۴۳) که در وضعیت معاصر، در مواردی نظیر جنگ سوم خلیج فارس نیز نسل اولیه این جنگ‌ها محقق شده است. گفته می‌شود که پسامدرنیسم، متضمن چند وصف عمده زیر است: «۱ - اطلاعات، اصلی است اساسی و سازنده؛ ۲ - نقش فراقواعد حاکم بر قواعد نظام‌هایی خاص که اهمیت بسیار بالایی دارند؛ ۳ - افزایش سرعت به صورتی سرسام آور». (همان: ۲۰۲-۲۰۱) بر این اساس، جنگ‌های پسامدرن نیز واجد چنین اوصافی در روابط خصمانه دولت‌ها و بکارگیری کم و کیف نیروهای مسلح علیه همدیگر است. در این راستا، به نظر می‌رسد آنچه هم اکنون جنگ را متفاوت ساخته و رای مقولاتی نظیر فناوری عالی و رایانه و داشتن سرعت برق آسا و علم سایبرنتیک و بهره‌برداری نظامی از اطلاعات است.

#### الف) نقش راهبری و کلیدی رایانه

درست است که بدون برخورداری از یک سطح پایه‌ای و مشخص از فناوری، امکان جنگیدن وجود ندارد اما در چندسال اخیر شاهد گسترش باور کردن پیوندهای متقابل میان نیروهای سازنده و براندازنده بوده‌ایم که آخرین و ای‌بسا سرنوشت‌سازترین آن‌ها پیوندی است که میان رایانه‌ها و نیروهای مسلح و نظامی برقرار شده است. (همان: ۱۷)

استفاده از رایانه در جنگ، نقطه اوج فرایند طولانی ماشینی کردن مدیریت و عقلانیت در نیروهای نظامی آمریکا است که متعاقب سال‌ها هزینه و برنامه‌ریزی نظامی، اکنون به ظهور نظام جنگ پسامدرن بویژه در بکارگیری جنگ مجازی از طریق نتایج علوم و فنون فوق پیشرفته سایبری انجامیده است. علم فناوری<sup>۱</sup> مدرن در حال ایجاد دگرگونی‌هایی باور نکردنی در انسان و بر بدن‌های واقعی و فیزیک بشر و نیز در جهان و محیط پیرامون و هم‌چنین بر عناصر چنین محیطی است. تحقق یافتن افسانه سیبورگ به مثابه ترکیبی از انسان و رایانه و یا رایانه آدم نمای هوشمند و دارای توان رزمی و بکارگیری آن در میدان جنگ به عنوان جایگزین نیروی انسانی، از نتایج و محورهای این جنگ در منازعات آینده تلقی می‌گردد.

#### ب) تحول و گسترش عناصر و مؤلفه‌های عملیات نظامی

سال‌ها پیش نظریه پردازان نظامی اعلام کردند که برای جنگ مدرن به C2 یعنی دو مقوله فرماندهی و کنترل، نیاز است. با وقوع نخستین جنگ‌های پسامدرن، فرمول مذکور به C3I یعنی دو مؤلفه قبلی به همراه دو مؤلفه جدید «ارتباطات و اطلاعات» تبدیل شد. اما سرانجام در اواخر دهه ۱۹۸۰، آن فرمول جای خود را به C4I2 یعنی فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات و تعامل میان کاربران رایانه با خود و با رایانه‌ها داد. (همان: ۹۳)

در این صورت، انسان هر آنچه تاکنون ساخته و پرداخته است، در خدمت جنگ قرار داده و از کلیه یافته‌ها و مصنوعات خود و تجاربی که در گذشته و حافظه تاریخی خود اندوخته است، برای هدایت جنگ بکار می‌گیرد به نحوی که با کنترل قطعی عناصر دخیل در صحنه نبرد، پیروزی را به عنوان نتیجه‌ای قطعی به چنگ آورد.

1 - Techno-Science

### پ) بسط سیاست افزایش تسلیحات

با اینکه دسترسی به تسلیحات، تابع موازین حقوق صلح است، اما جنگ‌های پسامدرن با ایجاد انگیزه‌های قوی در دولت‌ها برای افزایش حجم زرادخانه نظامی خود از سلاح بویژه سلاح‌های جدید، متضمن نوعی تشویق به مسابقه تسلیحاتی است که چند قرن از امحای چنین ایده‌ای در سطح روابط بین‌المللی می‌گذرد. به تعبیری، «حیات جنگ پسامدرن بسته به وجود تنش در عرصه بین‌الملل و رقابت تسلیحاتی حاصل از آن است که باعث می‌شود سطح تولید تسلیحات در بالاترین حد ممکن بماند و از آن طرف احتمال وقوع درگیری نظامی واقعی میان قدرت‌های عمده جهانی به حداقل برسد». (همان: ۴۴-۴۳) در واقع، بسط اندیشه جنگ پسامدرن، ضربه‌ای شدید بر نظام بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات تلقی می‌شود که اولویت آن در سیاست و راهبرد دولت‌ها را از میان می‌برد.

### پیامدهای جنگ پسامدرن بر حقوق بشردوستانه

با تأمل در مبانی و اصول جنگ پسامدرن و مسیری که این راهبرد برای جنگ‌های آینده ترسیم می‌کند، چالش‌های فراوانی از منظر عدم مطابقت آن‌ها با موازین حقوق بشردوستانه (و هم‌چنین حقوق توسل به زور و حقوق خلع سلاح و کنترل تسلیحات) قابل دریافت است. با اینکه بررسی پیامدهای تفصیلی عدول جنگ پسامدرن از رعایت اصول حقوق بشردوستانه، مستلزم بررسی هر یک از مصادیق این جنگ است، در این خصوص می‌توان برخی موارد کلی را به شرح زیر استنباط و دسته‌بندی نمود.

#### ۱- ارتقا و اختفای خشونت مخاصمه

با اینکه تئوری جنگ پسامدرن با ادبیات و زبان خاصی که دارد، جذاب و مهیای استقبال است اما اگر این پوسته ظاهری کنار رود و در عمق آن تأمل شود، روشن

می‌گردد که از یک سو، نه تخفیف دهنده درد و رنج‌های انسانی و تخریب‌های غیرقابل اغماض ناشی از جنگ، بلکه ارتقا دهنده آن‌ها است. از سوی دیگر، آنچه بر سر انسان در این نوع جنگ‌ها می‌رود، در سایه قشر خارجی و زیننده جنگ فضیل مند، مخفی می‌گردد گویی با توسعه این نوع جنگ‌ها (به فرض که با توسعه جهانی علوم و دانش فناوری نظامی پسامدرنی، ممکن شود)، نوش دارویی برای تحکیم رعایت و احترام به کرامت انسانی در درگیری‌های مسلحانه بدست آمده و اگر غرب به توسعه فناوری ای پیشرفته و فوق پیشرفته نظامی می‌اندیشد و در این مسیر هزینه می‌نماید، به دلیل تقلیل فجایع و قربانیان انسانی در درگیری‌های احتمالی آینده است و از این رو، موازین حقوقی نیز باید به جای تقبیح چنین مسابقاتی در تعدادی محدود از قدرت‌های نظامی جهان، تسهیل کننده مسیر انسانی شدن جنگ‌های آینده از طریق نتایج علم فناوری نظامی باشد.

جنگ بدون خشونت که راهبرد و دکترین جنگ پسامدرن به شدت تبلیغ می‌کند، عملاً نفی ماهیت جنگ بلکه نظریه‌ای غیرواقعی و عمدتاً ذهنی است که در عمل، نه تنها تغییر چندان در سطح و حجم قربانیان ایجاد نمی‌کند بلکه روابط انسانی ناشی از درگیری را که با عاطفه و احساس بشردوستی همراه هستند و از آن تأثیر می‌پذیرند، به روابط ماشین-انسان تبدیل می‌نماید که یک طرف (ماشین) در روش و نحوه اعمال خشونت و درجه آن، جز آنچه هوش مصنوعی نهفته در آن مقرر نماید، هیچ محدودیتی نخواهد شناخت. جنگ پسامدرن بدون اینکه تأثیر مثبت جدی بر روند خشونت زایی درگیری‌های مسلحانه داشته باشد، انعکاس‌ها و ظواهر راجع به انتشار اخبار و وقایع درگیری را دگرگون می‌سازد و در این میان، از طرف‌های راهبردی در مسیر تحقق سیاست‌های هژمونی استفاده می‌گردد.

به تعبیری، «مرگ انسان‌ها خشونت را خفیف می‌کند و آن را از معرض دور می‌سازد و از ذهن نیز بیرون می‌کند» در حالی که اگر حقیقت از پس این پردها

ظاهر گردد، بسیار متفاوت از آن چیزی خواهد بود که از فیلتر راهبرد جنگ پسامدرن می‌گذرد. در جنگ پسامدرن، خشونت شکلی پیشرفته و متعالی گرفته و در پس پرده تکنولوژی و نظریه‌های انسان محوری یا جایگزینی انسان با ماشین در جنگ، پنهان شده است. به عنوان نمونه، نتیجه سیاسی جایگزینی انسان با ماشین در جنگ پسامدرن این است که ماشین‌ها نه تنها از نظر فیزیکی بلکه به لحاظ روحی نیز سربازان را در کشتن تعداد هر چه بیشتری از نفرات دشمن یاری می‌کنند. چراکه کشتن انسان‌ها به صورت تن به تن، یک به یک و رو در رو، کار چندان ساده‌ای نیست. اما وقتی ماشین وارد عمل می‌شود، می‌توان افراد زیادی را از فاصله دور کشت (همان: ۹۹) بدون اینکه احساسات انسان‌ها نسبت به همدیگر مجالی برای موضوعیت بیابد.

## ۲- فراموشی نقش و حرمت انسان

جنگ، رفتاری اجتماعی است که هرچند ضداارزش و ناهنجار تلقی می‌گردد، نمادی از روابط انسانی بلکه تجسم بالاترین آستانه برخورد<sup>۱</sup> و جدال میان اعضای اجتماع انسانی (اعم از داخلی و بین‌المللی) است. جنگ رابطه‌ای مستقیم با انسان دارد تا حدی که گفته می‌شود «جنگ تنها ساخته و پرداخته انسان‌ها نیست بلکه خود آنان است». (همان: ۳) با افزایش نقش ماشین به طور عام و سلاح به طور خاص در جنگ‌های پسامدرن که حتی به نبردهای از راه دور نیز می‌انجامد، میدان جنگ از صحنه نبرد تن به تن و حضوری انسان‌ها به صحنه نبرد ملت‌های در حال توسعه (راهبردهای متکی به نیروی انسانی و تجهیزات نه چندان پیشرفته) با ارتش‌های سیبورگ و تجهیزات هوشمند مجهز به فناوری‌های

---

1 - Contact

کنترل از مرکز، تغییر صورت می‌دهد و در این میان، با فراموش شدن نقش نیروی انسانی در صحنه رزم، به تدریج نقش محوری بدن و فیزیک انسان‌های درگیر در این صحنه که اغلب متعلق به نیروی دشمن هستند، به فراموشی سپرده می‌شود.

جنگ پسامدرن سامان‌های را در عرصه امور نظامی جستجو می‌کند که در آن، جسم انسان به حاشیه می‌رود و ماشین به بت تبدیل می‌گردد. به تعبیری زیبا، «در عین اعطای هیبتی انسان گونه به درگیری‌های بین‌المللی، هویت انسانی قربانیان آن‌ها را از آنان سلب می‌نماید». در این صورت، فلسفه حقوق بشردوستانه که همانا حمایت از جسم و جان و کرامت معنوی وی در برابر خشونت‌های درگیری مسلحانه یا «انسانی کردن جنگ» است، به پارادوکس و ابهام دچار خواهد شد. اگر جنگ دیگر نه با واسطه نبرد مستقیم انسان‌ها بلکه با نقش آفرینی مجموعه‌ای ساخته‌ها و مصنوعات بشری باشد، حمایت از انسان در نبردهایی که انسان‌ها تنها از راه دور آن‌ها را کنترل می‌نمایند، چه معنایی خواهد داشت. البته حیات حقوق بشردوستانه در این جنگ‌های مجازی نیز به وقت خود باقی است. در این قبیل جنگ‌ها نیز طرفین (اعم از انسان‌ها و ربات‌ها) به تخریب همدیگر اکتفا نمی‌کنند بلکه غیرنظامیان و اماکن بی‌دفاع و حمایت شده را نیز در بُرد عملیات نظامی قرار می‌دهند و در مواردی نظیر جنگ‌های نامتقارن، از هم‌پایان افراد و اشخاص غیرنظامی به عنوان سپری برای تخریب دشمن و پیروزی در نبرد بهره می‌گیرند. در این صورت، قواعد و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه همچنان اعمال خواهد شد اما در این میان باید نبردهای روباتیک و سیبورگی را که در آن نبرد به صحنه جنگ ستارگان و اقدام متقابل و مستقیم مجموعه‌ای «مباشَرین» بی‌جان ولی فکور و هوشمند و غیرمستقیم مجموعه‌ای از «سبب‌ها» (کاربرهای فناوری فوق پیشرفته نظامی) می‌شود، به عنوان عرصه‌ای تلقی کرد که اعمال قواعد حقوق درگیری‌های مسلحانه معاصر. که اغلب براساس جنگ‌های پیشامدرن و مدرن طراحی شده‌اند، وضعیتی مبهم خواهد یافت. در این موارد،

سبب اقوی از مباشر است و اصولاً مفهوم مسئولیت و تعمد در حقوق بشردوستانه و ضمانت‌های کیفری این حقوق را باید بر «سبب‌ها» اعمال نمود.

### ۳- تحول مفهوم رزمنده

تاکنون حقوق درگیری‌های مسلحانه همانند دکترین‌های نظامی، بازیگران مستقیم عرصه نبرد را مجموعه‌ای از افراد انسانی شمرده‌اند. به همین دلیل است که ژان ژاک روسو، جنگ را تنها صحنه‌ای موقت از روابط انسانی متباین دانسته که بخشی از اعضای جامعه بشری، در برابر بخشی دیگر قرار می‌گیرد و با خارج شدن شان از قابلیت نبرد، وصف عضویت مشترک در آن جامعه را باز می‌یابند و در برابر همدیگر، صرفاً انسان و مستلزم رفتار انسانی محسوب می‌گردند. در واقع، در جنگ‌های پیشامدرن و مدرن، همواره رزمنده به عنوان فردی انسانی، مجری نهایی تصمیمات و مامور اصلی انجام بخش‌های عینی عملیات نظامی بوده است. به همین دلیل، نه تنها مسئولیت داشته بلکه از حقوقی نیز در برابر دشمن برخوردار بوده است. در چنین فضایی، جایگاهی برای نقش‌آفرینی «سبب» در طول عملیات نظامی وجود ندارد.

اما در جنگ‌های پسامدرن، رزمنده الزاماً «مباشر» در صحنه عملیات نظامی به معنای دقیق کلمه و مفهوم مضیق و خاص حقوقی آن نیست. وقتی که علم فناوری جنگ، نبرد را از صحنه عینی و واقعی به عرصه‌ای مجازی اما بازهم عینی و دارای آثار تخریبی ملموس بر افراد و اهداف دشمن هدایت می‌کند، طبیعی است که رزمنده نیز از مباشر به سبب تغییر وضعیت می‌دهد. در واقع، رزمنده در این نوع نبردها، «کاربرپسامدرنی است که از دورن اتاق و محل کارش با دشمن به ستیز می‌پردازد». (همان: ۹۲) در پرتو همین تحولات است که حقوق بشردوستانه ناظر بر جنگ‌های پسامدرن، باید توسعه تدریجی یافته و به این گونه چالش‌ها به صورت شفاف پاسخ دهد.

## نتیجه‌گیری

جنگ در عصر کنونی که ترکیبی از جنگ مدرن (برای اغلب بازیگران) توأم با دکترین‌هایی متکی به فناوری‌های فوق پیشرفته است، واجد جنبه‌هایی است بسیار جدید و منحصر به فرد که ضمن نمایاندن گسستی بس ژرف میان جنگ جدید و قدیم، به قالب‌های احتمالی جنگ در آینده نیز اشاره دارد. (همان: ۶) در این راستا، وضعیت جنگ در آینده از دو حال خارج نخواهد بود: یا اینکه تعریفی مجدد و آرمانی از عملکرد آن ارائه خواهد شد (یا همان شبیه‌سازی) یا اینکه منطق فعلی حاکم بر جنگ‌های واقعی، جای خود را به نوعی برهان خلف هولناک و حتی فاجعه بار (همان: ۳۹) خواهد داد که قبول و تعمیق آن در دکترین‌های نظامی، نتیجه‌ای جز تضعیف شدید کرامت انسانی و اصول و هنجارهای ناظر بر آن نخواهد بود.

به نظر می‌رسد حقوق بشردوستانه معاصر تنها متناسب با درگیری‌های مسلحانه پیشامدرن و مدرن طراحی شده و مؤلفه‌های قدرت نرم و نرم‌افزار جنگ‌های پسامدرن را در مجموعه موازین تفصیلی در نظر نیاورده است. مواردی نظیر شکل‌گیری مفهوم سبب و مباشر در انجام عملیات نظامی، از جمله مواردی است که مباحث راجع به مسئولیت و رابطه سببیت و هم‌چنین تعمد در ارتکاب جنایات جنگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و پاسخ روشنی برای آن در حقوق بشردوستانه معاصر وجود ندارد. با این حال و در کل به نظر می‌رسد اصول کلی بشردوستی در درگیری‌های مسلحانه همان چارچوب‌های کلان (تفکیک، ضرورت نظامی و تناسب، منع درد و رنج غیرضروری و حرمت بی‌طرفی) است که در درگیری‌های آینده نیز مبنای بشردوستی بوده و قابل اعمالند. (افتخارچهرمی، ۸۲: ۴۶)<sup>۱</sup>

۱ - به یک تعبیر، اگر قصد و هدف جامعه بین‌المللی آن باشد که در هر حال و وضعی، حقوق اولیه انسان‌ها از تعرض مصون بمانند، نباید در اصول اولیه و ابتدایی حقوق بشردوستانه دخل و تصرفی ایجاد نماید.



## منابع

- ۱ - افتخار جهرمی، گودرز (۸۲)، «حقوق بشردوستانه در آستانه قرن بیست و یکم»، *بررسی تحولات اخیر حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، تهران، سرسم.
- ۲ - اسلوتر، آن ماری و ویلیام بروک وایت (۸۵)، «آینده حقوق بین‌الملل، حقوق داخلی (یا حقوقی مشابه حقوق اروپایی) است؟»، ترجمه محمدعلی صلح‌چی و هیبت‌اله نژندی منش، *سیاست خارجی*، شماره ۴ (ویژه حقوق بین‌الملل)، زمستان.
- ۳ - اسکیلز، رابرت (۸۴)، *جنگ آینده*، ترجمه عبدالحمید حیدری، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
- ۴ - تافلر، الوین و هیدی (۷۵)، *جنگ و پادجنگ*، ترجمه مهدی بشارت، تهران، اطلاعات.
- ۵ - راجرز، آنتونی و پل مالرب (۸۲)، *قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه*، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، امیرکبیر.
- ۶ - رضائیان، مهرداد (مترجم) (۸۳)، *حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات*، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، سرسم.
- ۷ - ساعد، نادر (۸۶)، «ملاحظات اولیه: ارزش‌یابی جنگ نامتقارن» در: رابین گیب، «ساختارهای جنگ نامتقارن»، *فصلنامه مطالعات بسیج*.
- ۸ - سیاه رستمی، هاجر (مترجم)، *قواعد اساسی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷*، تهران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، نشر سرسم.
- ۹ - ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۸۰)، *حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل درگیری‌های مسلحانه)*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۰ - مونکلر، هرفرید (۸۴)، *جنگ‌های نوین*، ترجمه حسن درگاهی، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
- ۱۱ - جمشیدی، محمدحسین (۸۳)، *جمشیدی، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان*، (تهران، دوره عالی جنگ سپاه).
- ۱۲ - مکزی، کنت (۸۳) *جنگ نامتقارن*، ترجمه عبدالمجید حیدری و محمد غنائی، (تهران، دوره عالی جنگ سپاه).

- ۱۳ - هیلزگری، کریس (۸۴)، **جنگ پست مدرن: سیاست نوین درگیری**، ترجمه احمدرضا تقاء، تهران، دوره عالی جنگ سپاه
- 14 - Geib, R. (2006), "Asymmetric Conflict Structures". *International Review of Red Cross (IRRC)*, Vol. 88, No. 864, Dec.
- 15 - Hammond, Philip (2004), "Post-modernity goes to war: Contemporary warfare is more about images and effects than bombs and battles", June, [www.spiked-online.com/sections/essays.htm](http://www.spiked-online.com/sections/essays.htm).
- 16 - Non-lethal or less-than-lethal weapons, see [www.wikipedia.com/non-lethal-weapons.htm](http://www.wikipedia.com/non-lethal-weapons.htm)
- 17 - Skelton, I (2001), "Lessons for Asymmetric Conflicts", *Military Review*, (Sep-Oct. 2001).

## کاربرد اصول نظریه آشوب در تصمیم‌گیری‌های دفاع هوایی

نیک‌بخش حبیبی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱/۱۵

صفحات مقاله: ۶۷-۹۹

### چکیده

هدف از این ارائه، جستاری بر نظریه‌ی نظم در بی‌نظمی یا آشوب با نگاهی عمل‌گرایانه در تصمیم‌گیری‌های حوزه‌های مدیریت دفاع هوایی است، به گونه‌ای که بتوان ویژگی‌های این نظریه را برای پیشبرد اهداف عملیاتی قدرت هوایی به شکلی مناسب به کار برد. امروز به کمک دسترسی به امکانات محاسباتی پیشرفته رایانه‌ای، درک و شناخت دقیق این نظریه امکان‌پذیر شده است. این نظریه به بررسی برهم‌کنشی تمامی عناصر موجود در یک متن پویا (دینامیک)، حساسیت نسبت به شرایط اولیه، قابلیت تکرارپذیری الگوهای سازمانی از جز به کل و آشکارسازی الگوهای پنهان موجود در متن می‌پردازد. اینکه الگوی نظریه آشوب به عنوان راهی تازه برای تصمیم‌گیری منطقی و عاقلانه در محیط‌های عملیاتی بی‌نظم و آشوبناک چگونه می‌تواند در حوزه مدیریت و فرماندهی نظامی و بالاحص در عرصه قدرت هوایی بکار گرفته شود دغدغه اصلی نویسنده مقاله برای ورود به این بحث است. لذا در یک تحقیق کتابخانه‌ای و مجازی با نگرش به تلاش‌های مشابه در حوزه‌های دیگر به تطبیق‌سازی آن‌ها با محیط رزم و عملیات نظامی پرداخته است. نتایج اولیه نشان‌دهنده این سازگاری می‌باشد و می‌تواند سرآغاز مناسبی برای توسعه بحث در تحقیقات میدانی، تجربی و حتی بنیادی دیگر در آینده تلقی شود.

\* \* \* \* \*

## کلید واژگان

عدم قطعیت، بی‌نظمی، آشوب، مدیریت و فرماندهی، خطی و غیرخطی

### مقدمه

زمانی با کشفیات نیوتن و گالیله و کپلر نوعی از قطعیت و تعیین‌پذیری بر دنیای علم حاکم بود و نظریات آن‌ها نشان می‌داد که به کمک وضعیت گذشته دستگاه‌های فیزیکی می‌شود به آینده دست پیدا کرد. قانون اول ترمودینامیک بیان‌کننده ثابت بودن مقدار کل انرژی در جهان است و قانون دوم<sup>۱</sup> بیان می‌کند که این انرژی به‌رغم کمیت ثابت دارای محتوای کیفی بسیار سیال و پراشوب است به گونه‌ای که آنتروپی یا بی‌نظمی آن در جهان در حال افزایش است و آنتروپی موجود در هستی به پدیده‌ها، صورتی آشوبناک می‌دهد.

باید اذعان کرد که هر پدیده‌ای قابل درک را می‌توان تئوریزه کرد. نظام‌مند کردن پدیده‌ها منجر به بیان ریاضی آن‌ها می‌شود و هر چیزی که صورت ریاضی به خود گیرد قابل مدل‌سازی در محیط‌های دینامیکی است، که در نتیجه مدل‌سازی کاربردی شوند؛ بنابراین درک صحیح پدیده اولین گام در کاربردی کردن آن است. برای درک صورت ریاضی این نظریه لازم است قبل از آن با تنوع سیستم‌های ریاضی آشنا شویم. سیستم خطی یا ساده<sup>۲</sup> به مجموعه‌ای از عناصر تشکیل دهنده با قابلیت تجزیه اجزا می‌گویند که برخوردار از اصل انطباق<sup>۳</sup> با دو خاصیت جمع‌بندی و همگن بودن است. الگوی ریاضی این نوع سیستم را می‌توان در ماتریس‌ها و ترکیبات یا معادلات خطی از توان‌های مشتقات جزئی دید.

1 - Total energy in the universe is constant

2 - Linear system

3 - Superposition principle

سیستم غیرخطی یا پیچیده<sup>۱</sup> که به سیستم‌های دینامیک غیرخطی نیز معروف است از لحاظ ریاضی تابع جمع جبری یا حاصل ضرب متغیرها نیست. در این سیستم به دلیل آنکه سیستم غیرقابل پیش‌بینی است، لذا مدل‌سازی رفتار براساس یک یا چند متغیر مشکل است. درخصوص ادراک مفهوم سیستم‌ها و گفتگو از وجود یا عدم رابطه خطی یا غیرخطی به این معناست که رابطه خطی مثل معادلات خطی که یک راه‌حل ساده دارند برای یک علت معین یک معلول مشخص وجود دارد و هر اقدام معین فقط منجر به یک پیامد مشخص می‌شود. در حالی که در رابطه غیرخطی مثل معادلات غیرخطی بیش از یک راه‌حل دارند و هیچ‌گونه روش قطعی برای حل اکثر آن‌ها وجود ندارد. برای مثال، در رابطه غیرخطی زیر تغییر مقدار  $X$  از ۰ به ۰/۰۱ تغییر بزرگی را در اندازه مقدار تابع ایجاد می‌کند. (الوانی و همکاران، ۱۳۸۴)

$$F(x) = (10000)100x \quad X=0/001 \quad F(x)=10000$$

نمونه معادلات غیرخطی در نظریه آشوب معادله لجستیک ناپیوسته یا گسسته<sup>۲</sup> است.  $X_{n+1} = a_{xm}(1-x_n)$  در این نوع توابع، گرایش به دو سو وجود دارد یکی تغییرات خطی و منظم و دیگری تغییرات غیرخطی و نامنظم. در این توابع ممکن است تغییرات ناگهان آشفته شود در این موارد پیش‌بینی‌های سستی از اعتبار ساقط می‌شود. مسئله مهم این است که بدانیم چه توابعی گرایش به بی‌نظمی دارند و چه وقت این بی‌نظمی‌ها ظاهر می‌شود. (همان)

سیستم‌های خطی براساس قوانین نیوتنی<sup>۳</sup> و قانون علیت لاپلاس تفسیر و توجیه می‌شود. لاپلاس معتقد است که اگر حالت فعلی تک‌تک ذرات را بدانیم

1 - Nonlinear system

2 - Discrete logistic

3 - Perfect predictions about the behavior of any physical system

حالت بعدی آن را می‌توانیم محاسبه کنیم که این به نوعی بیان قانون علیت است ولی سیستم‌های غیرخطی براساس قانون عدم قطعیت هایزنبرگ تفسیر و توجیه می‌شود. اصل عدم قطعیت هایزنبرگ در مکانیک کوانتومی بیان می‌کند: که زمان حال یک ذره را نمی‌توانیم با دقت تعیین کنیم پس پیش‌بینی بعدی نیز نمی‌تواند دقیق باشد و تنها می‌توانیم شناختی صرفاً آماری داشته باشیم و آینده‌ای که پیش‌بینی می‌کنیم نیز آماری خواهد بود و هیچگاه نمی‌توانیم با دقت آینده را پیش‌بینی کنیم. (cph-theory.persianguig)

نظریه نسبیّت، نظریه نیوتونی زمان و فضای مطلق را درهم ریخت و نظریه کوانتوم؛ رؤیای سنجش‌های دقیق جبرگرایانه انیشتنی و قابل کنترل و متقن را با تکیه بر عدم قطعیت برهم زد (هی و همکاران، ۱۳۸۵) و نظریه نظم غائی (آشوب) پیش‌بینی‌های گذشته‌نگر را که از اندیشه‌های لاپلاس نشأت می‌گرفت زیر سؤال برد. امروزه بسیاری از مواردی که قبلاً تصادفی به نظر می‌آمدند، تحت معادلات و دستگاه‌های آشوبی تبیین علمی پیدا کردند و پیچیدگی‌های آن‌ها توجیه علمی یافتند. نظریه‌ی آشوب یا نظم غایی محدوده جدیدی در قلمرو ریاضی‌ست که تحلیل‌گر سیستم‌های غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد که به شدت به تغییرات در شرایط اولیه حساس هستند.<sup>۱</sup> سال ۱۹۶۱ هواشناس آمریکایی ادوارد لورنز<sup>۲</sup> در تلاش برای مدل‌سازی پیش‌بینی دقیق تحولات جوی و هواشناسی مجموعه‌ای از معادلات را برای محاسبه تعامل نیروهای جوی تنظیم کرد. بعد از مدتی متوجه شد تفاوت‌های کمی در حدود ۰/۰۰۰۱۲۷ پیش‌بینی‌ها را به صورت قابل توجه‌ای تغییر داد یعنی خارج از روابط خطی به ازای تغییر اندک در متغیر مستقل موجب تغییرات بسیار شدید و غیرقابل تصور در متغیر وابسته شده است

1 - Analysis of unpredictable systems that are extremely sensitive to initial conditions

2 - Edward Lorenz

که معروف به خطای لورنز شد که از بنیان‌های تئوری آشوب به شمار می‌رود.  
(الوانی، همان)



*Figure 1: Lorenz's experiment: the difference between the start of these curves is only .000127. (Ian Stewart, Does God Play Dice? The Mathematics of Chaos, pg. 141)*

### شکل ۱ - منحنی خطای لورنز

در سال ۱۹۶۳ از لورنز در نشریه آکادمی علمی نیویورک چنین نقل قول شده بود: "یک هواشناس ناشناس ادعا می‌کند که اگر تئوری آشفتگی حقیقت داشته باشد، تنها یک بار بال زدن یک مرغ دریایی برای تغییر روند سیستم آب و هوایی زمین در آینده کافی است. او در هنگام سخنرانی در جلسه سال ۱۹۷۲ میلادی، از این نقل قول به شکلی دیگر و بهتر برای سخنان خود استفاده کرد و گفت: "در پیش‌بینی‌پذیری آیا می‌توان گفت که بال زدن یک پروانه در برزیل موجب بروز یک طوفان در تگزاس می‌شود؟"<sup>۱</sup>

پرورش اندیشه‌های او درخصوص نظام‌مند بودن پیچیدگی‌ها و بی‌نظمی‌ها باعث رشد و توسعه تئوری‌های دیگری در این عرصه شد که نمونه آن را در

---

1 - Does the flap of a butterfly's wings in Brazil set off a tornado in Texas?

تئوری همگون‌سازی مجدد می‌توان دید. بدین مفهوم که کمیت‌ها هیچ وقت ثابت نبوده و با مقیاس درجه‌ای از آن کمیت، کم و زیاد می‌شوند. یعنی مشخصه‌های اصلی نظام در مقیاس‌های مختلف ثابت می‌ماند. از این اصل، تئوری دیگری به نام خودمانندی و عمومیت‌پذیری که در آن رفتار کلی نظام‌های گوناگون و مختلف یکسان هستند اقتباس شده است. (الوانی، همان)

واژه آشوب و بی‌نظمی یا نظم غایی در سال ۱۹۷۵ توسط لی یورک<sup>۱</sup> در مقاله‌ای به نام دوره سوم و لزوم نظریه آشوب و یکسال بعد رابرت می<sup>۲</sup> زیست‌شناس ضمن مطالعاتی پیرامون افزایش میزان تراکم زیستی موجودات در محیط با تحلیل معادله لجستیک به تحلیل الگوهای عملکرد در سطح آشوبناک پرداخت. رابرت لی با ارجاع به مقاله فوق معادلات ساده‌ای را مطرح ساخت که نشان دهنده حالات بسیار پیچیده و پویا در محیط‌های ارگانیکی است. براساس همین مطالعات قبلی بود که مندلبروت<sup>۳</sup> ریاضیدان و متخصص شرکت IBM به تحلیل بی‌نظمی در قیمت پنبه پرداخت که نتیجه آن ارائه تئوری فراکتال شد. (فقهی‌فرهمند، ۱۳۸۱) گلدبرگر<sup>۴</sup>، متخصص قلب دانشگاه هاروارد، اعتقاد دارد که یک قلب سالم در ضربان‌هایش دارای نوسانات آشوبناک است. در حالی که قلب بیمار غالباً ریتم و آهنگ منظمی دارد. لیزر زمانی بوجود می‌آید که نور از حالت تعادل خارج و بی‌نظم می‌شود. امروز به کمک نظریه آشوب درک آنتروپی به مفهوم توان رسیدن به تعادل یا میزان دور شدن از حالت تعادل تسهیل شده است. نمونه رفتار آشوبناک را می‌توان در پدیده‌های از قبیل مدارهای الکتریکی، شیوع

1 - Lee York

2 - Robert may

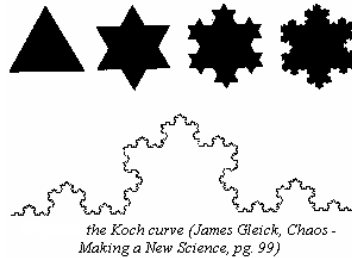
3 - Benoit Mandelbrot (born 1924), Polish-born American scientist and mathematician

4 - Goldberger



سرخک، نحوه ریتم‌های گردش خون و ضربان قلب، فعالیت‌های الکتریکی مغز، اغتشاشات سیالات، گسترش جمعیت حیوانات و ماهیت واکنش‌های شیمیایی به وضوح دید. (الوانی، همان)

ون کخ<sup>۱</sup> ریاضیدان با توجه ویژگی خودمانایی یا خودمانندی نظریه آشوب به ارائه منحنی کخ به کمک الگوی مثلثی پرداخت. شکل زیر نتیجه کار و مفهوم منحنی کخ است که به توسعه هندسه فراکتال نیز کمک فراوانی کرده است. (hypertextbook)



شکل ۲ - منحنی‌های کخ

دانشمندان علوم اجتماعی اکنون دریافته‌اند که سیستم‌های اجتماعی پیچیده همانند توابع غیرخطی نسبت به شرایط آغازین بسیار حساسند و این بدین معناست که تغییرات بسیار جزئی سیستم می‌تواند موجب تغییرات کمی و کیفی عمده‌ای در آن سیستم شود و لذا نمی‌توان چنین فرض کرد که خطاهای جزئی بی‌اهمیت هستند.

شانس و تصادف وقتی وارد محاسبه ما می‌شود که در آنجا دانش و آگاهی نیست بنابراین به عدم قطعیت گردن می‌نهم. اگر معتقدیم جهان تصادفی است

---

1 - Van Koch

آنگاه نوعی از ابزار تحلیلی ساخته و بکار می‌بریم که تصادفی بودن را مدنظر قرار دهد ولی اگر معتقدیم که همه امور جهان قطعی و یقین است آنگاه تلاش می‌کنیم سراغ ابزار تحلیلی فارغ از تصادفی بودن برویم. باید توجه داشت از آنجا که تصادفی بودن نتیجه پیچیدگی و ناآگاهی ماست لذا افزایش آگاهی باعث کاهش پیچیدگی که محور تفکر تصادفی بودن وقوع پدیده‌هاست می‌گردد. از طرفی می‌توان چنین نتیجه گرفت که سطح بالایی از پیچیدگی می‌تواند از فرایندهای کاملاً قطعی منبث شوند که از درک سستی و عادی ما فاصله دارد.

نظم در بی‌نظمی را می‌توان بیانگر پیچیدگی و معادل برنامه‌ریزی پویای غیرخطی دانست. پیتز سنگه برخلاف تیلور که سازمان را یک وسیله یا یک ماشین تلقی می‌کرد، معتقد است که سازمان‌ها را باید مثل یک موجود زنده تلقی کرد و با استفاده از تئوری آشفتگی، الگوهای سازمانی را که او به آن «نمونه‌های واقعی سیستم‌ها» اطلاق می‌کند (و درحقیقت نمونه‌های اصلی رفتارهای سازمانی دائماً در حال تکرار و بازتاب‌های موجود هستند) را شناسایی و کشف کرد. او هنر سیستمی فکر کردن را درک پیچیدگی ساختاری حاصله از متغیرهای سازمانی دانسته و وظیفه مدیران را برخورد صحیح در هدایت و تغییر رفتار کارکنان در جهت نیل به اهداف سازمان می‌داند. (الوانی، همان)

سازمان‌های دفاعی فعال و پویا و از آن جمله نیروی هوایی که به شدت پیچیده و غیرخطی جلوه می‌کنند منطبق بر تئوری نظم غایی می‌باشند و با پیروی از الگوی نظم غایی قادرند عملکرد بسیار مؤثر و کارآمد داشته باشند. ساختارهای کلاسیک و ایستا با الگوهای سستی و خطی، قابلیت و توانمندی این‌گونه سازمان‌ها را خواهد کاست و آن را فاقد کیفیت می‌کند امری که هر روزه شاهد عدم کارایی این نوع از سازماندهی هستیم.

## بحث و بررسی

آشوب<sup>۱</sup> به معنی فقدان هرگونه ساختار معین و یا نظم، بی‌نظمی و آشفتگی و آشوبناک بودن است. (الوانی، همان) تئوری آشوب یا تئوری سیستم‌های غیرخطی<sup>۲</sup> فقدان ظاهری نظم در یک سیستم معنا می‌دهد که در عین حال دارای قوانین و قواعد خاص و ویژه متناسب با خود است. تفاوت بی‌نظمی شایع با آشوب در این نکته است که بی‌نظمی را چیزی شبیه تلاطم یک وضعیت و موقعیت است ولی آشوب یا تئوری نظم غایی نوعی بی‌نظمی منظم یا نظم در بی‌نظمی است.

نکته زیبایی که آدامز<sup>۳</sup> درخصوص آشوب بیان کرده است این است که: "از آشفتگی، زندگی زائیده می‌شود در حالی که از نظم عادت به وجود می‌آید" او معتقد است که آشفتگی سلامت و قوت است، و نظم، رکود و فنا. هیلز نیز در سال ۱۹۹۰ آشوب یا بی‌نظمی را اینگونه تعریف می‌کند:

"بی‌نظمی و آشوب نوعی بی‌نظمی منظم<sup>۴</sup> یا نظم در بی‌نظمی است. بی‌نظم از آن رو که نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی است و منظم بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است." (persianblog.com)

این تئوری بیان می‌کند: هیچ چیز در این دنیا تصادفی نیست و بی‌نظمی و غیرقابل پیش‌بینی بودن ظاهر امور، حاصل و نتیجه طبیعی تفکر قطعی‌گرا و اثباتی‌نگر و ثابت‌های فکری پیشین ماست. دو جزء اساسی این نظریه در باب سیستم‌ها عبارتند از این نکته است که یک سیستمی هرچند که پیچیده و مبهم

1 - Chaos

2 - Nonlinear systems theory

3 - Adams

4 - Orderly Disorder

باشد از یک نظمی برخوردار است<sup>۱</sup> و سیستم‌ها و پدیده‌های هر چند کوچک و جزئی قادرند رفتارهای پیچیده و نتایج شگفت‌انگیز ایجاد کنند.<sup>۲</sup> (السن، ۱۳۸۴)

خواص عمده و مهم سیستم‌های آشوبناک علاوه بر داشتن حساسیت شدید به مبداء، سیستم‌های آن برخوردار از یک نقطه بازگشتی یا ارگودیک<sup>۳</sup> با مدارهای تناوبی بی‌شمار ولی ناپایدار ضمن کرانه‌داری یا مرزدار<sup>۴</sup> بودن مشخص می‌باشد.<sup>۵</sup> مهم‌ترین نتایج این تئوری به صورت اجمال عبارتند از:

- دستیابی به نوعی خاص از ساختار یا الگوهای رفتاری در یک سیستم که قبلاً تصور می‌شد فرآیندهای تصادفی سبب آن بوده‌اند.
- سیستم‌های مختلف صرف‌نظر از اینکه چقدر پیچیده باشند - بر مبنای یک نظم زیربنایی قرار گرفته‌اند.
- سیستم‌ها و رویدادهای بسیار کوچک و ساده می‌توانند موجب بروز وقایع یا حرکات بسیار پیچیده‌ای شوند.

درک سیستم‌های آشوبناک ما را به بررسی مجدد مفهوم پیش‌بینی مجبور می‌سازد. چرا که آشوبناک بودن پدیده از ماهیت آن سرچشمه نمی‌گیرد بلکه به وسیله سطح درک ما از آن پدیده ناشی می‌شود این بدان مفهوم است که میزان تلقی آشوبناکی افراد از پدیده‌ها یکسان نیست. تئوری آشوب به جای تأکید بر کنترل کمی تلاشی برای دستیابی به نقاط حساس می‌کند که در آنجا تغییر بسیار جزئی می‌تواند نتایج چشمگیری را دربرداشته باشد. به بیان دیگر تئوری آشوب

1 - No matter how complex they may be - rely upon an underlying order

2 - Small systems and events can cause very complex behaviors or events.

3 - Ergodic

4 - Bounded

۵ - برای مطالعه‌ی اجمالی نقطه بازگشتی یا ارگودیک و مرزدار بودن به سایت ویکی‌پدیا مراجعه نمایید.

به بررسی برهم‌کنشی تمامی عناصر موجود در یک متن پویا (دینامیک)، حساسیت نسبت به شرایط اولیه، تکرار و آشکارسازی الگوهای پنهان موجود در متن (هندسه فراکتال) می‌پردازد.

در دنیای روزانه ما، بی‌نظمی، آشفتگی و آشوب معانی ناخوشایندی را به ذهن متبادر می‌سازند که نشان عدم سازمان‌یافتگی و نابالغی در روند جاری رویدادها است. در بحث ما بی‌نظمی و آشوب به معنای سازمان‌نیافتگی، ناکارایی و درهم‌ریختگی نیست. بی‌نظمی جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی پدیده‌هایی پویاست که ویژگی‌های خاص خود را دارند. بی‌نظمی نوعی نظم نهایی است یا نظم در بی‌نظمی است. بی‌نظمی از آن رو که نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی است، و منظم بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است. بی‌نظمی اگرچه یک مفهوم ریاضی محسوب می‌گردد اما شاید نتوان خیلی دقیق آن را تعریف کرد. ولی می‌توان آن را نوعی «اتفاقی بودن همراه با قطعیت» دانست. نظریه آشفتگی یا نظم غایی، مجموعه‌ای از روش‌ها و الگوها برای مطالعه مسایل غیرخطی، پراکنده و بی‌نظمی است که تصادفی بودن در بطن آن‌هاست.

### عدم قطعیت در جنگ و نظریه آشوب

این جمله معروف هراکلیوس فیلسوف یونانی در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح که گفت: «هیچ‌کس بیش از یک‌بار نمی‌تواند در یک رودخانه جاری شنا کند» قبل از آنکه بیان‌کننده تغییر مستمر باشد بر نوع خاصی از آشفتگی زاده‌ی عدم قطعیت در وضعیت صحنه می‌گذارد.

شناخت استقرایی ارسطویی و مشایی که شناخت کل را منوط به تحلیل اجزایش کرده بود امروزه با ظهور نظریه‌هایی مثل آشوب فروریخت و جای خود را به تغییر اجزاء برای تحول و دگرگونی در کل داده است. جنگ‌های آینده دارای ویژگی‌هایی از قبیل «فرصت‌های زودگذر»، «عدم قطعیت» و «بی‌نظمی» یا

(آنتروپی) فراوانی است. فرماندهان جنگ‌های آینده باید قادر باشند ایجاد بی‌نظمی و عدم قطعیت کنند و مرزهای سیستم‌های نبرد و جنگ را به روی ناپایداری و بی‌ثباتی باز کنند تا آنجا که خود بتوانند بی‌ثباتی و بی‌نظمی ایجاد کنند امروزه ذیل تفکر نظم غایی یا نظم در بی‌نظمی تئوری آشوب، این تفکر مفهوم خاصی پیدا کرده که آشوبناکی می‌تواند به ظهور الگوهای رفتاری جدید کمک کند و سبب بروز شکوفایی و خلاقیت در همه عرصه‌ها بویژه صحنه جنگ‌ها گردد.

کارل فون کلاوزویتس معتقد است: «[صحنه] جنگ، قلمرو ابهام است» بیش از ۳/۴ عواملی که اقدام نظامی بر پایه آن استوار است در فضای ابهام و تردید و عدم قطعیت نهان شده‌اند.<sup>۱</sup> «مه‌گرفتگی جنگ»، که این هم واژه‌ای از همین ژنرال پروسی است<sup>۲</sup>، به خاطر وجود ناشناخته‌های موجود باید تصمیم‌گیری کرد، تصمیم دیر هنگام حتی باعث از دست رفتن قدرت تصمیم‌گیری می‌شود.

عدم قطعیت جزء جدایی‌ناپذیر ماهیت جنگ است و عدم تقارن این عدم قطعیت را افزایش می‌دهد. (الوانی، همان) از آنجا که ماهیت عدم تقارن در ذات خود ابهام‌زا است، به موازات افزایش پیچیدگی‌های فناوری در میان ملت‌ها، بر میزان این «ابهام» نیز افزوده می‌شود. به عقیده بعضی از تحلیل‌گران، عدم تقارن چیزی جز در پیش گرفتن سطحی از ابهام و حیرت با روش‌های بدیع و ابتکار نو، نیست. بنابراین، آموزش نیروها باید بر محوریت ابهام‌زدایی در عملیات تأکید کند. (حییبی، ۱۳۸۶) موضوع عدم قطعیت چنان وسیع و گسترش یافته که طرح‌ریزی برای آینده را بدون لحاظ کردن آن با مشکل مواجه خواهد کرد. راهبرد دفاع سرزمینی در شرایط عدم تقارن بدون طرح‌ریزی حل مسئله‌ی عدم

1 - War is the realm of uncertainty. (Clausewitz, On the Nature of War)

2 - Fog of war

قطعیت برای شکل‌دهی محیط آینده کار بیهوده‌ای است.

عدم قطعیت ویژگی منحصر به ماهیت جنگ‌ها نیست بلکه امروز در هر عرصه‌ای حتی به موضوعات اقتصادی نیز کشیده شده است. مالکوم واترز در کتاب جهانی شدن ص ۷۱ درخصوص تاریخ جهانی شدن با توجه به زمان ظهور نظام سرمایه‌داری در جهان مسیر جهانی شدن را به صورت پنج مرحله‌ای بعد از مرحله تلاش برای کسب سلطه (۱۹۶۹ - ۱۹۲۵) مرحله عدم قطعیت (... - ۱۹۶۹) را قرار داده است. او مرحله آخر حضور و تحقق جهانی شدن را که در این مرحله با کشف فضا، ارزش‌های فرامادی، سیال و پیچیده شدن روابط بین‌الملل، شناخت مسائل زیست محیطی جهان و رسانه‌های گروهی جهان از طریق دستیابی به فناوری فضایی و ماهواره‌ای، شکل و قالبی از فضای عدم قطعیت بیان کرده است.

آنچه که مبدأ و باعث پدیده گسترش عدم قطعیت شده است، تغییر مداوم حاصل از توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و دانش محوریست. این مسئله موجب شده تا تغییر در محیط سیاسی و اجتماعی، جابجایی قدرت را از سخت به نرم، از نظامی به دانش، از تاکتیک به راهبرد و از خطی به غیرخطی شکل دهد. دشواری در شناسایی نقطه تأثیر و یا اتکا<sup>۱</sup>، بحران‌های بین‌المللی را به دلیل آشوبناکی ماهیت بحران‌ها با نوعی سردرگمی فضایی روبرو کرده است. همه ما به این موضوع اذعان داریم که محیط امنیت جهانی به دلیل پاسکالیزه بودن، به یکدیگر متصل و از هم تأثیرپذیرند. این امر نیز از طرفی امکان حجمی کردن تأثیر پدیده‌های نقطه‌ای را ایجاد نموده است یعنی اجرا در سطح یک نقطه ولی تأثیر در سطح «کره‌ای»<sup>۲</sup> باشد. از بطن همین چالش، عملیات تأثیر محور<sup>۳</sup> در

---

1 - Leverage

2 - Sphere of Influence

3 - Effect Base Operation

فضای جنگ‌ها شکل گرفته است و این خود به موضوع عدم قطعیت و بی‌نظمی دامن زده است. یک مقایسه میان محیط خطی و ساده گذشته با محیط غیرخطی و پراشوب امروزی می‌تواند ضرورت توجه به موضوع را بویژه در صحنه‌های رزم و فضای جنگ آینده نشان دهد. (جدول ۱)

جدول ۱ - (فقهی فرهمند، ۱۳۸۱) (بهینه شده برای سازمان‌های نظامی توسط نگارنده)

عوامل	محیط خطی	محیط غیرخطی آشوبناک
۱- صحنه‌های رزم	- قابل پیش‌بینی و ساده	- پیچیده و دارای هرج و مرج
۲- عوامل محیطی خارجی	- فرصت‌ها بیشتر از تهدیدات	- تهدیدات بیشتر از فرصت‌ها
۳- تکنولوژی	- ساده و قابل پیش‌بینی	- پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی
۴- اندازه و اهداف گروه‌های رزمی	- بزرگ و کارایی	- کوچک و اثربخشی
۵- مدیریت و فرماندهی	- بر مبنای هدف و نتیجه مستقیم	- اقتضایی و تأثیرمحور
۶- استراتژی	- مستقیم و ثابت و ایستا	- معکوس و متغیر و پویا
۷- عوامل محیطی داخلی	- نقاط قوت بیشتر از نقاط ضعف	- نقاط ضعف بیشتر از نقاط قوت
۸- نیاز به نیروی انسانی	- ساده و زیاد	- متخصص و کم
۹- فرایند عملیات	- برحسب امکانات سازمان	- برحسب نیازهای سیستم و میدان جنگ
۱۰- هزینه و اعتبارات	- ساده، زیاد، ثابت و قابل پیش‌بینی	- پیچیده، کم، متغیر، و غیرقابل پیش‌بینی
۱۱- تسلیحات نظامی	- بسیار	- اندک
	- ساده و عام، خطی، ثابت و غیرقابل انعطاف	- ساده و خاص، سلولی، متحرک و متغیر

از طرفی باید اذعان کرد که مهم‌ترین شاخصه جنگ نامتقارن نفوذ به قلمرو ناشناخته جنگ است. اصل غافلگیری با تکیه بر فهم حوزه «ابهام» و عدم قطعیت در جنگ محقق است. اصول چهارگانه جنگ‌های نسل پنجم «عدم قطعیت و ابهام» و «قلمرو ناشناخته‌ها» و اصل «تأثیرات چندلایه‌ای» و اصل «پیامدهای ناخواسته» به شدت زمینه را برای بروز بی‌نظمی و آشفتگی در محیط عملیات‌های



نظامی آینده آماده کرده است. (حیایی، ۱۳۸۶) لذا توجه به اصول نظریه آشوب قادر خواهد بود تا در قدرت تشخیص فضایی<sup>۱</sup> صحنه نبرد در نهایت مؤلفه تصمیم‌گیری و عملکرد مطلوب فرماندهان نظامی تأثیرگذار شود. همانگونه که می‌بینیم اصول و دکترین جنگ‌های آینده با ماهیت عدم تقارن و قطعیت، قلمرو مشترک وسیعی با اصول نظریه آشوب دارد تفکر ابتکاری، عدم اصرار بر انجام کاری قالب‌ریزی شده و انطباق‌پذیری همه واژه‌هایی است که در ذیل تئوری نظم غایی یا آشوب بهتر ادراک می‌شوند.

### نظریه آشوب و تصمیم‌گیری‌های مدیریت دفاعی

توسعه مفهوم آشوب یا نظم در بی‌نظمی در تصمیم‌گیری‌های دفاعی منبعث از ظهور و پیدایش تحولات زیر می‌باشد:

- ۱ - افزایش میزان تغییرات سرعت در واحد زمان فناوری و تحولات محیطی
- ۲ - وسیع‌تر شدن ادراکات محیطی با تبدیل نگاه نقطه‌ای به صفحه‌ای و کره‌ای
- ۳ - رشد شدید و ریزش داده‌های ورودی سیستم‌های ادراکی و شناختی در صحنه‌های عملیاتی
- ۴ - ظهور نیازهای پیچیده و فضای عدم قطعیت

طبق نظریه آشوب در تمامی پدیده‌ها نقاطی وجود دارد که تغییری اندک موجب تغییرات عظیم خواهد شد. تغییرات جزئی و تدریجی در تصمیم‌گیری<sup>۲</sup> که به موجب آن نتایج عظیم یا گسترده به بار می‌آورد با یافتن نقاط حساس، نقطه اتکا مساعد یا دست یافتنی به اهرم‌های راهبردی با صرف کمترین نیرو می‌تواند تأثیری فراگیر ایجاد نمایند.

---

1 - Orientation

2 - Incrementalism

در نظریه آشوب، بی‌نظمی بر همه ارکان محیط سازمانی حاکم است و مدل‌های تصمیم‌گیری در این نظریه نیز نامعین و مبنی بر عدم قطعیت هستند. چالش بزرگ عدم توانایی برای طراحی آینده بلندمدت برای یک سیستم است. پس باید به یک فرآیند خودساماندهی<sup>۱</sup> سازمان‌های یادگیرنده تکیه کرد. اصل هم پایانی هم به مدیران و فرماندهان دیکته می‌کند که راه‌های متفاوتی نیز برای انجام بهتر عملیات‌های نظامی وجود دارد و راه حصول به هدف و موفقیت یا وضعیت بهتر منحصر به یک راه و یا طرح نمی‌شود.

در مدیریت ساده خطی، مدل‌های مختلفی برای تصمیم‌گیری طراحی شده است که تصمیم‌گیری در شرایط مشخص و معین و محیط‌های با ثبات را مدنظر دارد. ولی از آنجایی که پیچیدگی سازمان‌های دفاعی، بویژه در عرصه تحولات محیطی حاصل از فناوری، سیستم‌های تصمیم‌گیری نظامی را غیرقابل پیش‌بینی کرده است لذا باید از الگوهای منطبق با سیستم‌های پیچیده یعنی «آشوب» بهره جست.

با استفاده از الگوی نظم غایی (آشوب) مدل‌های متفاوتی از تصمیم‌گیری شکل گرفته است. مدل «G.C» یا ظرف زیاله‌ای<sup>۲</sup> یا مدل تصمیم‌گیری و رفتار در شرایط مبهم و با عدم قطعیت بالا توسط میخائیل کوهن<sup>۳</sup>، جیمز مارچ<sup>۴</sup> و جان السن<sup>۵</sup> در سال ۱۹۷۲ میلادی توصیف شد. (decide-guide) در این مدل سازمان‌هایی که براساس نظریه آشوب سازماندهی می‌شوند مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرند سازمان‌هایی که با سطح بالایی از عدم قطعیت هم در تشخیص

---

1 - Self Organization

2 - Garbage can

3 - Michael Cohen

4 - James march

5 - John Olsen

مشکل و هم در در پیدا کردن راه‌حل روبرو هستند.

مدل تصمیم‌گیری نظریه تغییرات ناگهانی<sup>۱</sup> نیز یکی دیگر از این الگوهای تأثیرپذیر می‌باشد. «رنه توم»<sup>۲</sup> ارائه‌کننده این مدل در اواخر دهه ۱۹۷۲ میلادی که امروزه مدل او را جزء نظریه آشوب به‌شمار می‌آورند، در کتاب خود به نام تکامل و تعادل ساختاری<sup>۳</sup> توضیح داده است که توانایی پیش‌بینی رفتار سیستم‌های پیچیده و آشوبناک را می‌توان امیدوارانه ایجاد کرد. (educery) این نظریه نشان می‌دهد که چگونه نتایج غیرممتد و منقطع از عملیات ممتد و پیوسته حاصل می‌شود ضمن آنکه فهم و درک تغییرات و ناپیوستگی در سیستم‌ها را ساده‌تر می‌کند. اینکه چه می‌شود که سیستم‌ها از تعادل خارج می‌شوند و نتایج غیرمعمول و غیرممتد ایجاد می‌کنند اساس این تئوری را تشکیل می‌دهد.

این نظریه توضیح می‌دهد نظم رفتاری یک سیستم در برابر اعمال تغییر در مرحله اول جذب، هضم و تغییر در خود است و اگر در جذب و تحلیل تغییر موفق نشد آنگاه تلاش برای به دست آوردن مجدد حالت تعادل می‌کند و در نهایت اگر موفق نشد آنگاه خود را به طور ناگهانی تغییر می‌دهد و حالت جدید را به عنوان حالت یا محدوده تعادل خود محسوب می‌کند. این تفکر به فهم و درک تجربه حقیقی مدیریت تحول و تفکرات نظریه آشوب کمک می‌کند و اینکه چرا تحول واقعی در یک محیط سازمانی کاری پرخطر و مدیریت ریسک به شمار می‌رود، می‌پردازد.

تصمیم‌گیری‌های دفاعی و نظامی با تکیه بر اصول نظریه آشوب راهی به سمت رفع تناقضات حاصل محیط عدم قطعیت در فضای پرتعارض جنگ و

1 - Catastrophe Theory

2 - Rene Thom

3 - Structured Stability and Morphogenesis

تصمیم‌گیری‌های نظامی است. ویژگی‌های نظریه آشوب می‌تواند بازتاب و انعکاس مطلوب و بسیار مهمی نیز در حوزه مدیریت دفاعی ایجاد کند:

- ۱ - اثر پروانه‌ای؛ ۲ - خودمانایی؛ ۳ - الگوهایی بی‌نظم (ترسیمات آشوبناک)؛ ۴ - هم‌افزایی؛ ۵ - سازگاری پویا یا دینامیک؛ ۶ - هم‌پایانی؛ ۷ - هم‌آغازی

۱ - اثر پروانه‌ای<sup>۱</sup>: لورنس در تحقیقات خود با شگفتی به این نتیجه رسید که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه معادلات جوی، منجر به تغییرات بسیار شدید در نتایج حاصل از آن‌ها می‌گردد. به عبارت دیگر، اثر پروانه‌ای این تئوری به گونه‌ای است که یک تغییر جزئی در ابتدا منجر به یک تغییر بسیار بزرگ در پایان کار خواهد شد بدین مفهوم که مثلاً اگر پروانه‌ای در «برزیل» پر بزند ممکن است بر اثر این پر زدن تأثیری به شکل طوفان در سواحل «تگزاس» ایجاد شود. شکل بیان ساده‌تر اثر پروانه‌ای چیزی شبیه نثر زیر است: به خاطر نبودن میخ، نعل از میان رفت و به خاطر نبودن نعل، اسب از پای درآمد و به خاطر مرگ اسب، سوار از میان رفت و به خاطر مرگ سوار، جنگ مغلوبه شد و در این جنگ مغلوبه، دولتی سرنگون شد. (الوانی، همان) تأثیر این نظریه بر مدیریت، پایان عصر مدیریت‌های بودجه‌طلب که بودجه متناسب عملیات را طلب می‌کردند، اعلام کرده است. مدیران موفق مدیران حصول به بسیار از اندک هستند. پیتز سنگه<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۰ اثر پروانه‌ای را در سازمان‌های یادگیرنده تحت عنوان اصل اهرمی نام‌گذاری کرد.

بهترین نتیجه حاصل اعمال تغییرات جزئی ولی سنجیده است نه تلاش وسیع و گسترده. اثر پروانه‌ای، توجیهی عقلایی و کامل از رفتارها و تصمیم‌های

1 - Butterfly Effect

2 - Peter senge

مدیران کارآفرین و خلاق و موفق به دست می‌دهد که با یک حرکت مناسب و کم‌انرژی توانسته‌اند موجبات تحول و دگرگونی‌های عظیم و توفیق‌های شگرفی را برای سازمان فراهم آورند. (الوانی، همان)

یک اندیشه خلاق هم‌چون بال زدن یک پروانه می‌تواند در مسیری آنچنان کارساز و انرژی‌آفرین باشد که طوفان و تحول برپا کند و از یک اندک بسیار بسازد. با این توصیف تعاریف کارآیی، بهره‌وری و اثربخشی نیز از دید اثر پروانه‌ای دگرگون خواهند شد زیرا اگر کارآیی را نسبت منافع به هزینه‌ها تعریف کنیم هزینه‌های بسیار جزیی قادرند تا منافع بسیار بزرگ به وجود آورند. در کارآیی محیط‌های پرآشوب نسبت‌ها دیگر مانند شیوه‌های سنتی عمل نمی‌کنند بلکه باید به دنبال روابط جدید و نتایج دلخواه از طریق مدیریت هزینه‌های مناسب بود که بتوانند با هزینه اندک منفعت بزرگ ایجاد کنند.

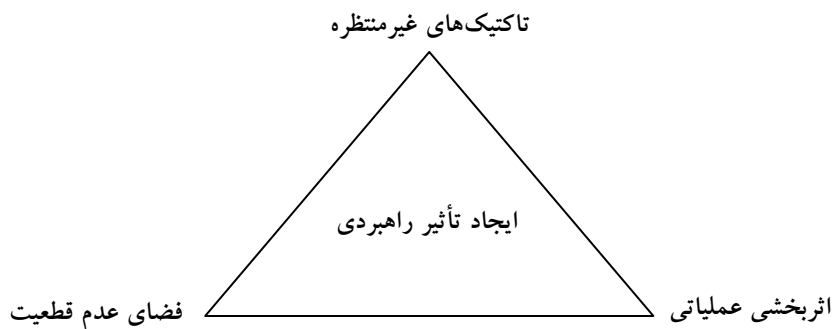
اثرات و کنش‌هایی که در نتیجه اعمال تاکتیک‌ها در صحنه نبرد می‌توان انتظار داشت قادر است ایجاد تأثیرات راهبردی را با تکیه بر اثر پروانه‌ای به وجود آورد. از طرفی هر فرماندهی باید این نکته را مدنظر قرار دهد که رفتارها و حتی عملیات جزیی و خیلی کوچک می‌تواند اثر ناشناخته و فزاینده‌ای را در کل سیستم داشته باشد به گونه‌ای که برای ایجاد یک فضای خلاق و مثبت لزوماً نباید اتفاق بزرگ و غیرمترقبه‌ای رخ دهد بلکه اثر کوچک یک رفتار منفی و یا یک رفتار مثبت می‌تواند موجب ایجاد تغییرات بزرگی در سیستم شود.

برای درک بهتر مفهوم تأثیرسازی راهبردی، فرماندهان نیازمند شناخت و آگاهی «مراکز ثقل» به عنوان نقطه حداکثر تأثیر هستند. هر سیستمی بویژه سیستم‌های نظامی و حوزه جنگ تعادل خود را به شدت متأثر از همین مراکز ثقل می‌بیند. این رابطه تا آنجا حایز اهمیت است که درک رابطه «مراکز ثقل» با «تعادل» و توازن سیستمی می‌تواند وصول به نقاط آشوب را برای خلق اثر پروانه‌ای تسهیل ببخشد. از طرفی برای کم کردن تأثیر مضاعف و حیاتی مراکز

ثقل موضوع تحرک و جابجایی آن‌ها امروزه مطرح شده است. نظریه‌ی «جابجایی مراکز ثقل» سرهنگ ساشا فرانسکی جنگ‌ها را در حوزه بکارگیری قدرت هوایی با چالش‌های بزرگ همراه کرده، او معتقد است که تأثیرگذاری سه مؤلفه زمان - فضا و فناوری اطلاعات به دلیل امکان تغییر سریع باعث ایجاد مراکز ثقل و به تبع آن مراکز تعادل و توازن می‌شود یعنی می‌توان به نوعی اثر پروانه‌ای نظریه آشوب‌ها را که تغییرات اندک منجر به نتایج نامتناسب و بزرگ می‌شود در اثرگذاری تغییرات این سه مؤلفه در جنگ‌ها و نبردها قایل شد، به گونه‌ای که یک مرکز ثقل در عملیات نظامی پیچیده مبتنی بر هوش، ابتکار و خلاقیت می‌تواند به یک نقطه تعیین کننده یا نقطه قاطع تبدیل شود و در همان حال نقطه قاطع دیگری به مرکز ثقل و محور تعادل و توازن تغییر ماهیت دهد. نتیجه‌ای که او از این بحث می‌گیرد جالب است او معتقد است که بکارگیری مدل‌های مهندسی مکانیکی که شاخصه مهم فهم مدل‌های درگیری دوره کلازیستی است دیگر امروز در تمدن نوع سوم کارآیی ندارد و در عوض مدل‌های سیال دینامیکی (دینامیک سیالات) یا فیزیک کوانتومی قابل ارجاع برای طراحی مدل‌های درگیر است. (السن، همان)

نیروی هوایی ما برای شرکت در یک فضایی با ماهیت عدم تقارن به شدت نیازمند سه گروه هم‌وابسته، هم در آفند و هم در پدافند است. اول نیروهای چابک درگیری یا نیروهای عملیاتی رزمی پروازی و موشکی صحنه نبرد، دوم یگان سازمان‌دهنده و هدایت‌کننده عملیات ستادی، سوم نیروهای توانمند کننده یا پشتیبانی خدمات رزمی متحرک با قابلیت مانور زیاد. سازمان‌دهی، آموزش و رزمایش مشترک با حضور این سه گروه کاری در فضای نبرد مجازی و تمرین از مهم‌ترین اولویت‌های آمادگی برای حضور در فضای نامتقارن است. فضایی فارغ از زمان و محدودیت‌های آن، مانند عملیات شبانه آبی - خاکی بدون وابستگی شدید به باندهای پروازی و پایگاه‌های هوایی تهاجم و دفاعی متحرک. از آنجایی

که هدف کلیه جنگ‌ها خلق موارد عدم تقارن برای غافلگیری و شکست دشمن است برای کسب نتایج نامتناسب ناگزیر به حمله به مراکز ثقل منطقه‌ای دشمن یا اهداف ارزشمند یا ارزشی آن‌ها هستیم نه صرفاً اهداف سودمند یا گران قیمت دشمن. باید برای جنگ نامحدودی برنامه‌ریزی کنیم که نه تنها فارغ از زمان است بلکه باید فراتر از محدودیت‌ها بتواند به اهدافی که حمله به آن‌ها ضربه شدید روانی را به آن‌ها وارد نماید و تعادل و توازن آن‌ها را برهم بزند طرح عملیاتی پیش‌بینی نماییم. ایجاد رابطه منطقی سه بعدی میان عوامل تعیین کننده زیر در طراحی عملیات و تاکتیک‌های نظامی سهم مؤثری در کسب نتایج مهم‌تر ایفا می‌کند. در اختیار داشتن رئوس این مثلث پیشنهادی در هر عملیات و درگیری هوایی ابتکار عمل ویژه را در اختیار ما قرار می‌دهد چراکه گزینه‌های متعدد و مطلوب در محاط این مثلث ایجاد خواهد شد.

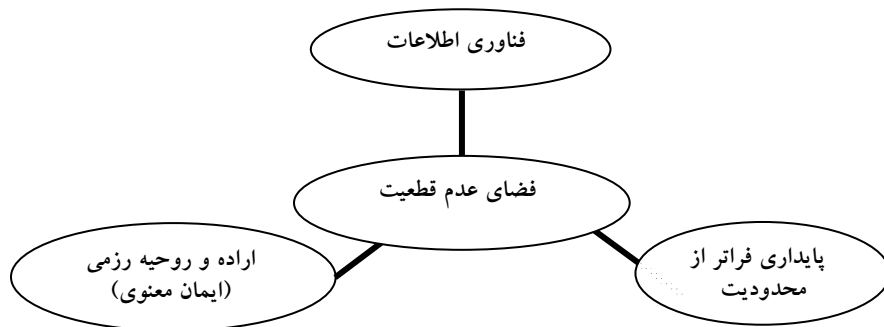


شکل ۳ - ایجاد تأثیر راهبردی با مفهوم اثر پروانه‌ای

نکته جالب توجه‌تر آن است که پیدا کردن مرکز ثقل سه وجهی فوق‌بندلیل برخورداری از دو فضای عینی و مجازی هم به مراتب مشکل‌تر و هم اینکه به دلیل متغیر بودن مداوم در شکل‌گیری مراکز ثقل‌گیری بسیار مؤثر خواهد بود که این امر منجر به افزایش ابهام و عدم قطعیت در صحنه جنگ خواهد شد. البته با این تفاوت که در این فضای رازآلود و عدم قطعیت، ایجاد کننده وضعیت یا

طرف محاط بر سه وجهی تاکتیک‌های غیرمنظره، اثربخشی عملیاتی و فضای عدم قطعیت اهداف و اقدامات روشن‌تری نسبت به رقیب درگیر در فضای پرابهام و مه‌گرفته خواهد داشت و طبیعی است که در چرخه تصمیم‌گیری (مشاهد، جهت‌یابی، تصمیم و اقدام) یا همان چرخه «OODA» جان بویید، از درصد موفقیت بیشتری برخوردار خواهد شد. (شکل - ۳)

ایجاد فضای عدم قطعیت در این سه وجهی ذیل نظریه آشوب توجیه‌پذیر است به موازات کسب نتایج دلخواه در این فضای سه بعدی نیازمند اطلاعات، اراده و روحیه رزمی ویژه برای ادامه جنگ و پایداری فراتر از محدودیت است. امری که لیدل هارت در رهیافت غیرمستقیم خود آن را به صورت مستقیم نشانده رفته بود، تا دفاع در مفهوم تهاجم را شکل دهد.



ایده جنگ ناهمطراز یا نامتقارن باید به تقویت راهبرد ما در یک نبرد که سطوح عملیاتی و تاکتیکی دشمن در مقابل ما ایجاد عدم تقارن و برتری صوری او را موجب شده، منجر گردد. نتیجه این رهیافت راهبردی هم ما را به کسب نتایج راهبردی در درازمدت می‌رساند و هم اینکه فرهنگ پایداری در جنگ که مهم‌ترین شاخصه یک جنگ محسوب می‌شود را به جنگجویان ما القا می‌کند. فراموش نکنیم که نتیجه نهایی جنگ در سیطره مفهوم راهبرد است که می‌تواند به کمک اقدامات تاکتیکی تأثیرمحور شکل گیرد و تحقق یابد.



۲ - سازگاری پویا<sup>۱</sup>: سیستم‌های بی‌نظم در ارتباط با محیط‌شان هم‌چون موجودات زنده عمل می‌کنند و نوعی تطابق و سازگاری پویا بین آن‌ها و پیرامونشان برقرار است. این سازگاری مانند هوشمندی مغز انسان از نوع ظهور لحظه‌ای برای حل مشکلی برای سازگاری با محیط است. میزان و چگونگی هوشمندی مغز از قبل تعیین نشده، طرحی برای آن پیش‌بینی نشده، بلکه یک پدیده در حال ظهور (شدنی) برنامه‌ریزی نشده است که در جریان زمان تکامل می‌یابد. ویژگی‌های سیستم‌های سازگار شونده عبارتند از:

- ۱-۲ - خودکنترلی و خودنظمی (مثل نورون‌های شیمیایی بدن)
- ۲-۲ - هم‌افزایی حاصل از سازماندهی و ارتباط اجزا و پیچیدگی روابط (مثل احراز تفاوت عملکرد نورون‌ها نه براساس تعداد بلکه براساس سازماندهی و چگونگی ارتباط آن‌ها)
- ۳-۲ - بازخورد دو حلقه‌ای یادگیرنده (محرک، تجربه قبلی) مثل عکس‌العمل شیمیایی نورون‌ها که میزان پاسخ متفاوت را در برابر محرک و مکرر مشابه تابع محرک بیرونی و تجربه و آگاهی قبلی انجام می‌دهد.
- ۴-۲ - وجود نوعی تخصص انعطاف‌پذیر

نتیجه آنکه سازمان‌های پیچیده امروزی یک ماشین مکانیکی با نگرش نیوتنی نیستند بلکه ارگانیک با سازگاری پویا هستند. سازگاری با محیط‌های آشوبناک نیاز به سازمان‌های منعطف با سازگاری پویا، دینامیک و ارگانیکی یا اندام‌واره‌ای دارد. در سازمان‌های امروزی در محیط آشوبناک و با نگرش تئوری بی‌نظمی، باید ارتباط اجزا با هم به گونه‌ای باشد که اولاً هر جزیی بتواند ضمن انجام وظایف خود به طور مستقل با اجزای دیگر ارتباطی هم‌افزا و پویانده داشته

---

1 - Dynamic Adaptation

باشد. هر جز باید از جهت آرمان‌ها و رسالت‌ها دارای یک نگرش مشابه با سایر اجزا باشد اما از جهت رفتار عملیاتی این اجزا در مجموعه‌های متشکل به هدف‌های متفاوتی جامه‌ی عمل می‌پوشانند. ضمن آنکه پاسخ به محرک‌ها و تهدیدات باید حاصل آگاهی و تجربه قبلی باشد.

عدم قطعیت موجود در محیط‌های عملیاتی و صحنه‌های رزم حاصل تعامل چهار خصیصه ذاتی ابهام<sup>۱</sup>، حیرت<sup>۲</sup>، ابتکار<sup>۳</sup> و سازگاری<sup>۴</sup> به هنگام بکارگیری اصول جنگ‌های مدرن و ناهمطراز می‌باشد. «کلیتون آنکر» در مقاله دکتربین نامتقارن خود تأکید کرده که یک دکتربین کارآمد و مؤثر باید دربرگیرنده‌ی فلسفه‌ی تفکر ابتکاری و خلاق برای مقابله با عدم قطعیت باشد ضمن آنکه بر فقدان «توصیه» و عدم اصرار بر انجام کاری قالب‌ریزی شده تأکید می‌کند. ضمن آنکه باید «ماهیت انطباق‌پذیر تفکر و عزم و اراده دشمن» را بپذیرد و ضمن اذعان به آن راه را برای نوآوری و ابتکار فرماندهان باز بگذارد. (حبیبی، همان)

حداکثر یک تلاش نامتقارن (چه در سطح نازل نوآوری تاکتیکی باشد یا یک رویکرد راهبردی) رساندن سطح عدم قطعیت و ابهام برای گریز از غافلگیری به سطح جدیدی از روی‌آوری به شیوه‌های نوظهور و اهداف تازه است. این امر یعنی کاهش ابهام و نبرد با حداقل عدم قطعیت، خود توفیق و پذیرش اصل «سازگاری» و قابلیت انطباق در شرایط نبرد است که در مفهوم این ویژگی از نظریه آشوب ذیل سازگاری پویا<sup>۵</sup> تعریف شده است.

- 
- 1 - Uncertainty
  - 2 - Unexpect
  - 3 - Initiative
  - 4 - Adaptation
  - 5 - Dynamic Adaptation

۳ - الگوها یا ترسیمات یا جاذبه‌های غریب<sup>۱</sup>: ترسیمات یا جاذبه‌های غریب، الگوهای منظمی هستند که از بی‌نظمی‌های جزئی به دست می‌آید. الگوهای منظم حاصل از بی‌نظمی‌های جزئی بر اثر تغییر در زاویه دید و جهت نگرش به پدیده‌ها است. هرچه دورنمایی موضوع وسیع‌تر و افق دید گسترده‌تر باشد یافتن ترسیمات غریب ممکن‌تر و قدرت پیش‌بینی بیشتر خواهد شد. (الوانی، همان)

ترسیمات عجیب یا جاذبه‌های غریب از تصاویر هندسی برگرفته که قوم «اینکا» در صحرای پرو حک کرده‌اند که اگر از نزدیک به آن‌ها نگاه کنیم نه منظمی را نشان می‌دهند و نه تصویر معنی‌داری را. اما اگر از آسمان و از راه دور به آن بنگریم تصاویر درختان؛ حیوانات و پرندگان را می‌بینیم. جاذبه‌های غریب در همه جا وجود دارند. همه آنچه را که ما در نظر اول بی‌نظم و آشوبناک می‌بینیم در درازمدت و با تکرار؛ الگوی منظمی از خود نشان می‌دهند. (persianblog)

ترسیمات یا جاذبه‌های<sup>۲</sup> غریب برخلاف ترسیمات قبلی که حاوی نوعی نظم با قابلیت پیش‌بینی و ادراک ساده بودند به شدت بی‌نظم هستند و به همین خاطر برخی آن‌ها را ترسیمات بی‌نظم نیز نامیده‌اند. البته باید توجه داشت که ترسیمات<sup>۳</sup> اشاره به الگوی هندسی دارد در حالی که بی‌نظمی دینامیکی حاکم بر اینگونه الگوها در مفهوم غریب و عجیب<sup>۴</sup> را مدنظر دارد و این دو با هم متفاوتند و از سویی دیگر باید توجه داشت ترسیمات بی‌نظم عجیب هستند، ممکن است، از این لحاظ جذاب به نظر برسند اما همه ترسیمات جذاب بی‌نظم نیستند. از این رو اصطلاح ترسیمات عجیب (بی‌نظم) برای این ویژگی صحیح‌تر می‌باشد تا

1 - Strange attractors

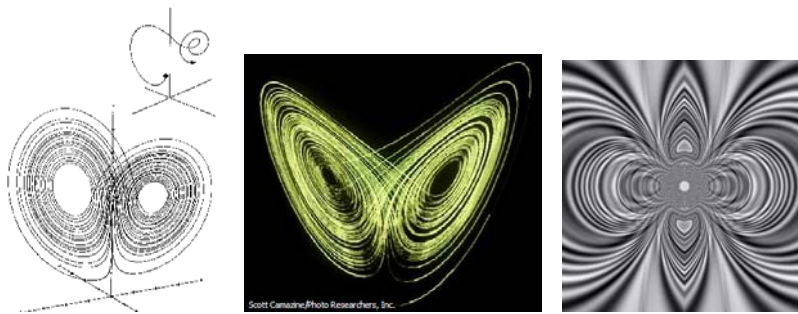
2 - Attracting - drawing

3 - Attractors

4 - Strange

اصطلاح جاذبه‌های غریب.

ترسیمات غریب بدون الگو نیستند و از الگوی خاصی پیروی می‌کنند و ارزش آن‌ها هم در همین الگو داشتن است این جاذبه‌ها دارای ویژگی‌های هندسی پیچیده‌ای هستند و دارای ابعاد غیرصحیح می‌باشند و مسیر آن‌ها به هم پیچیده؛ چند جهته و گسترده است. در جاذبه‌های غریب هر مسیری به ظاهر تکراری است ولی نه از یک نقطه مشابه بلکه هر مسیر برای خود مسیری جدید است. (شکل ۴)



شکل ۴ - ترسیمات یا جاذبه‌های غریب

این ویژگی مبین این نکته ظریف و حساس است که برای درک پدیده‌ها گاه لازم است از آن موضوع به جای نزدیکی و تقرب از آن فاصله بگیریم و تلاش نکنیم که برای درک و حل مسائل مدام از یک سو به موضوعات مشابه نگاه کنیم پدیده‌ها و حتی حوادث می‌توانند در نگاه دورتر مفهوم بهتر و زیباتری بیابند تلاش کنیم که از شکست‌ها با تغییر زاویه دید و نگرش خود پیروزی بسازیم چراکه فاصله تفاوت تهدید و فرصت به اندازه فاصله میان زاویه نگرستن ما به موضوعات مختلف است. واقعیت اشیا زاده نگاه ماست نه ماهیت آن‌ها. به یک

تعبیر ادبی «بگذار تا عظمت در نگاه تو باشد».

۴ - **خاصیت خودمانایی یا خودمانندی**<sup>۱</sup>: صفحه هولوگرام اگر بشکند در هر تکه همه خواص کل وجود دارد. از خاصیت خودمانایی هولوگرافیک می‌توان در سازماندهی جدید طراحی واحدهای کوچک که هر جز از آن به طور خودکار قادر به انجام وظایف سازمانی مشابه کل است، استفاده کرد. نتیجه خودمانایی، شکل‌گیری واحدهایی از سازمان‌ها با وظایف مضاعف و چندگانه ولی مستقل با انعطاف‌پذیری بالا است. این خاصیت خودمانایی وحدت‌بخش، جهت‌دهنده است که انسجام سازمان‌های رزم مستقل را به‌رغم تفاوت و اختلاف عملیاتی و اجرایی موجب می‌شود. مثل آنچه که در شکل مثلث‌های متناوب یا برف‌دانه کوخ می‌توان مشاهده کرد. (رجوع شود به شکل ۲) خودمانایی به صورت ریاضی به صورت یک سری توابع ریاضی قابل تکرار به شکل زیر بیان می‌شود (hypertextbook):

$$f(x) = \{x, f(x), f(f(x)), f(f(f(x))), \dots\}$$

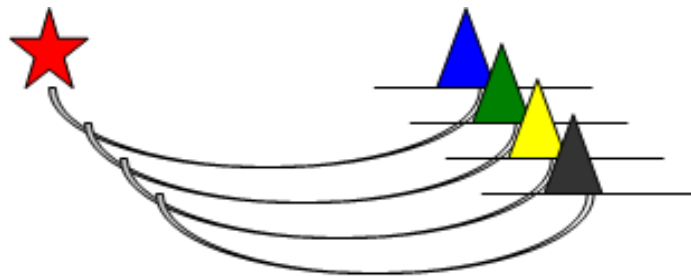
مطابق تئوری آشوب؛ نوعی شباهت بین اجزا و کل قابل تشخیص است. بدین ترتیب که هر جزیی از الگو، همانند و مشابه کل می‌باشند. از این خاصیت هندسه بر خالی یا فراکتال در سال ۱۹۷۵ توسط مندلبرت ریاضیدان و فیزیکدان فرانسوی لهستانی‌الاصل ارائه شد. خاصیت خودمانایی می‌تواند الگوی سازمان‌های یادگیرنده را در ایجاد سازمان‌های کوچک‌تر خوداتکا و هم‌چنین تشکیل گروه‌های رزمی مستقل را که در جنگ‌های ناهم‌تراز توصیه شده است را توجیه کند. ضمن آنکه سهم عمده‌ای از فریب نظامی در پدافند غیرعامل به کمک همین هندسه فراکتال یا برخالی میسر شده است.<sup>۲</sup>

1 - Self similarity

۲ - ر.ک به: پایان‌نامه «فریب نظامی»، مسعود مجیدی، دافوس آجا، ۱۳۸۵.

۵ - اصل هم‌پایانی<sup>۱</sup>: اصل هم‌پایانی، بیان‌کننده این حقیقت است که نیل به موفقیت لزوماً منوط به انتخاب یک مسیر با یک روش معین نیست. آغازین‌های متفاوت می‌تواند منجر به نتیجه یکسان گردد. (شکل ۵ - عملیات متفاوت در یک صحنه رزم می‌تواند ایجاد تأثیر و نتیجه یکسان نمایند و حتی می‌توان گفت که، حوادث متفاوت گذشته می‌تواند منجر به نتیجه مشابه در آینده گردد. «راهی برای بازنواخت و تکرار راه‌حل‌های تاکتیکی وجود ندارد.» (حبیبی، همان) این امر بدین دلیل است که تاکتیک نبرد نامتقارن بنابه اصول درگیری در فضای عدم تقارن، دارای ماهیتی غیرتکرار، بی‌نظیر و نامتشابه است. اتخاذ و بکارگیری هنر تاکتیک در شرایط عدم تقارن متکی بر چهاروجه به هم وابسته زیر است:

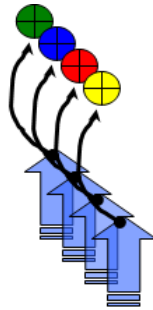
- برخورداری از خلاقیت و قابلیت انعطاف به عنوان ابزار تحقق مأموریت
- قدرت تصمیم‌گیری در شرایط ابهام‌آمیز به هنگام برخورد با دشمنی هوشمند
- ادراک و فهم حدود توانایی و ابعاد وجودی انسان
- شناخت تأثیر نبرد بر جنگاوران خودی



شکل ۵ - هم‌پایانی

1 - Equifinality

۶ - اصل هم‌آغازی<sup>۱</sup>: این اصل، بیان‌کننده این حقیقت است که آغاز عملیات مشابه لزوماً به نتیجه یکسان نمی‌انجامد و یک عمل دارای نتایج متفاوت است. (شکل ۶) نتایج تکرار یک عمل مشابه ضرورتاً یکسان نیست. تکرار عملیات مشابه می‌تواند در جنگ‌ها نتایج یکسان به بار نیاورد و حتی فراتر از آن گاه تکرار عملیات موفق گذشته می‌تواند سبب شکست در جنگ و یا نتیجه عملیات گردد.



شکل ۶ - هم‌آغازی

۷ - اصل هم‌افزایی<sup>۲</sup>: سیستم‌های ساده می‌توانند تأثیرات پیچیده ایجاد کنند.<sup>۳</sup> چراکه پدیده‌ها دارای یک ویژگی هم‌افزایی و ارتباط هم‌افزا (سینرژیک) فراتر از اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده خود هستند. کلیت یک سیستم بر اثر ترکیب عناصر ساده دارای کیفیت‌های تازه‌ای می‌شود که از مجموع عناصر انفرادی اجزای سیستم بیشتر است یعنی: ممکن است  $(2+2 > 4)$ . رویدادها و حوادث ظاهراً بی‌معنی و کم‌اهمیت روزمره در یک نیز اهمیت دارند تا آنجا که گاه ممکن

1 - Multi Finality

2 - Synergy

3 - Simple systems can produce complex results

است به نتایج غیرمنتظره بینجامد و حتی به سقوط یا انحطاط یک سازمان منجر شود. در بررسی رویدادها و فرایندها ارتباط این فرایندها را با اجزای یک سیستم که ورودی مشخص دارند این نکته را نباید نادیده گرفت که ممکن است سیستم‌ها دارای خروجی غیرعادی و شگفت‌انگیز باشند. طبیعی است که بازخوردها باید با توجه با این اصول مورد تحلیل قرار گیرند.

جنگ‌ها نیز براساس مطلوبیت‌های خودی و سازگار با عناصر تولید قدرت (رهبری، نیروهای مسلح، مردم، جغرافیا) می‌تواند در راستای تحقق راهبرد پیش رود به شرط آنکه عوامل تولید قدرت جدا از یکدیگر عمل نکنند بلکه باید هم‌افزا باشند.

### نتیجه‌گیری

- باید درون آشوب و بی‌نظمی دنبال نظم بود.
- ایجاد ساختارها و نظام‌های موقتی و مستقل از اهمیت زیادی برخوردار هستند.
- در سیستم‌ها یا سازمان‌های دفاعی پیچیده باید به رویکردهای ابتکاری و برنامه‌ریزی اقتضایی و انعطاف‌پذیر نسبت به تصمیم‌گیری خطی ثابت و دستوری توجه بیشتری نمود.
- به جای تمرکز بر تصمیم‌گیری بلندمدت، تصمیم‌گیری کوتاه مدت و انعطاف‌پذیر را با توجه به تغییرات شدید محیطی و عدم قطعیت مدنظر قرار داد.
- بهتر است تحول سازمان‌ها برای ایجاد ارزش‌ها و معیارهای جدید و متناسب با جهان پراشوب و پیچیده صورت پذیرد.
- مدیران و فرماندهان باید با اصول و مفاهیمی هم‌چون خود سازماندهی، سازمان‌های یادگیرنده، گروه‌های خودگردان، تواناسازی، سازمان‌های



- هوشمند و مدل‌های تصمیم‌گیری محیط پرآشوب مثل مدل ظرف اشغال و مدل تصمیم‌گیری نظریه تغییرات ناگهانی آشنا شوند.
- ساختارهای سلسله مراتبی در نظام‌هایی که دائماً در معرض تغییرات و بی‌نظمی هستند نیازمند تحول متناسب با تغییرات هستند.
  - طرح‌ریزی عملیاتی خطی و طولانی در صحنه‌های نبردی که پیش‌آمدها تصادفی و حوادث آن از منطق بی‌نظمی پیروی می‌کند فقط تلاش برای حرکت مستقیم و بدون انعطاف در یک مسیر پیچ‌درپیچ است.
  - مدیران و فرماندهان باید بیاموزند که رخدادها و تغییرات در ابتدای عملیات رزمی می‌تواند تأثیربخشی مضاعف داشته باشد و اثرات پروانه‌ای در خلق تأثیرات استراتژیک ایجاد نمایند.
  - فرماندهان باید با توجه به اصل هم‌آغازی و هم‌پایانی به روش‌های متفاوت در حصول به هدف بیندیشند و در انجام عملیات مشابه انتظار یکسان نداشته باشند.

## منابع

- ۱ - السن، جان اندریس (۱۳۸۴)، جنگ نامتقارن، گروه مترجمین، ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.
- ۲ - الوانی، سیدمهدی، دانایی فرد، حسن، (۱۳۸۴)، تئوری نظم در بی نظمی و مدیریت، تهران، انتشارات صفار.
- ۳ - حبیبی، نیک‌بخش، (۱۳۸۶)، مفهوم‌شناسی نبرد ناهم‌تراز، انتشارات دانشگاه هوایی، تهران.
- ۴ - فقهی فرهمند، ناصر، (۱۳۸۱)، مدیریت پویای سازمان، تبریز، انتشارات فروزش.
- ۵ - مرادیان، محسن، تئوری آشوب و امنیت غیرخطی، ماهنامه نگرش راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال هشتم شماره ۸۱ و ۸۲ تیر و مرداد ۸۶.
- ۶ - هی، تونی و والترز، پاتریک (۱۳۸۵)، جهان کوانتومی نوین، ترجمه محمدرضا محجوب، انتشارات حریر، تهران.
- 7 - Kevin J. Dooley and Timothy L. Johnson , TQM, Chaos and Complexity , Department of Mechanical Engineering, University of Minnesota
- 8 - Ancker, Colonel Clinton J., Doctrine for Asymmetric Warfare MILITARY REVIEW 1 July -August 2003
- 9 - Glceik, James, Chaos making new science , 1987
- 10 - Microsoft ® Encarta ® 2008. © 1993-2007 Microsoft Corporation.
- 11 - <http://cph-theory.persiangig.ir/1379-theoryashoftegi.htm>
- 12 - <http://www.administer85.blogfa.com/8510.aspx>
- 13 - <http://cph-theory.persiangig.ir/quantum.htm>
- 14 - [http://mcgoodwin.net/pages/otherbooks/jg\\_chaos.html](http://mcgoodwin.net/pages/otherbooks/jg_chaos.html)
- 15 - <http://sprott.physics.wisc.edu/fractals/booktext/sabook.htm>

- 16 - [http://www.mountainman.com.au/chaos\\_03.htm](http://www.mountainman.com.au/chaos_03.htm)
- 17 - <http://sprott.physics.wisc.edu/fractals/chaos/>
- 18 - <http://www.decide-guide.com/garbage-can-decision-model.html>
- 19 - <http://hypertextbook.com/chaos/>
- 20 - <http://hmsc.oregonstate.edu/visitor/vcexhibits/chaos.html>
- 21 - <http://library.thinkquest.org/3120/index.html>
- 22 - <http://persianblog.com/amirengineer>
- 23 - <http://www.educery.com/papers/educer/thom.htm>



## جنگ‌های بیولوژیکی در بخش کشاورزی و چگونگی مقابله

آیژ عزمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۲۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۲/۱۳

صفحات مقاله: ۱۰۱-۱۲۱

### چکیده

جنگ بیولوژیکی که به نام جنگ میکروبی، اسلحه‌های بیولوژیکی و اسلحه‌های زیستی معروف است، به معنای استفاده از پاتوژن‌هایی (از قبیل باکتری، ویروس یا دیگر موجودات بیماری‌زایی) است که به عنوان اسلحه در جنگ به کار می‌رود. جنگ بیولوژیک می‌تواند محصولات را نابود کرده و باعث مرگ میلیون‌ها نفر از گرسنگی شود. بسیار مهم است که ما در برابر حملات احتمالی آماده باشیم تا بتوانیم از میزان خسارت‌ها و قربانیان حادثه بکاهیم. بنابراین در این مقاله جنگ‌های بیولوژیک علیه محصولات کشاورزی مطالعه شده و راه‌های مبارزه با آن بررسی می‌شود. روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای بوده است. سؤال مطرح این است که چرا باید ایران به جنگ بیولوژیکی توجه داشته باشد؟ جواب ممکن این است که: (۱) ایران جمعیت زیادی دارد (بالغ بر ۷۱ میلیون نفر) و لذا این امر موجب حساسیت بخش کشاورزی در ایران می‌شود. (۲) ایران دشمنان زیادی دارد که می‌توانند برای کشور خطرآفرین باشند. (۳) بخش کشاورزی سهم بالایی از اشتغال را به خود اختصاص داده و بیکاری چالش مهم در کشور است که سبب می‌شود این بخش از اهمیت بالایی برخوردار باشد. شاید بتوان بخش کشاورزی را به نوعی «چشم اسفندیار» کشور دانست.

## کلید واژگان

جنگ بیولوژیک، بخش کشاورزی، پاتوژن، استقلال

### مقدمه

گروه‌های تروریستی و دولت‌های تروریستی بزرگ‌ترین مشکل امروز جهان هستند. رهبران جاه‌طلبی که تمایل به رهبری و سلطه بر جهان دارند، به عنوان یک خطر بالقوه برای بشریت محسوب می‌شوند. کشورهای زیر نفوذ این گونه رهبران، دانش و فناوری کمی در اختیار داشته و لذا به سمت تروریسم و تولید سلاح‌های بیولوژیک گام برمی‌دارند، چراکه ساخت سلاح‌های بیولوژیک ساده‌تر از تولید تجهیزات پیشرفته نظامی است.

ایران کشوری است که در میان این گونه رهبران جاه‌طلب قرار گرفته است. این کشورها از دموکراسی بهره‌ای نبرده و رهبران جاه‌طلب دارند. برخی دارای رهبران مذهبی رادیکال بوده و لذا یک خطر جدی برای ایران به شمار می‌آیند. لذا ضرورت دارد که در برابر حملات احتمالی بیولوژیکی این قبیل کشورها آمادگی وجود داشته باشد. از بین این قبیل سلاح‌ها سلاح‌هایی وجود دارند که به محصولات کشاورزی حمله می‌کنند. این تصور در بسیاری از کشورها وجود دارد که مواد غذایی با توجه به رشد روز افزون جمعیت در ایران، یک پاشنه آشیلی برای اقتصاد به شمار می‌رود، و صدمه به این بخش، کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا سؤالات این تحقیق عبارتند از:

- ۱ - مفهوم جنگ بیولوژیک چیست؟
- ۲ - مفهوم جنگ‌های بیولوژیک علیه محصولات کشاورزی چیست؟
- ۳ - نقاط ضعف کشور در مقابله با جنگ‌های کشاورزی چیست؟
- ۴ - راه‌حل‌های افزایش ایمنی در برابر حملات علیه بخش کشاورزی چه می‌باشند؟

## روش تحقیق

روش این تحقیق، کتابخان‌های بوده و سعی گردیده تا از منابع متنوع داخلی و خارجی برای بررسی اطلاعات و تحلیل آن‌ها استفاده شود.

## مفهوم جنگ بیولوژیک

تعریف تروریسم عبارت از تحمیل عقیده و تثبیت حاکمیت به وسیله ایجاد وحشت و کشتار مردم به هر وسیله ممکن است. بیوتروریسم را می‌توان تحت عنوان رهایی بین‌المللی یا آزادسازی مخاطره‌آمیز ارگانیسم‌های زنده ایجاد کننده بیماری یا مواد فعال بیولوژیکی ناشی از ارگانیسم‌ها با هدف ایجاد مرگ، بیماری، بی‌ظرفیتی، رعب و وحشت و صدمات اقتصادی تعریف نمود. عوامل بیولوژیکی انواع مختلفی دارند، شامل: باکتری‌ها، ویروس‌ها، قارچ‌ها، عوامل ژنتیکی تغییر یافته، عوامل عفونی پیشرفته، واکسن یا ارگانیسم‌های مقاوم چند دارویی و سمومی که ناشی از ارگانیسم‌هایی که مشابه عوامل شیمیایی هستند، می‌گردد. (موسوی و همکاران، ۱۳۸۶)

عامل جنگ بیولوژیک باکتری‌ها، نظیر آنتراکس، تیفوس، ویروس‌ها هستند که می‌توانند باعث بیماری‌هایی هم‌چون آنسفالیت، قارچ‌های همون بلاست برنج، زنگ غلات، سیاهک گندم و زنگ سیب‌زمینی شود، هم‌چنین بیماری‌هایی هم‌چون بوتولیسم سبب فلجی در انسان‌ها می‌شود. تاریخ جنگ‌های بیولوژیکی به دوران باستان برمی‌گردد. در آن زمان تلاش می‌شد که سربازان دشمن را با مواد فاسد شدنی یا سمی بیمار نمایند، هم‌چنین با بیمار کردن اسب‌ها، دام‌ها و شیوع بیماری‌های واگیردار دشمن را فلج نمایند. (Encyclopedia Britanica, 2005)

## تاریخچه جنگ بیولوژیک

سابقه کاربرد عوامل بیولوژیک در جنگ و عملیات بیوتروریستی به قرن سوم تا ششم قبل از میلاد مسیح برمی گردد. از همان ایام مشخص شد که این نوع عوامل به مقدار زیادی قابل دسترس، خاموش و پنهان از دید هستند. از سال‌های بسیار دور مشخص شده بود که عوامل بیولوژیک و توکسینی حتی در مقادیر میکروگرم خاصیت کشندگی و ناتوان‌سازی دارند. تنفس مقادیر کم این عوامل موجب ابتلای درصد بالایی از جمعیت می‌شود، لذا جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم یکی از انواع مرگ دسته جمعی و یک تهدید بالقوه و بالفعل است، هر چند که طی دهه آخر قرن بیستم، واژه‌های مرتبط با آن نظیر حمله بیولوژیک، جنگ‌افزار بیولوژیک، دفاع بیولوژیک و آموزش دفاع بیولوژیک برای اولین بار به فرهنگ واژه‌های پزشکی و بهداشت، افزوده شد، ولی حقیقت آن است که استفاده از عوامل بیولوژیک به شکل‌های مختلف در طول جنگ‌های تاریخ اتفاق افتاده است. مثلاً در قرن چهاردهم میلادی نیروهای مهاجم تاتار با پرتاب اجساد قربانیان طاعونی به درون شهر کافا<sup>۱</sup> (شهری در شبه جزیره کریمه) باعث ابتلا و مرگ تعداد زیادی مردم شهر شدند، یا طی سال‌های ۱۷۶۷-۱۷۵۴ در حمله فرانسوی‌ها به سرخپوستان بومی آمریکا، نیروهای انگلستان با چهره‌ای ظاهراً بشردوستانه به کمک سرخپوستان بومی برخاستند و با اهدای ملحفه، دستمال و پارچه‌های آغشته به ویروس آبله عده زیادی را به کام بیماری و مرگ کشاندند، یا ژاپن در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۲ در شهر منچوری چین، محیط‌های کشت عوامل میکروبی را به صورت افشانه به سوی خانه‌های مسکونی پرتاب، یا به وسیله هواپیماهای نظامی به سوی آن‌ها شلیک کرد. حتی در حملات هوایی خود

1 - Kaffa



هر بار حدود پانزده میلیون کک آلوده به باسیل طاعون را به سوی مردم آن کشور روان کرد. در حال حاضر نیز، بیشتر کشورهای صنعتی جهان و در رأس آن‌ها روسیه، آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن و کانادا انواع سلاح‌های بیولوژیک را تولید و گاهی نیز از آن‌ها استفاده کرده‌اند. (عمادی، ۱۳۸۶/۴/۹: ۱۲)

به دنبال وحشتی که از کاربرد این عوامل بیماری‌زا در جهان به وجود آمده بود، در جنگ جهانی اول پروتوکل ژنو<sup>۱</sup> (سال ۱۹۲۵) برای جلوگیری از کاربرد این مواد بسته شد. اما این پروتکل مانع از استفاده ژاپن از مواد بیولوژیک علیه چین نشد. در جنگ سرد، شوروی و آمریکا به همراه متحدانشان به تولید و انباشت سلاح‌های بیولوژیک اقدام کردند. دو طرف در سال ۱۹۷۲ معاهده‌ای را امضا نمودند که طی آن متحد شدند که از تولید، تکثیر یا فروش و توسعه این سلاح‌ها و مواد مورد نیاز این گونه تسهیلات جلوگیری نمایند. با این همه، شوروی تا دهه ۱۹۹۰ به طور مخفیانه تولید این سلاح‌ها را ادامه داد. یک مشکل این گونه سلاح‌ها در این است که به راحتی می‌توانند از دید مخفی بمانند، چنانچه از سال ۱۹۷۲ هیچ گزارشی از تهیه این مواد بیولوژیکی ارابه نشد. با تمامی این مسایل گفته شده، آمادگی کشورها در برابر این گونه حملات ضرورت است. این آمادگی می‌تواند شامل تولید پادتن‌ها، واکسینه کردن، تولید ماسک‌ها و حتی افزایش آگاهی مردم باشد. (Encyclopedia Britanica, 2005)

دولت انگلیس و برخی کشورهای غربی فشارهای زیادی را به سازمان بهداشت جهانی وارد نمودند تا اطمینان حاصل شود که آمادگی‌های لازم در برابر این گونه حملات وجود دارد، بالاخص که تولید این گونه سلاح‌ها ساده بوده و در مقابل مبارزه با حجم گسترده آن سخت می‌باشد. (Derek, 2001)

---

1 - Geneva Protocol

- از نکات برجسته این تاریخچه می‌توان موارد زیر را متذکر شد:
- ۱- کاربرد عوامل بیولوژیک حداقل به ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد.
  - ۲- براساس اسناد و شواهد، کاربرد گسترده عوامل بیولوژیک (عوامل زنده و سموم) در مخاصمات مهم بین‌المللی در سطح وسیعی به اثبات نرسیده است.
  - ۳- برنامه‌های بیولوژیک شامل تحقیق توسعه سیستم‌های رهاسازی و ذخیره عوامل از برنامه‌های ملی و عمومی در اکثر کشورهای صنعتی و حتی در کشورهای در حال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم می‌باشد.
  - ۴- پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و کنوانسیون ۱۹۷۲ نقش مهمی در ممانعت از کاربرد عوامل بیولوژیک در جنگ‌ها و سیستم‌های ملی کشورها دارد.
  - ۵- امضاء معاهدات بین‌المللی جنگ‌های بیولوژیک، ضرورتاً از کاربرد یا تهدید به کاربرد عوامل در مخاصمات، جلوگیری نمی‌نماید.
  - ۶- کاربرد عوامل میکروبی در جنگ یا عملیات خرابکاری بیولوژیک پایه‌پای پیشرفت در پزشکی و بیوتکنولوژی پزشکی، توسعه یافته است.
  - ۷- احتمال استفاده از عوامل میکروبی چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح توسط کشورها، گروه‌ها و حتی افراد روزبه‌روز قوت بیشتری می‌گیرد. (Encyclopedia Britanica, 2005)

### اهمیت بخش کشاورزی

- شاید یک سؤال کلی‌دی این باشد که اهمیت بخش کشاورزی در چیست که تهدید آن تا این حد حساس می‌باشد. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌شود:
- اشتغال‌زایی بخش کشاورزی: جمعیت ایران دارای رشد زیادی (در حد ۱/۵ درصد) است که ایجاد این اشتغال با توجه به ورود بخش عظیمی از

این جمعیت فعال ضرورت دارد.

- سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی: در گذشته و تا حدی امروز بخش کشاورزی سهم قابل توجهی از تولید ناخالص ملی را بر عهده داشته است لذا در درآمد کشور نقش پررنگی پیدا نموده است.
- تأمین نیاز مصرفی جمعیت کشور: مهم‌ترین نیازهای جمعیت، خوراک و مواد غذایی می‌باشد که در پرتو تغذیه کافی، جمعیت توان کاری و فکری بهتری کسب نموده و قدرت بیشتری را در زمینه کار و تلاش دارا خواهد بود.
- کسب پشتوانه ارزی برای کشور: هر کشوری برای تأمین نیازهای وارداتی نیاز به ارز دارد که در طول تاریخ این وظیفه بعد از نفت بر عهده کشاورزی بوده است. (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴)

### جنگ بیولوژیکی در بخش محصولات کشاورزی

اولین استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در بخش محصولات کشاورزی در عصر حاضر، در جنگ جهانی اول، زمانی اتفاق افتاد که آلمان‌ها در ایالات متحده، آرژانتین، فرانسه، بین‌النهرین، اسپانیا و نروژ در صدد خرابکاری برآمدند. ارتش آلمان امکانات بالقوه تولید سلاح‌های بیولوژیک در بخش محصولات کشاورزی را علی‌رغم قانون منع آن‌ها که در سال ۱۹۴۲ تصویب شده بود، افزایش داد. دولت فرانسه نیز برنامه‌هایی را با محوریت تولید سوسک سیب‌زمینی به منظور فلج کردن این کشور، با نابودی غذای اصلی آن، طرح‌ریزی نمود. در سال ۱۹۳۹ فرانسه روش‌هایی را به منظور تکثیر این سوسک پیدا نمود. دولت عراق بویژه در قبل جنگ خلیج فارس برنامه‌هایی را بدین منظور به اجرا درآورد. (Derek, 2001)

برنامه‌های حمله به حیوانات اهلی به عنوان یک منبع غذایی انسانی از جمله این اهداف است. در جنگ جهانی اول دولت آلمان برنامه‌های گسترده‌ای را برای حمله به

اسب‌ها به عنوان نیروی محرکه ارتش تدارک دید. دولت انگلیس طرح‌هایی را برای حمله به کشور آلمان با تولید قرص‌های آنتراکس<sup>۱</sup> جهت حمله به گاوهای آلمانی تدارک دید که هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفت. (tagate.com, 2006)

در کل سلاح‌های بیولوژیک دارای خصوصیات زیر هستند که موجب شده، کاربرد گسترده‌ای پیدا کنند:

- سادگی تولید
- سهولت انتشار
- دز پایین برای آلودگی
- دوره کوتاه نهفتگی
- تشخیص مشکل آن در مراحل اولیه
- آلودگی بالا
- چرخه زندگی کوتاه
- پایداری در محیط
- معالجه محدود
- فقدان مقاومت‌های ژنتیکی (Schoelz, 2003)

### مهندسی ژنتیک و جنگ افزار بیولوژیک

تمام تلاش‌های بشر برای توسعه سلاح‌های بیولوژیکی تحت تأثیر دانش ژنتیک قرار گرفته، به شکلی که تمرکز این دانش بر افزایش قدرت تهاجمی این سلاح‌ها متمرکز بوده است. مهندسی ژنتیک به معنای انتقال مواد ژنتیکی بین گونه‌ها بوده که منجر به تغییر خصوصیات ارگانیسم‌ها می‌شود. دانش ژنتیک در موارد زیر می‌تواند به

---

1 - Anthrax

سلاح‌های بیولوژیک کمک کند. (Polden-Puckham Charitable Foundation):

- تسهیل تولید مواد سمی در مقیاس گسترده
- تولید ارگانسیم‌هایی که با انتقال ژن موجب ایجاد بیماری‌های گیاهی و حیوانی در مقیاس وسیع شوند.
- ایجاد عوامل بیماری‌زای مقاوم به سیستم ایمنی یا سموم ضدآفت
- ایجاد محصولات گیاهی و حیوانی سمی (Dasilva, 1999)

### تروریسم کشاورزی

تروریسم کشاورزی تلاشی برای تخریب صنعت کشاورزی یا ذخایر موجود کشاورزی است (اعم از فرآوری، ذخیره‌سازی و حمل‌ونقل). در این رابطه سناریوهای زیر مطرح است:

- شیمیایی: از طریق انتشار عامل بیماری‌زا بر محصولات کشاورزی
  - بیولوژیکی: با انتشار موادی سمی برای نابودی محصولات کشاورزی
  - در این رابطه عواملی که قابلیت تبدیل یک سلاح بیولوژیک را دارند باید خصوصیات زیر را داشته باشند:
  - از نظر اقتصادی کم هزینه باشد.
  - به سهولت منتشر شود.
  - قابلیت صدمه و آسیب بالایی را داشته باشد.
  - بتواند بر روی اقتصاد اثر منفی داشته باشد. (Schoelz, 2003)
- تروریسم زراعی اهداف زیر را دارد:
- ایجاد ترس و وحشت عمومی
  - اضمحلال اقتصاد
  - صدمه بر توان صادراتی
  - افزایش مرگ و میر

ترس یک فاکتور مهم در تروریسم زراعی است. اما باید توجه داشت که مهم‌ترین نگرانی در مواجهه با حملات بیوتروریسم، تخریب توان صادراتی و تولید است. (Schoelz, 2003)

### ویژگی‌های یک حمله بیولوژیک به بخش کشاورزی در مقایسه با سایر یورش‌ها

- این ویژگی‌ها به شرح زیر است:
- عوامل بیولوژیک خطری برای افراد و دست‌اندرکاران پژوهش، تکثیر، تولید، انباشت و پخش ندارند.
- تهیه سلاح بیولوژیک از این عوامل، احتیاج به فناوری‌های پیچیده و غیرقابل دسترس ندارد.
- تولید یک سلاح بیولوژیک ضدکشاورزی در مقایسه با سایر سلاح‌ها بسیار ارزان‌تر و آسان‌تر است.
- هدف‌های مورد حمله بی‌دفاع و آسیب‌پذیرند.
- نبود موانع مهم اخلاقی در انجام این گونه عملیات.
- نبود هم‌بستگی الزامی بین دستیابی به حداکثر نتیجه و گستره آلودگی.
- عدم کشف سریع عملیات.
- امکان آلوده کردن هدف بدون حضور در آن منطقه.
- وارد نکردن صدمات جانی به انسان‌ها. (علیزاده، ۱۳۷۵)

### چشم انداز خاورمیانه در جنگ‌های بیولوژیکی

منطقه خاورمیانه یک منطقه حساس می‌باشد که این حساسیت به خاطر درگیری‌ها و کشمکش‌های فراوانی است که در آن وجود دارد. وجود حکومت‌های خودکامه و بعضاً افراطی و جاه‌طلب یک نگرانی عمده برای وقوع این قبیل جنگ‌ها است. در این رابطه سناریوهای زیر مطرح هستند:

- جنگ دولت‌ها و رژیم‌ها با یکدیگر در مقیاس وسیع برای افزایش توان بقا و تقویت رژیم خود. نمونه آن را می‌توان به جنگ ایران و عراق اشاره نمود که در دهه ۱۹۸۰ صورت گرفت.
  - جنگ محدود بین دولت‌ها که با هدف کشورگشایی نیست، نظیر احتمال جنگی بین سوریه و ترکیه یا حتی ایران و افغانستان.
  - درگیری یک کشور با یکی از متحدان آمریکا نظیر لیبی با مصر یا دیگر کشورهای عربی و یا ایران با کشورهای خلیج فارس.
  - مقابله جنبش‌های مخالف رژیم و یا آزادی‌بخش و گروه‌های تروریستی در کشورهایی هم‌چون عراق، الجزایر، ایران، بحرین و ... (Eric)
- هر یک از این سناریوها ممکن است که منجر به یک جنگ بیولوژیکی بشوند. گروه‌های تروریستی که علیه دولت ایران فعالیت می‌کنند، رژیم‌های خودکامه همسایه و یا متحدان آمریکا و یا گروه‌های افراطی مذهبی و... از جمله این خطرات برای ایران هستند.

### وضعیت ایران در مواجهه با جنگ‌های بیولوژیکی علیه محصولات کشاورزی

- یک سؤال کلیدی این است که چرا باید در برابر سلاح‌های بیولوژیکی آماده باشیم؟ پاسخ این است که:
- ایران جمعیت زیادی دارد (حدود ۷۱ میلیون نفر) و لذا کشور به حملات بیولوژیکی بالاخص به بخش کشاورزی حساس است.
  - ایران دشمنان بالقوه زیادی دارد.
  - بخش زیادی از نیروی کار کشور در بخش کشاورزی فعال هستند.
  - با توجه به تحریم ایران، صدمه به بخش کشاورزی به سختی توسط واردات می‌تواند جبران شود.
- نقاط ضعف کشور در مواجهه با حملات تروریستی زراعی عبارتند از:

- گمرک: نظارت قوی و سیستم‌های تشخیص مناسب در گمرکات کشور مهیا نیست.
- مردم دانش کافی درباره چگونگی مقابله با این حملات را ندارند.
- سیستم اخطار سراسری در برابر این گونه حملات وجود ندارد.
- دانش کم در میان کشاورزان وجود دارد.
- سرمایه‌گذاری لازم در این باره صورت نگرفته است.
- تحقیقات کمی در کشور در چگونگی شناخت و مبارزه با حملات صورت گرفته است.
- مسئولان بخش کمی از توجه خود را به این مسئله معطوف نموده‌اند.
- زیرساخت‌های لازم برای مقابله وجود ندارد.

### زیان‌های وارده از یک حمله بیولوژیک علیه محصولات کشاورزی

زیان‌هایی را که در اثر حمله بیولوژیک به محصولات کشاورزی یک کشور وارد می‌شود، می‌توان به دو گروه زیان‌های مستقیم و غیرمستقیم دسته‌بندی کرد. منظور از زیان‌های مستقیم ناشی از یک حمله بیولوژیک، کاهش کیفیت و کمیت محصول، همراه با هزینه‌های مهار و یا ریشه‌کنی عامل آن است. زیان‌های غیرمستقیم که البته شدیدتر است، صدمه خوردن تجارت کشور بر اثر ایجاد بدبینی می‌باشد که می‌تواند بحران‌های وسیعی ایجاد کند. (علیزاده، ۱۳۷۵)

### کنترل و نظارت و سیستم‌های مقابله و واکنش

- ایجاد سیستم‌های هشدار دهنده لیزری و صوتی به منظور تشخیص عوامل آلوده (taget.com, 2006)
- ارتقا سیستم‌های واکنش در برابر حملات احتمالی (DaSilva, 1999)
- تلاش بین‌المللی برای تقویت قراردادهای بین‌المللی منع اشاعه و تولید این



- سلاح‌ها که در این زمینه اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:
- برگزاری جلسات لازم برای ارایه پیش‌نویس‌های قانونی و تصویب و موافقت کلیه اعضا با مواد این پیش‌نویس‌ها دایر بر ممنوعیت کاربرد این سلاح‌ها
- ایجاد کمیته ناظر بر عملکرد اعضا در زمینه چگونگی عملکرد آنها در جهت مقابله این این گونه سلاح‌ها.
- ادامه و گسترش مذاکرات تا رسیدن به یک نتیجه نهایی.
- ایجاد ضمانت اجرایی جهت انجام معاهده‌نامه توسط اعضا. (Crowly, 2001)

### تحلیل ریسک و ارایه یک مدل درباره جنگ بیولوژیک زراعی

یک پاتوژن<sup>۱</sup> برای اینکه به صورت یک تهدید مطرح شود باید یک سری ویژگی‌هایی داشته باشد. این ویژگی‌ها را براساس تحقیقات تجربی مختلف به صورت مدل زیر می‌توان ارایه داد:

$$R = A \times E \times S \times H \times (1 - C) \quad (\text{Madden, 2003: 155-76})$$

در این مدل R ریسک پاتوژن X است.

۱ - «A» به انگیزه تولید کننده و میزان توانایی در تولید واکنش‌های آن برمی‌گردد. دیگر آنکه چقدر تولید، پرورش و ذخیره پاتوژن ساده می‌باشد.

۲ - «E» به این مسئله برمی‌گردد که پاتوژن چگونه در محیط سازگار می‌شود. به عبارتی چرخه زندگی و تولید و تکثیر پاتوژن چگونه است و در فصول مختلف به چه شکل عمل می‌کند؟

۳ - «S» به میزان انتشار آن بستگی دارد. به عبارتی چه سطح گسترده‌ای را

---

1 - Pathogen

پاتوژن می‌تواند آلوده کند؟

۴ - «H» به میزان قابلیت پاتوژن در ایجاد خسارت و صدمه به بازار و

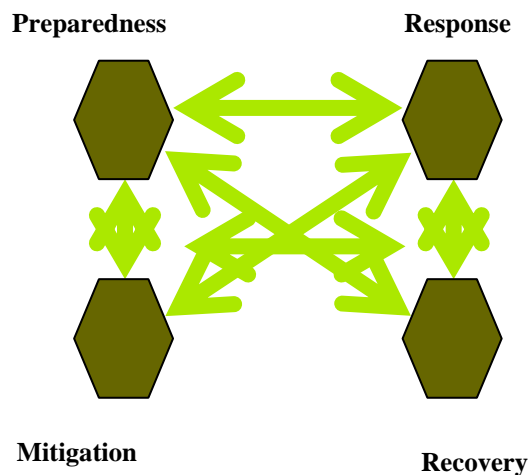
تجارت بر می‌گردد. به عبارتی چقدر هزینه می‌تواند پدید آورد؟

۵ - «C» به میزان توانایی به کنترل درآوردن و مهار بیماری ایجاد شده بر

می‌گردد. (Madden, 2003: 155-76)

### مدیریت واکنش در برابر حملات بیولوژیک در بخش کشاورزی

مدیریت واکنش در برابر حملات بیولوژیک در بخش کشاورزی شامل آمادگی، پاسخ و واکنش، تسکین و کاهش اثرات حمله احتمالی و بازگشت به وضعیت عادی می‌شود. این مدیریت شامل کلیه مواردی است که افراد و سازمان‌ها باید انجام دهند تا آمادگی لازم جهت مبارزه و کاهش حملات احتمالی ایجاد شود. این مؤلفه‌ها می‌توانند قبل و بعد از حمله را دربرگیرد. در شکل ۱ - این چهار مؤلفه مشخص شده‌اند.



شکل ۱ - مؤلفه‌های مدیریت مقابله با تروریسم زراعی (Evan)

**آمادگی:** شامل فعالیت‌هایی است که افراد را برای واکنش احتمالی در برابر حملات آماده می‌کند.

**واکنش:** شامل پاسخ مناسب به مخاطرات و حملات است.

**ترمیم و بازیابی:** شامل یک عملیات بلند مدتی است که سبب می‌شود که اجتماع به حالت عادی خود برگردد.

**تخفیف:** شامل مجموعه راهبردهایی که سبب کاهش و یا حذف خطرات می‌شود.

برای تسهیل شناسایی سریع حملات بیولوژیکی، تمامی پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی همانند کارکنان بخش بهداشتی و پزشکی کشور حداقل باید از مهارت‌های پایه‌ای همه‌گیر شناختی برخوردار و آگاه باشند. هرگونه شیوع کوچک یا گسترده بیماری‌ها باید به عنوان یک حمله بیولوژیکی در نظر گرفته شود. این بررسی اولیه نباید وقت‌گیر بوده یا نیازمند اجرای قوانین جدید باشد. به منظور تعیین هر چیزی که به نظر غیر معمول بوده و به بیوتروریسم اشاره دارد باید به وقایع احاطه کننده شیوع نظر افکند. (جهانی، ۱۳۸۵)

برای مقابله با وقوع یک حمله بیولوژیکی باید آگاهی و آمادگی عموم افراد افزایش یابد که این افزایش شامل آموزش تمام نیروهای نظامی و انتظامی و پرسنل پزشکی و بویژه ارائه دهندگان خدمات اولیه و پرسنل اورژانس است. آموزش باید اصول اپیدمیولوژیک و اطلاعات راجع به تشخیص و مقابله با عواملی که بیشترین میزان تهدید را اعمال می‌کنند، شامل شود. آموزش باید برای تعیین به روز بودن مهارت‌ها به طور دوره‌ای تجدید شود. بهبود تلاش‌های پیگیرانه باید تا حد ممکن به جمع‌آوری واقعی داده‌ها نزدیک باشند. (همان)

### دفاع بیولوژیکی

دفاع در جنگ بیولوژیکی دشوار و پراهمیت است و بسیار بعید به نظر می‌رسد که حتی در کشورهای بسیار پیشرفته نیز راه‌حلی فوری برای حل این

مشکل یافت گردد. از پیچیده‌ترین مسائلی که این نوع دفاع با آن روبه‌رو است، ضرورت سرعت در شناسایی عامل، تعیین نوع بیماری یا ویروسی مهاجم است. شناسایی عوامل بیولوژیک کاری بس دشوار است، زیرا از راه حواس پنجگانه به سختی قابل تشخیص‌اند و از آنجا که بر اشخاص تأثیری کند دارند، نمی‌توان به سادگی دریافت که تهاجم منشأ بیولوژیکی داشته یا خیر. دوران پرورش عوامل بیولوژیکی متفاوت است و عوارض بیماری تنها در پایان دوره آشکار می‌گردد. حتی ابزارهای شناسایی میکروسکوپی نیز برای ارائه نتیجه تحلیل و تعیین نوع عامل و نوع بیماری که تولید می‌کند، نیازمند چندین روز وقت است.

در حال حاضر، دو دستگاه برای شناسایی عوامل بیولوژیکی وجود دارد، یکی برای تحلیل حجم ذرات و دیگری برای تحلیل خود ذره - به منظور تمیز میان مواد پروتئینی یا آلی - هم‌چنین یک دستگاه پیشرفته انگلیسی وجود دارد که به منظور شناخت ابرهای بیولوژیکی پرتاب شده به وسیله تابش اشعه لیزر استفاده می‌شود. امید می‌رود که ارتباط میان علامت‌های هشدار دهنده این تجهیزات و میان دیگر تدابیر و بویژه فعالیت‌های مراقبت و دیده‌بانی، راه مناسبی را برای آگاهی از وقوع تهاجم مشخص کند؛ و یا دست‌کم در مناطق واقع در جهت باد، تدابیر احتیاطی مناسب را انجام دهند.

چنانچه در جایی ویروسی انتشار یافت، شایسته است که درباره شناسایی منبع و تعیین علت آن تفحص شود و چنانچه وجود علل طبیعی منتفی بود در آن صورت ممکن است تهاجم بیولوژیکی صورت گرفته باشد؛ و این خود هشدار است برای امکان انجام حمله‌های دیگر. (الایوبی، ۱۳۸۷)

### اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل

پدافند غیرعامل<sup>۱</sup> مجموعه اقداماتی است که انجام می‌شود تا در صورت بروز جنگ، خسارات احتمالی به حداقل میزان خود برسد. به بیان دیگر، به هر اقدام غیرمسلحانه‌ای که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تأسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن گردد، پدافند غیرعامل گفته می‌شود. هدف از اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل کاستن از آسیب‌پذیری نیرویی، تأسیسات، تجهیزات حیاتی، حساس و مهم کشور علی‌رغم حملات خصمانه و مخرب دشمن و استمرار فعالیت‌ها، خدمات زیربنایی، تأمین نیازهای حیاتی و تداوم اداره کشور در شرایط بحرانی ناشی از جنگ است. (همشهری، ۲۸ خرداد ۱۳۸۸)

اهمیت پدافند غیرعامل در واقع به مجموعه تمهیدات، اقدامات و طرح‌هایی است که با استفاده از ابزار، شرایط و حتی‌المقدور بدون نیاز به نیروی انسانی به صورت خوداتکا صورت گیرد. چنین اقداماتی از یک سو توان دفاعی مجموعه را در زمان بحران افزایش داده و از سوی دیگر پیامدهای بحران را کاهش و امکان بازسازی مناطق آسیب دیده را با کم‌ترین هزینه فراهم می‌سازد. در حقیقت، طرح‌های پدافند غیرعامل قبل از انجام مراحل تهاجم و در زمان صلح تهیه و اجرا می‌گردد. با توجه به فرصتی که در زمان صلح برای تهیه چنین طرح‌هایی وجود دارد، ضروری است این قبیل تمهیدات در متن طراحی‌ها لحاظ گردند. به‌کارگیری تمهیدات و ملاحظات پدافند غیرعامل علاوه بر کاهش شدید هزینه‌ها، کارایی دفاعی طرح‌ها، اهداف و پروژه‌ها را در زمان تهاجم دشمن افزایش خواهد داد. محورهای کلان تأثیرگذار بر پدافند غیرعامل در سطح ملی شامل موارد ذیل می‌باشد: (وبسایت پدافند غیرعامل، ۱۳۸۸)

---

1 - Passive Defense

- حوزه حمل و نقل و ارتباطات
- حوزه دارو، غذا، آب و بازیابی نیروی انسانی
- حوزه انرژی
- حوزه رسانه‌ها و تبلیغات روانی
- حوزه مخابرات
- حوزه صنایع
- حوزه مالی و اقتصادی
- حوزه دیپلماسی و امنیت
- حوزه دفاع

#### نقش آموزش در مقابله با حملات تروریستی کشاورزی

در پدافند غیرعامل مردم و نیروها و سازمان‌ها نقش عمده‌ای دارند که آموزش این مجموعه از اهمیت زیادی برخوردار است. در وهله اول لازم است که نیروهای نظامی با حملات بیولوژیکی آشنایی پیدا کنند. این آشنایی شامل شناخت کلیه مراحل کلیدی زیر است: (Whitby, 2002)

- ۱ - مهیا نمودن پرسنل با تجهیزات و تدارکات کافی و ارتباطات مناسب سازمانی جهت اجرای عملیات مناسب
- ۲ - تحقیق بر روی پاتوژن‌های گیاهی و بویژه چگونگی مهار آنها
- ۳ - تولید آزمایشگاهی و به میزان کم مواد بیولوژیک جهت تحقیق بر آنها و آشنایی آن
- ۴ - شناسایی خصوصیات بیولوژیکی آنها از جمله آشنایی با میزان قدرت انتقال و سطح آلودگی
- ۵ - تحقیق، طراحی و توسعه روش‌های ایمنی و مقابله با آنها
- ۶ - تولید مواد لازم جهت مقابله با این عوامل بیولوژیک و خشک کردن و یا

منجمد کردن آن برای موارد خاص

۷ - داخل کپسول و تانک‌های ویژه قرار دادن مواد ضدبیولوژیک

۸ - تحویل به نیروهای دفاعی

### نتیجه‌گیری

تهاجم بیولوژیکی علیه محصولات کشاورزی چالشی ملی و بین‌المللی محسوب می‌شود. ایران با جمعیتی بالغ بر ۷۱ میلیون نفر به بخش کشاورزی و تولیدات آن وابسته بوده که این موضوع آسیب‌پذیری کشور را در مقابل حملات تروریستی در بخش کشاورزی نشان می‌دهد. به علاوه، افراد زیادی در ایران در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند که این مسئله موجب می‌شود که با توجه به معضل بیکاری نگرانی‌ها بیشتر گردد. سلاح‌هایی که از طریق تروریست‌های کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد باید ویژگی‌هایی هم‌چون ارزان بودن و کم بودن هزینه تولید، سهولت انتشار، قابلیت صدمه و آسیب بالا و تأثیرات گسترده بر اقتصاد را داشته باشد. از طرفی مدیریت در برابر این حملات اهمیت زیادی دارد که در چهار مؤلفه آمادگی، واکنش، تخفیف، ترمیم و بازیابی تقسیم‌بندی می‌شود.

### پیشنهادات

- دولت باید زیرساخت لازم برای واکنش سریع و به هنگام اعم از وجود سیستم‌های اخطار دهنده و نظارتی را فراهم آورد.
- تحقیقات بالاخص در زمینه ایجاد پادتن‌ها و مواد مرتفع کننده عوامل بیماری‌زا گسترش یابد.
- آموزش‌های لازم برای پیشگیری و مدیریت بحران ناشی از حمله بیولوژیکی در بخش کشاورزی به مردم داده شود.

## منابع

- ۱ - الایوبی، هیثم، دایره‌المعارف نظامی، ترجمه عبدالحسین بینش، خبیرگزاری فارس، ۱۳۸۷.
- ۲ - علیزاده، علی، حمله‌های بیولوژیک علیه محصولات کشاورزی چالش نوفا روی حفظ نباتات، نشر آموزش کشاورزی، ۱۳۷۵.
- ۳ - وب سایت پدافند غیرعامل، آشنایی با پدافند غیرعامل، ۱۳۸۸.
- ۴ - همشهری، پدافند غیرعامل چیست؟، همشهری آنلاین، ۲۸ خرداد ۱۳۸۸.
- ۵ - موسوی، لیلا، فاتحی، بهناز، نقش پرستار در بیوتروریسم و بیماری‌های عفونی ناشی از آن، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه، ۱۳۸۶.
- ۶ - جهانی، محمدرضا، شیرزاد، هادی، لزوم آشنایی نیروهای انتظامی و نظامی کشور با اپیدمیولوژی بیوتروریسم، سومین کنگره بین‌المللی بهداشت، درمان و مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه، ۱۳۸۵.
- ۷ - عمادی، حمید، به بهانه هشتم تیرماه روز مبارزه با سلاح‌های میکروبی و شیمیایی: سلاحی به نام میکروب، روزنامه اعتماد - شماره ۱۴۲۹، ۱۳۸۶/۴/۹، صفحه ۱۲.
- ۸ - شاه‌حسینی، محمدحسن، مروری تاریخی بر کاربردهای عوامل میکروبی، در جنگ و عملیات بیوتروریستی، اپیدمیولوژی بالینی و کنترل بیماری‌های مرتبط با بیوتروریسم.
- ۹ - مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن، جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۴.
- 10 - Encyclopedia Britannica, Inc, biological warfare, or germ warfare, 2005.
- 11 - Ban. Jonathan, Agricultural Biological Warfare: an Overview, the Chemical and Biological Arms Control Institute (CBACI), 2000.
- 12 - Brown. Derek, Attack and aftermath: a glossary of terms, guardian.co.uk, Thursday 27 September 2001 16.46 BST.



- 13 - The civil war, Biological warfare, Tagate site ([http://www.tagate.com/wars/history\\_of\\_warfare/biological\\_warfare.shtml](http://www.tagate.com/wars/history_of_warfare/biological_warfare.shtml)), 2006.
- 14 - DaSilva.Edgar J., Biological warfare, bioterrorism, biodefence and the biological and toxin weapons convention, EJB Electronic Journal of Biotechnology , Vol.2 No3, Issue of December 15, 1999
- 15 - Polden-Puckham Charitable Foundation, Biological Weapons and Genetic technologies, Gene Watch, 2000.
- 16 - Crowley. Michael, Disease by Designed-mystifying the Biological Weapons Debate, Basic Research Report, Number 2001.2, November 2001.
- 17 - Schoelz.James, Introduction to Terrorism Against U.S. Agriculture- Protecting Crops through Plant Biosecurity Management, Missouri Summit on Agro Terrorism, December 2003.
- 18 - Davis, Radford G., Bickett-Weddle.Danelle, Agroterrorism Awareness: Safeguarding American Agriculture, Centers for Disease Control and Prevention to the Center for Food Security and Public Health at Iowa State University, 2002
- 19 - Evans, Eric, The Four Phases of Plant Biosecurity Management, Fire and Rescue Training Institute at the University of Missouri.
- 20 - Roberts, Brad, The Prospects for Biological War in the Middle East.
- 21 - Madden. L.V, M.Wheelis, The Threat of Plant Pathogenes as Weapon against U.S. Crop, Annu. Rev. Phytopathol. 2003. 41:155-76.
- 22 - Whitby, Simon M, Biological Warfare Against Crops, Palgrave Macmillan 2002.



## آغاز و انجام سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا

ایوب پورقیومی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۲/۱۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۲/۷

صفحات مقاله: ۱۲۳-۱۴۹

### چکیده

سیاست مبتنی بر هژمون‌گرایی یک‌جانبه نومحافظه‌کاران آمریکا، در سایه تحولات خاورمیانه دچار تغییرات قابل توجه گردید. حرکت به سمت گفتگو با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تعامل بیشتر با کشورهای میانه‌رو، که نمود آن در مسئله امنیت عراق و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قابل ملاحظه بود، در همین راستا قابل ارزیابی است. پس از جنگ لبنان و ناکامی طرح خاورمیانه جدید، آمریکا برای مقابله و مهار قدرت ایران به سیاست مهار و جنگ کم‌شدت، تقویت قابلیت‌های اهل سنت در مقابل شیعیان و تلاش برای ایجاد قطب جدید قدرت متشکل از اسرائیل و کشورهای دنباله‌رو آمریکا در منطقه روی آورده و تلاش‌هایی را برای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل آغاز نموده است.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

یازده سپتامبر، هژمون‌گرایی آمریکا، طرح خاورمیانه بزرگ، طرح خاورمیانه جدید، جنگ ۳۳ روزه لبنان، قطب جدید قدرت.

۱ - کارشناس ارشد مطالعات راهبردی و مدرس دانشگاه افسری امام حسین (ع)، دانشکده شهید مطهری.

## مقدمه

خاورمیانه به عنوان یکی از حوزه‌های راهبردی، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است و هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که حداکثر منافع خود را در منطقه تضمین کند.

دولت بیل کلینتون بر دمکراسی تأکید و منافع تجاری آمریکا و ترغیب به برقراری صلح در خاورمیانه در اولویت سیاست خارجی کابینه وی قرار داشت. به دلیل اهمیت و موقعیت منحصر به فرد خلیج فارس و خاورمیانه، طرح امنیتی کلینتون در قبال آن، توسط مارتین ایندیک، عضو عالی‌رتبه شورای امنیت ملی آمریکا و دستیار کلینتون در امور خاورمیانه، با عنوان مهار دوگانه بیان شد. محور اصلی این سیاست، انزوای ایران و عراق، ترغیب به صلح میان اعراب و رژیم اشغالگر قدس و جلوگیری از دسترسی کشورهای منطقه به تسلیحات هسته‌ای اعلام گردید.

بوش پسر پس از روی کار آمدن، دوره دموکرات‌ها را به هشت سال مگس‌پرانی بیهوده تعبیر کرد و این نشان‌های از تغییرات قابل توجه در سیاست خارجی آمریکا در دوره جدید بود تا اینکه حادثه ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوست و فرصتی مناسب در اختیار نومحافظه‌کاران<sup>۱</sup> آمریکا قرار داد تا برای کنترل روابط

۱ - نومحافظه‌کاران جناح کم‌تعداد اما با نفوذ در داخل حزب جمهوری‌خواه آمریکا است. این گروه در اواسط دهه ۱۹۹۰ در پی رویکرد لیبرالیستی بیل کلینتون اعلام موجودیت کردند. بیانیه «پروژه قرن جدید» ایالات متحده که در ژوئن ۱۹۹۷ منتشر شد انجیل نومحافظه‌کاران در ایالات متحده آمریکا به شمار می‌آید. نومحافظه‌کاران همانند جناح‌های سنتی حزب جمهوری‌خواه از دولت حداقل و تقویت پایه‌های تجارت آزاد جانب‌داری می‌کنند، اما نگرش انزواطلبانه جناح سنتی حزب را رد می‌کنند. آنان همچنین با رویکرد بین‌الملل‌گرایانه جمهوری‌خواهان میانه‌رو که جورج هربرت واکر بوش سبیل آن به شمار می‌آید مخالف

بین‌الملل و تثبیت هژمونی خود، در جهت مدیریت منطقه حساس خاورمیانه برنامه‌ریزی کنند، لذا سیاست خارجی ایالات متحده دچار چرخشی اساسی از راهبرد بازدارندگی (۱۹۹۰-۱۹۴۵) و ابهام راهبردی (۱۹۹۰-۲۰۰۱) به راهبرد حمله پیش‌دستانه و جنگ پیش‌گیرانه گردید.

پس از حمله به افغانستان، طرح خاورمیانه بزرگ با شعار دموکراسی‌سازی مطرح، اما این طرح در اجرا با مشکل روبرو شد. سپس سیاست خود را بر پروژه خاورمیانه جدید و با هدف مقابله با بیداری اسلامی به محوریت ایران قرار دادند و در اجرای این راهبرد، آمریکا تصمیم گرفت در گام نخست یکی از بازوهای مهم ایران یعنی حزب‌الله لبنان را از میان بردارد. فارغ از بهانه رژیم صهیونیستی در حمله به لبنان مبنی بر تلاش برای آزادی دو نظامی اسیر این کشور، گستردگی تهاجم و آمادگی این رژیم از یک سو و مطالب مطرح شده توسط برخی افراد مطلع<sup>۱</sup> و گزارش کمیته وینوگراد از دیگر سو بیانگر این واقعیت است که این

---

هستند. بکارگیری ابزار قدرت در حل منازعات بین‌المللی و اجرای مشروط تعهدات جهانی آمریکا از جمله اصول اصلی نومحافظه‌کاران در عرصه سیاست خارجی و امنیتی است. افرادی چون ایروین کریستول، نورمن پات‌هورز، داگلاس فیت، فرانک گافنی، الیوت ابرامز، رابرت کیگان، لوتیس لیبی، پل ولفوویتز، ویلیام کریستول، مایکل لیدن و فرانسیس فوکویاما از شخصیت‌های مهم این جریان به شمار می‌روند. انستیتو هادسون، مرکز بررسی سیاست‌های امنیتی، مرکز اخلاق و سیاست‌های عمومی، مرکز مطالعات عالی استراتژیک و علوم سیاسی و امریکن انترپرایز از مهم‌ترین مؤسسات وابسته به نومحافظه‌کاران هستند که نقش فعال و حساسی در تعیین سیاست خارجی آمریکا ایفا کرده‌اند. از نکات مهم در دیدگاه آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اولویت قدرت نظامی و زور و بی‌توجهی به نهادهای بین‌المللی؛ باور به ایجاد امپراتوری جهانی بر پایه ارزش‌های ملی - مذهبی نئوکانیسم آمریکایی؛ اعتقاد به رسالت الهی و لزوم سلطه فرهنگی؛ اعتقاد به سیطره جهانی توأم با خیرخواهی؛ ارزش‌گرایی و تقسیم جهان به خیر و شر و اعتقاد تام به لیبرال دموکراسی آمریکایی.

۱ - ر.ک به:

Hersh, Seymour (2006) Washington's interests in Israel's war, august 21, 2006, [www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa\\_fact?Printable=true](http://www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa_fact?Printable=true)

جنگ در راستای تثبیت هژمونی و سلطه آمریکا در منطقه و جهان، از پیش طراحی شده و آمریکا و رژیم صهیونیستی مترصد بهانه‌ای برای آغاز آن بودند. پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، تحقق اهداف میلیتاریستی نومحافظه‌کاران آمریکا و سیاست‌های مبتنی بر هژمون‌گرایی یک‌جانبه را با مشکلات اساسی مواجه کرد. این مسائل موجب شد که مباحثی جدی نزد تحلیل‌گران و سیاستمداران منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شود. یکی از این مباحث، به این امر مربوط می‌شود که موارد پیش گفته چه تأثیری بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا داشته و در پایان عمر دولت بوش سیاست‌های نومحافظه‌کاران چگونه و تا چه میزان تغییر نموده است؟ این مقاله به دنبال پاسخی برای این پرسش و سایر سؤالات مرتبط با آن است.

### مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی نومحافظه‌کاران در خاورمیانه

ایالات متحده آمریکا در هزاره سوم با یک «استراتژی تهاجمی»<sup>۱</sup> و در چهره یک بازیگر «حداکثرگرا»<sup>۲</sup> در صحنه روابط بین‌الملل ظاهر گردیده است. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۵۵) اداره جهان توسط آمریکا در قالبی یک‌جانبه‌گرایانه و بر مبنای هژمونی جهانی<sup>۳</sup> امری است که سیاستمداران و دولتمردان این کشور به دنبال تحقق آن هستند، به گونه‌ای که غالباً قدرت سخت‌افزاری و در ابعاد کوچک‌تر و کمتر قدرت نرم‌افزاری برای حفظ منافع و ترویج لیبرال دموکراسی، همواره مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. (چالمرز، ۱۳۸۴: ۲۱)

کسینجر معتقد است که ایالات متحده، در آغاز قرن ۲۱ از چنان تفوق و

1 - Offensive strategy

2 - Maximizer

3 - Global Hegemony

برتری در تمامی زمینه‌ها از جنگ‌افزار و تسلیحات نظامی گرفته تا تجارت و بازرگانی، علوم، فناوری، آموزش عالی و فرهنگ عمومی، برخوردار است؛ که مهم‌ترین امپراتوری‌های گذشته نیز، هم‌تا و نظیر آن نبوده‌اند و موقعیت ممتاز این کشور در دهه پایانی قرن ۲۰ موجب شده تا به جز اجتناب‌ناپذیر ثبات بین‌المللی تبدیل شود. (کسینجر، ۱۳۸۳: ۱۱) حادثه ۱۱ سپتامبر فرصت ارزشمندی به دولت آمریکا داد تا با تحرک بخشیدن به بخش نظامی و نوعی فرافکنی، ضمن اینکه خود را از بحران‌های داخلی بویژه بحران رکود اقتصادی بیرون می‌آورد (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۶۵) در راستای سلطه و سیطره بر مناطق حساس جهان از جمله خاورمیانه و تلاش برای کنترل روابط بین‌الملل تلاش نماید. در ادامه مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی نومحافظه‌کاران در خاورمیانه را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

#### ۱ - حمله به افغانستان و رهبری ائتلاف مبارزه با تروریسم

پس از فروپاشی شوروی و نابودی ساختار دو قطبی روابط بین‌الملل، قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آمریکا بیش از پیش رشد کرد (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۴۰۴) و فاصله این کشور با رقبایش بیشتر شد. حادثه ۱۱ سپتامبر نیز یک فرصت طلایی در اختیار نومحافظه‌کاران آمریکا قرار داد تا «مقابله با بنیادگرایی اسلامی» (امینی، ۱۳۸۳: ۶۰) و «جنگ با تروریسم» (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱) را اصل سامان‌دهنده سیاست خارجی خود قرار داده و سیاست خارجی خود را بر خاورمیانه متمرکز نمایند. لذا از طریق توسل به حربه‌های سخت‌افزاری نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، تغییرات بنیان‌کن در دولت‌ها و سپس هنجارسازی در نظم مطلوب، اهداف خود را دنبال نموده (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳-۶۴) و با حربه مبارزه با تروریسم و با طرح‌هایی چون «دموکراسی‌سازی»، «دولت‌سازی» و «ملت‌سازی» در خاورمیانه در پی ایجاد تغییرات مورد نظر خود برآمدند.

این حادثه تأثیرات عمده‌ای بر روابط بین‌الملل داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به تشکیل ائتلاف بین‌المللی جهت تحقق خواسته‌های ایالات متحده اشاره کرد. پس از وقوع این حادثه سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۱۳۶۸ در ۱۲ سپتامبر و قطعنامه ۱۳۷۳ در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۱ موضع خود را براساس فصل هفتم منشور ملل متحد اعلام نمود. قطعنامه ۱۳۶۸ توسط به زور را برای کلیه کشورها و دولت‌ها در راستای مقابله با تروریسم مجاز دانسته و قطعنامه ۱۳۷۳ ابزارهای قابل استفاده برای این مبارزه را مشخص و تعریف کرد. پس از اعلام موضع رسمی سازمان ملل، ائتلافی بین‌المللی برای برخورد با تروریسم شکل گرفت و ایالات متحده در قالب استراتژی «حمله پیش‌گیرانه» مجوز ضمنی برای حمله به افغانستان را از شورای امنیت کسب نمود. همراهی اتحادیه اروپا و ناتو و مهم‌تر از آن همکاری کشورهای چینی، پاکستان، ازبکستان و تاجیکستان در قالب واگذاری پایگاه نظامی به ایالات متحده و همچنین عدم مخالفت روسیه با حضور آمریکا در آسیای مرکزی، از مصادیق بارز این همکاری بین‌المللی بود. (بیگدلی، ۱۳۸۵، noormages.com)

سرانجام در چنین شرایطی آمریکا با شعار مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله و با کمک اتحاد شمال حکومت طالبان را ساقط (سعید، محمدقدری و سعید عبدالمنعم، ۱۳۸۵: ۸۶) و امنیت این کشور را به ناتو واگذار نمود، اما پس از گذشت سال‌ها از اشغال افغانستان، تاکنون از تأمین امنیت و برقراری ثبات در این کشور عاجز مانده و ناچار به تغییر سیاست خود در مقابل گروه طالبان گردیده و از سپتامبر ۲۰۰۸ با وساطت عربستان سعودی طرح صلح و گفتگوی دولت کابل با طالبان را مطرح کرده و حاضر به مشارکت این گروه تروریستی در دولت افغانستان گردیده‌اند. (پورقیومی، ۱۳۸۷، basijnews.ir) در واقع نومحافظه‌کاران آمریکا و متحدانشان، در نخستین میدان کارزار با تروریسم از رسیدن به هدف ناکام مانده و سرانجام مجبور به پذیرش جریانی در صحنه



قدرت افغانستان گشته‌اند که روزی با علم مبارزه با تروریسم و به کمک شورای امنیت به مقابله با آن برخاسته بودند.

## ۲ - حمله به عراق و طرح خاورمیانه بزرگ

طرح مقابله با رژیم صدام پیش از ۱۱ سپتامبر در دستور کار دولت بوش قرار داشت، اما از اجماع کامل نزد مقامات مختلف برخوردار نبود. واقعه ۱۱ سپتامبر موجب شد که نظر دولت از اجماع عمومی مناسب در داخل آمریکا برخوردار گردد. (صداقت، ۱۳۸۴: ۱۹۸) پس از موفقیت اولیه آمریکا و غرب در صحنه نبرد با طالبان به عنوان نماد تروریسم بین‌الملل، نومحافظه‌کاران که سرمست از غرور پیروزی در افغانستان بوده و به زعم خود به دنبال حل همزمان چهار کانون بحران در منطقه یعنی افغانستان، ایران، عراق و فلسطین بودند، در سیاستی یک‌جانبه‌گرایانه و بدون توجه به افکار عمومی و بین‌المللی از جمله مخالفت‌های روسیه، آلمان و فرانسه، در مارس ۲۰۰۳ به عراق حمله نموده و حکومت صدام را ساقط و دموکراسی‌سازی اجباری را در قالب طرح خاورمیانه بزرگ، در پیش گرفتند. آن‌ها با طرح دکترین جنگ پیش‌دستانه، تنها راه مقابله با تهدیدات جدید را پیشگیری و پیش‌دستی و مهندسی اجتماعی و ملت‌سازی در قالب طرح خاورمیانه بزرگ می‌دانستند. (امینیان، ۱۳۸۶: ۲۲۱)

کاخ سفید برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ اقداماتی را به عمل آورد که از جمله این اقدامات می‌توان به تلاش برای ایجاد اجماع جهانی حول محور آمریکا برای مبارزه جهانی با تروریسم، همراه نمودن افکار عمومی جهانیان با سیاست‌های میلیتاریستی آمریکا، مشروعیت بخشیدن به اقدامات سخت‌افزاری و نظامی، ترسیم چهره منجی‌گرایانه از آمریکا و تولید قدرت نرم برای این کشور اشاره نمود.

آمریکا در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ و با هدف بازگشت به دوران سیطره و هژمونی<sup>۱</sup> خود، سعی داشت به بهانه مبارزه با تروریسم و با اتهام غیردموکراتیک خواندن کشورهای مخالف، نوعی اصلاحات سیاسی، دفاعی و تحمیلی را با اعمال فشار برای تغییر رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی منطقه به شکلی پدر سالارانه عملی نماید. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۲۰) برآورد اشتباه ایالات متحده از منطقه و مسائل آن از جمله مقاومت ملت‌ها در مقابل تلاش برای تحمیل الگوهای ناهمگون با فرهنگ آنان، به همراه برخی چالش‌ها و موانع عمده دیگر از جمله بی‌ثباتی ناشی از تغییر در ساختار حکومت‌ها، مشکلات شکل‌گیری جامعه فرهیخته، مشکلات شکل‌گیری اقتصاد آزاد، به خطر افتادن امنیت انرژی غرب، مقاومت و بیداری اسلامی، ملی‌گرایی و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موجب ناکامی این طرح گردیدند. در مجموع مهم‌ترین مشکلات آمریکا در منطقه خاورمیانه عبارتند از: ضدآمریکایی شدن مردم منطقه تحت تأثیر ابعاد سیاسی اسلام؛ مقاومت در برابر پذیرش ارزش‌های لیبرالیستی؛ اقتدار حکومت‌های دودمانی و عدم وابستگی آن‌ها به مردم و احساس تحقیر مردم منطقه از قضیه فلسطین. (امینیان، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰)

در طرح خاورمیانه بزرگ آمریکایی‌ها درصدد بودند با ساقط کردن دولت‌های (به زعم خود) شرور، دولت‌های همراه با خود را جایگزین آنان نمایند، اما دیری نگذشت که متوجه شدند پروژه دولت‌سازی نه تنها به شکل‌گیری و روی کار آمدن دولت‌های هم‌سو نمی‌انجامد، بلکه فرصتی را برای اسلام‌گرایان فراهم می‌سازد تا با استفاده از آن، بصورت دموکراتیک به قدرت برسند. پیروزی مجاهدین افغان و تشکیل مجلس قانون‌گذاری اسلامی در

۱ - در طول تاریخ نظام جهانی، سه دولت به هژمونی دست یافته‌اند؛ هلند در نیمه سده هفدهم، بریتانیا نیمه قرن نوزدهم و ایالات متحده نیمه قرن بیستم (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

افغانستان، پیروزی ائتلاف یکپارچه در عراق و روی کار آمدن دولت اسلامی، پیروزی حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان و مشارکت در دولت این کشور، پیروزی حماس در فلسطین و...، طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا را در اولین گام خود با مانع بسیار بلندی مواجه ساخت و معادلاتی را در منطقه رقم زد که از آن، به عنوان خاورمیانه اسلامی یاد می‌شود و این مهم نه تنها با اهداف و راهبردهای خاورمیانه‌ای آمریکا مغایرت داشت، بلکه منافع آنان را نیز به خطر می‌انداخت. در سایه این مسائل و ناکامی آمریکا از برقراری امنیت و ثبات در عراق و ایجاد دولت سرمشق در خاورمیانه، تلاش نومحافظه‌کاران در این وادی نیز چندان راه به جایی نبرد و از سوی دیگر افزایش قدرت منطقه‌ای ایران موجب گردید که هیئت حاکمه آمریکا پرده دیگری از سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود تحت عنوان طرح خاورمیانه جدید را با برنامه‌ریزی حمله اسرائیل به حزب‌الله لبنان رونمایی کند.

### ۳) جنگ ۳۳ روزه لبنان و طرح خاورمیانه جدید

آمریکا در فاز نرم‌افزاری طرح خاورمیانه بزرگ بر این عقیده بود که می‌تواند با توسعه الگوی دموکراسی خود بر مشکلات منطقه فائق آید، اما به دلیل برآورد اشتباه از مسائل منطقه، این سیاست به قدرت‌یابی اسلام سیاسی و بیداری اسلامی منتهی شد. از آنجا که آمریکا به این نتیجه رسیده بود که ریشه همه این مشکلات در ایران است و از طرفی نمی‌خواست ریسک مقابله نظامی، (بدون تضمین لازم برای اخذ نتیجه) را در مقابل ایران بپذیرد، در سطحی محدودتر (جنگ لبنان) این مسئله را به محک آزمون گذاشت. در واقع آمریکا بدون توجه به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی به صورت یک‌جانبه وارد فاز سخت‌افزاری و نظامی‌گری گردید.

طرح خاورمیانه جدید ادامه طرح خاورمیانه بزرگ،<sup>۱</sup> اما با رویکردی سخت‌افزاری و در حوزه سیاست عالی بود. تغییر در اولویت‌بندی سیاست‌های آمریکا از حوزه سیاست عادی و نرم (مبتنی بر دموکراسی‌سازی و حقوق بشر و... در طرح خاورمیانه بزرگ) به رویکرد مجدد به نظامی‌گری یک‌جانبه در محدوده خاورمیانه عربی و ایران، از جمله مسائل قابل توجه در بیان علل جنگ لبنان است. در اوایل جنگ ۳۳ روزه سیاست «خاورمیانه جدید» توسط رایس<sup>۲</sup> اعلام شد. وی در پاسخ به خبرنگار هفته نامه نیوزویک درباره تلفات انسانی و حجم وسیع ویرانی‌های لبنان گفته بود: جنگ لبنان و پیامدهای آن، درد زایمان برای تولد خاورمیانه جدید است. (مرشدی، ۱۳۸۵، jamejamonline.ir) این گفته، نشان می‌دهد که در خاورمیانه جدید حمله نظامی و تخریب گسترده از جمله ابزارها و اولویت‌های غیرقابل اغماض است. سیمور هرش هم در مجله نیویورکر جنگ لبنان را مقدمه‌ای برای حمله به ایران دانسته بود.<sup>۳</sup>

از مهم‌ترین اهداف کشورهای غربی برای شکل‌دهی و تثبیت مهندسی امنیتی جدید منطقه خاورمیانه، تلاش در جهت ایجاد اجماع نسبی برای مهار و نابودی جنبش‌های اسلامی یا حداقل تبدیل آنان به یک نهاد سیاسی است که این امر در طرح خاورمیانه جدید دنبال می‌شود. در این طرح ایالات متحده با تأکید بر سه مقوله رادیکالیسم اسلامی، تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی و ترسیم

۱ - برای اطلاع بیشتر از واقعیت‌های این طرح، رک به:

- حسینی، حسن (۱۳۸۳) طرح خاورمیانه بزرگ‌تر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر).

- یونسین، مجید (۱۳۸۵) کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر).

۲ - وزیر امور خارجه وقت آمریکا.

3 - Hersh, 2006, www.newyorker.com.

تصویر مجازی و غیرواقعی از طریق رسانه‌ها، می‌کوشد تا زمینه‌های شکل‌گیری اجماع نسبی در نظام بین‌المللی را علیه جنبش‌های اسلامی، مانند حزب‌الله و حماس و کشورهای مستقل مانند ایران فراهم سازد. (دلاورپوراقدام، ۱۳۸۶، aftab.ir) با توجه به بن‌بست پیش آمده برای آمریکا در عراق و ناکامی در ایجاد دولت سرمشق بر مبنای دموکراسی آمریکایی و از آنجا که آن‌ها این مشکل خود را به جریان بیداری اسلامی با محوریت ایران منتسب می‌کردند، با تغییر تاکتیک و اتخاذ راهبرد سخت‌افزاری، طرح خاورمیانه جدید را برای خروج از بن‌بست و فائق آمدن بر مشکلات خود طراحی نمودند. پس از موفقیت اسلام سیاسی در فرایند دموکراسی‌سازی در خاورمیانه و نقش محوری ایران در شکل‌گیری و قدرت‌یابی بیداری اسلامی، آمریکا و اسرائیل با بزرگ‌نمایی خطر قدرت‌یابی شیعیان در منطقه و طرح هلال شیعی، حکومت‌های عربی را با خود همراه نموده و طرح حمله به حزب‌الله لبنان را به عنوان گام نخست برای قطع بازوان منطقه‌ای ایران ساماندهی و اجرا نمودند. اما نتایج خیره‌کننده مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه سبب شد هیمنه نظامی اسرائیل شکسته شده و نظامی‌گری نومحافظه‌کاران آمریکا، در فاز سخت‌افزاری خاورمیانه جدید نیز با شکست مواجه شود. تحلیل‌گران معتقدند شکست اسرائیل - که به نیابت از آمریکا برای تحقق خاورمیانه جدید با حزب‌الله می‌جنگید - باعث شد این سیاست با شکست مواجه گردد. (سالمان، ۱۳۸۵، خبرگزاری مهر) و آمریکا به این نتیجه برسد که شکل‌دهی خاورمیانه جدید خارج از مرزهای منطقه دشوار است. (هاس، ۱۳۸۵: ۵) لذا باید برای تحقق اهداف خود به شیوه دیگری متوسل گردد. از اینجا بود که نومحافظه‌کاران آمریکا برای مهار ایران، به شکل‌دهی قطب جدید قدرت با ائتلاف متحدین میانه‌رو خود در منطقه روی آوردند.

## پیامدهای ناکامی آمریکا در خاورمیانه

همانگونه که ذکر شد، عوامل مختلفی موجب ناکامی و عدم موفقیت سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا گردیدند. از آنجا که آثار و پیامدهای این مسئله قابل توجه است، در ادامه تغییرات پدید آمده در این زمینه را بررسی خواهیم کرد.

### ۱- بازگشت به همکاری و گفتگو با سایر بازیگران

شکست اسرائیل و آمریکا در لبنان موجب شد چرخشی آشکار در موضع جنگ‌افروزانه ایالات متحده به سمت گفتگو با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از یک سو و تعامل بیشتر با کشورهای میانه‌رو از سوی دیگر به وجود آید. پس از صدور گزارش بیکر - همیلتون که در آن بر لزوم مذاکره با ایران و سوریه برای برقراری آرامش در عراق تأکید شده بود، دموکرات‌ها برای اجرای مفاد این گزارش بر دولت بوش فشار آوردند. اولین نتیجه این فشار برکناری رامسفلد<sup>۱</sup> وزیر دفاع سابق و انتخاب گیتس<sup>۲</sup> به جای وی بود. مؤید دیگر این چرخش در سیاست آمریکا، سفر نانسی پلوسی<sup>۳</sup> به سوریه و همزمان اظهارنظرهای دموکرات‌ها مبنی بر لزوم همکاری و گفتگو با ایران و سوریه بود<sup>۴</sup>. توجه بوش به تحمل سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و سازمان ملل در عراق مانند پذیرش نقش جدید فرانسه در عراق و تصمیم به اعزام تعدادی نیروی فرانسوی در

۱- از نومحافظه‌کاران و طراحان جنگ عراق و معتقدین به برخورد نظامی در قالب دکترین شوک و بهت (Shock&Awe).

۲- وی از نزدیکان بیکر و همیلتون است.

۳- رئیس مجلس نمایندگان آمریکا.

۴- (www.kaariz.com، ۱۳۸۶/۱/۲۳).

پوشش مساعدت در فرایند سیاسی - امنیتی عراق را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. (هادوی، ۱۳۸۶: ۱) در واقع، به بن‌بست رسیدن آمریکا در عراق و ناکامی سیاست‌هایش در لبنان باعث شد آمریکا از سیاست یکجانبه‌گرایی ناشی از غرور پیروزی در افغانستان و عراق فاصله گرفته و تلاش نماید با سازمان ملل و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تعامل بیشتری داشته باشد.

همانطور که ریچارد هاس می‌گوید؛ دوران تسلط ایالات متحده بر خاورمیانه پایان یافته و دوران جدیدی در تاریخ این منطقه حساس و مهم آغاز شده است و به دلیل ظهور و فعالیت بازیگران جدید و نیروهای جدیدتر که برای نفوذ بیشتر بر منطقه با هم در حال رقابت هستند، واشنگتن برای تسلط مجدد بر این منطقه مجبور است به جای تکیه بر قوه قهریه و نیروی نظامی، بیشتر روی دیپلماسی تکیه و سرمایه‌گذاری کند. (هاس، 2006، mydocument.ir)

انتشار گزارش بیکر - همیلتون و تأکید آن بر لزوم مذاکره با ایران و سوریه برای حل مشکل عراق و به دنبال آن سفرهای مکرر مقامات آمریکایی به منطقه، برگزاری کنفرانس بغداد، نشست شرم‌الشیخ، نشست استانبول، انجام چند مرحله مذاکره آمریکا با ایران درخصوص مسئله عراق و... نشان می‌دهد که آمریکا در منزوی کردن ایران و سوریه شکست خورده و نمی‌تواند برای حل مشکلات منطقه به قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه اعتنا نکند؛ این امر به معنای تردید در یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه است.

برگزاری نشست شرم‌الشیخ<sup>۱</sup> مصر که بزرگ‌ترین نشست منطقه‌ای بین‌المللی

۱ - در این نشست که در روزهای ۳ و ۴ می ۲۰۰۷ (۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶) برگزار شد، علاوه بر ایران، سوریه عربستان سعودی، ترکیه و کویت به عنوان همسایگان عراق، نمایندگان از مصر، بحرین، اتحادیه اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، پنج عضو دائم شورای امنیت، دبیرکل سازمان ملل، کشورهای صنعتی جهان، موسوم به گروه ۸ ایتالیا، کره جنوبی و برخی از کشورها و سازمان‌های دیگر حضور داشتند.

پیرامون عراق پس از صدام بود و هدف آن رسیدن به توافقات و یافتن راهکارهایی برای برقراری ثبات و امنیت در عراق و هم‌چنین تسریع روند بازسازی اقتصاد این کشور عنوان شد، در حقیقت در چارچوب راهبرد جدید ایالات متحده در منطقه خاورمیانه بویژه درخصوص عراق، پس از انتشار گزارش بیکر - همیلتون و افزایش فشارهای داخلی آمریکا برای خروج از عراق بود. ایالات متحده با برگزاری این نشست، پذیرفت که حل بحران عراق راه‌حلی نظامی و یک‌جانبه ندارد و برون رفت از آن مستلزم مشارکت فعال و سازنده جامعه جهانی بویژه همسایگان بغداد است. (خسروی، ۱۳۸۶، rissna.ir) حضور کشورهای ایران و سوریه نشان از این واقعیت دارد که حل مشکلات منطقه، بدون همکاری و گفتگو با سایر بازیگران امکان‌پذیر نیست.

در آگوست ۲۰۰۷ تلاش‌های آمریکا و انگلیس در شورای امنیت منجر به صدور قطعنامه‌ای شد که خواستار ایفای نقش بیشتر سازمان ملل<sup>۱</sup> در عراق شده بود.<sup>۲</sup> برگزاری نشست وزرای خارجه کشورهای همسایه عراق، سازمان ملل متحد، اعضای دائم شورای امنیت، کشورهای گروه هشت و برخی کشورهای دیگر در ترکیه<sup>۳</sup> با هدف کمک به حل مشکل امنیت در عراق و هم‌چنین توافقنامه خروج نیروهای آمریکایی از عراق<sup>۴</sup> پس از هفت مرتبه تغییر در پیش‌نویس آن نیز گواهی دیگر بر این امر بود که نومحافظه‌کاران آمریکا تحت تأثیر تحولات خاورمیانه به تدریج از یک‌جانبه‌گرایی فاصله گرفته و تلاش دارند رضایت

۱ - سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ یعنی اندکی پس از حمله آمریکا به عراق، نیروهای خود را در پی کشته شدن سرژیو ویرا دو میلوو رئیس هیات سازمان ملل و ۲۲ تن دیگر از کارکنان این سازمان از عراق خارج کرد.

۲ - (www.etemaad.com، ۱۳۸۶/۷/۲).

۳ - نشست استامبول در ۱۱ آبان ۱۳۸۶.

۴ - این توافقنامه در اواخر آبان ۱۳۸۷ به امضای نمایندگان دولت‌های آمریکا و عراق رسید و در هنگام نوشتن این مقاله مجلس عراق مشغول بررسی آن برای اظهارنظر می‌باشد.



دولت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای و سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی را جلب نمایند. این آخرین شانس آنان برای بازسازی وجهه خود و کشورشان در سطح بین‌المللی بود، امری که منجر به شکست یک‌جانبه‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا گردید و مردم این کشور با اقبال قابل توجه به شعار «تغییر» باراک اوباما، پشتیبانی اجتماعی در سطح افکار عمومی داخلی آمریکا از این رویکرد را نشان دادند.

برنامه هسته‌ای ایران نیز یکی دیگر از چالش‌های اصلی آمریکا در خاورمیانه است. صرف‌نظر از تبلیغات رسان‌های غرب در زمینه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، نخبگان و برخی مقامات سیاسی آمریکا بر مسیر دیپلماتیک تأکید نموده‌اند.

## ۲ - تعامل با حکومت‌های میانه‌رو

پس از جنگ ۳۳ روزه تعامل با «حکومت‌های میانه‌رو» و متحد آمریکا در منطقه به عنوان سیاستی راهبردی از سوی آمریکایی‌ها دنبال می‌گردد و آن‌ها در کنار این مسئله برای تقویت قابلیت‌های اهل سنت در مقابل شیعیان تلاش می‌کنند. (Hersh, 2006) سیمور هرش از قول یک مقام بلندپایه سابق اطلاعاتی نوشت: «ما برنامه‌ای برای تقویت قابلیت سنی‌ها برای مقاومت در برابر قدرت شیعیان در دست داریم و تا جایی که بتوانیم پول خرج می‌کنیم.» (هرش، ۱۳۸۵، واحد مرکزی خبر) وی با اشاره به سیاست تقابل‌گرایانه آمریکا با شیعیان در سراسر منطقه و نزدیکی واشنگتن به برخی از طیف‌های خاص سنی می‌نویسد: «سیاست آمریکا و اقدامات علنی و پنهان این کشور علیه ایران و سوریه سبب شده است تا گروه‌های تندروی سنی که طرفدار القاعده هستند در خاورمیانه قدرت بگیرند.» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۳/۸) هرش در مورد تغییر استراتژی آمریکا می‌نویسد: «نومحافظه‌کاران برخلاف تصور نخستین خود درباره

خاورمیانه، که خطر اصلی را افراط‌گرایی تندروهای سلفی و نحله‌های دیگر سنی‌ها دانسته و برای مقابله با آن‌ها بر پتانسیل میان‌روی در میان شیعه‌ها استفاده کرده و خواستار افزایش سهم آن‌ها در معادله قدرت در خاورمیانه بودند، اکنون دیگر این نظر را ندارند. افزایش نفوذ ایران و ارتباط تنگاتنگ شیعیان عراق و سایر کشورها با این کشور موجب تجدیدنظر نومحافظه‌کاران شده و ایالات متحده در صدد است با گسترش اختلاف سنی و شیعه، از آن به مثابه سد جدیدی در برابر گسترش نفوذ ایران سود جست و منطقه را در دوره‌ای از درگیری‌های فرقه‌ای فرو برد.<sup>۱</sup> در حقیقت احساس خطر مشترک رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی از قدرت‌یابی شیعیان در منطقه موجب شده تا تلاش‌هایی پنهانی نیز برای نزدیکی و هماهنگی بیشتر این جریان صورت پذیرد.

### ۳- تلاش برای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل

پس از جنگ ۳۳ روزه، برقراری ارتباط اعراب و اسرائیل و عادی‌سازی مناسبات آن‌ها و فعال نمودن «طرح صلح عربی»<sup>۲</sup> نیز در دستورکار آمریکا و اعراب قرار گرفت. برگزاری کنفرانس صلح خاورمیانه (آنابولیس)، و حضور عربستان و اغلب کشورهای عرب منطقه در آن، تشکیل یک گروه کاری متشکل از ۱۰ کشور عربی به ریاست عمرو موسی دبیر کل اتحادیه عرب به منظور

1 - [www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527](http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527).

۲ - این طرح، صلح دو مرحله‌ای را به اسرائیل و فلسطینی‌ها پیشنهاد کرده که بر اساس آن در مرحله اول اسرائیل باید تا مرزهای تعیین شده در سال ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند و در مرحله دوم آوارگان فلسطینی می‌توانند به هر نقطه‌ای از سرزمین‌های اشغالی که پیش از اشغال در آن ساکن بوده‌اند برگشته و در آن ساکن شوند. این طرح مبتنی بر قطعنامه‌های شورای امنیت بوده و امتیازهای مهمی را برای تل‌آویو به همراه دارد که از مهم‌ترین آن می‌توان به رسمیت شناخته شدن یک کشور مستقل برای یهودیان و پایان یافتن اختلاف‌های عمده با جهان عرب و برقراری روابط با آنها را ذکر کرد. (www.mehrnews.ir، ۱۳۸۶/۱/۲۰).

برقراری تماس با اسرائیل، گردهمایی وزرای خارجه ۱۲ کشور عربی<sup>۱</sup> برای تجدیدنظر در مناسبات اعراب و اسرائیل نیز از پیامدهای شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه و تلاش آمریکا برای تأمین امنیت اسرائیل بود. هم‌چنین برگزاری مذاکرات سه جانبه صلح خاورمیانه در بیت المقدس با شرکت اولمرت و محمود عباس به میزبانی رایس و تأکید بر اجرای طرح نقشه راه یکی دیگر از فعالیت‌های کاخ سفید برای مهار تأثیر منفی تبعات جنگ ۳۳ روزه بر امنیت اسرائیل بود. (خبرگزاری رویترز، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰) کارشناسان مسائل سیاسی برگزاری کنفرانس گفتگوی ادیان<sup>۲</sup> به میزبانی پادشاه عربستان و دعوت از رئیس رژیم صهیونیستی برای شرکت در این کنفرانس<sup>۳</sup> را نیز در راستای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل ارزیابی می‌کنند.

#### ۴- رویکرد تجزیه‌سازی و تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه

اگرچه برای تغییرات اساسی در جغرافیای سیاسی یک کشور و یا یک منطقه باید عوامل و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی که زمینه‌ساز این مسئله است مهیا باشد، اما این رویکرد در شرایط فعلی حداقل برای سنجش نحوه واکنش مردم و مسئولان کشورهای منطقه مطرح گردیده است. تأملی در موارد زیر بیانگر سناریوی تجزیه‌سازی و تغییر در جغرافیای سیاسی خاورمیانه بر مبنای مؤلفه‌هایی چون قومیت، مذهب، نژاد و خون خواهد بود:<sup>۴</sup>

۱ - در ۲۹ فروردین ۱۳۸۶.

۲ - این کنفرانس دو روزه، آبان ۱۳۸۷ در مقر سازمان ملل برگزار گردید.

۳ - <http://kayhannews.ir/۱۶/۸۷۰۸۲۲.htm#other۱۶۰۹>

۴ - ر.ک به: پورقیومی، ایوب، ۱۳۸۶، «طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش‌ها و موانع»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۶۱، صص ۱۰۲-۱۰۸.

- رالف پیترز<sup>۱</sup> در مقاله‌ای به نام «مرزهای خون: خاورمیانه بهتر چه شکلی خواهد داشت؟»<sup>۲</sup> در مجله نیروهای مسلح آمریکا در شماره ژوئن ۲۰۰۶ به پیوست دو نقشه با عنوان بازسازی نقشه خاورمیانه، نقشه‌ای جدید را براساس سلطه آمریکا بر خاورمیانه طرح می‌کند.<sup>۳</sup> در این نقشه کشورهای منطقه با توجه به مسئله قومیت، تجزیه شده‌اند و تغییرات عمده‌ای در تقسیم‌بندی جغرافیای خاورمیانه به چشم می‌خورد.

- نشریه آمریکایی آتلانتیک در شماره دو ماهه ژانویه و فوریه ۲۰۰۸ به ضمیمه مقاله‌ای با عنوان «بعد از عراق؛ گزارشی از خاورمیانه جدید و نگاهی اجمالی به آینده ممکن» نقشه‌ای منتشر کرده است که در آن بخش غربی ایران به همراه بخش شرقی ترکیه، شمال عراق و شمال شرقی سوریه تجزیه و با نام کشور کردستان نشان داده شده است. بلوچستان نیز یک کشور مستقل شناخته شده و خوزستان هم از ایران جدا خواهد شد. در بخش‌هایی از نوشته جفری گولدبرگ آمده است: «کردها در عراق سال‌هاست که تحت ستم بوده‌اند. اما آن‌ها به خاطر آرزوهایشان روزی به استقلال خواهند رسید. اگر الان هم این امر تحقق نیابد روزی کشور کردستان محقق خواهد شد و آن روز گریزناپذیر است.»<sup>۴</sup> در این نقشه بخش‌های کم‌اهمیتی از افغانستان و عراق به ایران منضم شده‌اند.

- نوام چامسکی<sup>۵</sup> نیز با اشاره به مسئله قومیت‌ها در منطقه خلیج فارس و ایران می‌گوید: «قطعاً نیروهای آمریکایی در قسمت‌هایی از مرز ایران و عراق که

۱ - افسر بازنشسته ارتش آمریکا.

2 - Peters, Ralph (2006) Blood borders how a better Middle East would look, [www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899](http://www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899).

۳ - نویهض الحوت، ۱۳۸۵، [www.basirat.ir](http://www.basirat.ir).

4 - Goldberg, 2008, [www.theatlantic.com](http://www.theatlantic.com).

۵ - استاد دانشگاه ام‌آی‌تی و تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه.

روبروی ایرانی‌ها هستند در تلاش برخواهند آمد تا در آنجا تلاشی برای تجزیه این منطقه صورت دهند.<sup>۱</sup> (چامسکی، ۱۳۸۵/۱۲/۶، خبرگزاری مهر)

- پیتر گالبرایت سفیر سابق آمریکا در کرواسی معتقد است که بهترین راه برای نجات ساکنان عراق و جان سربازان آمریکایی، تقسیم این کشور به سه منطقه قدرتمند شیعی، کرد و سنی و پایان عراق است.<sup>۱</sup>

- طرح تقسیم عراق براساس شکاف‌های فرقه‌ای و مذهبی در ۶ مهر ۱۳۸۶ با کسب ۷۵ رأی موافق و ۲۳ رأی مخالف به امضای نمایندگان سنای آمریکا<sup>۲</sup> رسید. براساس این طرح، عراق به شیوه غیرمتمرکز و فدرالی اداره می‌شود و به سه منطقه اصلی کردنشین، شیعه‌نشین و سنی‌نشین تقسیم خواهد شد. این طرح با همکاری و کمک «لسلی گلب»<sup>۳</sup> تهیه شده است.

#### ۵- تمایل به سیاست مهار و جنگ کم‌شدت با ایران

اگرچه نمی‌توان به طور قطعی از عدم حمله نظامی به ایران صحبت کرد و این امر تابع متغیرهای زیادی می‌باشد، اما نمی‌توان از تأثیر نتیجه جنگ لبنان بر تغییر سیاست آمریکا در قبال این کشور و افزایش تردیدها در موفقیت و کارآمدی شیوه‌های نظامی در برخورد با ایران چشم‌پوشی کرد.

پس از شکست طرح خاورمیانه جدید، در سیاست آمریکا در قبال ایران تغییرات قابل توجهی به وجود آمد، به گونه‌ای که مقامات بلند پایه این کشور تلاش دارند سیاست ایران هراسی را در منطقه دنبال نمایند. نامناسب بودن شرایط آمریکا برای اقدام نظامی علیه ایران و هم‌چنین مخالفت کنگره و افکار عمومی

1 - [www.antiwar.ir](http://www.antiwar.ir), ۱۳۸۵/۸/۱۵

۲ - روزنامه کیهان، ۷ مهر ۱۳۸۶.

۳ - کارشناس دولت «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و مدیر سابق شورای روابط خارجی این کشور.

آمریکا و عدم همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای با این امر موجب شده تا آمریکا فضای تبلیغی و روانی رویارویی را در قالب جنگ سرد با ایران ایجاد نماید. بازگشت به سیاست مهار<sup>۱</sup> و جنگ کم‌شدت به جای سیاست رویارویی مستقیم با ایران و اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی، فشار منطقه‌ای در سایه تشکیل ائتلاف ضدایرانی، جنگ رسان‌های، تهدید و ارعاب نظامی و اقدامات امنیتی، پیگیری نافرمانی مدنی، فعال‌سازی گسل‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی از مصادیق این سیاست است.

طرح پرده سبز هم یکی از راهبردهای نومحافظه‌کاران برای مقابله و مهار ایران بود. پل سالم<sup>۲</sup> درباره ماهیت و اهداف طرح بوش با عنوان «پرده سبز» برای مقابله و مهار ایران می‌گوید: «این طرح اعلان یک جنگ سرد است و شامل سیاست محدود نمودن و تضعیف دشمنان است، مدلی که در بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به مدت ۴۰ سال حفظ شد.» هم‌چنین به نوشته، «رابین رایت»<sup>۳</sup> آمریکا در این طرح تلاش می‌کند یک نوع تقسیم‌بندی بین دشمنان و دوستان ایران برای مقابله با قدرت فزاینده این کشور در خاورمیانه ایجاد کند. بروس ریدل<sup>۴</sup> نیز از مانور ناوگان دریایی آمریکا، تأکید بر صدور قطعنامه علیه ایران و تخصیص بودجه ۷۵ میلیون دلاری و پیشنهاد بودجه ۱۰۸ میلیون دلاری، به عنوان ابزار آمریکا در طرح سبز یاد کرد. (اخبار و تحلیل‌ها، ۱۳۸۶/۵/۹، ۱-۲) این طرح با هدف جداکردن جهان عرب از ایران و مهار نفوذ و گسترش روزافزون اسلام سیاسی متأثر از جمهوری اسلامی در منطقه تدارک دیده شده است.

۱ - سیاست مهار ایران نخستین بار در دوره کلیتون توسط مارتین ایندیک طراحی شد.

۲ - کارشناس مؤسسه صلح کارنگی.

۳ - نویسنده واشنگتن پست.

۴ - عضو سابق سازمان سیا و شورای امنیت ملی آمریکا و از کارشناسان مؤسسه بروکینگز.

#### ۶- افزایش تردید در کارآمدی حمله نظامی علیه ایران

ارزیابی آمریکایی‌ها این است که قدرت منطقه‌ای ایران تا آن حد فزونی یافته که عملاً به تعبیر رایس، تهران می‌تواند وسط منطقه خاورمیانه بایستد و از آمریکا باج بخواهد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲)

ریچارد آرمیتاژ<sup>۱</sup> معتقد است پیروزی حزب‌الله بر قوی‌ترین نیروی نظامی منطقه یعنی ارتش اسرائیل این درس را به دنبال داشت که آمریکا و اسرائیل از حمله نظامی به ایران طرفی نخواهند بست. (Hersh, 2006) علاوه بر این موارد، مقامات برجسته دیگری از آمریکا نیز بارها مواضع مشابهی اتخاذ نمودند که امکان بیان آن در این مقاله نیست.

#### ۷- تلاش برای ایجاد قطب جدید قدرت در منطقه

پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان و ناکامی آمریکا و متحدین آن در تحقق اهداف خود از طریق جنگ در قالب طرح خاورمیانه جدید، آن‌ها تلاش می‌کنند تا با دشمن تراشی و بزرگ جلوه دادن تهدید ایران در منطقه، اتحادی را برای تشکیل نظام امنیتی جدید بر مبنای اتحاد کشورهای دوست و متحد آمریکا و ایجاد یک «قطب جدید قدرت» در منطقه با همکاری آمریکا، اسرائیل و رژیم‌های میانه‌رو عربی، با مقاومت و بیداری اسلامی به محوریت ایران مقابله کنند.

تصویب فروش ۲۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان، مصر و پنج کشور حاشیه خلیج فارس از سوی آمریکا و تصمیم به کمک‌های نظامی ۳۰ میلیارد دلاری به اسرائیل و ۱۳ میلیارد دلاری به مصر طی ۱۰ سال آینده نیز حاکی از تقویت جریان‌های میانه‌رو و حمایت از استراتژی آمریکا در جهت مقابله با نفوذ ایران،

۱- معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا در دوره اول ریاست جمهوری بوش.

سوریه و حزب‌الله است.<sup>۱</sup>

افزایش فشارها بر ایران بر سر پرونده اتمی و فراخوانی بریتانیا به ائتلاف «کشورهای میانه‌رو» مسلمان در برابر ایران نیز نشان دیگری از قطب‌بندی جدید در مقابل ایران است. واشنگتن با اعمال فشار بر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌خواهد یک ائتلاف گسترده ضدایرانی را حتی اگر به قیمت راه انداختن یک جنگ بین شیعه و سنی در جهان اسلام تمام شود، تشکیل دهد. (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۱۱/۲۳) در واقع تمایل سیاست خارجی آمریکا به ایجاد قطب جدید قدرت در مقابل جمهوری اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش مانند حزب‌الله و حماس و هدف اصلی آن از بسیج کشورهای منطقه تحت عنوان ائتلاف کشورهای معتدل، انحراف ذهن مردم و دولت‌های منطقه از مشکل اصلی یعنی رژیم صهیونیستی است.

### نتیجه‌گیری

با فروپاشی شوروی زمینه احیای توان هژمونیک آمریکا فراهم و پس از حادثه یازده سپتامبر با پیروزی در افغانستان و عراق موقعیت آن تقویت شد، لذا نومحافظه‌کاران حاکم بر این کشور سیاست هژمون‌گرایی یک‌جانبه خود را بدون توجه به قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به اوج رساندند. وضعیت خاص کشورهای خاورمیانه نیز که انعکاس آن در گزارش روشنفکران و کارشناسان عرب به سازمان ملل (در سال ۲۰۰۲) مشاهده گردید، دستمایه آمریکایی‌ها برای استفاده از مشکلات منطقه برای رسیدن به اهداف توسعه‌طلبانه آن‌ها قرار گرفت. پس از اتخاذ سیاست تغییر وضع موجود، دیری نپایید که آمریکایی‌ها متوجه

۱ - BBC.Persian.com, ۱۳۸۶/۵/۸ - ۱



شدند پروژه دولت‌سازی در طرح خاورمیانه بزرگ با مانع بزرگی مواجه شد و معادلاتی در منطقه رقم خورد که نتیجه آن رشد اسلام سیاسی و بیداری اسلامی بود. از سوی دیگر با توجه به بن‌بست پیش‌آمده برای آمریکا در عراق و ناکامی در ایجاد دولت سرمشق بر مبنای دموکراسی آمریکایی و از آنجا که آن‌ها این مشکل خود را به جریان بیداری اسلامی با محوریت ایران منتسب می‌کردند، با تغییر تاکتیک و اتخاذ راهبرد سخت‌افزاری برای خروج از بن‌بست و فائق آمدن بر مشکلات خود، طرح خاورمیانه جدید را مطرح نمودند.

با توجه به نقش محوری ایران در شکل‌گیری و قدرت‌یابی بیداری اسلامی پس از موفقیت اسلام سیاسی در فرایند دموکراسی‌سازی در خاورمیانه، آمریکا و اسرائیل با بزرگ‌نمایی خطر قدرت‌یابی شیعیان در منطقه و طرح هلال شیعی، حکومت‌های عربی را با خود همراه نموده و طرح حمله به حزب‌الله لبنان را به عنوان گام نخست برای قطع بازوان منطقه‌ای ایران ساماندهی و اجرا نمودند.

نتایج خیره‌کننده مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه سبب شد هیمنه نظامی اسرائیل شکسته شده و نظامی‌گری نومحافظه‌کاران آمریکا، در فاز سخت‌افزاری خاورمیانه جدید نیز با شکست مواجه شود. علاوه بر آن، برانگیخته شدن افکار عمومی منطقه ضد رژیم صهیونیستی و حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از آن، آمریکا را به تغییر در سیاست‌های مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی و همکاری و گفتگو با سایر بازیگران وادار نمود. از سوی دیگر پس از ناکامی آمریکا و متحدین آن در تحقق اهداف خود از طریق جنگ، و افزایش تردید در کارآمدی حمله نظامی علیه ایران، هم‌اکنون آن‌ها تلاش می‌نمایند با دشمن‌تراشی و بزرگ‌جلوه دادن تهدید ایران در منطقه، به سیاست مهار و جنگ کم‌شدت با این کشور تمایل یافته و اتحادی را برای ایجاد نظام امنیتی جدید بر مبنای اتحاد کشورهای دوست و متحد آمریکا و ایجاد یک قطب جدید قدرت در منطقه با همکاری آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم‌های عربی تشکیل داده و با مقاومت و بیداری اسلامی به محوریت ایران مقابله نمایند.

## منابع

- ۱ - امینی، حسن، (۱۳۸۳)، تأثیر حوادث ۱۱ سپتامبر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، قم: اعتدال.
- ۲ - امینیان، بهادر (۱۳۸۶)، آمریکا و ناتو؛ پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۳ - ایکنبری، جی جان (۱۳۸۲)، تنها ابرقدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، چاپ دوم، ترجمه عظیم فضلی‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۴ - پایان عصر آمریکا در خاورمیانه (۱۳۸۶)، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه؛ اداره مقابله با تهدیدهای نرم و عملیات روانی.
- ۵ - پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷)، تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا، قم: اعتدال.
- ۶ - جانسون، چالمرز، (۱۳۸۴)، مصائب امپراتوری؛ امپریالیسم نظامی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه عباس کاردان و حسن سعید کلاهی خیابان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۷ - حسینی، حسن (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۸ - دهشیار، حسین، (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: نشر قومس.
- ۹ - سعید، محمدقدری و سعید عبدالمنعم، (۱۳۸۵)، افکار و اسرار ۱۱ سپتامبر، ترجمه اسماعیل اقبال، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۱۰ - صداقت، سروش، (۱۳۸۴)، آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر؛ مفهوم امنیتی حادثه ۱۱ سپتامبر در حوزه خاورمیانه، ویراسته محمود یزدان‌فام، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱ - کسینجر، هنری، (۱۳۸۳)، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، چاپ دوم، ترجمه ابوالقاسم

- راه‌چمنی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۲ - مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳ - محمدی، منوچهر، (۱۳۸۲)، استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، تهران: سروش.
- ۱۴ - یونسین، مجید (۱۳۸۵)، کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۵ - الخمیسی، احمد (۱۳۸۵/۷/۱۶)، «سلطه بر منابع نفتی منطقه هدف آمریکا»، [www.ghadiri.org](http://www.ghadiri.org)، (۱۳۸۵/۷/۱۸).
- ۱۶ - امینیان، بهادر (۱۳۸۳) «آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸
- ۱۷ - بیگدلی، علی (۱۳۸۵/۳/۹)، «نقشه تصاحب خاورمیانه نگاهی به ماهیت استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه»، <http://noormags.com>، (۱۳۸۶/۸/۲۵).
- ۱۸ - پورقیومی، ایوب، ۱۳۸۶، «طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش‌ها و موانع»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۶۱.
- ۱۹ - پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷/۰۷/۲۱)، «گفتگو با طالبان؛ و مشکلات پیش‌رو» [hadi.basijnews.ir](http://hadi.basijnews.ir)، (۱۳۸۷/۰۷/۲۱).
- ۲۰ - خسروی، غلامرضا (۱۳۸۶/۲/۱۷)، «نشست شرم‌الشیخ»، [www.rissna.ir](http://www.rissna.ir)، (۱۳۸۶/۹/۳۰).
- ۲۱ - خلیجی، عباس (۱۳۸۲)، «رویکرد سیاست خارجی آمریکا به تروریسم»، مجله سیاست دفاعی، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- ۲۲ - دلاورپوراقدم، مصطفی (۱۳۸۶/۲/۲۷) «حزب‌الله و مؤلفه‌های سیاست و امنیت در خاورمیانه»، [www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)، (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۲۳ - دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳)، «بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸.
- ۲۴ - سالمان، عبدالمالک (۱۳۸۵)، «ارزیابی پیامدهای جنگ‌افروزی اخیر اسرائیل»، خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۶/۱۲).
- ۲۵ - سیک، گری (۲۰۰۶/۱۱/۲۶)، «ایران مخفی و ارتباط با آمریکا»، [www.roozonline.com](http://www.roozonline.com)، (۱۳۸۵/۹/۵).
- ۲۶ - کیوان‌حسینی، سیداصغر (۱۳۸۱)، «مبارزه با تروریسم و سامان‌بخشی به سیاست خارجی آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۰-۴۱، صص ۲-۲۳.
- ۲۷ - محمدی، مهدی (۱۳۸۷)، «پایان بازی نومحافظه‌کاران در خاورمیانه»، روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۲/۲۲.

- ۲۸ - مرشدی، ارسلان (۱۳۸۵/۶/۷)، «ضربه کاری حزب‌الله»، [jamejamonline.ir](http://jamejamonline.ir) (۱۳۸۵/۶/۷).
- ۲۹ - نصر، ولی و تکیه، ری (۱۳۸۶/۹/۲۶)، «ایران القاعده نیست»، ترجمه: فراز شهلائی، [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir) (۱۳۸۶/۹/۲۶).
- ۳۰ - نویهض الحوت، بیان (۱۳۸۵/۵/۲۸)، «خاورمیانه جدید؛ طرح آمریکایی که محکوم به شکست است»، مترجم: ابوالقاسم کارجو لاهیجی، السفير لبنان، به نقل از: [www.basirat.ir](http://www.basirat.ir) (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۳۱ - هادوی، مجید (۱۳۸۶)، «فرانسه به دنبال نقش جدید در عراق»، هفته نامه صبح صادق، شماره ۳۱۵.
- ۳۲ - هاس، ن. ریچارد (۱۳۸۵)، «پایان عصر آمریکایی خاورمیانه»، ترجمه بنفشه غلامی، روزنامه ایران، ۱۳۸۵/۸/۱۱.
- ۳۳ - هاس، ن. ریچارد (نوامبر / دسامبر ۲۰۰۶)، «خاورمیانه جدید»، ترجمه مهدی کاظمی، مجله فارن افیرز، [www.mydocument.ir](http://www.mydocument.ir) (۳۰ مارس ۲۰۰۷).
- ۳۴ - هرش، سیمور (۱۳۸۵)، «تغییر جهت»، نشریه نیویورکر، به نقل از: واحد مرکزی خبر (۱۳۸۵/۱۲/۲۶).
- ۳۵ - چامسکی، نوام. استاد بازنشسته دپارتمان فلسفه و زبان‌شناسی مؤسسه تکنولوژی ماساچوست آمریکا، اینترنشنال نیوز، «افکار جنون‌آمیزی بر وزارت دفاع آمریکا حاکم است»، به نقل از: خبرگزاری مهر، (۱۳۸۵/۱۲/۶).
- ۳۶ - خبرگزاری رویترز (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).
- ۳۷ - خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۱۱/۲۳).
- ۳۸ - رایس، کاندولیزا. وزیر خارجه آمریکا، شبکه العربی، «اعتراف به ناکارآمدی سیاست آمریکا در مقابل ایران» (۱۹ فوریه ۲۰۰۷)، به نقل از: روزنامه کیهان، (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).
- ۳۹ - نشریه اخبار و تحلیل‌ها، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در مجتمع دانشگاهی شهید مطهری بسیج، شماره ۸۲، (۱۳۸۶/۵/۹).
- ۴۰ - هرش، سیمور. خبرنگار نشریه نیویورکر، «سیاست دوگانه واشنگتن باعث پیچیدگی اوضاع خاورمیانه می‌شود»، به نقل از خبرگزاری مهر (۱۳۸۶/۳/۸).
- ۴۱ - بیگدلی، ۱۳۸۵، <http://noormages.com>.
- ۴۲ - پورقیومی، ایوب، ۱۳۸۷، <http://basijnews.ir>.
- ۴۳ - مرشدی، ۱۳۸۵، <http://jamejamonline.ir>.
- ۴۴ - دلاورپوراقدام، ۱۳۸۶، <http://aftab.ir>.
- ۴۵ - هاس، ریچارد، [www.mydocument.ir](http://www.mydocument.ir).

۴۶ - خسروی، ۱۳۸۶، [www.rissna.ir](http://www.rissna.ir).

- 47 - Goldberg, Jeffrey (January/February 2008) "After Iraq"  
[www.theatlantic.com/doc/200801/goldberg-mideast](http://www.theatlantic.com/doc/200801/goldberg-mideast) (14/11/1386).
- 48 - Hersh, Seymour (2006) Washington's interests in Israel's war, august 21, 2006,  
[www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa\\_fact?Printable=true](http://www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa_fact?Printable=true).
- 49 - Peters, Ralph (2006) Blood borders how a better Middle East would look,  
[www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899](http://www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899).
- 50 - <http://kayhannews.ir/870822/16.htm#other1609>.
- 51 - [www.antiwar.ir](http://www.antiwar.ir) (15/8/1385).
- 52 - [www.bbcpersian.com](http://www.bbcpersian.com) (8/5/1386).
- 53 - [www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527](http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527).
- 54 - [www.etemaad.com](http://www.etemaad.com) (2/7/1386).
- 55 - [www.kaariz.com](http://www.kaariz.com) (23/1/1386).
- 56 - [www.mehrnews.ir](http://www.mehrnews.ir) (20/1/1386).



## پدیده مقاومت، بستر ساز اعمال قدرت فراملی جمهوری اسلامی ایران

حسین اکبری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱/۱۶

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۲/۲۸

صفحات مقاله: ۱۹۳-۱۵۱

### چکیده

ظهور انقلاب اسلامی ایران و ارائه راهبرد دفاع از حقوق مظلومان و اندیشه استکبارستیزی که براساس مبانی اعتقادی شیعی شکل گرفته در قرن بیستم پدیده جدیدی در معادلات بین‌المللی به وجود آورد و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی را به چالش کشاند. در این تقابل، اندیشه مقاومت در بین ملت‌های تحت ظلم در طول دو دهه به توانمندی قابل توجهی دست یافت و توانست در مقابل تهدیدات بزرگی ایستادگی نماید. شکل‌گیری حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین و گروه‌های مبارز در عراق، افغانستان و بوسنی با حمایت انقلاب اسلامی توانستند پیروزی‌های بزرگی برای ملت خود کسب کنند. این پدیده علاوه بر تأثیرگذاری به شکل و نوع مبارزه منافع متقابلی میان مقاومت و انقلاب اسلامی ایجاد نموده است، به نحوی که انقلاب اسلامی علاوه بر توانمندی در حوزه قدرت ملی می‌تواند از توان مقاومت، اندیشه شیعی در قالب مدل کنشی و واکنشی قدرت فراملی خود را توسعه دهد و جبهه ضد استکباری را در راستای دفاع از حقوق گروه‌های مقاومت که اساساً ریشه در تأمین منافع مقاومت دارد را گسترش دهد.

\* \* \* \* \*

۱ - دانشجوی دکتری رشته مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع).

## کلید واژگان

پدیده مقاومت، اندیشه‌های شیعی، انقلاب اسلامی، استکبارستیزی، قدرت ملی، قدرت فراملی، دفاع از حقوق مستضعفین

## مقدمه

ظهور پدیده انقلاب اسلامی به عنوان مهم‌ترین تحول در قرن بیستم موجب شد تا نظام دوقطبی حاکم بر جهان را از خود متأثر کند. شعار نه شرقی، نه غربی و جمهوری اسلامی به معنای نفی شرق و غرب و ابداع جمهوری اسلامی به عنوان الگوی جدیدی در ارائه نوعی حکومت که در آن اسلامیت و جمهوریت می‌تواند سازگاری داشته باشد. در واقع دو سؤال اساسی را در ذهن مخالفین خود به وجود آورد که:

۱ - آیا انقلاب اسلامی می‌تواند خارج از سلطه شرق و غرب به حیات سیاسی خود ادامه دهد؟

۲ - آیا جمهوریت که مظهر دموکراسی نوین است می‌تواند با اسلامیت که (به زعم آن‌ها) اندیشه بنیادگرایی است عجین شود؟

این شرایط در حالی بود که موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی و حتی ژئواکونومیکی ایران برای قدرت‌های شرق و غرب از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و در واقع وزن ایران برای قدرت‌های شرق و غرب در معادله قدرت تعیین‌کننده بود، ضمن اینکه برخی در عین ناباوری منتظر بودند تئوری انقلاب در میدان عمل سنجیده شود.

در واقع شعار ایران که از منشأ اندیشه‌های عاشورایی شیعه برمی‌خاست یک نظریه و تئوری فراملی بود. دشمنی آمریکا با قدرت انقلاب و حمایت شرق و غرب از جنگ عراق علیه ایران نه تنها خللی در اراده انقلاب ایجاد نکرد، بلکه به نمایی از اقتدار ملی ایران تبدیل گردید. فروپاشی شرق و یکه‌تازی غرب



نیز فصل جدیدی از مبارزه قدرت هژمون علیه انقلاب اسلامی است که بیش از دو دهه بزرگ‌ترین چالش ذهنی غرب به شمار می‌آید.

مقاومت و ایستادگی انقلاب اسلامی و حرکت رو به پیش اندیشه مردم‌سالاری دینی و مکمل بودن جمهوریت و اسلامیت که در اندیشه شیعه از آن به عنوان امتزاج دین و سیاست نام برده می‌شود، علاوه بر اثبات نظریه نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی سبب شد این اندیشه در بین ملت‌های تحت ظلم مانند افغانستان، لبنان، فلسطین و بعدها در عراق و بوسنی و دیگر کشورهای اسلامی به گفتمان غالبی تحت عنوان گفتمان مقاومت تبدیل شود. در واقع شکل‌گیری جریان‌ات مقاومت که به نوعی مُلهم از شعارهای انقلاب اسلامی به معنای ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت‌های زیاده‌طلب برای احقاق حقوق خود بود موجب تجربه‌عملی برای دیگر مقاومت‌ها شود. به عنوان مثال ایستادگی و مقاومت حزب‌الله در مقابل اسرائیل الگویی برای مبارزه ملت فلسطین گردید و مقاومت ملت افغانستان علیه اشغالگری شوروی الگویی برای مبارزه مقاومت عراق علیه اشغالگری آمریکایی بود.

در واقع باگذشت بیش از دو دهه از تجربه عملی مقاومت در صحنه‌های متفاوت بویژه مقابله و پیروزی مقاومت حزب‌الله و حماس در برابر اسرائیل و پیوند قوی آن‌ها با انقلاب اسلامی پدیده مقاومت را به عنوان بازیگری مهم در صحنه بین‌الملل مطرح می‌کند. پیوستگی و نیاز متقابل دو پدیده انقلاب اسلامی و مقاومت شرایط جدیدی از مؤلفه قدرت فراملی را برای طرفین به وجود آورده است. بنابراین، در این پژوهش محقق درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده مقاومت یکی از مؤلفه‌های قدرت فراملی است؟ قلمرو این تحقیق از حیث زمانی از آغاز پدیده انقلاب اسلامی و از حیث مکانی جغرافیای جهان اسلام و از حیث حوزه تحقیق در حوزه دیپلماسی است و از جهت سطح تحقیق در سطح استراتژیک و نگاه عام به اهمیت و جایگاه پدیده مقاومت

است. در حقیقت تأثیر و تأثر قدرت فراملی و پدیده مقاومت متغیرهای اصلی می‌باشند که در فرضیه تحقیق پدیده مقاومت یکی از مؤلفه‌های قدرت فراملی در نظر گرفته شده اگرچه فرضیه جایگزین جایگاه پدیده مقاومت را مهم‌ترین مؤلفه قدرت فراملی می‌داند به نظر می‌رسد توجه دادن به اندیشه قدرت فراملی انقلاب اسلامی و کالبدشکافی مفهومی پدیده مقاومت براساس مصادیق عینی علاوه بر روشنگری در حوزه پژوهش‌های علمی در ابعاد مهمی از مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران که کمتر به آن پرداخته شده نوآوری در تشریح حقایق پنهان به حساب آید.

### تعریف مفاهیم

**گفتمان مقاومت:** در حقیقت مقاومت از قدرت تولید می‌شود و عموماً در رابطه بین مقاومت و قدرت وزنه برتری را به قدرت می‌دهد. در واقع اگر مقاومت تسلیم شود خستی خواهد شد. بنابراین، میزان و چگونگی مقاومت در تقابل بین قدرت و مقاومت بسیار تعیین‌کننده است، زیرا اصولاً مقاومت از حداقل ابزارها در مقابل قدرت برخوردار است الا اینکه مقاومت از ابزار ایدئولوژی نیز استفاده کند. وقتی مقاومت از ایدئولوژی استفاده می‌کند توان مضاعفی را کسب می‌کند و پشتوانه مردمی قوی برای خود ایجاد می‌کند و از ابزارهای غیرفیزیکی نیز بهره‌مند می‌شود. از نظر میشل فوکو تحقیقات تاریخی در پی پایه‌گذاری، وجود گفتمان‌ها یا شکل‌بندی گفتمانی است. این گفتمان‌ها با تعبیر ساختارگرایی نویسندگانی چون «لویی اشتراس» یا «آلترسر» متفاوت است.

از نظر فوکو گفتمان‌ها فضاهایی هستند که انواع عوامل تعیین‌کننده درون آن‌ها به خلق برداشت‌های بشری از خود و اقدامات بشری می‌پردازد. فوکو معتقد است شکل‌بندی‌های گفتمانی شبکه‌های قدرتی هستند که همه ما در درون آن قرار داریم. وی معتقد است قدرت هم می‌تواند مثبت باشد و هم منفی، هم

مولد باشد و هم سرکوب‌گر. او اصرار می‌کند که هر مورد قدرت نوعی مقاومت در برابر قدرت را با خود می‌آورد. (مک لین، ۱۳۸۱: ۳۱۲)

مقاومتی که دارای راهبرد و پشتوانه مردمی و ایدئولوژیک باشد می‌تواند در مقابل قدرت‌ها ایستادگی مضاعفی را از خود نشان دهد.

### رابطه قدرت و مقاومت

توجه به حوزه مقاومت‌های صورت‌گرفته در برابر قدرت، ما را در فهم هر چه بهتر روابط قدرت یاری می‌دهد. به اعتقاد میشل فوکو «هیچ قدرتی و یا اقتداری نمی‌توان یافت که در برابر خود مقاومت نیافریند» و در برابر هر رابطه‌ای از قدرت می‌توان حوزه کاملی از پاسخ‌ها، واکنش‌ها و تدابیر ممکنه را مشاهده کرد. پس نحوه اعمال قدرت ممکن است از طریق ماهیت مقاومتی که در برابر آن ایجاد می‌شود شناخته شود. مقاومت همیشه در روابط قدرت به عنوان «تقابل غیرقابل تقلیل» موردنظر قرار می‌گیرد.

در واقع قدرت صرفاً در جریان مبارزه‌ها، واکنش‌ها و مقاومت‌هایی جریان می‌یابد که انسان‌ها جهت به هم ریختن مناسبات قدرت صورت داده‌اند. از این رو، مورد توجه قرار دادن اشکال مقاومت صورت‌گرفته در برابر قدرت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. (Bashgah. Net: 20537)

گفتمان مکانی است که در آن سلطه و مقاومت در برابر هم می‌ایستند. فوکو بر این باور است که گفتمان‌ها ساختار دارند. تحلیل این ساختارها به ما کمک می‌کند که بتوانیم تغییراتی در اشکال گفتمان‌های حاکم ایجاد کنیم. قدرت و مقاومت اگرچه به نوعی تضاد دارند و در فضای توازن وحشت زیست می‌کنند، اما گاهی نیز ممکن است به تحمل یکدیگر برسند. زیرا موازنه وحشت، موازنه

ترور<sup>۱</sup> به وضعیتی اشاره دارد که در آن دو کنشگر می‌توانند به شکلی باور کردنی یکدیگر را تهدید به نابودی کنند. لازم نیست این توانایی تمام عیار (Total) باشد، اما بی‌تردید از سوی طرفین ذی‌نفع غیرقابل قبول است. موازنه وحشت از موازنه قدرت مشتق شده است. (همان: ۷۹)

البته بین مقاومت و تروریسم نیز تفاوت‌های جدی وجود دارد اگرچه دشمن سعی می‌کند مقاومت را تروریسم معرفی کند. حتی در سازمان ملل نیز این تفاوت‌ها توصیف شده است. بنابراین، «طبق منشور سازمان ملل برای تحقق بخشیدن به حق تعیین سرنوشت، حق آزادی، حق استقلال مردمی که به زور از این حق محروم شده‌اند... بویژه ملت‌هایی که تحت فشار رژیم‌های استعماری و نژادپرست و اشغال خارجی زندگی می‌کنند» انجام می‌شود. آیا چنین اقداماتی در حیطه تروریسم قرار می‌گیرند یا در حوزه مقاومت؟ موارد مذکور به طور قاطع به عنوان جنایت تروریسم از سوی مجمع عمومی تقبیح شده است. حقوق تعریف شده در قطعنامه دسامبر ۱۹۸۷ (که با ۱۵۳ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و یک رأی ممتنع) مجمع عمومی سازمان ملل اعلام می‌کند «هیچ چیزی طبق این قطعنامه نمی‌تواند به هیچ‌وجه حقوق تعریف شده را خدشه‌دار سازد. بنابراین، در جهان تنها اسرائیل و آمریکا حاشا می‌کردند که این اقدامات مقاومت نیست بلکه تروریست است. همان دو کشوری که به قطعنامه رأی مخالف دادند. (چامسکی، ۱۳۸۷: ۲۳۸)

بر این اساس ایالات متحده و اسرائیل حزب‌الله لبنان را تروریست می‌دانند در حالی که حزب‌الله با این هدف تشکیل شد که در برابر اشغالگری اسرائیلی‌ها در جنوب لبنان مقاومت کند و موفق شد اشغالگران را که دو دهه نسبت به دستورات شورای امنیت برای عقب‌نشینی بی‌اعتنایی می‌کردند بیرون براند. آمریکا

---

1 - Balance of Terror

مقاومت ملت‌ها در برابر تجاوز مستقیم ایالات متحده را تروریست می‌خواند اخیراً عراقی‌ها را نیز تروریست خوانده است. (همان: ۲۳۹) بنابراین، مقاومت قدرتی است کارآمد که توانسته است با نقاط ضعف دشمن درگیر شود و دشمن را وادار به انفعال نماید. امروزه تنها قدرت کارآمد در مقابل نظام سلطه مقاومت است که شکست‌های تاریخی نیز در عراق و لبنان و فلسطین به دشمن تحمیل کرده است آن هم در شرایط کاملاً نابرابر با شیوه‌های نامتقارن زیرا به خدا و مردم خود اتکا کرده و پیروز شده است.

### دیسپوزیتیو<sup>۱</sup> و مقاومت

دیسپوزیتیو در اندیشه فوکو توصیفی است برای یک مجموعه کاملاً ناهمگون. این مجموعه دربرگیرنده گفتمان‌ها، سازمان‌ها، ساختارها، تصمیمات تعیین‌کننده، قوانین، اقدامات اجرایی، نظرات علمی و آموزه‌های فلسفی و اخلاقی می‌باشد. فوکو مدعی است که قدرت در دایره دیسپوزیتیوها و گفتمان‌ها شکل می‌گیرد. این گفتمان‌ها مکان خیلی مهم برای مقاومت در برابر روابط قدرت‌اند. از این رو، باید گفتمان‌ها را که متشکل از اعمال گویش‌اند دقیق تجزیه و تحلیل کرد تا بدین وسیله به استراتژی و اهداف آن دست یابیم. (همان)

فوکو در فرضیه سرکوب معتقد است، فرضیه سرکوب<sup>۲</sup> به ما تفهیم می‌کند که سرکوب غرایز اولیه نقطه آغاز برای رشد شخصیت اقتدارگرائی است. رهایی از زنجیرهای انضباطی موجب خواهد شد که شخصیت انسان‌ها به بار ننشیند و این خود ضرورتی برای مقاومت علیه استثمار سرمایه‌داری است.

قدرت فراملی: قدرت فراملی بر پایه و اساس قدرت ملی شکل می‌گیرد. در واقع اگر اقتدار ملی وجود نداشته باشد، قدرت فراملی دوام نخواهد داشت.

1 - Dispositive

2 - Repressionthese

قدرت فراملی به معنای «فراتر از ملت‌ها» است. هانتینگتون معتقد است سازمان‌های فراملی<sup>۱</sup> بر مبنای سه معیار تعریف می‌شوند:

۱ - آن‌ها از نظر داخلی سازمان‌های پیچیده‌ای هستند؛

۲ - از نظر کارکردی ویژه‌اند؛

۳ - از نظر بین‌المللی فراتر از مرزهای دولتی عمل می‌کنند. وی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) و کلیسای کاتولیک روم را از مصادیق آن می‌داند. (ایوانزونونام، ۱۳۸۱: ۸۲۳)

### مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران

اساساً مؤلفه‌های قدرت ملی یک کشور از برتری عناصر قدرت ملی تشکیل می‌شود و در تعاریف قدرت منطقه‌ای عموماً شاخص‌های بین‌المللی و حمایت‌های کشورهای منطقه را مطرح می‌کند و امروزه این توازن به هم خورده و رژیم اشغالگر قدس علی‌رغم دارا بودن حمایت‌های بین‌المللی و ابرقدرت‌ها و برتری عناصر قدرت ملی در درون کشور نه تنها قدرت برتر منطقه‌ای نیست بلکه به شدت از سوی قدرت‌هایی تهدید می‌شود که در ادبیات روابط بین‌الملل به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. به تعبیری امروزه عناصری در قدرت ملی مطرح هستند که در عمل تأثیرگذار ولی در تعریف مفاهیم تئوریزه نشده‌اند. بنابراین در تبیین مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران سه مؤلفه وجود دارد که این ویژگی‌ها شاید تنها به ایران اختصاص دارد که عبارتند از:

الف) مؤلفه اول: عوامل قدرت ملی ایران

ب) مؤلفه دوم: اندیشه‌های شیعی

ج) مؤلفه سوم: پدیده مقاومت.

1 - Transnational Organization

## الف) مؤلفه عوامل قدرت ملی ایران

### ۱ - شرایط طبیعی

ایران از گذشته‌های دور به علت قرار گرفتن بر سه راه ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و همجواری با روسیه تزاری و هند (قبل از جدا شدن افغانستان از ایران کشور ما همسایه هند بود) و نیز کشف نفت در منطقه خلیج فارس و خزر، از جایگاهی استراتژیک و برجسته برخوردار بوده است، افزون بر آن، اندیشه غالب رهبران شیعه در ایران به عنوان حلقه‌های اتصال بین مردم و حکومت بر تأمین منافع کشور تأثیرگذار بوده است.

**- توان اقتصادی ایران:** ایران از نظر اقتصادی دارای ذخائر عظیم نفت و گاز، معادن غنی اورانیوم، مس، سرب، روی و... است؛ به طوری که بزرگ‌ترین معادن اورانیوم خاورمیانه در منطقه ساغند یزد و بزرگ‌ترین ذخیره مس جهان در سرچشمه و میدوک کرمان (بعد از کشور شیلی) قرار دارد. (شیرودی، ۱۳۸۳: ۲۳) از حدود ۹۰۷ میلیارد بشکه ذخائر نفت<sup>۱</sup> شناخته شده در جهان، ۶۶۰ میلیارد بشکه یعنی ۶۶ درصد آن در خلیج فارس قرار دارد و از این مقدار حدود یک هفتم آن به ایران تعلق دارد. از نظر ذخائر گاز، ایران به تنهایی دارای چهارده میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است و از این جهت دومین کشور جهان محسوب می‌شود. این در حالی است که آمریکای شمالی ۸ درصد و آمریکای لاتین و آفریقا ۶ درصد سهم گاز را به خود اختصاص داده‌اند. (خداوردی، ۱۳۸۳: ۵۹)

**- توان فرهنگی - اجتماعی ایران:** وجود بیش از ۹۰ درصد جمعیت شیعه در ایران، ساختار فرهنگی - مذهبی قوی در کشور بویژه جایگاه مراجع تقلید در اعتقادات مردم، ویژگی‌های فقه پویا و تقلید در مذهب شیعه نقشی ویژه در دفاع

۱ - در سال ۱۹۰۸ نفت در ایران، ۱۲ سال بعد در عراق، ۲۹ سال بعد در عربستان و ۳۰ سال بعد در کویت و قطر کشف شد و صادرات نفت از سال ۱۹۸۴ آغاز گردید.

از ارزش‌ها و مرز و بوم کشور داشته است، بویژه از زمانی که اندیشه‌های امام<sup>(ره)</sup> وارد معادلات اجتماعی سیاسی شد.

محمد اقبال لاهوری در کتاب *فلسفه خودی* با شگفتی پیش‌بینی می‌کند که تهران در آینده قرارگاه مسلمانان خواهد شد. (مجله راهبرد، ش ۱۲: ۱۸)

**- موقعیت جغرافیایی:** ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی از دیر زمان جزو مناطق حساس و مهم ژئواستراتژی، ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک بوده است؛ به گونه‌ای که دارای بیشترین ساحل در خلیج فارس و مشرف بر تنگه هرمز است، این تنگه آبراهی هلالی شکل به طول ۱۸۷ کیلومتر است که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند. عرض این تنگه در باریک‌ترین بخش آن یعنی بین جزیره قونین کبیر و جزیره لارک ۳۸ کیلومتر و در مدخل تنگه به عرض ۹۶ کیلومتر می‌رسد. آلبوکرک، مهاجم پرتغالی به منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در سال ۱۵۰۷م می‌گوید: «هر دولتی که بر سه تنگه (هرمز، باب‌المندب و مالاکا) تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۲۵)

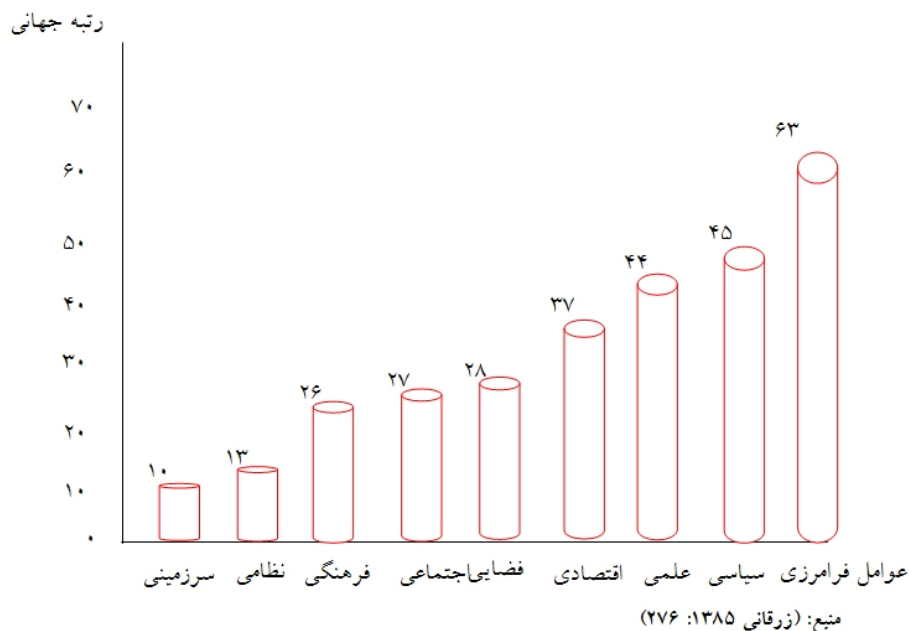
تنگه هرمز مهم‌ترین خطوط بین‌المللی حمل نفت است که حدود ۷۵ درصد صادرات نفت کشورهای ساحلی خلیج فارس از آن عبور می‌کند. هر سال میانگین عبور کشتی‌های نفتی و تجاری به بیش از ۵ هزار فروند می‌رسد. حفاظت از تنگه هرمز طبق توافق ایران و عمان در سال ۱۹۷۴ به عهده دو کشور است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۱: ۵۲)

## ۲- اندازه‌گیری عوامل قدرت ملی

دکتر حافظ‌نیا عوامل نه‌گانه قدرت ملی شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی، نظامی، علمی و فناوری، فرامرزی و فضایی را شاخص‌های مهم قدرت منطقه‌ای و جهانی کشورها می‌داند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۸۱)

در این روش، در هر عامل، شاخص‌های کمی قدرت ایران در بین ۱۳۹ کشور مهم جهان بررسی شده است.





### شکل شماره ۱ - مقایسه رتبه ایران در عوامل نه‌گانه در بین ۱۳۹ کشور

چنان که در نمودار مشخص است، در مجموع عوامل نه‌گانه، بهترین رتبه ایران به عامل سرزمینی برمی‌گردد که جمهوری اسلامی ایران با کسب رتبه دهم در بین ده کشور برتر جهان قرار گرفته است. ایران در صورت مدیریت بهینه می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت کشور در سایر عوامل باشد. رتبه ایران در عامل نظامی بسیار خوب است، بویژه این که در قابلیت نامتقارن از شرایط بهتری برخوردار است. در عامل فضای ایران از بین ۱۳۹ کشور، رتبه ۲۸ را داراست. در رتبه اقتصادی نیز ایران سی و هفتم جهان است که بسیار کمتر از قابلیت‌های ذاتی ایران به نظر می‌رسد. (همان)

گفتنی است، رتبه علمی ایران بیشتر از آمار ذکر شده در نمودار است. به عنوان مثال، ایران در هفت شاخه علمی (ریاضی، مکانیک، پلیمر، شیمی، مهندسی شیمی،

فناوری نانو و پزشکی) در منطقه رتبه نخست را داراست و در جهان در رشته ریاضی رتبه ۱۲، در مکانیک رتبه ۱۴، در شیمی رتبه ۱۶، در مهندسی شیمی رتبه ۲۱، در فناوری نانو رتبه ۲۶ و در پزشکی رتبه ۲۷ را داراست. (حافظنیا، پیشین: ۹۸)



شکل شماره ۳ - رتبه ایران در مجموع عوامل (قدرت ملی) در مقایسه با کشورهای آسیای جنوب غربی (همان: ۱۰۱)

براساس سند چشم‌انداز بیست ساله، ایران باید تا سال ۱۴۰۴ به قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل شود که باید با برنامه‌ریزی نسبت به عوامل نه‌گانه، روند اقتدار منطقه‌ای را تقویت کرد. در حال حاضر، ایران بعد از ترکیه در موقعیت دوم قرار دارد که با مقام برتر فاصله چندانی ندارد.

### ب) مؤلفه اندیشه شیعی

شیعه مکتبی با ویژگی‌های خاص که توانسته است پیوند دین و سیاست را مبتنی بر قرآن و سیره عملی ائمه اطهار به عنوان ترجمان عملی قرآن به وجود آورد و بر این اساس تئوری حکومت ولایت فقیه را در آمیزه‌ای از جمهوریت و اسلامیت ابداع نماید. علاوه بر آن اندیشه کلان شیعه به دنبال نجات بشریت به عنوان رسالت دینی براساس دستور قرآنی است که در مسیر عاشورایی در انتظار ظهور منجی حیات خود را تعریف کرده است. این ویژگی نجات بشر را منافع می‌پندارد و وظیفه را از حوزه منافع ملی وسیع‌تر می‌کند.

بنابراین، مکتبی که از امتزاج دین و سیاست به عنوان راهبردی برای نیل به سعادت بشری سخن به میان می‌آورد موجب تولید قدرت می‌شود. در حقیقت همان چیزی که در صدر اسلام و در دوران زعامت پیامبر اعظم (ص) بر مسلمین وجود داشت تعداد اندک بر جمع کثیری از دشمنان پیروز می‌شدند (کم من فئة قليلة غلبت علی فئة کثیره) در واقع موازنه قدرت به اراده الهی به نفع دین‌مداران تغییر می‌کند و زمانی این وعده الهی محقق می‌شود که حرکت الهی باشد و حرکت الهی یعنی تلاش برای اجرای عدالت به نوعی که حقوق مخلوقات خداوند در آن رعایت شده باشد.

اندیشه شیعی از آن جهت مؤلفه قدرت قلمداد می‌شود که سنت رسول گرامی اسلام را که منبعث از وحی و قرآن است اجرا می‌کند و این حرکت الهی اراده و وعده الهی را محقق می‌کند به نحوی که یک شیعه علیه ظلم و بیداد قیام می‌کند و از قید منافع شخصی و ملی عبور می‌کند و به منافع می‌اندیشد که رضایت خدا و تکلیف دینی است. در واقع این اندیشه جهان وطنی مرزها را درمی‌نوردد و به قدرت فراملی تبدیل می‌شود. آنگاه وظیفه دفاع از مستضعفان و انسان‌های تحت ظلم را بر خود واجب می‌داند و برای رسیدن به این وظیفه الهی با سلاح جهاد تا قله شهادت و رضایت معبود پیش می‌رود. در حقیقت اندیشه شیعه،

تکلیف دینی و یا عقیده را تولید می‌کند و عقیده حسینی جهاد را بر خود تکلیف می‌کند. آنگاه اندیشه شیعی مؤلفه مهمی از قدرت فراملی را به وجود می‌آورد همانگونه که امام حسین (ع) فرمودند: "انَّ الْحَيَاتِ عَقِيدَةٌ وَ جَهَادٌ".

۱ - نگاه غرب نسبت به شیعه: نظام سلطه غرب در طول تاریخ با شیعه درگیری داشته و به خوبی می‌داند شیعه حقیقی ظلم‌ستیز است و عدالت‌نگر. بنابراین، اعتراف غرب به حقایق شیعه بسیار مهم است. فرانسوا توال، ژئوپولیتیک‌دان فرانسوی می‌گوید: تشیع از بدو پیدایش خود (اگر ایران را استثنا کنیم) به عنوان مذهب اقلیت، مذهب پردازندگان و مذهب زجرکشیدگان مطرح بوده است و در عین حال به موازات تحولش، دیدی پیشگویانه و غیب‌گویانه (أخروی) از جهان و تاریخ را ترویج می‌کند. این مذهب أخروی بر فرجام تاریخ بشریت تأکید دارد و از بدو ورودش به جهان به صورت مذهبی انقلابی در آمده است. جمع این دو نظریه (ویژگی در اقلیت بودن شیعیان و دیدگاه بالقوه اخروی و انقلابی‌شان) همراه با بازگشت تشیع می‌تواند نظم جهانی را با عدم ثبات مواجه کند. وی می‌افزاید: از لحاظ سیاسی نیز اسلام قائل به جدایی جامعه مدنی و مذهب نیست (وابستگی دین و سیاست)، زیرا از زمان حضرت محمد (ص) امور سیاسی و مذهبی در هم آمیخته بود. به همین دلیل، تعارض اصلی میان شیعه و سنی، سیاسی است. (توال، ۱۳۷۹: ۱۳۹)

توال در صفحه ۱۴۳ کتاب ژئوپولیتیک شیعه می‌نویسد: تشیع، کاپیتالیسم و کمونیزم را یکسان رد می‌کند. انفجار تشیع تنها به مواضع ژئوپولیتیکی‌اش در خاورمیانه برنمی‌گردد، بلکه در محتوی و پیام سیاسی آن نهفته است. تلقی این که این اراده انقلابی و امید بخش به فقرا در جهان، تنها به عنوان یک ویژگی سطحی است، اشتباه است. زیرا این اراده می‌تواند زمانی دارای قدرتی انفجارآمیز و سهمگین باشد. شیعه با مدرنیته سازگار است و پیشرفت علمی و تکنولوژی را تسریع‌کننده آزادسازی انسان به عنوان مرحله تکمیلی در زمینه بازگشت امام غایب تلقی می‌کند؛ بازگشتی که پایان تاریخ و شروع یک جهان کامل را رقم خواهد زد. بر این اساس،

شیعه متحول خواهد شد و در قبال جامعه بین‌الملل به طور مستقل برای دفاع از مظلومان جهان قد علم خواهد کرد. (همان: ۱۴۴)

حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با محوریت ولایت فقیه، در راستای اجرای عدالت الهی و حاکمیت خداوند بر بشر با هدف هدایت بشریت در جهانی زیست می‌کند که قدرت‌های استکباری با اندیشه‌های منافع محوری برای تأمین منافع خود به هیچ اصول و مبنایی پای‌بند نیستند و این اندیشه‌های خطرناک هر روز به سلاح‌های کشنده‌تر نیز مسلح می‌شوند.

بنابراین، انقلاب اسلامی با گفتمان عدالت‌محوری برای بشریت و ایستادگی و مقاومت در مقابل استکبار توانسته است گفتمان مقاومت را در منطقه توسعه دهد و با ارائه الگوی علمی، پیروزی و مقاومت در مقابل ظلم و ستم را نویدبخشد. افشای سیاست‌های ضداسلامی غرب و قتل عام ملت بی‌دفاع فلسطین و پیشرفت و موفقیت ام‌القری مقاومت (ایران) در حوزه‌های قدرت منطقه‌ای، نظر امت اسلامی را بیشتر از هر زمان متوجه خود کرده است که این گفتمان غالب در راستای دفاع از حقوق امت اسلامی رو به توسعه و پیروزی است. بنابراین، اندیشه انقلاب اسلامی به عنوان شاخص قدرت منطقه‌ای از توانایی قدرت نرم برخوردار است که دشمنان اسلام به راحتی نخواهند توانست با آن مبارزه کنند. به تعبیر دیگر، این گفتمان به دلیل نامتقارن بودن، از تهدید ابزارهای مدرن دشمنان اسلام ناب محمدی (ص) دور است فوکویاما در کنفرانس اورشلیم با عنوان (بازشناسی هویت شیعه) می‌گوید: «شیعه پرنده‌ای است که بالاتر از تیررس ما (غرب) پرواز می‌کند. این پرنده دو بال سبز و سرخ دارد که بال سبز آن مهدویت و عدالت خواهی و بال سرخ آن عاشورا و شهادت طلبی است. این پرنده زرهی به تن دارد که آن زره ولایت فقیه است. فوکویاما مهندسی معکوس برای شیعه را حذف ولایت فقیه و حذف اعتقاد به شهادت و عاشورا می‌داند و برای بازمهندسی غرب استفاده از روایات ظهور در شأن عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> در قالب مکتب جدیدی بنام اونجلیس و تبلیغ اندیشه عاشورایی در

ذهن غرب را توصیه می‌کند. فوکویاما معتقد است نبرد آخر الزمان بین غرب و شیعه حتمی است وی اعلام میکند شیعه پیروز این نبرد خواهد بود». (مؤسسه شیعه‌شناسی، اسفند ۱۳۸۶: ۴۴)

در حقیقت، فوکویاما زمانی این اعتراف را مطرح می‌کند که در حال تشریح تز پایان تاریخ است و غلبه اندیشه لیبرال دموکراسی را بر بشر قطعی و تمام شده می‌پندارد. فولر در کتاب *ژئوپولیتیک اسلام و غرب* به نوع اسلام ایرانی و مشکلاتش با غرب بویژه با آمریکا چنین اشاره می‌کند: الگوی ایران برای کشورهای که حکومت‌های اسلامی در آن به قدرت می‌رسند، به احتمال قوی به مثابه یک هنجار است نه یک استثناء. بنابراین، اسلام سیاسی ایرانی تمام بخش‌های آمریکا درباره اسلام سیاسی را تحت الشعاع قرار داده و این تصور که آمریکایی‌ها روزی بتوانند با یک حکومت اسلامی از نوع ایران رابطه برقرار کنند و در عین حال شیطان بزرگ خوانده نشوند، بسیار مشکل به نظر می‌آید. (فولر و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۰)

در خاورمیانه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، دو دوره اصلی در راهبرد امنیتی آمریکا در رابطه با اندیشه شیعه وجود داشته است:

**دوره اول:** از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ م که طرح خاورمیانه بزرگ و مقابله با سلفی‌گری عربستان از راهبردهای مهم آمریکا تلقی می‌شد. انتشار کتاب *شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده* توسط گراهام فولر و فرانکه باعث شد تا نگاه غرب نسبت به شیعیان عرب معتدل‌تر شود. فولر در این کتاب می‌نویسد: شیعیان در خلیج فارس تمایل چندانی به مقابله با آمریکا ندارند. بنابراین، غرب باید نگاه خود را از حالت کلیشه‌ای خارج و ذهنیت مخالفت شیعه با آمریکا و غرب را اصلاح کند. این ذهنیت از سوی آمریکایی‌ها ایجاد شده است، زیرا آن‌ها احساسات خود نسبت به انقلاب اسلامی ایران را به سایر کشورهای منطقه تعمیم می‌دهند. فولر معتقد است: غرب می‌تواند با استفاده از عقل‌گرائی شیعه، برای کنترل بنیادگرایی اهل تسنن، از عرب‌های شیعه حمایت کند. به همین دلیل،

آمریکایی‌ها پس از اشغال عراق به شدت توافق با شیعه را تبلیغ می‌کردند؛ در حالی که توافق با اهل تسنن را به دلیل نداشتن طرف گفت‌وگو مطلوب نمی‌دانستند. بنابراین، انتشار این کتاب بر اندیشه رهبران غرب برای تعریف رابطه معتدل با شیعه مؤثر بوده است.

**دوره دوم:** از سال ۲۰۰۵ تاکنون که در واقع، طرح خاورمیانه جدید آمریکا و جنگ ۳۳ روزه اسرائیل را برای مقابله با محور شیعی به ارمغان آورد. رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، در تل‌آویو اعلام کرد: آنچه ما اینجا می‌بینیم (ویرانی لبنان) به علت تهاجم نیروهای اسرائیلی نیست، به دلیل افزایش درد زایمان برای تولد خاورمیانه‌های جدید است. بنابراین، آنچه ما انجام می‌دهیم، برای ایجاد امنیتی است که از پیشرفت خود مطمئن شویم و دیگر به عقب برنگردیم. (ناظم‌الرعايا، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

انتشار کتاب *احیاگرایی شیعی توسط ولی‌الله نصر*، معاون ریچارد هاوس در شورای روابط خارجی آمریکا، افکار و سیاست‌های شیعه‌ستیزی را در ذهن غرب تقویت کرد؛ زیرا برخلاف دیدگاه‌های گراهام فولر در ارتباط با شیعه، وی معتقد است، انقلاب اسلامی ایران هویت شیعه را دگرگون کرده است و این دگرگونی نه تنها ساختار سیاسی کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده، بلکه می‌توان نشانه‌های آن را در تعارض همه‌جانبه گروه‌های اصول‌گرای شیعه با آمریکا دانست، زیرا تحول ناشی از اندیشه‌های موعودگرایی شیعه پیوند مشترک ایران و شیعیان منطقه است و مفاهیمی مانند کربلا، مهدویت و شهادت ریشه‌های اصلی احیاگرایی شیعه است که این امر موج‌های احساسی برای تهییج گروه‌های اجتماعی برای نیل به عدالت ایجاد می‌کند. (متقی، ۱۳۸۶: ۱۷۶)

## ۲ - نگاه کشورهای منطقه نسبت به شیعه

علت نگرانی از شکل‌گیری هلال شیعی، نگرانی از افزایش نقش و نفوذ

منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. این نگرانی برای نخستین بار توسط ملک عبدالله، پادشاه اردن مطرح شد که به نوعی نمایان‌گر نگرانی جهان عرب از به قدرت رسیدن شیعیان در یک کشور عربی (عراق) است. نگرانی از افزایش نقش و نفوذ ایران در قالب هلال شیعی به طور مکرر توسط سایر رهبران و مقام‌های جهان عرب از جمله حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر نیز بیان شد: «شیعیان منطقه بیشتر از آن که به کشورهايشان وفادار باشند، به ایران وفادارند». (حسنی مبارک، ۱۳۸۵/۱/۲۱)

سعود الفیصل در بیان نگرانی عربستان سعودی از افزایش نفوذ ایران در عراق و به طور کلی شیعیان در منطقه می‌گوید: «ما همه با ایران جنگیدیم تا عراق را اشغال نکنند، اما اکنون همه کشور (عراق) را بدون دلیل به ایران تقدیم کرده‌ایم». علل نگرانی جهان عرب از شکل‌گیری «هلال شیعی» یا «ژئوپولیتیک شیعی» عبارت‌اند از:

۱-۲ - پررنگ شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت منطقه با ایجاد زمینه‌های ائتلاف بین ایران و عراق، ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به ضرر جوامع دیگر که حکومت‌ها را در اختیار دارند به هم می‌زند.

۲-۲ - این ائتلاف در درون سرزمین‌هایی انجام می‌گیرد که حکومت‌های مخالف نظم سنتی موجود در رأس قدرت قرار دارند و این اتصال استراتژیک تعادل قدرت را بر هم می‌زند.

۳-۲ - تشکیل و تقویت چنین ائتلافی با نوع نگاه متفاوت نسبت به نقش بازیگران و حضور قدرت‌های بزرگ، تهدیدی برای حکومت‌های محافظه‌کار منطقه به حساب می‌آید. این امر بویژه از لحاظ تأثیرگذاری بر اقلیت‌های شیعی حوزه خلیج فارس حائز اهمیت است. بی‌تردید، استقرار یک نظام شیعی مردم‌سالار با محوریت ایدئولوژیک می‌تواند مشروعیت نظام‌های بسته عربی منطقه را با چالش روبه‌رو کند.



۴-۲ - جایگاه عراق جدید در حوزه سیاست خارجی ایران، براساس فراهم آوردن زمینه‌های فرصت‌سازی در راستای شکل‌گیری نظام امنیت جدید منطقه‌ای خلیج فارس قابل تعریف است. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۰)

۵-۲ - در شرایط کنونی محور تعاملات شیعیان ایران و عراق، بر مبنای اتصالات و تعاملات طبیعی و بالقوه مذهبی - ایدئولوژیک موجود بین دو طرف است تا سیاست‌های دولتی رژیم‌های دو کشور ایران و عراق برای تحت فشار قرار دادن یکدیگر. (همان: ۲۰۱)

پیوستگی جغرافیای تاریخی بین ایران، عراق، بحرین، شرق عربستان سعودی و شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس جغرافیای مهم و گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که با وجود ذخائر عظیم نفتی این همگرایی و ائتلاف می‌تواند شیعه را به قدرت فرامنطقه‌ای و تأثیرگذار در معادلات جهانی تبدیل کند

نگاهی به بعضی آمار و ارقام نشان‌گر زمینه‌های بالقوه قدرت شیعیان و آینده جایگاه و نقش آن‌ها در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه و جهان است. در حال حاضر، جمعیت شیعه جهان تا ۲۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. این جمعیت در ایران، عراق، بحرین و آذربایجان در اکثریت و در کشورهای عربستان سعودی، لبنان، سوریه، کویت، قطر، امارات، یمن، افغانستان، هند و پاکستان در اقلیت‌اند. (Nasr, July - August 2006) حدود ۶۵ درصد از ذخایر نفتی جهان نیز در کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار دارد که شیعیان در آن ساکن‌اند. کشورهای با اکثریت جمعیت شیعی، به حدود ۳۰ درصد ذخایر نفت دنیا شامل ایران، عراق و آذربایجان دسترسی دارند. اگر شیعه شرق عربستان سعودی نیز به این ارقام اضافه شود، این مقدار به حدود ۵۰ درصد می‌رسد. با توجه به چنین ویژگی‌هایی، نقش ایران به عنوان مرکز تحولات شیعی در جهان در سال‌های آینده دارای اهمیتی فراوان است. (برزگر، پیشین: ۶۳)

### اندیشه جهان وطنی

جمهوری اسلامی بهترین و موفق‌ترین حکومت مردم‌سالاری در بین کشورهای منطقه است که از طریق برگزاری انتخابات مردمی اداره می‌شود. حکومت شیعی مبتنی بر اندیشه حکومت ولایت فقیه توانسته است در کنار جمهوریت، براساس اسلامیت سیاست‌گذاری کند و به تعبیری تنها حکومت دینی است که ارزش‌های الهی را بر منافع دنیایی ترجیح داده و براساس همین ارزش‌ها هویت و تعریف خاصی به خود گرفته که نظر ملت‌های مسلمان و نهضت‌های اسلامی را به خود جلب کرده است.

اسلام سیاسی به مفهوم مکمل بودن دین و سیاست، نوید الهام بخشی برای مسلمانان است تا بتوانند با تمسک بر آن، استقلال و هویت واقعی خود را بازیابند و خود را در مقابل تهدیدها و تحقیرهای دشمنان نجات دهند. چنان که جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه از عمر خود، برخلاف دشمنی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی توانسته است ضمن ایستادگی و مقاومت بر اصول خود در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، فرهنگی و حتی فناوری روز، در حمایت از مقاومت مسلمانان با اقتدار عمل کند و امروزه در بحران‌های منطقه‌ای به عنوان بازیگر مهم نقشی کلیدی داشته باشد.

ایران انقلابی که از دید دشمنانش، دولت سرکش نامیده می‌شود، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و بی‌همتاست. ایران تنها دولت انقلابی اسلام‌گراست که بقا یافته و جهان مدرن شاهد آن بوده است. ایران آشکارا مخالف آمریکاست و با قاطعیت تمام مخالف اسرائیل است و بنیان‌گذار و حامی چند سازمان اسلام‌گرای انقلابی مانند حزب‌الله لبنان است و با آهنگی شتابان در پی توانمندی هسته‌ای است. علاوه بر آن، دارای فضای سیاسی سرزنده و باز و دارای نهادهای مردمی است و رهبران آن از طریق آرای عمومی انتخاب می‌شوند. ایران دارای جامعه مدنی پر شور و زنده است که اگر آمریکا با قدرت منطقه‌ای ایران مخالف

نبود، شاید چنین الگویی اصیل را برای ساماندهی خاورمیانه برمی‌گزید. (احتشام، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

در حقیقت اندیشه کربلایی و عاشورایی موجب شکل‌گیری حکومت اسکتبارستیز ولایت فقیه که در نوع خود حکومت جدیدی در تاریخ مسلمانان پس از حکومت امام علی<sup>(ع)</sup> است گردید. در ذات این حکومت مقاومت در برابر ظلم و استکبار به عنوان وظیفه دینی و با امید به وعده‌های الهی نهفته است. این اعتقاد که منشأ آن در حکومت و اندیشه شیعی وجود دارد زمینه‌ای برای شکل‌گیری قدرت گفتمان مقاومت گردید. مقاومتی که در مقابل زورگویی و تجاوز دشمن باید بین ذلت و عزت یکی را انتخاب می‌کرد.

### ج) پدیده مقاومت

برخی اندیشمندان سیاسی که عمدتاً در حوزه نظری پژوهش می‌کنند، مقاومت را عامل منفی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌پندارند و معتقدند، پیشرفت و اقتدار در گرو بازی در چارچوب قواعد بین‌المللی است و تنها تکیه بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای تضمین‌کننده قدرت منطقه‌ای است و چون جنبش‌های اسلامی و مقاومت در چارچوب‌های معمول تعریف نشده‌اند، پس نمی‌توانند عوامل قدرت باشند. شاید این اعتقاد از دید نظریه‌های علمی و مباحث کلاسیک درست باشد، ولی صحنه عمل دلایل نقض این نظریه را اثبات می‌کند. آقای سریع‌القلم معتقد است: «دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش با منافع دولت‌ها در تضاد قرار می‌گیرد و کشور حامی باید یا نهضت‌های آزادی‌بخش را انتخاب کند یا دولت حاکم را، زیرا انتخاب هر دو به طور هم‌زمان به معنی از دست دادن هر دو خواهد بود و تنها قدرت‌های جهانی می‌توانند با تمامی نیروهای سیاسی داخل یک کشور - ملت ارتباط برقرار کنند». (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۵۷) اگر این نظر درست باشد، باید اسرائیل که براساس قواعد و حمایت‌های بین‌المللی به

وجود آمده است، حکومتی موفق می‌شد، اما عملاً سیر قهقرائی داشته، هر چند به قواعد جهانی نیز عمل کرده است.

به نظر می‌رسد، نظر دکتر سریع‌القلم در مورد کلیه کشورها به جز جمهوری اسلامی درست باشد، زیرا جمهوری اسلامی برخلاف دیگر کشورها به دنبال تأمین منافع و استفاده ابزاری از جنبش‌ها نیست، بلکه حتی از منافع خود برای آزادی و رهایی جنبش‌ها هزینه می‌کند. ایران به دلیل اعتقادی و آرمانی، برای حمایت از ملت فلسطین هزینه‌های بسیاری پرداخته است.

**۱ - ارتباط انقلاب فراتر از دولت‌ها:** برخلاف قواعد تعریف‌شده در سطوح قدرت‌ها و روابط آن‌ها با دولت و جنبش جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های ممتاز خود دارای قابلیت‌هایی ویژه است. بنابراین عملاً ایران هم با حزب‌الله و هم با دولت لبنان ارتباط دارد و هم‌چنین علاوه بر گروه‌های سیاسی و نهضتی عراق با دولت این کشور نیز همکاری می‌کند. در کشور بوسنی نیز با مسلمانان ارتباط قوی دارد و با دولت مختلط بوسنی و هرزگوین نیز روابط و ارتباطات رسمی و علنی دارد. در حقیقت، ایران در حوزه آزادی جنبش‌ها و در راستای منافع آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. به همین دلیل، روابط و همکاری ایران در محدوده حقوق مدنی نهضت‌هاست. به عنوان مثال، احزاب و گروه‌های فلسطینی، عراقی، افغانی و... در چارچوب حقوق ملت خود حق دارند با کشورهای دنیا ارتباط برقرار کنند. در این چارچوب، جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. چگونه حکومت‌های سوسیال دموکرات و کمونیستی حق دارند با احزاب همسو در جهان ارتباط برقرار کنند؟ پس حداقل به همین میزان حق برای جمهوری اسلامی نیز محفوظ است.

البته این که چرا دیگر کشورهای اسلامی نمی‌توانند چنین روابطی را برقرار کنند، دلیلی روشن دارد، زیرا کشوری می‌تواند اهداف آرمانی خود را دنبال کند که استقلال و آزادی واقعی داشته باشد. دولت و حتی مردم عربستان سعودی اندیشه وهابیت را قبول دارند، ولی در عمل براساس ملاحظاتی که از سوی آمریکا احساس می‌کنند

گاهی علیه ایران از آن‌ها حمایت می‌کنند و گاهی به نفع آمریکا آن‌ها را زندانی و اعدام می‌کنند یا این که گاهی سعودی‌ها به سیدحسن نصرالله تبریک می‌گویند و گاهی نیز برای نابودی حزب‌الله با تمام توان هزینه و بلکه دعا می‌کنند. بنابراین، از ویژگی‌های خاص جمهوری اسلامی، اندیشه و جهان‌بینی انقلاب ایران در گفتمان مقاومت است. به همین دلیل مقاومت از انقلاب اسلامی و رهبریت ایران اسلامی الهام و الگو گرفته است، ولی برای اجرای نقش خود از ایران اسلامی دستور نمی‌گیرد، زیرا دستور خود را در الهام مبارزاتی گرفته است. مقاومت فلسطین، لبنان، عراق و... با سلطه‌پذیری مبارزه می‌کند و معتقد است باید از حقوق خود دفاع کند، پس با دستورات ایران عمل نمی‌کند، بلکه با اندیشه‌های ایران به دنبال تأمین منافع ملت خود، آن هم بدیهی‌ترین حقوق ملت است. این اندیشه مقدس عنایات پروردگار را به دنبال دارد و مبانی آن از سرچشمه جوشان قرآن و عترت سیراب می‌شود. به همین دلیل، این اندیشه به شیعه یا مسلمانان محدود نیست.

«یوسف فرناندس»<sup>۱</sup> در روزنامه اسپانیایی امانسر<sup>۲</sup> در تیر ماه ۱۳۸۷ در مقاله‌ای با عنوان «نفوذ تفکر امام خمینی<sup>(ع)</sup> در اسپانیا و آمریکای لاتین» می‌نویسد: آرمان امام خمینی تنها شامل حمایت از ایرانی‌ها یا اسلام نبود. آرمان وی، استقرار عدالت خداوندی برای تمام مظلومان بود. به عنوان مثال، فلسطینیان همگی مسلمان نیستند. امام خمینی<sup>(ع)</sup> خواستار عدالت به علت قتل عام‌های فلسطینی‌ها و قتل عام در ویتنام، لبنان و بسیاری نقاط دیگر هم شد. در ایران انقلابی، حاکمیت الهی توسط ولایت فقیه به نام خداوند و به نفع امت (جامعه مسلمانان) اعمال می‌گردد. فرناندس معتقد است: تفکر امام به بسیاری از اسپانیایی‌ها در کشف اسلام کمک کرد و از دهه‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۸۰ مطالعات مربوط به ایران در بسیاری از نقاط کشور با استقبال مواجه شد. همین

1 - Yusef Fernandez

2 - Amanecer

طور انقلاب اسلامی به بسیاری از مردم در آمریکای لاتین اجازه داد تا اسلام را کشف و مطالعه کنند و در حال حاضر تعداد مسلمانان در این منطقه در حال افزایش است. ماروین زونیس<sup>۱</sup>، مدیر مؤسسه مطالعات خاورمیانه دانشگاه شیکاگو می‌گوید: به عقیده من، پیام ایران تکان‌دهنده‌ترین ایدئولوژی سیاسی قرن بیستم از زمان انقلاب بلشویک است. در قرن بیستم تنها یک انقلاب خوب داشتیم و آن انقلاب ایران است؛ این پیام قدرتمند، طی مدت‌های طولانی با ما خواهد بود. فرناندس می‌گوید: امام خمینی در وصیت‌نامه خود نوشته است که «توصیه من به تمام مسلمانان و افراد مظلوم در جهان این است که ننشینید و منتظر بمانید که مقامات یا حکام خودتان با یک قدرت خارجی برای دادن موهبت آزادی و استقلال به شما عمل کنند.» در یکصد سال گذشته شاهد سلطه و نفوذ قدرت‌های عمده جهانی در کشورهای اسلامی بوده‌ایم و هیچ یک از حکام این کشورها نه تنها نگران آزادی و استقلال و رفاه مردم خود نبوده و نیستند، بلکه با برخوردهای ظالمانه و بی‌رحم تلاش کردند مردم خود را به سکوت وادار کنند. (فرناندس، ۱۳۸۷: ۸۰).

بنابراین، گفتمان مقاومت مبحث احیا و اقتدار اندیشه‌ای است که در فطرت انسان‌ها جای دارد، به همین دلیل، صاحبان اندیشه مقاومت از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند؛ البته نه این که اندیشه مقاومت در طول تاریخ وجود نداشته است بلکه اندیشه‌هایی که مبتنی بر اندیشه شیعه عاشورایی باشد و تجربه مقاومت و ایستادگی حکومت مردم‌سالاری ایران را داشته باشد، وجود نداشته است.

---

1 - Marvin Zonis

۲ - ویژگی‌های پدیده مقاومت: - اصولاً مقاومت تکیه‌گاه مردمی دارد و مبتنی بر ایدئولوژی شکل می‌گیرد. به همین دلیل، اهداف مقدس را دنبال می‌کند. در مقاومت، روحیه شهادت‌طلبانه دیده می‌شود و به جای این که دیگران را برای خود بخواند، خود را برای دیگران می‌خواند.

- مقاومت در محیط طبیعی پنهان می‌شود و دشمن به راحتی نمی‌تواند مواضع آن را تهدید کند. بنابراین، تجهیزات مدرن امروزی در برخورد با مقاومت کارایی خود را از دست می‌دهند (تا حدودی مقاومت دشمن را در استفاده از سلاح مدرن محروم می‌کند). در حقیقت، نیروهای مقاومت، نیروهای آشکار پنهانی است که ظاهر نمی‌شود، مگر برای اقدام در مقابل تهدید.

- در جنگ نامتقارن امروزه سلاح مقاومت در برابر قدرت‌ها چیرگی دارد و به تعبیری چون سلاح نامرئی و سلاح خوف عمل می‌کند.

- مقاومت همزمان می‌تواند در خانه خود و در خانه دشمن بجنگد. ابرقدرت‌ها در جنگ متقارن ابرقدرت‌اند، چون به سلاح‌ها و قدرت مادی متکی‌اند. در حالی که صاحبان قدرت مادی در مقابل قدرت اندیشه معنوی ابرذلتند. صاحبان قدرت مادی می‌جنگند تا بمانند، در حالی که صاحبان قدرت اندیشه با مرگ خود زنده می‌شوند.

آن‌هایی که معتقدند، قدرت منطقه‌ای در تعامل و پیوند با قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای شکل می‌گیرد، افکارشان خواسته یا ناخواسته پاسبان نظام سلطه است. مگر نه اینکه ایران ژاندارم منطقه و قدرت بلامنازع منطقه‌ای بود و دقیقاً براساس قواعد بین‌المللی بازی می‌کرد. سؤال اینجاست که نفع قدرت منطقه‌ای ایران نصیب ملت ایران می‌شد یا این که ثروت ملی و نفت ایران برای خرید سلاح‌ها و جنگ‌افزارهایی هزینه می‌شد که قرار بود (با خون ملت ایران و جنگ‌افزارهای نظامی) از کیان و منافع آمریکا و اسرائیل دفاع کند.

از پاسبانان سلطه باید سؤال شود که ژاندارم بودن ایران یا امپراتور بودن ایران افتخار

است یا عاشورای حسینی؟ در حقیقت، آن‌هایی که متهاالیه اندیشه شیعه را رفاه و منافع دنیوی می‌دانند، حق دارند عاشورا و جهاد را نفهمند و بلکه آن را به ضرر ملت بدانند؛ اما آن‌هایی که حقیقت اندیشه شیعه را به قیامت موعود متصل کنند، برای درو کردن می‌کارند و برای مردن تلاش می‌کنند تا زنده جاوید شوند. بنابراین، اگر انقلاب اسلامی را در امتداد نهضت شیعی بدانیم، باید بپذیریم که باید تمام قواعد و چارچوب‌ها از منطق حقیقی خلقت تبعیت کنند تا کارآمد باشند. در غیر این صورت، تکیه بر قواعدی که سلطه به وجود می‌آورد، حرکتی به سوی ظلمت است.

### ۳ - جایگاه پدیده مقاومت در قدرت فراملی ایران: پدیده، گفتمان

مقاومت از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران به شمار می‌آید در بحث گفتمان مقاومت بویژه در دو دهه اخیر، اندیشه‌های انقلاب اسلامی توانسته است رهنمود کارآمدی برای نهضت‌های اسلامی ارائه دهد. به عنوان مثال، اندیشه انقلاب اسلامی در بحث فلسطین مبتنی بر اندیشه امام<sup>(ره)</sup> یعنی تغییر استراتژی ملت فلسطین از ناکارآمدی مذاکره (که بعدها نیز عرفات به آن اعتراف کرد) به مقاومت و انتفاضه بود که باعث عقب‌نشینی اسرائیل از غزه شد. در نتیجه این موفقیت، ملت فلسطین، حماس (مولود مقاومت) را به جای سازمان آزادی‌بخش فلسطین که تمام عمر خود را در مذاکره سپری کرده بود انتخاب کرد و توانست در جنگ، ۲۲ روز در مقابل اسرائیل بایستد و دشمن را وادار به عقب‌نشینی کند. اتفاق مهمی که در طول تاریخ مبارزات فلسطین بی‌سابقه است. در حقیقت، ملت فلسطین پس از شصت سال به جایی رسیده است که می‌تواند رژیم اشغالگر قدس را در داخل سرزمین‌های اشغالی وادار به شکست کند. مثال دیگر، مقاومت حزب‌الله لبنان بود که اسرائیل را به عقب‌نشینی از لبنان وادار کرد و طعم تلخ بزرگ‌ترین شکست را در جنگ ۳۳ روزه به اسرائیل چشاناند. در حقیقت، مقاومت، نبردی نامتقارن است که با آسیب‌پذیری دشمنان قدرتمند ارتباط دارد و



شاید مقاومت امروزه تنها قدرت فائمه بر اسرائیل و آمریکا است. از ویژگی‌های مقاومت، اندیشه و راه و رسم مبارزه برای تحقق اهداف متعالی است. در حقیقت، حزب‌الله لبنان، ملت فلسطین و مردم عراق قبل از این که منفعتی برای ایران به دست آورند، نیاز خودشان را تأمین می‌کنند؛ گرچه ایران الگوی موفق و تکیه‌گاه مطمئنی برای آنهاست.

اسلام انقلابی مبتنی بر نفی سلطه و تأمین آزادی انسان‌ها براساس عقاید و ارزش‌های دینی، بخشی از اعتقادات شیعی در طول تاریخ بوده است که طبیعتاً دفاع از حقوق مظلومین و مستضعفان نیز در ادامه این اندیشه به عنوان تکلیفی دینی است. به همین دلیل، این اندیشه و مقاومت‌های اسلامی همدیگر را در حکومت ولایت فقیه ایران اسلامی دریافته‌اند. فرایند رشد این اندیشه، در میدان عمل، دستاوردهای پیروزمندان‌های داشته و توانسته است نظر دوست و دشمن را به طور جدی به عنوان تهدیدی برای ابرقدرت‌ها و فرصتی برای مبارزه و مقاومت علیه استکبار به خود جلب کند. امروزه مقاومت در حوزه جغرافیای خود نقش فراملی ایفا می‌کند که بیش از همیشه دشمن را در انفعال قرار داده است.

فوکو معتقد است، رهایی از زنجیره‌های انضباطی باعث خواهد شد که شخصیت انسان‌ها به بار بنشیند و این خود ضرورتی برای مقاومت علیه استثمار سرمایه‌داری است. در حالی که اعتراف در برابر سلطه نه تنها رهایی‌بخش نیست، بلکه ابزار سلطه است. (هورک هایمر، ۱۳۷۵: ش ۳ و ۴)

با توجه به نظریه‌های قدرت بویژه در ارتباط با مقاومت، ادله‌های میدانی اثبات می‌کنند که اگر اقدامات و تهدیدات نظام سلطه نبود، اساساً مقاومت به وجود نمی‌آمد؛ زیرا مقاومت برای دفاع تشکیل می‌شود و حتی در اقدامات هجومی نیز به دنبال تثبیت دفاع از آرمان خود است. مقاومت در مقابل قدرت منفی شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، مقاومت ملت‌های فلسطین و افغانستان در مقابل هجوم

اسرائیل، شوروی و طالبان و مقاومت اسلامی لبنان در برابر تهدیدات اسرائیل به وجود آمده است. بنابراین، دو نوع قدرت منطقه‌ای وجود دارد: قدرتی که می‌تواند ترتیبات منطقه را شکل دهد و قدرتی که توان برهم زدن ترتیبات غیرمطلوب منطقه را دارد. در شرایط امروز، قدرت گفتمان مقاومت از نوع دوم است؛ در حقیقت، قدرت متکی به مقاومت ناگزیر در پدافند نامتقارن عمل می‌کند و در کارآمدی مضاعف چالش‌گری بیشتری ایجاد می‌کند.

جریان مقاومت در افغانستان توانست در مقابل کمونیست و القاعده پیروز شود و پس از اشغال کشورشان توسط آمریکا، از حقوق نسبی خود دفاع کردند. در واقع مقاومت دشمن را ناگزیر کرد به تناسب قدرت خود حقوقی به دست آورد. نظام سلطه برای سلطه‌پذیر همانقدر حق قائل است که قدرت دارد.

چگونگی قدرت مقاومت: در جهان امروز آنچه بر سازمان ملل و جهان حکومت می‌کند توازن قدرت است نه عدالت و آزادی و اخلاق به همین دلیل صف‌کشی قدرت در جهان به دو جبهه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده و ادوارد سعید معتقد است ترتیبات و سلطه نظام غرب آن چنان گسترده و پیچیده است که جهان سوم ناخواسته به پاسبان منافع سلطه تبدیل شده است. ادوارد سعید می‌گوید باید واقعیت را بپذیریم و راه خروج از سیطره سلطه به سهولت ممکن نیست. وی غرب‌شناسی را به جهان اسلام توصیه می‌کند. متأسفانه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جهان اسلام عمدتاً با برتری نظام سلطه روابط و اهداف خود را تنظیم می‌کنند در حالی که این نگرش نیز توطئه اقناع‌گری غرب و نظام سلطه در جهان اسلام است. در واقع باور جهان سوم این است که به لحاظ نظامی، اقتصادی، فناوری و سیاسی توان مقابله با غرب سلطه‌گر را ندارد. پس بهتر است با پذیرش برتری سلطه آرامش و رفاه را در جامعه خود توسعه دهد. در حالی که غافل از این است که انرژی غرب را جهان اسلام تأمین می‌کند و ریشه‌های علوم و تکنولوژی مدرن از شرق به غرب رفته است و مهم‌تر آنکه جهان اسلام به

لحاظ فرهنگی و اعتقادی نسبت به نظام سلطه برتری دارد. فقط برای اثبات این برتری باید مقاومت و مبارزه کند و نباید ذلت و خواری را بپذیرد. ۶۰ سال مصالحه و عقب‌نشینی ملت فلسطین را به جای موفقیت تا پرتگاه نابودی برده است. اگر حماس و حزب‌الله دفاع نمی‌کردند اسرائیل نه تنها ملت فلسطین را نابود می‌کرد که بخش‌هایی از جهان اسلام را نیز تصرف کرده بود.

بنابراین، تجربه انقلاب بویژه در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که با اتکا به ایمان راسخ و تکیه بر اعتقادات اسلام ناب محمدی<sup>(ص)</sup> می‌توان در قالب مقاومت قدرت مضاعفی را به دست آورد و در مقابل تجهیزات نظامی مدرن دشمن ایستادگی کرد و به پیروزی رسید کاری که حزب‌الله در لبنان و حماس در غزه علیه اسرائیل انجام دادند و همین‌طور مقاومت عراق علیه آمریکا. در واقع پیروزی مقاومت به عنوان قدرت فائقه بر فناوری دشمن برتری دشمن را خنثی می‌کند و شاید می‌توان گفت تنها راه امکان مقابله قدرت مقاومت است که توانسته دشمن را شکست بدهد. در جهان امروز غیر از قدرت مقاومت امکان دیگری برای مقابله با دشمن وجود ندارد، زیرا توان و فناوری برتر دشمن را خنثی می‌کند و موجب توازن قدرت و در نتیجه اعطای حق به مقاومت محقق می‌شود. پس پیوند بین اجزاء مقاومت به نحوی که دشمن را در جبهه‌های مختلف درگیر کند با الهام از اندیشه‌های عاشورایی شیعه و کسب حمایت از اقتدار ایران اسلامی می‌تواند فرصت مضاعفی را در قدرت فراملی ایران ایجاد کند. قدرتی که با نقاط ضعف دشمن درگیر می‌شود و به پشتوانه ایمان از حمایت مردمی قوی برخوردار است و عنایات خداوند را نیز به همراه دارد و وعده‌های الهی را در حق خود عملی می‌کند.

به همین دلیل دنیای امروز به‌رغم میل باطنی، پیروزی غزه بر اسرائیل را پیروزی ایران می‌داند و بسیار از نتیجه این پیروزی نگران است، زیرا مقاومت شمشیر برنده در میدان نبرد اندیشه عاشورایی با یزیدیان است.

۴ - حوزه نفوذ اندیشه مقاومت: اندیشه مقاومت ریشه در فطرت آزادی خواهی و ظلم ستیزی انسان ها دارد. هر انسان یا هر جامعه و ملت فطرتاً به دنبال آزادی و استقلال است. در حقیقت انسان اینگونه آفریده شده است. بنابراین، وقتی انسان ها تحت فشار از حقوق بدیهی خود یعنی از آزادی و عدالت محروم می شوند خواسته و یا ناخواسته به دنبال تأمین نیاز خود هستند و حاضرند از هر امکانی استفاده کنند. به همین دلیل تاریخ شاهد سیل هجوم بشر به سوی مکاتب سرمایه داری، سوسیالیزم، سوسیال دموکرات و... است. با این حال، وقتی اشباع و یا ارضاء نمی شود مجدداً به دنبال گمشده خود می رود. به همین دلیل، اندیشه مقاومت اندیشه فراملی است.

مؤسسه اینترپرایز آمریکا در گزارشی در فوریه ۲۰۰۸ درباره نفوذ ایران در شامات، عراق و افغانستان<sup>۱</sup>، که در سایت (www.tisri.org) منتشر شده است، می نویسد: ایران در شامات، عراق و افغانستان گروه های دست نشانده ای ایجاد کرده است که می توانند اهداف تاکتیکی مشترکی را دنبال کنند. برخلاف نظر بسیاری از عناصر جامعه اطلاعاتی آمریکا و دیگر کشورها و بر خلاف سیاست شوروی سابق، گروه های دست نشانده ایران از استقلال عمل بالایی برخوردارند و ایران به ندرت به این گروه ها دستورهای عملیاتی می دهد. (اینترپرایز، ۱۳۸۷: ۳) به عنوان مثال:

- دولت سوریه: این دولت از جمله آخرین دست نشانده های ایران در منطقه است و بر خلاف روش حافظ اسد، رئیس جمهور جوان سوریه، بشار اسد، به رغم ایجاد حکومت دیکتاتوری بدون دیکتاتور در داخل سوریه، در حوزه خارجی بیش از هر زمانی به روابط نزدیک با ایران به منظور دریافت راهنمایی و

1 - Iranian Influence in the Levant, Iraq, and Afghanistan American Enter Prise Institute, Feb 2008.

امنیت متکی است.

- حزب الله لبنان: این جنبش از دیر باز به عنوان دست‌نشانده ایران در منطقه عمل کرده است؛ هر چند که در سال‌های اخیر استقلال بیشتری یافته، اما وابستگی آن به ایران بیشتر شده است. این وابستگی بیشتر در زمینه فناوری‌های پیشرفته است. ایران مایل است که کنترل خود را بر فناوری پیشرفته حفظ کند.

- حماس: ایران گروه حماس را ایجاد نکرده، اما مشخص است که با استفاده از موقعیت‌ها، رابطه حامی - متقاضی<sup>۱</sup> با این گروه سنی ایجاد کرده است. این رابطه، امکانات ایران را در شامات فراتر از حزب‌الله و حتی فراتر از جامعه شیعی می‌کند و بر این اساس، راهی برای دسترسی ایران به جامعه افراطی سنی براساس نیاز دشمن مشترک به وجود می‌آورد. این رابطه هم‌چنین امکان ایجاد چندین جبهه را در غرب<sup>۲</sup> برای مبارزه ایران با ایالات متحده و اسرائیل فراهم می‌کند و فرصت زیادی برای ایران ایجاد می‌کند تا بتواند حواس ایالات متحده را پرت کند. لذا ایران نیاز ندارد که فقط از حزب‌الله استفاده کند، ضمن این که حماس جبهه عملیاتی بالقوه دیگری در مقابل اسرائیل است.

- عراق: ایران و حزب‌الله از سال ۲۰۰۲ برای آماده‌سازی شبه‌نظامیان شیعه اقدام کردند. البته هدف ایران طی این مدت تغییر کرده است. ابتدا نیروی قدس سپاه هدف زمین‌گیر کردن نیروهای آمریکا و نه اخراج آن‌ها را دنبال می‌کرد. در حالی که در سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ هدف ایران، تبدیل گروه‌های حاضر در عراق به شبکه‌ای شبیه حزب‌الله بود؛ به گونه‌ای که شبکه‌هایی ایجاد شدند که برای ادامه حیات به ایران متکی بودند. ایران خواستار تکرار تجربه حزب‌الله در عراق بود تا گروه‌هایی را ایجاد کند که در مواقع ضروری بتوانند با دولت منتخب به رقابت بپردازند.

1 - Patron - Client

2 - Western fronts

هر چند ایران به تسلیح نیروهای شیعی و سنی ادامه می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که در ارسال اسلحه، ملاحظاتی نیز دارد. برای مثال، ایران موشک‌های دوش پرتاب زمین به هوا<sup>۱</sup> به نمایندگانش نداده است، زیرا این سلاح می‌تواند اثر نامتقارن<sup>۲</sup> بیشتری در عراق بر جای بگذارد.

– افغانستان: ایران سعی دارد که با سه استان هرات، فراه و نیمروز، منطقه‌ای حائل میان خود و افغانستان ایجاد کند تا جایی که حمایت از طالبان برای خودش در درازمدت نباشد. ایران در صورت تهدید آمریکا می‌تواند از عوامل منطقه‌ای خود علیه منافع ایالات متحده استفاده کند. (همان: ۵)

ایران مانند کشوری قدرتمند و عاقل عمل کرده است و در تضاد مستقیم با منافع ایالات متحده قرار دارد. ایران از آمریکا نمی‌ترسد، زیرا گروه‌هایی را ایجاد کرده است که به راحتی نمی‌توان از شر آن‌ها رها شد. آمریکا در موارد زیر منفعت همیشگی دارد: تثبیت لبنان، کرانه باختری، غزه، عراق و افغانستان که باید حزب‌الله و حماس را کنترل و حاکمیت در عراق و افغانستان را تقویت کند. از طرفی باید از تبدیل ایران به قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی در خاورمیانه جلوگیری کند. بنابراین، جمهوری اسلامی و ایالات متحده منافع کلیدی زیادی در منطقه دارند که با یکدیگر در تضاد است. سرعت ساخت سانتریفیوژ توسط ایران بیشتر از تأثیر تحریم‌های آمریکاست. ایران با توسعه روابط اقتصادی با چین و روسیه تحریم‌های آمریکا را کم اثر کرده است. (همان: ۷)

ایران به عنوان کشور قدرتمند عاقل با حمایت‌های خود از مقاومت بویژه از جریان‌های سنی مانند حماس، جهاد اسلامی، گروه‌های افغانی و مسلمانان بوسنی، جایگاه ویژه‌ای در افکار عمومی مسلمانان دارد. علاوه بر آن، پیروزی‌های حزب‌الله

1 - Man - portable surface - to - air Missiles

2 - Asymmetric

علیه اسرائیل حمایت‌های جدی در جهان اسلام به وجود آورد. به نظر می‌رسد، همان طور که مسلمانان مصر و دیگر کشورهای اسلامی از اقدام حزب‌الله در شرایط جنگ دفاع کردند، ایران اسلامی نیز می‌تواند افکار عمومی جهان اسلام را به عنوان پتانسیل نهفته برای خود در راستای قدرت نرم در مقابل تهدیدات بیرونی محاسبه کند؛ چیزی که تا کنون ضرورتی برای ابراز آن وجود نداشته است.

انقلاب اسلامی براساس اندیشه آزادی‌خواهی شیعی و سازش‌ناپذیری با ستمگر و نفی سلطه به وجود آمد و در حقیقت، این انقلاب براساس تفکر امام با تمام انقلاب‌های مذهبی غیرشیعی متفاوت است.

بعد از این که ایران از اردوگاه غرب جدا شد، آمریکایی‌ها به شدت نگران بودند که رهبران انقلاب حداقل برای انتقام از غرب یا حفظ خود در شرایط سخت ممکن است به دامان شرق بیافتند؛ اما امام (ره) کمونیسم و امپریالیسم را با هم رد کرد و کمک خداوند را کافی دانست. بنابراین، پیروزی انقلاب اسلامی و موضع‌گیری امام نظر مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان را جلب کرد.

در حقیقت، اقتدار و ایستادگی و پیروزی امام در مقابل شرق و غرب بارقه‌امیدی بر تمام ستمدیده‌ها بود و نظر آن‌ها را متوجه انقلاب اسلامی کرد. انقلاب اسلامی تحت رهبری امام<sup>(ره)</sup> از سه ویژگی برای گروه‌های مقاومت برخوردار بود:

- مقاومت پیروزمندانه ایران در مقابل قدرت‌های بزرگ؛

- رهنمودها و رهبری امام و عبور موفق از بحران‌ها؛

- حمایت کشور مستقل و اسلامی ایران از منفعت و مصلحت مقاومت.

بنابراین، اندیشه و رفتار انقلاب اسلامی الگویی برای ملت‌های تحت سلطه گردید تا آن‌ها برای رهایی از بن‌بست موجود بتوانند تکیه‌گاهی برای خود برگزینند.

## ۵- مصادیق مقاومت:

### ۱-۵ - فلسطین

اشغال فلسطین با حمایت همه‌جانبه غرب و ظلم و ستم در حق مردم مسلمان این سرزمین، از زخم‌های کهنه و التیام نیافته بشریت بویژه جهان اسلام بود که تمام مسلمانان را منفعل و نسبت به آینده فلسطین ناامید و شکست‌خورده کرده بود. از طرفی، نبود پشتوانه خارجی، نیروهای مقاومت در داخل فلسطین را تضعیف و ناامید می‌کرد که با الهام از انقلاب اسلامی گروه‌های مقاومت احیا و انتفاضه‌های مردمی آغاز شد و گروه‌های جهاد اسلامی و حماس به اقتدار رسیدند و بیش از هر زمان، رژیم صهیونیستی و حامیانش را تحت فشار جدی قرار دادند. این در حالی بود که رهبران وابسته و سرسپرده در جهان اسلام نه تنها برای حمایت از فلسطین اقدامی نکردند، بلکه جلوی مردم خود را نیز گرفتند. با گذشت زمان و اقتدار انقلاب اسلامی، مقاومت فلسطین نیز گسترش یافت به گونه‌ای که امروزه در صحنه فلسطین مقاومت مردمی با تکیه بر الگو و اندیشه مقاومت جمهوری اسلامی ایران توانسته است بیش از هر زمان اسرائیل و غرب را منفعل کرده و امید پیروزی را در دل ملت فلسطین زنده کند.

### ۲-۵ - لبنان

اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲م. توسط اسرائیل شرایطی بحرانی برای مسلمانان جنوب لبنان ایجاد کرد و مردم و مقاومت اسلامی لبنان راهی جز مبارزه نداشتند. در این شرایط حکومت لبنان نیز قادر نبود به مقاومت کمک کند. بنابراین، اندیشه انقلاب اسلامی تنها الگو و حامی مقاومت لبنان محسوب می‌شد که البته شیعه بودن مردم جنوب لبنان و داشتن روحیه حماسه حسینی و اعتقاد به ولایت فقیه باعث شد تا مقاومت با سرعت بیشتری شکل بگیرد و در نهایت اسرائیل را به خروج از سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان وادار کند. مقاومت لبنان با وجود امکانات محدود



توانست با تمام تهدیدات مقابله و به عنوان یک چالش گر بزرگ در منطقه ایفای نقش کند. پیروزی مقاومت در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل، عظمتی از مقاومت به وجود آورد که غرب را منفعل و توده‌های مردمی را امیدوارتر کرد.

«سیمون هرش» خبرنگار آمریکایی در این زمینه می‌نویسد: «قدرت و مقاومت اعجاب‌انگیز حزب الله و توانایی مداوم آن در حمله راکتی به شمال اسرائیل، یک عقب نشینی بزرگ برای کسانی است که می‌خواهند، در کاخ سفید از زور درباره ایران استفاده کنند و کسانی که استدلال می‌کنند، بمباران باعث ایجاد اپوزسیون داخلی و انقلاب در ایران می‌شود نیز عقب نشینی کرده‌اند. قرار بود حمله به لبنان مقدمه بمباران مراکز اتمی ایران باشد». استاد دانشگاه برادفورد انگلیس نیز در این خصوص اظهار داشت: «شکست اسرائیل در لبنان، درس عبرتی برای ماجراجویی احتمالی آمریکا علیه ایران است».

تحلیل گران مسائل سیاسی معتقدند که حزب الله لبنان با حرکت منطقی خود، جهان اسلام را از یک توطئه بزرگ نجات داد که در صورت اجرا، جهان اسلام هزینه‌هایی چند صد برابر از تلفات و خسارات جنگ کنونی رژیم صهیونیستی بر ضد لبنان پرداخت می‌کرد. این حزب الله شیعی در یک حرکت توحیدی، از حماس فلسطین و سنی حمایت کرد و با ارائه‌ی یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های همبستگی دینی موفق شد، طرح جنگ مذهبی میان شیعه و سنی آمریکا را محاصره کند و زمینه‌های گسترش آن را در سطح جهان اسلام از بین برد.<sup>۱</sup>

### ۳-۵ - بوسنی و هرزگوین

تجاوز ددمنشانه بر ضد اقلیت مسلمان بوسنی در مرکز اروپا و کشتار بی‌رحمانه آن‌ها، مسلمانان بوسنی را در تنگنایی قرار داد که حامی جز ایران

1 - <http://www.hawzah.net/hawzah>

نداشتند. با وجود این که این واقعه بعد از حیات امام<sup>(ره)</sup> رخ داد، ولی انقلاب اسلامی براساس وظیفه شرعی خود نسبت به انسان‌ها و مسلمانان، در صحنه حضور یافت و به عنوان یکی از دو بازیگر اصلی در بالکان ایفای نقش کرد و مسلمانان را از خطر نابودی نجات داد. در حقیقت، انقلاب اسلامی که هر لحظه تحت فشار و تهدید غرب بود، توانست در اروپا نیز نقش ایفا کند و به ندای مظلومیت مسلمانان بوسنی نیز لبیک گوید.

هفته‌نامه دانی سارایوو نوشت: آمریکا اکنون نگران است که پایان دادن به روابط بین ایران و بوسنی که در دوران جنگ توسعه یافته بود، کاری دشوار باشد. در واقع، نگرانی عمده آمریکا این است که بوسنی به یک متحد کلیدی ایران تبدیل شود و برای رژیم اسلامی تهران جای پای در اروپا ایجاد کند. (اکبری، ۱۳۸۵: ۲۳۳)

ریچارد هولبروک، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا (کلینتون) در بالکان، درباره نقش ایران در بوسنی می‌گوید: اگر اقدامات ایران برای کمک به مسلمانان در سال ۱۹۹۴ نبود، مسلمانی در بوسنی باقی نمی‌ماند که امروز ضرورتی برای طرح دیتون وجود داشته باشد. (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۲۶)

#### ۴-۵ - افغانستان

به رغم تداوم جنگ عراق علیه ایران و تمایل روس‌ها برای کمک به ایران، اما جمهوری اسلامی برخلاف اصرار روس‌ها هم‌چنان از مقاومت ملت افغانستان در مقابل روس‌ها دفاع کرد. علاوه بر آن، با حمایت از آوارگان افغانی و عراقی در طول سال‌ها جنگ، توانست بیش از یک میلیون عراقی و افغانی آواره را تحت پوشش و حمایت خود قرار دهد. بنابراین، گروه‌هایی که از حمایت انقلاب اسلامی برخوردار شدند، توانستند در افغانستان به قدرت برسند و موفقیت‌هایی کسب کنند که این نیز از اثرات انقلاب اسلامی برای تضعیف استکبار و افزایش توانمندی اسلام انقلابی به حساب می‌آید.

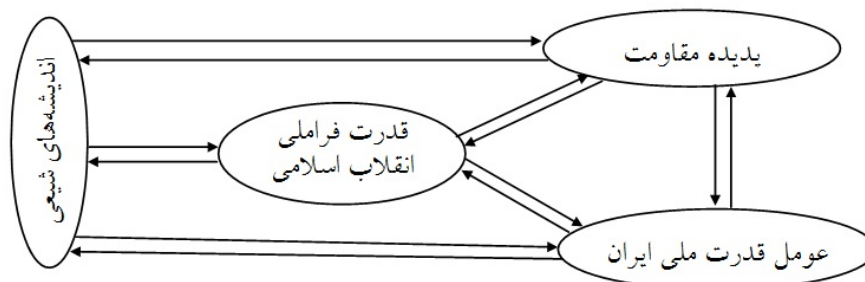
## ۵-۵ - عراق

به رغم جنگ هشت ساله حزب بعث به نیابت از غرب علیه انقلاب اسلامی که توانمندی مسلمانان عراق و ایران را همراه با صدمات اقتصادی و اجتماعی مصروف جنگ کرد، اما در دوران تحریم عراق از سوی آمریکا و سازمان ملل، تنها کشوری که کمک‌های انسان‌دوستانه به عراق می‌فرستاد، ایران بود. هم‌چنین ایران جزو کشورهای مخالف حمله آمریکا به عراق بود. از طرفی، مقاومت عراقی در قالب مجموعه‌های نظامی مانند سپاه بدر و احزاب سیاسی تحت حمایت انقلاب اسلامی بودند که در حقیقت این حمایت‌ها فرصت و سرمایه‌ای برای مقاومت عراق به وجود آورد؛ به گونه‌ای که امروزه بخش عمده‌ای از حکومت عراق برخلاف خواست و اراده آمریکایی‌ها در دست آنهاست. گرچه آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر با تئوری جنگ پیش‌دستانه، افغانستان و عراق را اشغال کرد و به تعبیری در جهت توسعه هژمون آمریکایی با هدف اشغال یا تسلیم خاورمیانه با طرح‌های خاورمیانه بزرگ و سپس خاورمیانه جدید از اشغال عراق به عنوان کلید منطقه خاورمیانه نام برد و در صدد بود بعد از عراق کشورهای سوریه، عربستان و ایران را اشغال کند، اما باتلاق عراق باعث شد به جای اجرای استراتژی هژمونی خود به دنبال تهیه استراتژی برای چگونگی خروج از عراق برآید و در اظهار ناتوانی خود دخالت ایران اسلامی و عوامل مقاومت شیعی را رسماً و علناً مطرح کند. در واقع اعتراف ابرقدرت آمریکا بر چالش‌آفرینی گفتمان مقاومت ایرانی اهمیت مقاومت با اندیشه شیعی را بیان می‌کند.

## نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی و نه غربی و دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش مبتنی بر اصول و عقاید دینی، به عرصه جهانی وارد شد و به‌رغم درگیری در بحران‌های داخلی و منطقه‌ای وظایف دینی خود را از همان آغاز انقلاب دنبال کرد

و از مبارزان فلسطین حمایت قاطع نمود و شعار محو و نابودی اسرائیل را در شرایطی سر داد که اسرائیل و آمریکا در اقتدار کامل به سر می‌بردند. البته این استراتژی در حوزه شعار باقی نماند، بلکه در حوزه عمل نیز وارد شد و امیدی برای مسلمانان و مبارزان آزادی‌خواه در جهان و بویژه منطقه گردید و بلافاصله موج انقلاب به کشورهای اسلامی کشیده شد و توانست از مخاطبان خود حمایت کند. بنابراین، اقتدار انقلاب اسلامی در سه حوزه توانسته است تأثیرگذار باشد که علاوه بر اینکه هرکدام از آنها ویژگی مستقلی دارند، اما در تبیین قدرت فراملی انقلاب از پیوستگی خاصی تبعیت می‌کنند.



مدل کنشی و واکنشی مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران

مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی در سه حوزه مورد توجه قرار گرفته که عبارتند از: مؤلفه قدرت ملی، مؤلفه اندیشه‌های حکومتی شیعه، مؤلفه پدیده مقاومت.

- مؤلفه قدرت ملی تا حدی مورد اشاره قرار گرفت که در حقیقت، دولت ایران متولی تقویت این شاخص‌هاست و به طور طبیعی و در رقابت با قدرت‌های رقیب در پیشرفت آن به خصوص در دو دهه گذشته موفقیت‌هایی داشته است که در نمودارها اندازه‌گیری و تشریح شد.

- اندیشه شیعی که حکومت ولایت فقیه نیز از آن نشأت می‌گیرد، مسئولیتی

است که مراجع شیعی در طول تاریخ از حریم آن دفاع کردند. نقش امام در خلق تئوری انقلاب اسلامی با حکومت ولایت فقیه و نقش آیت‌الله سیستانی در دفاع از مرزهای شیعی در عراق اشغال‌شده در این رابطه است.

- گفتمان مقاومت که ناشی از اندیشه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و پویایی شیعه است و امام (ره) بنیان‌گذار آن بود، اقدامی نو حتی در تاریخ شیعه و در شرایطی بسیار سخت و پیچیده که امروزه توانسته است قدرتمندترین دشمن را به چالش بکشد و حاشیه امنیتی گسترده‌ای برای اندیشه اسلام سیاسی ایجاد کند. در حقیقت، جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد مذکور بعضاً فراتر از برخی تئوری‌های منطقه‌ای دارای قدرت است، زیرا قابلیت‌های گفتمان مقاومت و ویژگی‌های سیاسی و مذهبی آن از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد ایران در مقایسه با دیگران است. گفتمان غالب مقاومت و اندیشه‌های اصولی جهان وطنی می‌تواند در حوزه‌های مختلف به عنوان حرکت نامتقارن ایفای نقش کند. در این نوع قدرت که نرم و غیر محسوس است دشمن باید با جنگ نرم مقابله کند که تجربه نشان داده است که در این حوزه فاقد کارآمدی لازم در برخورد با این نوع از قدرت بوده است. بنابراین، گفتمان مقاومت قادر است:

- تجهیزات مدرن دشمن را در برخورد ناکارآمد کند؛

- زمان و مکان را به دشمن تحمیل کند و محاسبه را در برخورد از دشمن بگیرد؛

- با حداقل امکانات از نقطه کور به دشمن ضربه بزند و دشمن را نگران و

منفعل کند؛

- مانع از اجرای طرح‌های دشمن گردد و با اقدام نظامی کور روندهای

سیاسی را مختل کند؛

- هسته‌های مقاومت را تشکیل و در جغرافیای وسیعی دشمن را درگیر کند

و میدان نبرد را در سطح داخلی، محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به حریف

تحمیل کند.

این قدرت می‌تواند توان دشمن را در اجرای طرح‌های خود ناکام کند، ولی

بعضاً نمی‌تواند علنی ظاهر شود و نقش به عهده بگیرد و اجرا کند، زیرا در فضای نامتقارن نبرد می‌کند. در حقیقت، توجه به شاخص‌های مهم دیگری غیر از قدرت سخت و علنی است که سازه‌انگاران نیز آن را جزو قدرت می‌دانند. گروه‌های مقاومت به دلیل ویژگی‌های خاص خود عملاً نه تنها دور از تیررس سلاح‌های مدرن دشمن است بلکه می‌تواند:

- به عنوان یک بازیگر برهم زننده بازی نقش ایفا کند؛

- با نقش واکنشی نسبت به هر کنشی، آن را منفعل کند؛

- تخریب یا حداقل تأخیر در روند تحولات غیرمطلوب ایجاد می‌کند.

در نهایت مقاومت به عنوان حرکتی فراملی در خارج از جغرافیای ایران می‌تواند بستری برای تبلیغ و توسعه اندیشه‌های متعالی اسلام ناب محمدی (ص) بوده و کشور ایران با داشتن توانمندی در حوزه عوامل قدرت ملی می‌تواند عقبه محکمی برای مقاومت و ایستادگی خود و دیگران باشد.

در حقیقت اقتدار ملی ایران پایه و اساس برای حفظ و بقای حکومت اسلامی است که این قدرت علاوه بر مقاومت در مقابل تهدیدات دشمنانش اعم از جنگ و تحریم و انزوا و تهدید توانسته است حرکت رو به جلو را دنبال کند و حداقل از کشورهای منطقه عقب نماند چرا که باور غالب این است که توسعه و پیشرفت کشور به حمایت و روابط آن‌ها با کشورهای پیشرفته بستگی دارد، در حالی که انقلاب اسلامی بدون این حمایت توانسته قله‌های مهمی را فتح کند و دنیای غرب را به وحشت و انفعال وادارد که اساساً این پیشرفت بستر اصلی برای توسعه قدرت فراملی تلقی می‌شود. اگرچه عقبه این موفقیت و اعتماد به نفس و استقلال به اندیشه‌های عاشورایی شیعه برمی‌گردد، زیرا تنها اندیشه‌های عاشورایی مبنای اصلی مقاومت، پیروزی و حتی محتوی حکومت ولایت فقیه است که با اتکال به وعده‌های الهی خارج از قواعد معمول ریسک‌پذیری و مقاومت را پیشه خود نموده و با اعتماد به نفس و تکیه بر خود غیرخودی‌ها را رانده و توانسته است به این مرحله برسد. بنابراین، اندیشه شیعی در امتزاج دین و سیاست مسیر حرکت و استراتژی انقلاب را ترسیم

نمود و با شعار جهان وطنی پیوند فراملی را برای ایران اسلامی به وجود آورد و موجب شد مقاومت به عنوان مؤلفه مهمی در افزایش قدرت فراملی ایران سهم داشته باشد و در واقع اگر این اندیشه نبود مقاومت نمی شد و اگر ایستادگی مقاومت پیروزی نمی آفرید جنبش‌ها به انقلاب به عنوان الگو توجه نمی کردند و حرکت مقاومت در جهان اسلام شکل نمی گرفت. بنابراین، اقتدار ملی و گفتمان شیعی زمینه ایجاد گفتمان مقاومت را به وجود آورد و به تدریج به پدیده مقاومت تبدیل شد. پدیده‌ای که نه تنها از مرزهای ایران گذشته بلکه فراتر از مرزهای مذهب شیعه نیز عمل می‌کند. قدرت مقاومت در عراق، لبنان، افغانستان و... غالباً توسط شیعه دنبال می‌شود. اما در حوزه فلسطین (حماس) و بوسنی و... توسط اهل تسنن دنبال می‌شود که پیوستگی عمیق بین حزب الله لبنان و حماس در فلسطین نشان از عمق اعتقاد شیعه به دفاع از حقوق مسلمانان و در نتیجه اقتدار مقاومت در حوزه فراملی است و این مقاومت پاسدار ارزش‌ها و اهداف متعالی قدرت فراملی انقلاب اسلامی در جهان است که در کنش متقابل سه مؤلفه فوق الذکر رو به رشد، توسعه و تعالی است که اگر بتواند از دیوارهای حکام سرسپرده و استکبار عبور کند راه نجاتی برای تمام بشریت خواهد بود.

در حقیقت مکمل بودن اندیشه عاشورائی در ایجاد مقاومت و ایستادگی و گسترش مقاومت در توسعه اندیشه شیعی مکملی سازگار و ماندگار است که می‌تواند با اتکا به قدرت الهی و در بستر عوامل قدرت ملی ایران به سهولت تقویت شده و حرکت رو به پیش را ادامه دهد و عملاً گسترش مقاومت موجب تقویت ایران و اندیشه شیعی و برعکس می‌شود که این شاخص علاوه بر اینکه در نیاز فطری بشر ریشه دارد به نوعی به قدرت الهی متصل می‌شود و امید عملی شدن وعده‌های الهی را در حق مؤمنین و مستضعفان محقق می‌سازد که اگر این مقاومت که اراده الهی در آن متجلی است نبود نظام سلطه یکه‌تاز و لجام‌گسیخته ممکن بود موجودیت بشر را به یغما ببرد که امید است این جرقه امید ملت‌های مظلوم و بویژه امت مسلمان را به تحرک عظیم وادارد تا رهبران کشورهای اسلامی که خود را به خواب زده‌اند را وادار به بیداری کند.

### منابع

- ۱ - احتشام، انوشیروان، «جایگاه بین‌المللی ایران پس از سقوط بغداد»، ترجمه سلطانی‌نژاد و حاج‌یوسفی، انتشارات دفتر مطالعات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲ - اکبری، حسین، «آمریکا از واقعیت تا حقیقت»، انتشارات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳ - اکبری، حسین، «بوسنی در گذر زمان»، انتشارات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۸۴.
- ۴ - ایوانز، گراهام و جفری نونام، «فرهنگ روابط بین‌الملل» مترجمان حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۵ - برزگر، کیهان، «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه یا خلیج فارس»، راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۴۳ بهار ۱۳۸۶.
- ۶ - برزگر، کیهان، «چالش‌های امنیتی ایران در عراق جدید»، مجموعه مقالات کنفرانس خلیج فارس، انتشارات دفتر مطالعات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۸۴.
- ۷ - توال، فرانسوا، «ژئوپلیتیک شیعه»، ترجمه علیرضا قاسم آقا، نشر آمن، تهران، ۱۳۷۹.
- ۸ - چامسکی، نوام، «سروری یا بقا؛ تلاش آمریکا برای سلطه بر جهان»، مترجمان، رئیس‌زاده و غرائی، نشر آبی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۹ - حافظ‌نیا، محمدرضا و سیدهادی زرقانی، «جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای»، فصلنامه راهبرد دفاعی سال پنجم، ش ۱۸، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۰ - حافظ‌نیا، محمدرضا، «خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز»، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۱ - حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، ترجمه بازتاب ۱/۲۱/۱۳۸۵.
- ۱۲ - خداوردی، محمداسماعیل، «مسائل منطقه‌ای ایران»، انتشارات یاقوت، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۳ - زرقانی، سیدهادی، «ارزیابی عوامل و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی و طراحی مدل



- سنجش قدرت ملی» رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۴ - سریع‌القلم، محمود، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۵ - شیرودی، مرتضی، «مسائل منطقه‌ای ایران»، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات تحسین، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۶ - فرناندس، وسف، «نفوذ تفکر امام خمینی<sup>(ره)</sup> در اسپانیا و آمریکای لاتین»، ترجمه فریبا گرگین، نشریه رسانه‌های دنیا، ش ۲۲۰۲، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۷ - فولر، گراهام و ایان لسر، «احساس محاصره ژئوپلیتیک اسلام و غرب» مترجمان فرشچی و کرمی، دافوس، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۸ - فولر، گراهام و رندرحیم فرانکه، «شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده»، ترجمه خدیجه تبریزی، نشر اسوه، تهران ۱۳۸۴.
- ۱۹ - مؤسسه شیعه شناسی، ماهنامه، ش ۲۸، ص ۴۴، قم، اسفند ۱۳۸۶
- ۲۰ - متقی، ابراهیم، «امنیتی شدن یک پرونده»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، پایگاه خبری تحلیلی ریسنا، ۱۳۸۴.
- ۲۱ - مجتهدزاده، پیروز، «جغرافیای سیاسی تنگه هرمز»، ترجمه صفیر، نشر صفیر، اصفهان، ۱۳۷۱.
- ۲۲ - مجله راهبرد، مرکز تحقیقات راهبردی - دفاعی، ش ۱۲، ۱۳۸۱.
- ۲۳ - مک لین، ایان، «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»، ترجمه حمید احمدی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۴ - ناظم‌الرعايا، مهدی داریوش، «پروژه خاورمیانه جدید»، ترجمه حسینی سپهر، فصلنامه جهان اسلام ش ۲۹، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲۵ - هورک هایمر، مارکس، «نظریه انتقادی دیروز و امروز»، ترجمه احمدحسین مبلغ، نشریه نقد و آرمان، ش ۳ و ۴، کالیفرنیا، ۱۳۷۵.

26 - <http://www.bashgah.net/pages-20537.html>. (Aliashraf.nazari)

27 - <http://www.tisri.org>, Feb, 2008 inter prise.u.s

28 - <http://www.hawzah.net/hawza/numberID4878>



## مبانی تاریخ و اندیشه نظامی در ایران<sup>۱</sup>

تلخیص از: داود علمایی<sup>۲</sup>

### چکیده

جایگاه خاص ایران در جهان، واقع شدنش در فلات ایران که بین دره‌ی سند و دره‌ی فرات (بین‌النهرین) قرار گرفته است، همسایگی در شمال و شمال غرب در طول تاریخ با تاتارها، سکاها، اسلاوها، ترک‌ها، روس‌ها و... و در شرق با سرزمین‌های هند و چین، وجود دو رشته کوه بلندتر شمال (البرز) و غرب و جنوب غربی (زاگرس)، تماس با بین‌النهرین و اروندرود از یک سو و قرار گرفتن در کنار خلیج فارس و دریای عمان از سوی دیگر، اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در سراسر تاریخ به این سرزمین داده است. به همین علت گاهی آن را «گذرگاه حوادث» و زمانی «پل پیروزی» نامیده‌اند. قرار گرفتن این سرزمین در خاورمیانه - منطقه‌ای که سه قاره بزرگ جهان یعنی اروپا، آسیا و آفریقا را به هم متصل می‌کند - باعث توجه جهانیان در طول تاریخ این ناحیه شده است. بنابراین، فشارهای مداوم، هجوم و تجاوزهای مستمر و پی‌درپی از به چهار جهت - شمال، جنوب، شرق و غرب - به آن

۱ - دکتر محمدحسین جمشیدی؛ مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران؛ تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۳۸۰.

۲ - کارشناس ارشد مدیریت دفاعی، پژوهشگر مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین(ع).

وارد می‌شده است. از سوی دیگر کوشش و تلاش مردم این مرزوبوم برای حفظ هویت و استقلال خویش در سراسر تاریخ امری بدیهی است. این دو موضوع نه تنها در شکل‌گیری توان رزمی و اندیشه‌های نظامی مردم این سرزمین مؤثر بوده، بلکه بخش گسترده‌ای در نحوه توزیع جمعیت، شکل‌گیری شهرها و روستاها و به طور کلی در فرهنگ و تمدن ایرانی داشته است. مقاومت‌های این مردم و حمله‌های وسیع دشمنان در سراسر تاریخ، نه تنها باعث رشد توان نظامی این ملت شده و آن را تبدیل به سندان محکمی کرده است، بلکه باعث شکل‌گیری و انسجام اندیشه‌های نظامی و استراتژیک در ایران از دورترین ایام تاکنون بوده است. شکی نیست هر چه ملتی در برابر تهاجمات دشمنان گوناگون بیشتر ایستادگی کند تا بتواند به ارائه راه‌حل‌های مطلوبی در این مورد پردازد، بینش سیاسی و نظامی رشد بیشتری کرده، در برخورد با مخالفان و دشمنان توانایی بیشتری خواهد داشت. ایران نیز از این مسئله مستثنی نیست. اوضاع اقلیمی، وضعیت استراتژیک، کثرت خطرات و تهدیدات، هجوم نظرات دفاعی، بر رشد اندیشه‌های دفاعی و استراتژیک این ملت در طول تاریخ افزوده است. در این بحث هر جا از ایران یاد می‌شود منظور همان دولت فارس (پارس) است که در هر دوره مرزهای مشخص و محدودی دارد. در هر زمانی چون زمان هخامنشیان نه تنها تمام فلات ایران بلکه فلات آناتولی، بخشی از یونان، قبرس و حتی سرزمین مصر و تونس و نیز بخشی از فلات پامیر را در بر گرفته است. در حالی که ایران در زمان انحطاط (دوره قاجار) تنها بخشی از فلات ایران را تشکیل می‌دهد که سرزمین امروزی ایران است. تحولات و مسائل نظامی، حوادث، وقایع و اموری هستند که در تاریخ در قالب و شکل امور نظامی رخ داده‌اند. برای نمونه می‌توان از جنگ‌ها، پیمان‌های نظامی، مسئله صلح، ایجاد نیروهای گارد جاویدان عصر هخامنشی و ... تحت عنوان مسائل و تحولات مهم نظامی یاد کرد. البته تحولات بیشتر به جنبه‌ی متغیر نظامی نظیر تحول در فناوری یا جنگ و ... نظر دارند. ایران از نظر وسعت، بعد از جزیره‌العرب بزرگ‌ترین کشور منطقه خاورمیانه است و از لحاظ جمعیت بعد از ترکیه و مصر در منطقه خاورمیانه قرار دارد. همسایگان جنوبی ایران هم از نظر موقعیت استراتژیک و هم از نظر نظامی و سیاسی به مراتب ضعیف‌تر از ایران هستند. از ویژگی‌های نظامی ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سوابق، توان و قدرت نظامی ایران به عنوان یک قدرت

منطقه‌ای، دسترسی به دریاهای آزاد، دوری از اسرائیل و آمریکا، تجارب جنگ هشت ساله با عراق و رشد تحول فناوری نظامی ایران، قرار گرفتن در نزدیکی کشورهایایی چون روسیه، هند، پاکستان و چین.

کتاب حاضر از چهارده فصل و دو بخش با عناوین زیر تشکیل شده است: مقدمه، کلیات، اصول و مبانی در تاریخ اندیشه نظامی در ایران قبل از اسلام (ایران باستان)، اندیشه نظامی تمدن‌های اولیه‌ی ایران باستان، اندیشه‌ی نظامی ایرانیان پیش از عصر زرتشت، اندیشه ایرانی در آیین زرتشت و اوستا، اندیشه نظامی ماد و هخامنشی از آغاز شکل‌گیری حکومت مقتدر مرکزی در ایران تا به قدرت رسیدن اشکانیان، اندیشه نظامی از زمان به قدرت رسیدن اشکانیان با ورود اسلام به ایران - مروری بر اصول، مبانی و اندیشه نظامی در اسلام - سیر اندیشه در قرن‌های اولیه‌ی ایران بعد از اسلام (از قرن اول تا هفتم هجری) - سیر تحول اندیشه نظامی از قرن هفتم تا دهم هجری - مبانی و تاریخ اندیشه نظامی از قرن دهم تا دوازدهم در دوران حکومت‌های مقتدر ایران (صفویه، افشاریه و زندیه) - اندیشه نظامی در دوران انحطاط ایران (عصر قاجاریه) از اوایل قرن دوازدهم تا چهاردهم هجری یعنی تا دوران مشروطیت - سیر اندیشه نظامی ایران در عهد پهلوی (دوران وابستگی) - اندیشه نظامی ایران در دوران جمهوری اسلامی (از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا بحران دوم خلیج فارس ۱۳۶۸-۱۳۵۷).

\* \* \* \* \*

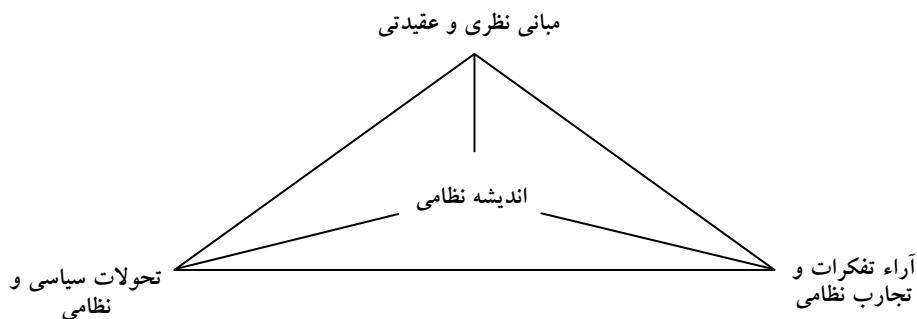
## کلید واژگان

استراتژیکی؛ اسلام؛ اندیشه نظامی؛ انقلاب اسلامی ایران؛ انگلیس؛ ایران؛ ایران باستان؛ تاریخ نظامی؛ تاکتیک؛ تحولات نظامی؛ تمدن؛ توان نظامی؛ رهنامه؛ روسیه؛ سیاست نظامی؛ هشت سال دفاع مقدس

## فصل اول: مقدمه

فصل اول شامل شش بخش با عناوین زیر است: طرح مسئله، اندیشه نظامی، منابع و منشا اندیشه نظامی، ضرورت و هدف پژوهش، روش تحقیق و بررسی مطالب، ساختار کتاب.

تفکرات و تجارب نظامی و دفاعی به علاوه مبانی نظری اندیشه‌ها همگام با تحولات نظامی، سازنده مباحثی هستند که از آن تحت عنوان «اندیشه نظامی» و مبانی آن یاد می‌شود. در واقع می‌توانیم اندیشه نظامی را به مثابه مثلثی تصور کنیم که سه عنصر مبانی نظری و عقیدتی، تفکرات و تجارب نظامی و تحولات سیاسی و نظامی سه رأس آن را تشکیل می‌دهند.



### مثلث اندیشه نظامی

اغلب ملت‌های تاریخ‌ساز و تمدن‌آفرین - نظیر ملت ایران - دارای اندیشه نظامی به مفهوم خاص یعنی مفهومی که مورد نظر ماست، می‌باشند. اگر اندیشه‌ای نظامی به مفهوم عام «صرف وجود نوعی تفکر قابل بحث در باب امور نظامی» باشد، اندیشه نظامی به مفهوم خاص را اینگونه تعریف می‌کنیم: «مجموعه‌ی تفکرات منسجم، دارای مبنا، مستدل، مهم و منطقی در باب امور نظامی. حال، اندیشه نظامی به این معنا می‌تواند در قالب فلسفه نظامی - مبتنی بر جهان‌نگری و هستی‌شناسی منسجم - مکتب نظامی، ایدیولوژی نظامی، نظریه‌ی نظامی و دکترین نظامی یا به طور کلی تفکر نظامی تجسم یابد. توجه به چنین پژوهشی علاوه بر ابعاد نظری و آکادمیک دارای دو وجه مهم است: اول، افزایش آگاهی، شناخت و توان نظامی در برابر دشمن و دوم، کسب توان همه‌جانبه برتر

در سطح جهان به منظور دستیابی به نیرویی که بتواند حامی و یاور ملت‌هایی باشد که چشم امید به انقلاب ما دوخته‌اند.

### فصل دوم: کلیات

فصل دوم از شش بخش با عناوین زیر تشکیل شده است: مفاهیم کلی، وضعیت جغرافیایی فلات ایران، کشور ایران، عوامل استراتژیک ایران، مختصری از اوضاع نظامی ایران، ادوار تاریخی ایران.

اندیشه نظامی بیانگر هر گونه تفکر منسجم، منطقی، مهم، مستدل و بنیادی در مورد امور نظامی می‌باشد و نظیر نظریه‌ی مربوط به اولویت نیروی انسانی بر سلاح یا سلاح بر نیروی انسانی. نهاد، مجموعه یا قسمتی از دستگاه زندگی اجتماعی انسان است که عهده‌دار در اداره بخشی از حیات اجتماعی او می‌باشد. عوامل استراتژیک ایران عبارتند از:

- ۱ - ناهمواری‌ها؛ شامل ارتفاعات شمالی، ارتفاعات غربی و جنوبی، ارتفاعات شرقی، کوه‌های مرکزی، دشت‌ها و جلگه‌ها،
- ۲ - آب و هوا،
- ۳ - آب‌ها؛ شامل دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان، رودها و رودخانه‌ها، آب‌های زیرزمینی،
- ۴ - حیات گیاهی و جانوری،
- ۵ - نیروی انسانی،
- ۶ - راه‌ها و حمل و نقل؛ شامل راه‌های دائمی خشکی، آبی، هوایی.

اهداف نظامی جمهوری اسلامی ایران براساس قانون اساسی از این قرار است: جلوگیری از نفوذ بیگانگان در کشور، حفظ تمامیت ارضی کشور، تقویت بنیه نظامی، خودکفایی در صنایع دفاعی، حمایت از مستضعفان جهان، ایجاد بسیج ۲۰ میلیونی. استراتژی‌های کلی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱ - استراتژی آزادیبخش (تهاجمی) که یا برای رهایی ملت‌های زیر سلطه یا حمایت و حفظ حامیان انقلاب اسلامی ایران صورت می‌گیرد.
- ۲ - استراتژی دفاعی که در اوضاع فعلی کاربردی بیشتری دارند و برای مقابله با تهدیدات خارجی (جهانی، منطقه‌ای و مرزی) و داخلی طرح می‌شوند مانند استراتژی‌های مقابل به مثل یا اهرم فشار.

### فصل سوم: اندیشه نظامی در تمدن‌های اولیه‌ی ایران باستان

این فصل شامل پنج بخش زیر است: تاریخ نظامی تمدن ایلامی، تمدن و فرهنگ دولت ایلامی، ادوار تاریخ تمدن ایلام، مبانی و اندیشه ایلامیان، اندیشه نظامی و تأثیرات آن.

مهم‌ترین تمدنی که در ایران پیش از آریایی‌ها وجود داشته است، تمدن ایلامی می‌باشد. این تمدن در جلگه‌ی خوزستان، ایلام و کوهستان‌های اطراف آن به وجود آمده است. شوش، ماداکتو، خایدالو و اهواز از شهرهای مهم این تمدن به شمار می‌روند. از جمله ویژگی‌های مهم این تمدن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دارا بودن حکومت و قلمرو وسیع، موقعیت استراتژیک، معابد بزرگ دینی، اشتغال به کشاورزی، تجارت با ملل همجوار. عناصر اندیشه‌ی نظامی ایلامیان عبارتند از: مذهب و کاهنان، برقراری و حفظ نظم، مسئله‌ی آزادگی و زیر بار ظلم نرفتن، روش جنگ. مهم‌ترین مسئله در اندیشه نظامی این دوره، ضرورت حفظ نظم موجود و برقراری امنیت است؛ نظمی که پسندیده خدایان متعدد باشد و امنیتی که بندگان بتوانند به عبادت آن پردازند. به علاوه کاهنان در این میان نقشی تعیین‌کننده دارند. هم‌چنین جنگ امری مقدس تلقی می‌گردد و رهبران و فرماندهان واقعی جنگ‌ها را بت‌ها و مجسمه‌های خدایان تشکیل می‌دهند که پیشاپیش سپاه حرکت داده می‌شوند و سقوط یا غارت آن‌ها تعیین‌کننده پایان جنگ تلقی می‌شود.



### فصل چهارم: اندیشه نظامی ایرانیان پیش از عصر زرتشت

فصل حاضر از هفت بخش زیر تشکیل شده است: از مهاجرت تا استقرار، شیوه‌ی استقرار و بنای شهرها، نظام خانوادگی، مسکن آریاییان، اخلاق و تمدن، مبانی و اندیشه نظامی در دوران آریایی تا پیش از ظهور زرتشت، اندیشه نظامی در نگرش اسطوره ایران.

آریایی‌ها وقتی به ایران آمدند به طوایف و اقوامی تقسیم شدند و شیوه ملوک الطوایفی و دولت - شهری را (شاید به تبع اکثر اقوام ساکن در این منطقه و شاید به دلیل ویژگی‌های قومی) پیش گرفتند. از مهم‌ترین این اقوام می‌توان به مادها، پارس‌ها و پارت‌ها اشاره کرد. هنگامی که آریایی‌ها به ایران آمدند از نظر تمدن و پیشرفت‌های صنعتی و نظامی از همسایگان خود یعنی بابل، ایلام و آشور در حد پایین‌تری قرار داشتند، لذا مجبور به اقتباس از آن‌ها شدند. مثلاً خط میخی را از ایلامی‌ها اقتباس کردند ولی در آن تحول ایجاد کردند و کاربرد آن را نیز توسعه دادند. از جمله مهم‌ترین مبانی نظامی در این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدم جدایی سیاست از دین، حاکم و پادشاه به عنوان نماینده‌ی خدا، جنگ و کشورگشایی، تقسیم کار و جایگاه نظامیان و امر نظامی، غایت جنگ و منش نظامی.

بنابراین، دو مسئله جدید در اندیشه نظامی در ایران باستان حادث شده است که عبارتند از:

- ۱ - توجیه اخلاقی جنگ برای برقراری عدالت و مبارزه با بدی و بی‌نظمی صورت می‌گیرد و لذا امری غایتمند و هدفدار تلقی می‌شود.
- ۲ - تقسیم کار اجتماعی و تعیین جایگاه گروهی از افراد به نام «نظامیان».

### فصل پنجم: اندیشه نظامی در آیین زرتشت و اوستا

فصل حاضر از پنج بخش با عناوین زیر تقسیم می‌شود: زرتشت و اوستا، آیین و تعالیم زرتشت، تعالیم سیاسی - اجتماعی زرتشت، مبانی اندیشه نظامی در

اوستا و آیین زرتشت، تأثیر بنیادهای اندیشه نظامی اوستایی بر تحولات و اندیشه‌ی نظامی ادوار بعد.

اساس و بنیان اندیشه و اتحاد زرتشت را «مزدا پستی» یعنی پرستش خدای بزرگ و واحد تشکیل می‌دهد که مبدأ مجرد و واحدی برای تمام موجودات است. از دیدگاه زرتشت هر فردی وظیفه دارد از نیکی دفاع نموده، با شر و بدی مبارزه کند و بر همین اساس افراد باید در مبارزه‌ای سهیم شوند که نتیجه نهایی آن، پیروزی نیکی در جهان است. مبانی اندیشه نظامی در آیین زرتشت عبارت است از:

۱ - اصل مبارزه دائمی و مستمر میان حق با باطل (خیر و شر)

۲ - نفی جنگ به معنای لشکرکشی و قتل و غارت

۳ - رزم میان دو شیوه‌ی زندگانی

۴ - جایگاه قدرت نظامی در اندیشه حاکمیت

۵ - نظم و امنیت در اندیشه نظامی

۶ - جایگاه رزم‌یاران و جنگاوران

### فصل ششم: اندیشه نظامی در تمدن‌های ماد و هخامنشی از آغاز شکل‌گیری

#### حکومت مقتدر مرکزی در ایران با به قدرت رسیدن اشکانیان

فصل ششم از سه گفتار با نام‌های اندیشه نظامی - مادها، اندیشه نظامی هخامنشیان، بررسی مختصر دو نمونه از عصر هخامنشی تشکیل شده است. تجربه‌ی اتحاد برای حرکت به سوی نظام شاهنشاهی را قبایل ماد مستقر در غرب و جنوب غربی ایران به کار گرفتند و اتحادیه حاصل، اتحادیه‌ی گسترده‌ای بود که نه تنها سایر قبایل آریایی غیر ماد - بویژه پارس‌ها - بلکه قبایل غیرآریایی مجاور نیز در آن شرکت داشتند. از جمله مبانی اندیشه نظامی مادها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تشکیل اتحادیه و ائتلاف قبیله‌ای تحت رهبری واحد، ساختن دژ بزرگ هگمتانه، ایجاد ارتش منظم و تعلیم دیده، تبدیل سیاست دفاعی به سیاست تهاجمی، اصل غافلگیری سیاسی - نظامی، اصل اتحاد نظامی دوگانه.

تمدن ایران هخامنشی در دوران داریوش به بالاترین درجه وسعت خود رسید، تبدیل به سی ایالت بزرگ شد و در واقع بزرگ‌ترین دولتی بود که تا آن زمان در ایران تشکیل شده بود که چهل و شش نوع نژاد گوناگون را در بر می‌گرفت. تقریباً تمام اصول اندیشه نظامی زرتشتی در این عصر معمول بوده است. به علاوه، برخی از اصول مهم این دوران عبارتند از: ایجاد سلسله مراتب نژادی در ارتش و نیروهای نظامی، اصل تساهل و تسامح دینی، پادشاه: عامل وحدت و یکپارچگی ملی، اصل جنگ روانی - تبلیغاتی و دیپلماسی جدایی‌فکنی، اصل مردم‌داری، اصل اولویت صلح بر جنگ.

برخی از مؤلفه‌ها و موارد مهم اندیشه نظامی در این دوران عبارتند از: سرعت عمل در میدان نبرد، فرماندهی متمرکز و واحد، استفاده از بسیج عمومی علاوه بر نیروهای دائمی، به‌کارگیری نیروهای اقوام گوناگون در جنگ‌ها، استفاده از دیپلماسی تفرقه‌افکنی میان دشمنان قبل از شروع جنگ. برجسته‌ترین موضوع در اندیشه نظامی کورش، مسئله غایت‌مندی جنگ و انسانی - عقلانی بودن آن است، فتح بابل و صدور فرمان (منشور) بابل توسط کورش نشان از رفتار انسانی و مبتنی بر حقوق بشر از ناحیه‌ی او می‌باشد. اهم اقدامات سیاسی - نظامی داریوش اول از این قرار است: تشکیل نیروهای جاویدان، ایجاد دستگاه منظم بازرسی برای ماموران دولت، نظامیان و اداریان، ایجاد ارتباط میان دریای مغرب و بحر احمر (دریای مدیترانه و دریای سرخ) از طریق کانال سوئز، ایجاد قوه‌ی بحریه یا نیروی منظم دریایی، تسخیر سرزمین‌های پنجاب، تراکیه و مقدونیه.

برخی از مهم‌ترین دلایل موفقیت کورش و داریوش در به وجود آوردن چنان نظام سیاسی گسترده‌ای در جهان آن زمان عبارتست از: عدم تحقیر اقوام تابعه، سرمشق بودن برای نظامیان، پیشگام بودن در مقابله با دشمن، مبارزه با دروغ (مهم‌ترین اصل اخلاقی آیین زرتشت)، ایجاد ارتش منظم، تساهل مذهبی، تربیت نیروهای نظامی و سیاسی مورد نیاز جامعه، ایجاد دستگاه بازرسی و اطلاعاتی، ایجاد دستگاه‌های منظم مالی و انجام تقسیمات سرزمینی.

### فصل هفتم: اندیشه نظامی از زمان به قدرت رسیدن اشکانیان تا ورود اسلام به ایران

این فصل شامل سه گفتار با نام‌های اندیشه نظامی اشکانیان، اندیشه نظامی ساسانیان، آرا و اندیشه‌های نظامی سه اندیشمند است.

ظاهراً اشکانیان ارتش دائمی نداشتند و سپاهیان آن‌ها را ایالت‌ها و شهرها به هنگام جنگ تامین می‌کردند. این کار با توجه به نیاز دولت مرکزی و صدور فرمان یا تقاضا از ناحیه آن صورت می‌گرفت. ابزارهای جنگی آن‌ها شامل تیر و کمان، نیزه بلند، شمشیر دو دم، خنجر و ... بود. از شیوه‌های رزمی و تاکتیک‌های اشکانیان این بود که سواران سبک با سلاح با برانگیختن گردوغبار دید دشمن را مختل ساختند و سواران سنگین‌افزار در پناه گرد و خاک ایجادشده آن‌ها پیشروی می‌کردند. فنون جنگی بویژه اسب سواری، تیراندازی و نیزه‌پرانی در میان اشکانیان به خوبی رایج بوده است. از تاکتیک‌های مهم نظامی پارتیان می‌توان به جنگ و گریز منظم، اغفال‌سازی دشمن و شورش مردمی اشاره کرد. از جمله اصول اندیشه نظامی ساسانیان موارد زیر ذکر شده است: جایگاه و ارتباط دین و سیاست، جایگاه و اهمیت امر نظامی و نظامیان، وابستگی امور نظامی به سیاست، تساهل و تسامح مذهبی و تأثیر آن در موفقیت نظامی، رزم میان خیر و شر و غایت‌مندی جنگ، حاکمیت اصل دفاع و دفع متجاوز، اطاعت و نظم نظامی، تقدس جنگ‌ها و رعایت آداب مذهبی در جنگ، برابری انسانی در میدان جنگ، ساختن بناهای مستحکم دفاعی. بخش عمده نیروهای نظامی ساسانی را سواره نظام تشکیل می‌داد. از جمله مسائل مهم نظامی دوران ساسانیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وقوع جنگ‌های مکرر ایران و روم، احیای نیروهای جاویدان، به‌کارگیری روش محاصره در جنگ، مقابله‌ی قاطع با اقوام بیگانه، ساخت سدها و قلاع برای تامین امنیت مرزها. تاکتیک‌ها و استراتژی‌های مهم نظامی ساسانیان عبارتند از:

- تاکتیک محاصره همه‌جانبه (دایره‌ای)
- استراتژی جنگ پر شدت (ضربه قوی)

- تاکتیک رزم صبحگاهی
- ایجاد قشون رزمی چریکی و استراتژی رزم چریکی
- تاکتیک رزم شبانه با مشعل‌های افروخته

### فصل هشتم: مروری بر اندیشه نظامی و اصول و مبانی آن در اسلام

رسول خدا در مدینه‌النبی حکومتی به وجود آورد که بر چند اصل اساسی تکیه داشت که عبارت بودند از پیمان برادری بین مسلمانان، برابری و مساوات، رعایت حقوق اقلیت‌های دینی، اصل جهاد، اصل بیان برتری عقیده و مسلک مسلمانان. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های پیامبر، رهبری و فرماندهی نظامی اوست. هدف و نیت خالص و الهی در نزد رسول خدا اهمیت بسیاری داشت. از جمله اصول اندیشه نظامی در قرآن و اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اصل دفاع، اصل عبادت و قداست جنگ و جهاد، اصل تکلیف و مسئولیت، اصل کمال رزم، فضیلت جهاد در راه خدا، بسیج رزمی و تسلیحات نظامی، اصل معامله به مثل، اصل زمان و مکان در جنگ، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام. بر این اساس، جنگ در اسلام و اندیشه پیامبر و سایر پیشوایان معصوم، جنگ عادلانه یا جنگ دادگرانه است؛ یعنی هدف اساسی آن مقابله با ستم و بی‌عدالتی در عام‌ترین معنای خود می‌باشد: جنگی انسانی، مبتنی بر عدل، دفاعی و اخلاقی. اسلام با رسالت جهانی خود از راه‌های متعددی وارد ایران شد. یکی از این راه‌ها جنگ‌هایی بود که در صدر اسلام و زمان خلیفه‌ی دوم از یک سو و ساسانیان از سوی دیگر واقع شد. هماهنگی میان برخی از مسائل دست‌نخورده آیین تحریف شده زرتشت که در اصل بر یکتایی خدا و استقرار حق و عدالت در زمین و مبارزه با ظلمت‌ها و تیرگی‌ها و دروغ تأکید داشت، با آیین عدالت‌گستر و حق‌طلب اسلام و این که برای بسیاری از مردم ایران شعارهای اسلام یادآور آیین اصیل و نهایی راستین از دین زرتشت بود، و در پذیرش دین اسلام از سوی مردم

ایران تأثیر به‌سزایی داشت. در حقیقت از ترکیب این دو اندیشه، فرهنگ و تمدن جدیدی به وجود آمد؛ تمدنی که حدود دویست سال طول کشید تا توانست به تدریج شکل بگیرد و استقرار یابد؛ فرهنگی که با جهانگردی اسلامی، عناصر منفی فرهنگ ایرانی و عناصر منفی خلافت‌های اموی و عباسی را دور ریخته است و خالص و عاری از هر پیرایه‌ای شده است.

### فصل نهم: سیر اندیشه نظامی در قرن‌های اولیه ایران بعد از اسلام (قرن اول تا هفتم هجری)

اصول و مبانی نظری اندیشه نظامی در این دوران به سه دسته مبانی عقیدتی، فلسفی و ملی تقسیم می‌شود. عمده‌ترین مبانی نظری اندیشه‌های نظامی این دوران را در ظاهر امر، اسلام و اصول اولیه آن تشکیل می‌دهد. پس یکی از ارکان اساسی شکل‌گیری اندیشه‌های نظامی در این ۶۰۰ سال را می‌توان مبانی عقیدتی نظیر توحید، اعتقاد به رسالت حضرت محمد (ص) و سنت او، بویژه جهاد در راه خدا دانست. بر این اساس، اسلام بر جهاد به عنوان یک تکلیف تکیه کرده است و آن را وسیله‌ای برای از بین بردن فتنه و برپایی حکومت حق و عدل و گسترش اسلام قرار داده است. کشته شدن در این نبردها شهادت محسوب می‌شد و پاداش آن بهشت بود. از طرف دیگر، تکیه‌ای که کتاب خدا بر عقل و استدلال‌ات عقلی در اداره‌ی امور انسان‌ها داشت و بویژه در سنت به طور عام و در سنت ائمه اطهار نمونه‌های آن دیده می‌شود، باعث شد که اندیشه‌های عقلی و فلسفی در تمام زمینه‌ها اهمیت یابند و به تدریج فلسفه‌ی اسلامی و فلسفه‌ی سیاسی اسلام شکل گیرد. در اسلام، فلسفه در خدمت دین قرار گرفت و رنگ دینی یافت و پیدایش معتزله این جریان را تقویت کرد. از مهم‌ترین فلاسفه‌ی اسلامی این دوره می‌توان از کندی، فارابی، اخوان الصفا و ابن‌سینا نام برد. یکی از عناصر جدیدی که به اندیشه نظامی دوران پیشین - صدر اسلام - در مورد ایران اضافه می‌گردد، مسئله استقلال ملی ایران است. در این باره بسیاری از سنن ایران

باستان بتدریج احیاء گردید. این موضوع بویژه در دوره سامانیان، آل بویه و سلجوقیان تحقق یافت. به‌کارگیری دیوان فارسی در روش اداری، شیوه‌ی نگهداری نیروها و حفظ آن‌ها، حفظ نیروهای منظم سپاهی، فرماندهی منظم و دائمی نیروها، نمونه‌ای از این رسوم است. از نکات جدید صفاریان ایجاد جایگاهی برای نیروها در بیرون شهر بود که آن را «لشکرگاه» می‌نامیدند. هم‌چنین از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه‌ی نظامی صفاریان (یعقوب لیث) سیاست لشکر و لشکرداری بود؛ به گونه‌ای که رابطه عمیق و مبتنی بر اطاعت محض میان فرمانده (امیر) و نیروها حاکم بود. برجسته‌ترین ویژگی‌های عنصر نظامی دیلمیان را اموری چون قاطعیت در فرمان دادن و اداره کردن نیروهای نظامی، شجاعت، جنگاوری و شهامت ذکر کرده‌اند؛ هم‌چنین موضوعاتی چون نگرش سیاسی - نظامی تشیع، سرزمین استراتژیک و موقعیت مناسب مرکز حکومت و روحیه‌ی ملی از این دسته‌اند. برخی از اندیشه‌های نظامی مطرح شده در شاهنامه فردوسی عبارتند از: ناسازگاری کینه و دشمنی با عقل و دانش، برتری آشتی و صلح بر جنگ، نفی خونریزی و رعایت اخلاق در جنگ، جنگ به مثابه یک ضرورت، آداب و اصول جنگ و فنون رزمی.

### فصل دهم: سیر تحول اندیشه نظامی از قرن هفتم تا دهم هجری

از جمله حوادث و مسائل عمده نظامی در این دوران می‌توان به شورش چنگیز، جنگ‌های جلال‌الدین خوارزمشاه، لشکرکشی هولاکو به ایران، قیام سربداران و تشکیل حکومت، تهاجم سراسری تیمور و جنبش حروفیه اشاره کرد. در این دوران چند مبنای کلی به تدریخ در جامعه ایرانی رسوخ کرد و بر تحولات و اندیشه‌های اجتماعی به طور عام و بر اندیشه‌های سیاسی و نظامی به طور خاص تأثیر گذاشت. یکی از این مبانی، رقابت و ستیز سیاسی و نظامی مستمر بود که باعث به وجود آمدن حالت جنگجویی، رقابتی شدید و برخوردهای دائمی شد. از سوی دیگر هجوم وحشتناک مغول و تیمور و

جنگ‌های صلیبی حالتی از ترس و ناامیدی را در میان مردم به وجود آورد که نتیجه آن گسترش تصوف و فرار به روستاها و انزواگرایی بود. در این دوره یکی از مهم‌ترین عناصر اندیشه نظامی حاکم، مسئله خشونت و ویرانگری بود. دلیل پیروزی مغول‌ها و تیموریان نیز در همین امر نهفته است. در مقابل خشونت، قاطعیت و برندگی شدید مهاجمان، نیروهای نظامی ایران نه تنها فاقد اصل خشونت نظامی که فاقد روحیه رزمی و توان دفاعی بودند که از جمله دلایل این امر را می‌توان نفاق بین فرماندهان نظامی، نارضایتی مردم ایران از سلطه ترکان بیگانه و نداشتن خط دفاعی برشمرد. راز پیروزی و موفقیت مغول‌ها و تاتارها، تأثیرپذیری آن‌ها از اندیشه‌های نظامی چین باستان از یک سو و ترکیب آن‌ها با خوی صحرانشینی و بیابانگردی خودشان بود. سخت‌کوشی، سنگدلی و قساوت، غارت و اطاعت بی‌چون و چرا از چنگیز از جمله دیگر ویژگی‌های مغولان به شمار می‌رود. یکی از تأثیرات سه قرن وحشت و خشونت سه گروه متجاوز یعنی صلیبیان، مغول‌ها و تیموریان، پیدایش روحیه انزواگرایی، تصوف و گسترش شدید آن در میان ایرانیان بود که آثار آن هنوز هم به طور کامل از بین نرفته است. گسترش مفاسد اجتماعی در سطح جامعه، اختلاط نژادی و افزایش نژادهای بیگانه، ضعف توان نظامی کشور و اتحاد دشمنان جدید و قدیم، رشد علم نجوم و معماری از جمله تأثیرات دیگر این دوره بر دوره‌های بعدی تاریخ ایران محسوب می‌شود.

### **فصل یازدهم: مبانی و تاریخ اندیشه نظامی ایران از قرن دهم تا دوازدهم هجری (صفویه، افشاریه و زندیه)**

از جمله اصول و مبانی اندیشه نظامی در دوران صفویه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ورود تصوف و عرفان به عرصه‌ی امور نظامی و سیاسی، رسمی شدن مذهب شیعه و به وجود آمدن نظریه‌ی «ایران شیعی»، تکیه بر فقه شیعی و مبانی آن،



مشارکت فقها در دولت صفوی، برقراری رابطه با غرب و ایجاد اولین حلقه‌های وابستگی بویژه در بعد نظامی. ایجاد ارتش منظم برای ایران، جایگاه و اهمیت تسلیحات، انضباط نظامی، جابه‌جایی عشایر و قبایل، برخورد با دشمن بیگانه از جمله ارکان اندیشه نظامی شاه عباس اول به شمار می‌رود. در عهد نادری، سازمان ارتش ایران به لحاظ ساختاری چندان تفاوتی با عصر صفوی - از شاه عباس اول به بعد - نداشت. مهم‌ترین عنصری که به آن اضافه شد روحیه، شهامت و دلاوری و جنگجویی بالا بود که نادرشاه برجسته‌ترین آنان به شمار می‌رفت. اصطلاح سربازگیری، گزینش مردان سپاهی از تمامی مناطق کشور، رسیدگی به امور نظامیان و ملاحظت با آنها و دگرگونی سازمان نظامی از جمله اصلاحات نادر شاه محسوب می‌شود. کریم‌خان زند - وکیل‌الرعايا - بر خلاف شاهان صفوی و نادر شاه برای رسیدن به حکومت و حفظ آن، بر نیروهای نظامی و نظامیان تکیه نداشت، زیرا مردم ایران اعتقاد داشتند که تکیه صرف بر نیروهای نظامی و رسیدن به قدرت سیاسی از طریق زور، حکومتی غصبی است و دیری نمی‌پاید. به همین علت کریم‌خان زند به جای ساختن دستگاه نظامی قوی برای حفظ حکومت و تکیه بر آن، به دو عامل اساسی تکیه کرد. این دو عامل عبارت بودند از:

۱ - ساکنان شهرها: شاید این اولین بار - پس از فروپاشی ساسانیان - در ایران بود که مردم شهری و شهرنشین به عنوان تکیه‌گاه و حامی حکومت مطرح می‌شدند. در این زمان شهرها به دلیل برخورداری از امنیت و آرامش، از حکومت به شدت حمایت می‌کردند و حکومت را نیز حامی خود می‌دانستند.

۲ - نیروی قبایل: این نیروها هم دارای بعد سیاسی بودند هم بعد نظامی.

## فصل دوازدهم: اندیشه نظامی در دوران انحطاط ایران (عصر قاجاری)

از جمله وقایع و تحولات مهم نظامی ایران تا مشروطیت می‌توان به جنگ‌های آقا محمد خان قاجار، جنگ اول ایران و روس، علل شکست ایران از روسیه، عهدنامه گلستان، جنگ دوم ایران و روسیه، عهدنامه ترکمنچای، جنگ قوای فارس با وهابی‌ها، جنگ هرات و جنگ ایران با عثمانی‌ها اشاره کرد. مهم‌ترین اندیشه‌ها و افکار و مسائل نظامی تاریخ ایران در عصر قاجار عبارتند از: حفظ شخص شاه، دربار و قدرت «دربارگرایی» و «ایلیاتی»، بیگانه‌گرایی و سلطه بیگانگان بویژه روس و انگلیس، ترس و ضعف و فقدان هویت ایرانی. بیداری مردم و تحقق انقلاب، تشکیل قوای قزاق در ایران، کودتای محمدعلی شاه و استبداد صغیر، قیام مردم و فتح تهران، قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و ۱۹۱۹ میلادی و تشکیل ژاندارمری دولتی، مهم‌ترین وقایع عصر مشروطه را تشکیل می‌دهند.

با توجه به اهمیتی که ارتش در ایران داشت و درحالی‌که نیروهای نظامی موجود کارآیی و توان لازم را نداشتند، سران مشروطه طرح ایجاد یک ارتش ملی را ریختند که در قالب ژاندارمری دولتی با اهداف حفظ امنیت در کشور بویژه در جاده‌ها به وجود آمد و همراه با دو نیروی دیگر یعنی پلیس جنوب و نیروی قزاق، هسته‌ی اصلی ارتش نوین رضاخان را تشکیل داد. تاسیس چنین نیرویی در چارچوب یک طرح کلی برای انجام اصلاحات در نیروی نظامی ایران صورت گرفت که زیر نظر افسران سوئدی اداره می‌شد. هنگامی که امیرکبیر به صدارت ایران رسید، شیوه‌های مسلط فرانسه و انگلیس را از ارتش ایران برانداخت و به جای آن‌ها آیین «بنیچه» را برپا داشت و قانون جدیدی برای آن پدید آورد. او برای تهیه نیروهای درس خوانده دست به تاسیس «دارالفنون» نیز زد و بیشتر برنامه‌های آموزشی آن را خاص یک مدرسه نظامی (ویژه افسران) قرارداد و از کشور اتریش آموزگاران نظامی برای آموزش رشته نظامی درخواست کرد. امیرکبیر به طور کلی نیروی نظامی ایلاتی را از هم پاشید و به ایجاد ارتش نوینی همت گماشت.

### فصل سیزدهم: سیر اندیشه نظامی در عهد پهلوی (دوران وابستگی)

از جمله وقایع و تحولات عمده نظامی زمان رضا خان می‌توان موارد زیر را برشمرد: از جنگ جهانی اول تا کودتای رضا خان، شکل‌گیری تفنگداران جنوب ایران و توسعه نیروهای قزاق، روزهای آخر جنگ جهانی اول و ادامه‌ی اشغال ایران، کودتای انگلیس در اسفند سال ۱۲۹۹، نهضت جنگل، حکومت میلیتاریستی رضا خان، قیام پسیان و حکومت ژاندرام‌ها در مشهد، جنگ جهانی دوم و اشغال ایران. برخی از مبانی کلی و نظری اندیشه‌ی نظامی جدید در این دوران عبارتند از: ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، غرب‌گرایی، اومانیسم و لیبرالیسم، سکولاریسم و ظاهرگرایی، وابستگی‌گرایی (فقدان هویت)، کیش شخصیت (شخص‌گرایی)، مردمی نبودن. حکومت دیکتاتوری نظامی و وابسته به بیگانه، تحول در ارتش ایران، تصویب قانون نظام وظیفه اجباری، ایجاد دانشکده افسری در پیمان سعدآباد از جمله مسائل عمده‌ی استراتژی نظامی دوره‌ی رضاخان ذکر می‌شوند. اما طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی، ایران دستخوش تحولات گوناگونی بود مانند: اشغال ایران، نفوذ تدریجی آمریکا در ایران، ملی کردن نفت ایران، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سلطه آمریکا، ورود ایران به پیمان نظامی بغداد، پذیرش دکترین آیزنهاور و انعقاد قرارداد نظامی با آمریکا، تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، مداخله نظامی ایران در ظفار (عمان)، مداخله‌ی نظامی در سایر مناطق همسایه، درگیری‌های مرزی ایران و عراق و توافق الجزیره، جدایی بحرین از ایران، نهضت و انقلاب اسلامی ایران. در این دوره، احساس کاذب ترس، دست‌نشانده‌گی و فقدان مبانی مستقل، اندیشه‌ای به مبانی پیشین اندیشه‌ی نظامی افزوده گشت.

### فصل چهاردهم: اندیشه نظامی ایران در دوران جمهوری اسلامی

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ما با دو حرکت نظامی روبرو شدیم:  
۱- حرکت گروه‌ها و گروهک‌های گوناگون قومی و سیاسی در داخل کشور

برای رسیدن به قدرت یا خودمختاری

۲- حرکت نظامی عراق با حمله به ایران: جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق بر مبنای تحولات نظامی، دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان به سه دوره مشخص تقسیم کرد:

۱- از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز هجوم ارتش عراق به ایران

۲- جنگ هشت ساله‌ی عراق و ایران

۳- از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکنون

از جمله تحولات، نهادها و مسائل عمده نظامی ایران در این دوران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تشکیل ارتش بیست میلیونی (نیروی مقاومت بسیج)، توطئه‌ی گروهک‌ها، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، حمله طبس و ناکامی آمریکا، کودتای نظامی نوژه، آغاز جنگ عراق علیه ایران، جنگ شیمیایی، جنگ نفتکش‌ها (تانکرها) و جنگ شهرها از جمله پدیده‌های مهم جنگ هشت ساله ایران و عراق به شمار می‌روند. مبانی و ارکان عمده اندیشه و استراتژی نظامی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اختصار عبارتند از:

- توحید، وحدت جهان و نقش انسان در جهان،
- نظام تشریحی و وحی (کتاب و سنت) و امامت،
- اعتقاد به عدل الهی در جهان هستی،
- اعتقاد به جهان واپسین،
- جایگاه انسان در جهان هستی،
- جهاد مستمر و پویا،
- اهداف کلی نظامی.

برخی از مهم‌ترین چالش‌های اندیشه نظامی امام خمینی از این قرارند: جهاد و جایگاه آن، دوری از ترس و تهدیدهای بیگانگان، برقراری تعادل قوا به نفع مسلمانان و مستضعفان، عناصر مهم و قدرت نظامی، استراتژی عاشورایی جنگیدن (جنگ انقلابی)، تأکید بر بسیج و تفکر بسیجی، سیاست دفاع همه‌جانبه و مستمر.

## مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان<sup>۱</sup>

تلخیص از: داود علمایی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از نیازهای اساسی آدمی، دفاع و امنیت است. ضرورت دفاع، به وجود آمدن برخوردها و جنگ‌های اولیه و ابتدایی همراه با مسئله‌ی تدبیر در کاربرد و نیرو و سلاح برای مقابله با دشمن باعث شد انسان به برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های نظامی و طراحی دکترین‌ها و استراتژی‌های نظامی بپردازد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اندیشه‌ی نظامی و دفاعی از بدو پیدایش بشر به تدریج به وجود آمده است.

اثر فوق با نگاه بشری، سعی نموده تا در ابواب گوناگون تاریخ، انواع گوناگون اندیشه‌ی نظامی را تبیین گرداند. این اثر از چهارده فصل، یک مؤخره و کتاب‌نامه تشکیل شده است: فصل اول تحت عنوان دیباچه‌ی روش‌شناختی است که بیانگر طرح تحقیقاتی کتاب است. در فصل دوم، کلیات و چشم‌انداز نظری بحث مورد توجه قرار گرفته است. فصول سوم تا ششم به بحث اندیشه‌ی نظامی در شرق باستان (مصر، بین‌النهرین، ایران، چین و هند)

۱ - دکتر محمدحسین جمشیدی؛ مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان؛ تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۳۸۳.

۲ - کارشناس ارشد مدیریت دفاعی، پژوهشگر مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع).

اختصاص دارد. در فصول هفتم و هشتم به اندیشه‌ی نظامی در غرب باستان (یونان، مقدونیه، روم، کارتاژ و...) پرداخته شده است. فصل نهم مشتمل بر بحث اندیشه‌ی نظامی در یهود و مسیحیت است. در فصل دهم بررسی مختصر اندیشه نظام و جهاد در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. در فصول یازدهم و دوازدهم، اندیشه‌ی نظامی در قرون وسطی و دوره‌ی رنسانس تا پایان قرن هجدهم (با تکیه بر جهان غرب) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در فصل سیزدهم، اندیشه‌ی نظامی از آغاز قرن نوزدهم میلادی تا جنگ جهانی اول به صورت گذرا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ و فصل چهاردهم، به بررسی اندیشه‌ها و آرای نظامی در قرن بیستم اختصاص یافته است. در مؤخره نیز به صورت مختصر به اندیشه‌ی عدم خشونت توجه شده و در انتها، کتاب‌نامه (منابع و مأخذ) و نمایه‌ها آمده است.

\* \* \* \* \*

## کلید واژگان

استراتژی نظامی؛ اندیشه‌ی اوتین قدیس؛ اندیشه‌ی کاتیلیایی؛ اندیشه‌ی مارکسیسم - لنینیسم؛ اندیشه‌ی نظامی؛ بینش اسلامی؛ تاریخ؛ جنگ‌های جهانی اول و دوم؛ جنگ‌های صلیبی؛ جنگ‌های فجار؛ دوران فتودالیه؛ رساله‌ی آرتاشستسرا؛ رنسانس؛ ژرمن‌ها؛ غزوه؛ فلسفه‌ی نظامی؛ قرون وسطی؛ کارتاژیان؛ مسیحیت

## فصل اول: دیباچه‌ی روش‌شناختی

عناوین این فصل عبارتند از: طرح مسئله، حوزه‌ی بررسی، مفروضات انگاره و هدف پژوهش، گرایش و روش پژوهش، پیشینه و منابع تحقیق، سازمان‌دهی تحقیق.

محور اصلی بحث در این کتاب این است که اندیشه‌های نظامی چیست، چگونه شکل می‌گیرند و در طول تاریخ چگونه مطرح شده و چه مسیری را طی کرده‌اند و بر محیط چه تأثیری می‌گذارند؟ در واقع در چنین پرسش‌هایی چند مسئله مستتر است:

- ۱ - چستی و موضوعات اندیشه‌های نظامی
  - ۲ - چگونگی و چرایی اندیشه‌های نظامی
  - ۳ - خاستگاه و جایگاه نظری و تاریخی هر کدام از اندیشه‌های نظامی
  - ۴ - سیر تحول اندیشه‌های نظامی در طول تاریخ و نقش آن‌ها در بروز حوادث و رویدادها
- نویسنده در گفتار «حوزه‌ی بررسی» معتقد است تحقیق حاضر عمدتاً به بررسی و بیان محورهای کلی اندیشه‌ی نظامی، به‌خصوص مبانی تاریخی، نظری و فرهنگی آن می‌پردازد.
- بر این اساس برخی از مفروضات مورد نظر در این تحقیق عبارتند از:
- ۱ - هر اندیشه‌ی نظامی واکنشی به تحولات و شرایط موجود زمان و مکان و امکانات است و با آن‌ها دارای تأثیر و تأثر متقابل می‌باشد.
  - ۲ - تمام اندیشمندان و استراتژیست‌ها در پی پاسخ‌گویی به مشکلات اساسی زمان و جامعه خود بوده‌اند، اما این مشکلات به‌گونه‌ای هستند که اختصاص به زمان خاص یا جامعه خاص ندارند.
  - ۳ - فیلسوفان و اندیشمندان جنگ و صلح و امور نظامی و دفاعی هم چون فیلسوفان و اندیشمندان سایر معارف، افرادی با توان فکری و میدان دیده هستند که نگران وضع ناگوار انسان و ابعاد تاریک حمایت از بشر بوده‌اند.
  - ۴ - هدف عمده نظریه‌ها و اندیشه‌ها ارائه‌ی بینش کلی و حتی‌الامکان دقیق از مسائل و موضوعات نظامی است.
  - ۵ - اندیشه‌ها و نظریه‌های نظامی دارای دو بعد اساسی توصیفی و هنجاری هستند و این دو بعد، ارتباط ضروری با هم دارند و هر یک مکمل و مؤید دیگری محسوب می‌شوند.
- انگاره‌ی اصلی تحقیق این است که اندیشه‌ها و نظریه‌های نظامی هر یک در

حد وسعت و توان خود، تصویرهایی نمادین و راه‌گشا از یک کلیت نظام‌یافته را از امر نظامی و جامعه‌ی نظامی ارائه می‌کنند.

«گرایش» به‌کار رفته در تحقیق، گرایش تحلیلی و نظری است و به‌دنبال چارچوب کلی است تا هر اندیشه‌ای را بتوان براساس چنین چارچوبی مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

با توجه به گرایش مورد نظر، بهترین روش در سیر پژوهشی در چهار محور مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱ - عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری و پیدایش اندیشه‌ی نظامی؛ این محور، بیانگر مقدمات و مبانی کلی و اولیه‌ی یک اندیشه‌ی نظامی است.

۲ - روند جریان ایجاد و شکل‌گیری اندیشه‌ی نظامی

۳ - تأثیرها و نتایج یک اندیشه‌ی نظامی

در مورد «پیشینه و منابع تحقیق» باید گفت تعداد اندکی از آثار مدون در اختیار نگارنده بوده است. آثار موجود بیشتر به صورت مقاله و تحت عناوین گوناگونی هم‌چون استراتژی، جنگ، صلح، ارتش، نبرد، سلاح و... و یا گاه در باب اندیشه‌های استراتژی، آرا و ایدئولوژی‌های سیاسی - نظامی و دفاعی - امنیتی برخی نظریه‌پردازان نظیر کلاوزویتس، سون‌تزو و... می‌باشد. به همین جهت در تهیه‌ی این اثر، منابع گسترده‌تر به لحاظ موضوع، نظیر تاریخ - سیاست و... مورد بررسی قرار گرفته است که حاوی منابع اولیه و ثانویه است.

### فصل دوم: کلیات و چشم‌انداز نظری

عناوین این فصل عبارتند از: مقدمه، بررسی مفاهیم، تعریف اندیشه‌ی نظامی، ارتباط اندیشه نظامی با سایر مفاهیم، رابطه‌ی اندیشه‌ی سیاسی و اندیشه‌ی نظامی، روش و بینش در اندیشه‌ی نظامی، روش‌های رایج، در ارائه‌ی مباحث اندیشه‌ای، محورهای عمده‌ی مباحث اندیشه‌ی نظامی، نحوه‌ی شکل‌گیری



اندیشه‌های نظامی، فایده و اهمیت بررسی اندیشه‌های نظامی.

قبل از ورود به بحث اندیشه‌ی نظامی و سیاسی و مبانی و مؤلفه‌های آن، ضرورت دارد که مفاهیمی چون «اندیشه»، «نظامی»، «اندیشه‌های نظامی»، «فلسفه‌ی نظامی»، «ایدئولوژی نظامی»، «دکترین نظامی»، «استراتژی نظامی» و مفاهیمی از این دست به صورت مختصر مورد بررسی قرار گیرد.

«بررسی مفاهیم»: در این مبحث سه مفهوم «تاریخ»، «اندیشه» و «نظامی» مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در تعریف «اندیشه نظامی» می‌توان دو بیان جداگانه را مطرح نمود: ۱- تعریف عام اندیشه‌ی نظامی عبارت است از، هرگونه تفکر و یا تأمل درباره‌ی امر و رای نظامی. ۲- تعریف خاص یا معرفت‌شناسانه. از این نظر، «اندیشه‌ی نظامی، تفکر و تأملی است منسجم، دارای چارچوب نظری، اصولی و مستدل و با اهمیت در مورد امر یا رای نظامی». به بیان دیگر می‌توان گفت: «اندیشه‌ی نظامی، تفکری منسجم، موجه، اصولی، مهم و دارای چارچوب است که به بررسی مسئله‌ی بقای مادی و معنوی یک جامعه در مقابل خطرات و تهدیدات با توسل به قوه‌ی قهریه و سلاح و در جهت نیل به امنیت و تأمین منابع آن می‌پردازد». گفتار بعدی این فصل به بیان مفاهیمی چون فلسفه‌ی نظامی، ایدئولوژی نظامی، دکترین نظامی، نظریه‌ی نظامی و استراتژی نظامی و ارتباطی که با اندیشه‌ی نظامی دارند می‌پردازد.

نویسنده در گفتار «رابطه‌ی اندیشه سیاسی و اندیشه‌ی نظامی» معتقد است نوع رابطه‌ای که بین این دو وجود دارد رابطه‌ی کل و جزء یا به بیان منطقی، عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که اندیشه‌های سیاسی حالت عمومی‌تر و کلی‌تر دارند و اندیشه‌های نظامی، جزئی از اندیشه‌های سیاسی هستند و حالتی خاص‌تر به خود می‌گیرند. برای مثال، مسئله‌ی جنگ، در هر دو نوع اندیشه قابل بررسی است، ولی مسئله‌ی نوع یک شکل حکومت، فقط در اندیشه‌ی سیاسی بررسی می‌شود. در بررسی و تبیین اندیشه‌ها دو روش کلی وجود دارد که عبارتند از:

۱ - روش قیاسی یا برهانی

۲ - روش استقرایی یا تجربی

امروز در جهان غرب با توجه به اهمیتی که علوم حسی و تجربی پیدا کرده‌اند، روش استقرایی در بررسی علوم نظامی اهمیت بیشتری یافته است. «روش‌های رایج در ارائه‌ی مباحث اندیشه‌ای» اعم از فلسفی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و... عبارتند از:

(الف) بیان اندیشه‌ها براساس متفکران و اندیشمندان بزرگ

(ب) بیان اندیشه‌ها براساس آثار برجسته‌ی اندیشمندان و متفکران

(ج) بیان اندیشه‌ها، براساس مکتب‌ها، تمدن‌ها، نظام‌ها و مجمع‌های عمده‌ی صاحب اندیشه

(د) بیان اندیشه براساس ادوار تاریخی

(ه) بیان اندیشه‌ها از طریق بیان موضوعات، ایده‌ها و مسائل کلی اندیشه «محورهای عمده مباحث اندیشه‌ی نظامی» عبارتند از:

۱ - توصیف محیط سیاسی و نظامی نظریه‌پرداز و اندیشمند

۲ - دریافت و فهم محیط درونی و بیرونی زمان اندیشمند

۳ - مکاتب و اندیشه‌های فلسفی، اجتماعی و سیاسی دوره مورد نظر

۴ - مبانی و فرایند شکل‌گیری اندیشه‌ی نظامی «در مراحل زیر ترسیم می‌گردد:

۴-۱) مرحله‌ی مشاهده‌ی بحران و مشکل در جامعه

۴-۲) مرحله‌ی تشخیص مشکل و علل آن

۴-۳) مرحله‌ی ارائه‌ی راه‌حل و درمان

۴-۴) مرحله‌ی ارائه‌ی الگوی جامعه‌ی بازسازی شده. نگارنده

در گفتار «فایده و اهمیت بررسی اندیشه‌های نظامی»

معتقد است تئوری‌ها و نظریه‌ها و به‌طور کلی اندیشه‌های

نظامی و سیاسی، توانایی ارائه چارچوب کلی برای

تصمیم‌گیرنده را دارند. از سوی دیگر مطالعه و بررسی اندیشه‌های گذشتگان به ما کمک می‌کند که ما خود نیز به سوی حوزه‌ی نظریه‌پردازی گام برداریم و سعی نماییم در امور عملی خود صاحب‌نظر باشیم.

### فصل سوم: اندیشه نظامی در خاورمیانه عهد باستان

#### (با تکیه بر مصر و بین‌النهرین)

عناوین گفتارهای این فصل عبارتند از: پیدایش اندیشه نظامی (دوران ماقبل تاریخ)، اندیشه‌ی نظامی در مصر باستان، اندیشه‌ی نظامی در تمدن‌های بین‌النهرین، بنیان‌های اندیشه‌ی نظامی، مؤلفه‌های کلی اندیشه نظامی. در گفتار اول می‌خوانیم، اندیشیدن درباب امور و مسائل نظامی نظیر جنگ، مبارزه، سلاح، امنیت و مانند آن با پیدایش انسان بر روی زمین آغاز می‌شود و به تدریج در همه‌ی زمینه‌ها رشد می‌یابد و همانگونه که بشر سلاح‌های بهتری می‌سازد، شیوه‌های مبارزه و جنگ را تجربه می‌کند و بر تجاربتش می‌افزاید، جنگ با حیوانات که قبلاً در قالب شکار بود به جنگ با انسان‌های دیگر نیز تبدیل می‌شود. اولین جنگ‌های مهم در مصر باستان در زمان «منس» (حدود ۳۳۰۰ ق.م) رخ داد که در نتیجه‌ی آن منس، پادشاه جنوب بر شمال آن سرزمین غلبه کرد و نوعی حکومت واحد در مصر تشکیل داد. به‌طور کلی جنگ در نگاه مصریان جایگاه مهمی داشت. جنگ خدای منتو (مونت) نامیده می‌شد که مظهر قدرت، شجاعت و دلاوری بود و فراعنهی شجاع نیز با خدای جنگ مقایسه می‌شوند. در گفتار «اندیشه‌ی نظامی در تمدن بین‌النهرین» می‌خوانیم براساس قرائن تاریخی، تمدن ایلام تأثیر زیادی بر تمدن‌های بین‌النهرین داشته است. این تأثیرات همه‌جانبه بود و شامل نگرش‌های نظامی و مسائل جنگی و تسلیحاتی نیز می‌گردید. «بنیان‌های اندیشه‌ی نظامی، تمدن‌های بین‌النهرین عبارتند از:

- الف) برقراری نظم و عدالت در جهان  
 ب) جایگاه و اهمیت نیروی نظامی و جنگ  
 ج) اهداف جنگ  
 د) جایگاه خدایان و معابد  
 «مؤلفه‌های کلی اندیشه‌ی نظامی» عبارتند از  
 الف) روش جنگ تهاجمی و غافلگیرانه  
 ب) قدرت و توان نظامی و اهمیت آن  
 ج) رقابت و ستیزه‌جویی  
 د) جنگ روانی و تبلیغات  
 ه) آمادگی مستمر نظامیان  
 و) شیوه‌های غیرانسانی در جنگ‌ها  
 ز) گسترش صنایع و ابزار و تسلیحات نظامی  
 ح) نقش مجامع عمومی در اتخاذ تصمیمات جنگ یا صلح  
 ط) تشکیلات ارتشی

### فصل چهارم: اندیشه‌ی نظامی در ایران باستان

در این فصل به این موارد پرداخته می‌شود: دوران تاریخ ایران، تاریخچه‌ی تحولات نظامی ایران باستان تا پیش از زرتشت، آیین زرتشت و بنیان‌های نظامی، تأثیر بنیادهای سیاسی - نظامی آیین زرتشت، اندیشه‌ی نظامی در دوران مادها، اندیشه‌ی نظامی هخامنشیان، برخی از مؤلفه‌های اندیشه‌ی نظامی دوران اشکانیان، مروری بر نهادها و اندیشه‌های نظامی دوران ساسانیان، بنیان‌های اندیشه‌ی نظامی ایران (از زرتشت تا اسلام)، تأثیر فرایند اندیشه‌های نظامی ایران باستان. در گفتار اول می‌خوانیم، آنچه در این فصل مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد، اندیشه‌ی نظامی و سیر آن در دوران باستان؛ یعنی از آغاز شکل‌گیری

تمدن تا پایان حکومت ساسانیان است. مبانی و مسائل اندیشه‌های نظامی آریاییان قبل از زرتشت را عدم جدایی امر نظامی از سیاست و دین و اخلاق، در نظر داشتن حاکم به‌عنوان نماینده‌ی خدا و برقرار کننده‌ی نظم عمومی و حفظ آن، غایتمند بودن جنگ، تقسیم کار اجتماعی با جایگاه ویژه‌ی نظامی، کشورگشایی و نیز تامین اهداف اقتصادی از طریق جنگ و... تشکیل می‌داد.

در گفتار «آیین زرتشت و بنیان‌های اندیشه‌ی نظامی» می‌خوانیم، در این آیین برای تحقق یک حاکمیت صحیح و عادلانه، سه نهاد اساسی ضروری بود:

۱ - قدرت نظامی

۲ - آیین و دین

۳ - فرّ و فرّه ایزدی

در آیین زرتشت یکی از صفات خدا قدرت و برتری (تسلط معنوی) می‌باشد و چنین نظریه‌ای تحقق شخص فرهمند و ایجاد نیروی منظم نظامی را هموار می‌ساخت و قدرت متمرکزی را به‌وجود می‌آورد که باید در دست فرماندهی قدرتمند و مقتدر و با ایمان باشد. برخی از موضوعات و مؤلفه‌های مهم اندیشه‌ی نظامی در عصر مادها به اختصار به این شرح است:

- تشکیل اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های داخلی تحت رهبری واحد.
- ساختن دژ بزرگ هگمتانه.
- ایجاد ارتشی منظم و تعلیم‌دیده.
- تبدیل سیاست دفاعی به سیاست تهاجمی.

بخش اندیشه‌ی نظامی هخامنشیان به مؤلفه‌های زیر تقسیم می‌گردد:

۱ - کوروش کبیر و اندیشه نظامی او

۲ - کوروش و هنر جنگ

۳ - نیروی نظامی ایران در این عصر

۴ - ویژگی‌های سیاسی - نظامی اولیه‌ی هخامنشیان.

«برخی از مؤلفه‌های اندیشه‌ی نظامی دوران اشکانیان» عبارتند از: استراتژی جنگ و گریز، نقش مجلس مهستان در تصمیمات عمده‌ی نظامی، نیروهای نظامی و نقش پهلوانان.

بنیان‌های اندیشه‌ی نظامی ایران (از زرتشت تا اسلام) عبارتند از: رابطه‌ی دولت و دین، اهمیت نظامیان و مسئله امنیت، وابستگی امور نظامی، مدارا با مذاهب و تأثیر آن بر امور نظامی، کشمکش میان خیر و شر و غایتمندی جنگ، حاکمیت اصل دفاع و دفع تجاوز، اطاعت‌پذیری و نظم و انضباط نظامی، تقدس جنگ‌ها و رعایت آداب مذهبی. در گفتار آخر می‌خوانیم، علاوه بر ارزش‌ها و بنیان‌های پیشین ایرانی، جایگاه خاندان‌ها و سران آن‌ها در جامعه هم چنان به اعتبار خود باقی مانده بود. بنابراین نگرش پارسی یا حکمت و دانش پارسی پس از ظهور اسلام و ورود آن به ایران هم چنان وجود دارد. این نگرش، همراه با نگرش اسلامی، ترکیبی را ساخت که از آن تحت عنوان فرهنگ ایرانی - اسلامی یا «اسلامی - ایرانی» و یا فرهنگ «ایران اسلامی» یاد شده است.

### فصل پنجم: اندیشه‌ی نظامی در چین باستان

در این فصل این عناوین مورد بحث قرار می‌گیرند: سرزمین و مردم چین، تاریخ چین، نحله‌های فکری چین باستان، مبانی اندیشه‌های نظامی چین باستان، اندیشه‌ی نظامی سون تزو.

نویسنده در گفتار اول معتقد است وحدت و هم‌سانی ظاهری افراد و یکسان شدن فرهنگ و عناصر اصلی آن در سرزمینی چنین وسیع و پهناور و با جمعیتی عظیم، جنبه‌ی پر اهمیت و برجسته‌ی تمدن چینی به‌شمار می‌آید که با ویژگی استراتژیک محصور بودن آن در میان کوه‌ها و دریاها همخوانی دارد.

«تاریخ چین» از حدود سال ۲۸۵۲ (ق.م) آغاز شده است. براین اساس تاریخ

چین به شش دوره تقسیم می‌شود:

- ۱ - دوره اسطوره‌ای
  - ۲ - دوره‌ی پادشاهان تاریخی
  - ۳ - دوره باستانی
  - ۴ - دوره سلسله‌ها
  - ۵ - دوره‌ی جمهوری
  - ۶ - دوره سوسیالیستی.
- در بین «نحله‌های فکری جدید»، چهار مکتب شکل گرفت که عبارتند از:
- ۱ - مکتب کنفوسیوس
  - ۲ - مکتب لائو تزو یا دائوئیسم
  - ۳ - مکتب مودزو یا موئیسم
  - ۴ - مکتب هان فی دزو یا قانون‌گرایی.
- برخی از مهم‌ترین «مبانی تفکر نظامی در چین» عبارتند از:
- ۱ - خردگرایی
  - ۲ - انسان‌گرایی
  - ۳ - عمل‌گرایی
  - ۴ - اخلاق‌گرایی
  - ۵ - گذشته‌گرایی
  - ۶ - اندیشه دفاعی
  - ۷ - اولویت انسان بر سلاح و عقل بر ابزار.
- «مبانی نظری اندیشه‌ی نظامی سون تزو» عبارتند از:
- ۱ - برتری عقل بر ماده
  - ۲ - برتری تدبیر و اراده بر ابزار
  - ۳ - برتری انسان و نیرو بر سلاح
  - ۴ - داشتن بینش نظامی.

### فصل ششم: اندیشه‌ی نظامی در هند باستان

در این فصل این عناوین مورد بحث قرار می‌گیرند: وضعیت جغرافیایی و مردم هندوستان، تاریخ تمدن هند، آیین‌های مهم هند باستان، تحولات مهم نظامی هند باستان، نظام طبقاتی هند و جایگاه نظامیان در هند باستان، مبانی نظری و فلسفی اندیشه‌ی نظامی هند باستان، اندیشه‌ی نظامی در هند باستان، مؤلفه‌های مهم اندیشه‌ی نظامی در رساله‌ی آرتاشسترا، تأثیرپذیری و تأکیدگذاری اندیشه‌ی کاتیلیاتی.

در گفتار اول می‌خوانیم، هندوستان سرزمینی است که از نظر جغرافیایی از تنوع و گوناگونی زیادی برخوردار است. این سرزمین شبه جزیره‌ای بزرگ و مثلث شکلی است که دو ضلع آن را اقیانوس هند و طرف دیگر آن را رشته کوه‌های هیمالیا در بر گرفته است و این موضوع بر اهمیت استراتژیکی و سوق‌الجیشی این سرزمین افزوده است. سابقه‌ی «تاریخ تمدن هند» بسیار طولانی و براساس نگرش برخی از باستان‌شناسان به لحاظ تاریخی برابر با تمدن‌های بین‌النهرین، ایران و مصر می‌باشد.

از جمله «آیین‌های مهم هند باستان» می‌توان به هندوئیسم، چاراواکه، جینیسم و بودا اشاره کرد.

شاید بتوان مهم‌ترین «تحولات نظامی هندوستان را در دو مقطع اساسی و تعیین کننده بیان کرد: مقطع اول مربوط به هند باستان و مقطع دوم مربوط به دوران معاصر و رهایی هندوستان از استعمار خارجی می‌باشد.

«نظام طبقاتی هند» عبارتند از:

- ۱ - برهمنان
- ۲ - کشتاریاها (جنگ‌آوران آریایی)
- ۳ - کشاورزان و صنعت‌گران
- ۴ - پیشه‌وران، کارگران و غلامان.

از سوی دیگر «مبانی نظری و فلسفی اندیشه‌ی نظامی هند باستان» عبارت



است از، اعتقاد به نظم جهان، عدم جدایی دین و سیاست، جایگاه امر نظامی، اصل لیاقت در جای‌دهی افراد در طبقات، صلح و امنیت و آرامش.

در گفتار «اندیشه‌ی نظامی در هند باستان (با تکیه بر کتاب آرتاشسترا)» می‌خوانیم، کاتیلیا کسی است که اندیشه‌اش بنیان و اساسی برای تشکیل دولت مقتدر در هند شد. اندیشه‌های وی در کتابی به نام «آرتاشسترا» که آن را به معنی «علم مدن» دانسته‌اند، جمع‌آوری شده است. این کتاب با دو هدف تدوین گردید:

- تعلیم و تربیت کشتاریاها، و شاهان به‌عنوان برترین افراد کشتاریاها.
- برقراری نظام اداری - سیاسی منسجم که جامعه را به‌صورت مؤثر و کارآمد نظم و انتظام بخشد، امنیت را در جامعه برقرار سازد و جامعه‌ای قوی و قدرتمند به‌وجود آورد.

ارتش و نیروی نظامی، ویژگی‌های ارتش، وزارت جنگ و اداره‌ی نیروی نظامی، وضعیت استراتژیک سرزمین و شهرها، قدرت، دستگاه اطلاعاتی، از مؤلفه‌های مهم اندیشه‌ی نظامی در آرتاشسترا می‌باشد. در گفتار آخر می‌خوانیم، اندیشه‌ی کاتیلیایی را می‌توان تحت تأثیر دو جریان عمده‌ی بیرونی دانست: ۱: اندیشه‌ی ایرانی که از طریق داریوش بزرگ وارد هند شد؛ ۲: اندیشه‌ی رزمیاران که احساس می‌کردند انحصارگری برهمنان جامعه را به سوی انحطاط سوق داده است.

### فصل هفتم: اندیشه‌ی نظامی در یونان باستان

عناوین این فصل عبارتند از: وضعیت جغرافیایی، تأثیر تمدن‌های شرقی بر یونان و غرب، مروری بر تاریخ تمدن یونان، تحولات مهم نظامی یونان باستان، مبانی نظری اندیشه‌ی نظامی یونان باستان، محورهای اساسی اندیشه‌ی نظامی در یونان باستان، فلاسفه و نحله‌های فلسفی یونان، ارتش و سازمان نظامی و تسلیحات یونان باستان، تأثیر اندیشه‌ی یونان باستان بر روم و غرب معاصر.

یونان در جنوبی‌ترین نقطه‌ی شبه جزیره‌ی بالکان و در شمال دریای مدیترانه واقع است و نزدیکترین بخش اروپا به آسیا محسوب می‌گردد. این کشور،

سرزمینی کوهستانی است و المپ بلندترین رشته کوه این سرزمین می باشد.  
در گفتار دوم می خوانیم،

- ۱ - از بررسی آثار مورخان برمی آید که در دوران «هومری» یونانی ها ارتباط مستقیم فرهنگی با شرق داشته اند.
  - ۲ - یونان خود وارث فرهنگ کرت است و کرتیان در ارتباط تجاری و اقتصادی مستقیم با مصر، سومر، ایلام و... بوده اند.
  - ۳ - تأثیر مستقیم فرهنگی؛ سیاسی و نظامی شرق بر یونان،
  - ۴ - وجود مدرسه ها و کتابخانه ها در ایران، قبل از تاسیس مدارس یونانی.
- «مروری بر تاریخ تمدن یونان» شامل شکل گیری تمدن در یونان باستان، نظام دولت - شهری، از جنگ های مدی تا سلطه ی مقدونی ها.
- در گفتار «تحولات مهم نظامی یونان باستان» به موارد مهمی نظیر جنگ تروا، استیلای دُری ها و استفاده از آهن در جنگ ها، انتخاب فرماندهان نظامی در دولت - شهرها، نظامی گری اسپارتیان و جنگ با ایرانیان پرداخته شده است.
- اعتقاد به مسئله تبعیض نژادی، اعتقاد به رب النوع ها، ایلیاد و اوودیسه، اسطوره گری و عقل گرایی از مبانی نظری اندیشه ی نظامی یونان می باشند.
- «محورهای اساسی اندیشه نظامی در یونان باستان» شامل موارد زیر می گردد:
- جنگ و سلطه، جنگ و راهزنی عمومی، آموزش های سخت و مستمر نظامی، استراتژی و حلیه های جنگی، انتخابی بودن استراتگوس ها و فرماندهان نظامی، اخلاق مزدوری، سلسله مراتب و طبقات و جایگاه نظامیان.
- در گفتار «فلاسفه و نحله های فلسفی یونان» به موارد نظیر «سوفسطاییان»، «هراکلیت»، «سقراطیان» پرداخته شده است.

در گفتار «ارتش، سازمان نظامی و تسلیحات یونان باستان» می خوانیم، در دوران آکایی ها، یونانی ها سپاهانی مرکب از دو بخش پیاده نظام و سواران و اربابه ی جنگی داشتند. دُری ها بعد از ورود به یونان، کاربرد آهن و سلاح های

آهنی را رواج دادند و به تدریج آهن جایگزین مفرغ شد. هورلیت‌ها به شمشیر و نیزه مسلح بودند و معمولاً زره کامل و خود، شامل کلاه‌خود، نیم‌تنه‌ی آهنی، ساق‌پایی و سپر داشتند و در صفوف فشرده می‌جنگیدند. در مورد تأثیر عمیق اندیشه‌ی یونانی بر روم و غرب معاصر تردیدی وجود ندارد. این تأثیر هم از طریق مکتب رواقی و هم به این لحاظ که روم ادامه‌ی تمدن یونان بود، به صورت گسترده‌ای صورت گرفت. تأثیر اندیشه‌های یونانی بر اروپای معاصر نیز عمدتاً از طریق مسلمانان بویژه فارابی، ابن‌سینا و ابن‌رشد و نیز مستقیماً از طریق روم و مسیحیت بوده است.

### فصل هشتم: اندیشه نظامی در روم، کارتاژ و ژرمن

عناوین گفتارهای این فصل عبارتند از: وضعیت جغرافیایی روم، مروری بر تاریخ روم، رویدادهای مهم نظامی روم، مبانی اندیشه نظامی در روم، برخی از مسائل اساسی اندیشه نظامی روم، اشاره‌ای گذرا به اندیشه نظامی کارتاژیان، ژرمن‌ها و نگرش نظامی.

سرزمین اولیه‌ی تمدن روم را ایتالیای امروزی یا شبه جزیره‌ی آپنین تشکیل می‌دهد که مانند شبه جزیره‌ی بالکان، از شبه جزیره‌های جنوب اروپاست. این شبه جزیره در شمال دریای مدیترانه و غرب یونان قرار دارد. این شبه جزیره بر عکس بالکان جلگه‌ای حاصلخیز است؛ به همین دلیل شغل اصلی ساکنان آن کشاورزی می‌باشد. فرهنگ و تمدن رومی خود را وارث برخی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر می‌داند که عبارتند از:

- ۱ - تمدن اژه‌ای، یونانی و مقدونی
- ۲ - تمدن کارتاژ در جنوب دریای مدیترانه
- ۳ - تمدن پارسی یا ایرانی
- ۴ - تمدن بین‌النهرین

۵ - تمدن مصر

۶ - تمدن مسیحی.

در گفتار «رویدادهای مهم نظامی روم» به تبیین و تحلیل مواردی نظیر جنگ‌های پونیک، توسعه‌طلبی‌های روم، سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش ملی یا منطقه‌ای، جنبش‌ها و قیام‌های بردگان، جنگ با ایرانیان (جنگ حران) و ظهور عیسی<sup>(ع)</sup> به همراه انحطاط و زوال امپراتوری روم پرداخته شده است. «مبانی اندیشه نظامی در روم عبارتند از: مبانی کلی تحت تأثیر یونان و تمدن‌های دیگر، نظام غیرانسانی برده‌داری رومی، غارتگری، ویرانی و فروش اسیران به‌عنوان شیوه‌ای استراتژیک برای رومیان.

«برخی از مسائل اساسی اندیشه‌ی نظامی روم» به این شرح است: جایگاه ارتش در حکومت و ایجاد نوعی حکومت شبه‌نظامی، ساختار نیروی نظامی، گذار به سوی یک ارتش با نیروهای مزدور، افزایش نقش گسترده‌ی نظامیان، دائم و ثابت شدن ارتش، آموزش نظامی و فنون نبرد، ساخت حصار و دژهای مراقبتی. در گفتار بعدی می‌خوانیم شهر فینقی کارتاژ (قرطاجنه‌ی کنونی) در قرن نهم پیش از میلاد بنا شد و در شبه جزیره‌ای که از قاره‌ی آفریقا جدا می‌شد قرار داشت و از موقعیتی بسیار استراتژیک و اقتصادی برخوردار بود. کارتاژها براساس بازرگانی دریایی گسترده‌ی خود، امپراطوری تجاری و مهاجرنشین بزرگی به‌وجود آورده بودند که سراسر سواحل و جزایر مدیترانه‌ی غربی را در برمی‌گرفت.

کارتاژها برای دفاع و توسعه‌ی امپراطوری خود سپاهی گسترده به‌وجود آورده بودند. در این امپراطوری قدرت سیاسی به گروه کوچکی از برده‌داران ثروتمند، بازرگانان و زمین‌داران بزرگ تعلق داشت. از طرف دیگر بخشی از نیروی نظامی آن‌ها را گروه‌های نظامی بومی که به زور به خدمت سربازی درآمده بودند تشکیل می‌دادند. بخش دیگر نیز مزدور بودند. ناوگان جنگی آن‌ها از سایر

بخش‌های نیروی نظامی کامل‌تر بود. می‌گویند: «کارتاژی‌ها نخستین قومی بودند که کشتی‌های بزرگ با پنج ردیف پارو ساختند».

### فصل نهم: اندیشه‌ی نظامی در آیین‌های زرتشت، یهود و مسیحیت

اندیشه‌ی نظامی در آیین زرتشت، اندیشه‌ی نظامی در آیین یهود، اندیشه‌ی نظامی در آیین مسیحیت از عناوین این فصل می‌باشند.

ادیان شناخته‌شده‌ی توحیدی با توجه به نگرش جهان‌شمول و همه‌جانبه‌ای که نسبت به جهان و انسان دارند نسبت به امور نظامی غافل‌نمانده‌اند و در این مورد نیز دارای آراء، دیدگاه‌ها و نظر هستند. در دین اسلام جنگ، صلح و سایر امور نظامی به‌صورتی دقیق، عمیق و اخلاقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در دین زرتشت جنگ به مفهوم رایج آن زمان نهی شد، اما از سوی دیگر این مسئله‌ی بشری در قالب مبارزه‌ی میان پیروان نیکی و راستی یا نیروهای اهورا مزدا و پیروان بدی و پلیدی یا نیروهای اهریمن به شکلی اخلاقی و انسانی مطرح شد. بنابراین در دین زرتشت جنگ امری هدفمند و اخلاقی‌ست و ویژگی‌های خاص دارد. در مورد مسیحیت تصور اولیه بر آن است که دینی‌ست مغایر با جنگ و لذا آن را نفی کرده است و بنیان خود را صرفاً بر محبت، دوستی، وحدت و فقدان جنگ و ستیز قرار داده است؛ ولی در طول تاریخ، کلیسا و متفکران مسیحی راهی دیگر پیموده‌اند. سنت‌اوتین (Saint Augustin) (۴۳۰-۵۴۰م) یکی از مقامات برجسته‌ی کلیسا که از برجسته‌ترین رهبران فکری مسیحیت محسوب می‌شود نظریه‌ی جنگ عادلانه را مطرح می‌سازد. در حالی که قبل از او برخی از فقیهان و متکلمان مسیحی و آبای کلیسا چون «اریژن» (Origene)، «ترتولین» (Tertulloen) و «آمبرواز قدیس» (Saint Ambroise) از فقهای بزرگ مسیحی کاربرد خشونت را برای رسیدن به هر هدفی صراحتاً مردود شمرده‌اند. در آیین یهود جنگ با فرمان مؤکد خداوند آغاز می‌شود و هیچ امری بدون

اراده‌ی او تحقق‌پذیر نیست. در این آیین بر جنگ و قتال و مبارزه - البته در اساس برای رسیدن به هدف‌های متعالی دینی - تأکید می‌گردد. عهد عتیق یا تورات، کتاب اصلی یهودیان، مسائل مربوط به جنگ، تاریخ کشمکش‌ها و جنگ‌های قوم یهود و سایر مسائل مرتبط با امور نظامی را مورد بررسی قرار داده است. نگرش یهودی به جنگ و امور نظامی به تدریج وارد مسیحیت شد و از آنجایی که عهد عتیق برای نصرانی‌ها ارزش معتبر و علمی دارد طبعاً بویژه از قرن چهارم میلادی به بعد کلیسا به جنگ و نزاع روی آورد.

علاوه بر جنگ‌های صلیبی تاریخ اروپا در طول قرون وسطی و پس از آن پر است از جنگ‌هایی که با نام مذهب یا برای دفاع از مذهب صورت گرفته است. بر این اساس این فصل به اختصار به اندیشه‌های نظامی در ادیان زرتشتی، یهود و مسیحیت می‌پردازد.

### فصل دهم: مروری اجمالی بر اندیشه‌ی نظامی در اسلام

در این فصل این عناوین مورد بحث قرار می‌گیرند: وضعیت استراتژیک و انسانی جزیره‌العرب، امور نظامی در جزیره‌العرب پیش از ظهور اسلام، جنگ‌های فجار، مروری بر دعوت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، اصول و بنیان‌های حکومت مدینه، جنگ در بینش اسلامی، جنگ و حرکت‌های نظامی پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، جنگ‌های پس از پیامبر<sup>(ص)</sup>، سیره و اندیشه‌ی نظامی پیامبر<sup>(ص)</sup>، ویژگی‌های مهم استراتژیکی و تاکتیکی جنگ پیامبر<sup>(ص)</sup>، نظری اجمالی بر اندیشه‌ی نظامی و دفاعی در قرآن و اسلام، صلح در اسلام و قرآن، اسلام دین و رسالت جهانی، اصل وفاداری به تعهدات.

در گفتار اول می‌خوانیم، «جزیره‌العرب» بزرگ‌ترین شبه‌جزیره‌ی دنیاست که در جنوب غربی آسیا واقع است و آب‌های خلیج فارس از شرق و شمال شرقی، دریای عمان و اقیانوس هند از جنوب و جنوب شرقی، و دریای سرخ از مغرب

آن را احاطه کرده است. در مورد «امور نظامی در جزیره العرب» پیش از ظهور اسلام» باید گفت مهم‌ترین ویژگی اجتماعی اعراب، درگیری‌های قبیله‌ای و جنگ و غارت تشکیل داده است. این جنگ‌ها گاه به بهانه‌های کوچک و واهی آغاز می‌شد و سال‌ها بطول می‌انجامید. از طرف دیگر جزیره العرب سد حایلی میان دو قدرت بزرگ آن دوران؛ یعنی دولت‌های ساسانی و بیزانس، محسوب می‌شد. «جنگ‌های فجار» جنگ‌هایی هستند که بین برخی از قبایل عرب در مکه درگرفته است. این جنگ‌ها را از آن‌رو «حرب فجار» می‌نامند که در ماه‌های حرام که خود اعراب جنگ را تحریم کرده بودند اتفاق افتاد. «اصول و بنیان‌های حکومت مدینه» در زمان حضرت رسول (ص) به شرح ذیل می‌باشد:

- انعقاد پیمان برادری بین مسلمانان اعم از مهاجر و انصار
- رعایت کامل حقوق اقلیت‌های مذهبی
- ایجاد ملت واحد
- اصل دفاع مشترک
- اصل برتری مسلک و عقیده مسلمانان

«جنگ در بینش اسلام» در قالب «جهاد» یا «قتال فی سبیل الله» مطرح شده است و آن نبردی است که در راه خدا با نیت عبادت به قصد تقرب به او و به دور از هرگونه تعدی و تجاوز و بی‌عدالتی صورت گیرد.

- جنگ‌ها و حرکت‌های نظامی پیامبر (ص) را مورخین به دو دسته‌ی «سریه» و «غزوه» تقسیم کرده‌اند. از این میان ۲۸ غزوه و ۳۲ سریه معروف است. برخی از ابعاد مهم «اندیشه و سیره‌ی نظامی پیامبر (ص)» عبارتند از:
- ۱ - رهبری و فرماندهی نظامی حضرت (ص)
  - ۲ - کفایت و کاردانی نظامی، طراحی نقشه‌ها، تدوین استراتژی و اجرای تاکتیک‌های نظامی

- ۳- رعایت اصل آزادی - آزادگی در جنگ‌ها و برخوردهای نظامی
  - ۴- هدف دار بودن برخوردهای نظامی.
  - ۵- تکیه بر دو اصل بنیانی عدالت و صلح، و جنگ را ابزار حق و صلح و عدالت و توحید دانستن.
- «اندیشه‌ی نظامی و دفاعی در قرآن و اسلام» بر اصول زیر نهاده شده است:

- ۱- اصل دفاع
  - ۲- اصل عبادت و قداست جهاد و جنگ
  - ۳- اصل تکلیف و مسئولیت
  - ۴- اصل کمال رزم
  - ۵- فضیلت جهاد در راه خدا
  - ۶- بسیج رزمی و تدارک مهمات و تسلیحات نظامی
  - ۷- اصل مقابله به مثل
  - ۸- اصل زمان و مکان در جنگ
  - ۹- مقررات جنگ
  - ۱۰- اصول هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام
  - ۱۱- انواع جهاد در اسلام
- «صلح در اسلام و قرآن» جایگاه بسیار والایی دارد به همین علت در بروز اختلافات انسان‌ها روح تعالیم قرآن در این است که بیش از هر چیز آن‌ها را وادار به اتخاذ موضع صلح می‌نماید. بنابراین در اسلام «صلح» اصلی بنیانی است ولی جنگ حالتی ثانویه دارد.

اسلام از دو دیدگاه خود را یک آیین جهانی و بشری می‌داند:

الف) بعد زمانی

ب) بعد مکانی و بشری

در گفتار آخر (اصل وفاداری به تعهدات) می‌خوانیم، اسلام در برخورد با



ملل دیگر اصل وفا به تعهدات را مورد عنایت خاص خود قرار داده است، آن هم به گونه‌ای که غیرقابل چشم‌پوشی است. به‌طور کلی اصول اعتقادات و اخلاق اسلامی چه در احکام و امور دینی و چه در سایر مواضع هیچ راه‌گزینی نسبت به الزامات و تعهدات پیمان‌ها و عهدنامه‌های نظامی باقی نمی‌گذارد و قرآن کریم بویژه نقض یا شکستن سوگند، پیمان و عهد را به‌شدت نفی می‌نماید.

### فصل یازدهم: گذری بر اندیشه‌ی نظامی غرب و مسیحیت در دوران قرون وسطی

عناوین این فصل عبارتند از: تأثیر تمدن اسلامی بر مسیحیت و غرب، عوامل تأثیر اندیشه‌های اسلامی بر غرب، جنگ‌های صلیبی، برخی از وقایع مهم قرون وسطی، امور نظامی بیزانس، امور نظامی دوران فئودالیت، تحول نگرش به جنگ در قرون وسطی، تأثیر اندیشه‌های قرون وسطی بر رنسانس و روشنگری.

نویسنده در گفتار اول معتقد است دین اسلام که براساس توحید از سرزمین جزیره‌العرب برخاست، دو قدرت بزرگ آن زمان (بیزانس و ساسانیان) را مغلوب ساخت و در اندک زمانی تبدیل به نظامی جهانی شد و بدین‌سان تمدن اسلامی شکل گرفت. با پیشرفت اسلام، اروپا و مسیحیت موجودیت خویش را در خطر دیدند. این در حالی بود که اروپاییانی که دوران قرون وسطی را می‌گذراندند به تدریج با تعالیم اسلام نیز آشنا می‌شدند.

«عوامل تأثیر اندیشه‌های اسلامی در غرب» عبارتند از: آندلس مسلمانان، کشورگشایی مسلمانان، اروپا و جنگ‌های صلیبی، تأثیر علوم، فلسفه، تمدن و هنر اسلامی. «جنگ‌های صلیبی» اهمیت عظیمی هم برای تاریخ تمدن اسلامی و هم برای اروپا و غرب دارند و اوج حوادث سیاسی - نظامی قرون وسطی محسوب می‌شوند. این جنگ‌ها به ترتیب عبارتند از:

- (الف) جنگ اول صلیبی (۱۱۴۴-۱۰۹۶ م)  
 (ب) جنگ دوم صلیبی (۱۱۴۹ - ۱۱۴۷ م)  
 (ج) جنگ سوم صلیبی (۱۱۹۲ - ۱۱۸۹ م)  
 (د) جنگ چهارم صلیبی (۱۲۰۴ - ۱۲۰۲ م)  
 (ه) جنگ پنجم صلیبی (۱۲۲۱ - ۱۲۱۷ م)  
 (و) جنگ ششم صلیبی (۱۲۴۴ - ۱۲۲۸ م)  
 (ز) جنگ هفتم صلیبی (۱۲۶۸ - ۱۲۴۸ م)  
 (ح) جنگ هشتم صلیبی (۱۲۹۱-۱۲۷۰ م)

نگارنده در گفتار «ارتش و امور نظامی بیزانس» معتقد است، دوره‌ی حکومت ژوستینیان و سپس هراکلیت که به ترتیب مقارن با حکومت انوشیروان و خسرو پرویز بود از ادوار مهم قدرت‌نمایی دولت بیزانس به‌شمار می‌آید، اما با شروع فتوحات مسلمین شرایط دشواری برای آن دولت به وجود آمد. فتوحات مسلمین که هم‌زمان ایران و روم شرقی (بیزانس) را هدف قرار داده بود، با تصرف سریع قسمت‌های وسیعی از ایران و بیزانس ادامه یافت. در نتیجه در مدت کوتاهی دولت ساسانی سقوط کرد اما دولت بیزانس با تحمل عقب‌نشینی‌های وسیع به حیات خود ادامه داد. مسلمانان که در زمان خلیفه‌ی دوم، عمر فرزند خطاب، سوریه، لبنان و فلسطین را از تصرف بیزانس خارج ساخته بودند قدم در قاره‌ی آفریقا گذاشتند و مصر را نیز که از ایالت‌های تابعه‌ی بیزانس بود فتح نمودند. در دوره‌ی بنی‌امیه با تصرف تونس - آخرین پایگاه بیزانس در آفریقا - برای همیشه به نفوذ آن دولت در آفریقا خاتمه داده شد. در نتیجه جنگ‌های مسلمانان با بیزانس در مرزهای آسیای صغیر متمرکز شد و سال‌ها ادامه یافت.

در این دوران در امور نظامی دولت بیزانس تحول چندانی صورت نگرفت. در بیزانس تنها کونستانتینوس «قسطنطین» (۶۶۸ - ۴۶۱ م) بود که تصمیم گرفت

مقامات اداری را نیز به فرماندهان نظامی واگذار نماید. این امر تا حدودی در جنگ‌ها نقش مثبتی داشت و بویژه در آغاز مؤثر بود ولی سال‌ها پس از مرگ او در سال ۱۰۷۱ م که ارتش روم در ملازگرد از سپاهیان آلبارسلان سلجوقی و نظام‌الملک طوسی شکست سختی خورد به تدریج این برنامه ارزش و کارایی خود را از دست داد.

نیروی دریایی بیزانس نیز تا نیمه‌ی قرن دهم میلادی پیشرفت‌هایی داشت که علت آن را برخورداری از مواد آتش‌زا و استفاده از این مواد در برخورد با کشتی‌های دشمن قبل از رسیدن به بنادر دانسته‌اند. ولی در سال ۹۶۱ م جزیره‌ی کرت به دست مسلمانان افتاد و از آن پس ضعف قدرت دریایی بیزانس آشکار شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۴۵۳ م این دولت را ترکان عثمانی ساقط کردند.

در گفتار «ارتش و امور نظامی دوران فئودالیت» می‌خوانیم، در اروپا به‌دنبال فروپاشی و تجزیه‌ی امپراتوری کارولنژین به تدریج نظام‌های ملوک‌الطوایفی مبتنی بر فئودالیسم شکل گرفت. در نظام فئودالیسم که فئودال‌ها و اربابان بزرگ هسته‌ی اصلی آن را تشکیل می‌دادند، نجبا بویژه شوالیه‌ها عهده‌دار امور نظامی و دفاعی فئودال‌ها بودند. نجبا کار نمی‌کردند و «از هر نوع فعالیت بازرگانی و صنعتی ممنوع بودند. تنها شغل و سرگرمی آن‌ها جنگ و تنها وظیفه‌ی آن‌ها دفاع از مملکت و پادشاه بود.» به‌علاوه حق جنگ در این نظام، خصوصی و از آن نجبا بود. بعد از تجزیه امپراتوری کارولنژین از قدرت پادشاهان کاسته شد و نجبا این حق را به خود اختصاص دادند و همین امر بر شدت و کثرت جنگ‌ها افزود و اروپا را دچار بحران‌های پی‌درپی کرد که تا بعد از رنسانس نیز ادامه داشت.

در این دوران جنگ عمدتاً تهاجمی و همراه با چپاول و غارت و آتش زدن روستاها و قتل ساکنان آن‌ها بود. خود نجبا کم‌تر از جنگ‌ها آسیب می‌دیدند زیرا درون قصرهای محفوظ یا قلعه‌ها (تصویر شماره‌ی ۵۴)، زندگی می‌کردند و سلاح کامل‌تری داشتند ولی سرف‌ها بیش از همه متضرر می‌شدند. کلیسا از قرن

دهم برنامه‌ی «صلح الهی» را معمول داشت که براساس آن حمله به غیر نجنا ممنوع بود. از قرن یازدهم نیز برنامه‌ی «متارکه‌ی الهی» معمول شد که به موجب آن اقدام به جنگ از پنج‌شنبه تا دوشنبه‌ی هر هفته حرام بود. لیکن این تصمیمات عملی نمی‌شد. تلاش پادشاهان نیز برای جلوگیری از جنگ‌های خصوصی به جایی نمی‌رسید.

نگارنده در گفتار «تحول نگرش به جنگ در قرون وسطی معتقد است: همانطور که پیش از این بیان شد تا قبل از اوتین قدیس جنگ در آیین مسیحیت و کلیسا امری ناروا تلقی می‌شد. در متن عهد جدید آیاتی بود که علنا خشونت و جنگ را نفی می‌کرد. «موعظه‌ی سرکوه» را نمونه‌ای از موارد مربوط به فقدان خشونت دانسته‌اند:

«خوشا به حال فقیران محبت، قلمرو آسمان‌ها از آن ایشان است...  
خوشا به حال شما که به خاطر من دشنام می‌شنوید، عذاب می‌بینید و  
هرگونه بدی بر شما روا می‌دارند. شاد و خوش باشید زیرا شما را در  
آسمان‌ها پاداش بسیار خواهد بود...»

هم‌چنین در انجیل متی آمده است:

«دریافتند که پشینیان گفتند: به کشتن دست می‌آید؛ آنکه می‌کشد در  
دادگاه خدا پاسخ‌گوست و من به شما می‌گویم: آنکه بر برادرش خشم  
گیرد در دادگاه خدا پاسخ‌گوست.»

برخی از روحانیون چون «ترتولین»، «سن اورثرن» و «آمبروز قدیس» بر همین اساس جنگ را نفی کردند، ولی برخی دیگر چون «پولیس قدیس» در برخورد با قدرت‌های زمانه راه دیگری را توصیه نمودند. پس از آن آگوستین قدیس جنگ عدالت‌خواهانه را مطرح کرد و این نظریه در سرتاسر قرون وسطی مورد توجه و بررسی قرار گرفت. از کسانی که بیش از دیگران در دوران قرون وسطی از متکلمین و فقهای مسیحی که به عدالت‌خواهانه جنگ یا مذهبی توجه کردند و

آن را مورد بررسی قرار دادند، چند نفر از اهمیت بیش‌تری برخوردارند:

۱ - توماس قدیس فرانسوی (سن توماس)، ۲ - ریموند د آژیل فرانسوی،  
 ۳ - سن برنار (برنارد قدیس) و ۴ - توماس آکویناس ایتالیایی.

نگارنده در گفتار آخر معتقد است مایه و اساس و بنیان رنسانس و عصر روشنگری در اندیشه‌های چند قرن آخر قرون وسطی بویژه از قرن دوازدهم تا پانزدهم قرار دارد. افراد بزرگی چون آلبرت کیبر، توماس آکویناس قدیس، یواخیم فیوره و... را باید از کسانی به‌شمار آورد که اندیشه‌های مستحکمی در غرب به‌وجود آوردند، اندیشه‌هایی که تجلی عمده‌ی آن‌ها در رنسانس و روشنگری و مدرنیسم جلوه‌گر شد.

### فصل دوازدهم: سیر تحول اندیشه‌های نظامی در دوران رنسانس و روشنگری یا دوران جدید

عناوین این فصل عبارتند از: تحولات اساسی جهان غرب در دوران جدید، تحولات و رخداد‌های مهم نظامی عصر رنسانس و روشنگری، مبانی نظری اندیشه نظامی قرون جدید، بررسی اندیشه‌های نظامی برخی از متفکران در دوران جدید، تأثیر تحولات و اندیشه‌های نظامی عصر جدید بر قرون معاصر.

برخی از «تحولات اساسی جهان در دوران جدید عبارتند از: سفرها و اکتشافات بزرگ جغرافیایی، سرمایه‌داری، رنسانس، اصلاح دینی و روشنگری.

برخی از «تحولات و رخداد‌های مهم نظامی عصر رنسانس» عبارتند از: جنگ‌های میان فرانسه و خانواده‌ی هابسبورگ، جنگ‌های مذهبی در اروپا، جنگ‌های سی ساله، قرارداد صلح وستفاليا، جنگ‌های هفت ساله‌ی اروپا، جنگ استقلال ایالات متحده آمریکا، جنگ‌های فرانسه و ناپلئون، شکوفایی حکومت عثمانی، برخی از بنیادی‌ترین محورها و مؤلفه‌های «اندیشه‌ی نظامی در دوران جدید» عبارتند از: اندیشه‌های نظامی ماکیاولی، اندیشه‌های نظامی - حقوقی گروسیوس، آرای وبان، تأثیر علم در جنگ، اندیشه‌ی ژان ژاک روسو؛ جنگ و

حق، گوستاو آدولف؛ لجستیک و نظم، فردریک کبیر؛ استراتژی سیستم تعویض. در گفتار آخر می‌خوانیم، اندیشه‌های نظامی عصر جدید همراه با مبانی نظری و فلسفی روشنگری و مدرنیته و مکاتب ایده‌آلیسم و لیبرالیسم، بزرگ‌ترین تأثیر را نه تنها بر دوران جدید بلکه بر قرن معاصر نیز داشته‌اند.

### فصل سیزدهم: دوران پیدایش اندیشه‌ی نظامی جدید در غرب

عناوین این فصل عبارتند از: تحولات مهم تاریخی، تحولات عمده‌ی نظامی از آغاز سده‌ی نوزدهم تا جنگ جهانی اول، مبانی نظری اندیشه‌ی نظامی در سده‌ی نوزدهم، بررسی اندیشه‌های نظامی در غرب.

این فصل به بررسی سیر تحول اندیشه‌ی نظامی و نظریه‌های استراتژیست‌ها و اندیشمندان نظامی از عصر ناپلئون و برتری فرانسه در غرب، تا جنگ جهانی اول می‌پردازد. این دوره از آخرین سال‌های قرن هجدهم با پیدایش ناپلئون در عرصه‌ی سیاست و امور نظامی و طرح‌های استراتژیک و نظامی وی آغاز می‌شود و با شکل‌گیری اتحادهای دول محور (متحدین و متفقین) و آغاز جنگ جهانی اول پایان می‌پذیرد. در این دوره که شاید بتوان آن را آغاز پیدایش و شکل‌گیری اندیشه‌ی نوین نظامی دانست اندیشه‌های بزرگانی چون کلوزویتس، مولتکه، کانت، هگل، مارکس و... مطرح می‌گردد.

به‌علاوه به چند رکن اساسی نظری که در شکل‌گیری اندیشه‌ی نظامی در این دوران و دوران بعدی (قرن بیستم) نقش اساسی داشته‌اند؛ چون ایده‌آلیسم آلمانی، مارکسیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و... اشاره‌هایی خواهد شد. از آنجایی که در بعد اندیشه‌ی نظامی مشهورترین نظریه‌پرداز این دوران «کلوزویتس» است که نظریه‌های او تا پایان دوره و تا پیدایش اندیشمندانی چون لیدل‌هارت، لنین، لودندورف، مائو و... در قرن بیستم، تعیین‌کننده‌ی خطوط کلی امور نظامی، استراتژی، تاکتیک و مسائل مربوط به جنگ‌ها می‌باشد، لذا در این فصل ابتدا به تحولات عمده‌ی تاریخی، تحولات و حوادث نظامی و مبانی نظری اندیشه‌ی

نظامی اشاره و سپس به اندیشه‌های نظامی اندیشمندان برجسته‌ی این دوره پرداخته می‌شود.

### فصل چهاردهم: سیر تحول اندیشه‌ی نظامی در قرن بیستم (۱۹۹۰-۱۹۱۴ م)

در این فصل این عناوین مورد بررسی قرار می‌گیرند: مروری بر تاریخ سیاسی - نظامی قرن بیستم، وقایع مهم دوران جنگ سرد و نظام دوقطبی، بررسی مسائل عمده‌ی سیاسی - نظامی قرن بیستم، اندیشمندان برجسته‌ی نظامی قرن بیستم، اندیشه‌های نظامی معاصر در ایالات متحده آمریکا، اندیشه‌های نظامی در اتحاد جماهیر شوروی از خروشچف تا فروپاشی این کشور.

در گفتار اول می‌خوانیم، دوران مورد بحث کتاب با جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م) آغاز می‌گردد. شرایط حاکم بر قرن ۱۹ گسترش اندیشه‌ی نظامی، تلاش برخی از اندیشمندان در جهت عقلانی کردن نظریه‌ی جنگ و گسترش امپریالیسم، توسعه‌ی روحیه‌ی نظامی‌گری در جهان غرب و... می‌باشد. از مهم‌ترین وقایع قرن بیستم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ - بحران‌های عمده و اساسی قبل از جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۱۴م
  - ۲ - تاسیس جامعه‌ی ملل
  - ۳ - بحران اقتصادی و رکود جهانی از سال ۱۹۲۹م به بعد
  - ۴ - شکل‌گیری نظام توتالیتار و سلطه‌گر
  - ۵ - ایجاد موج استعمارگری
  - ۶ - بحران‌های قبل از جنگ جهانی دوم
  - ۷ - تشکیل بلوک قدرت و جنگ جهانی دوم
- «وقایع مهم دوران جنگ سرد و نظام دوقطبی» عبارتند از:
- ۱ - تشکیل سازمان ملل متحد
  - ۲ - شورای امنیت سازمان ملل متحد و اهمیت آن
  - ۳ - پایان بخشیدن به دوران سلطه‌ی استعمار قدیم

۴ - پیدایش شکل جدید استعمار

۵ - نظام دوقطبی و جنگ سرد

در «بررسی مسائل عمده‌ی سیاسی - نظامی قرن بیستم» موارد زیر به‌عنوان نقاط عطف مطرح‌اند:

۱ - جنگ جهانی اول

۲ - صلح ورسای (پاریس)

۳ - انقلاب روسیه

۴ - پیدایش و توسعه‌ی میلیتاریسم گسترده در جهان، بویژه در اروپا

۵ - جنگ جهانی دوم

۶ - نتایج این جنگ

۷ - کنفرانس صلح پاریس (ورسای)

۸ - جنگ سرد

۹ - پیامدهای نظامی ناتو و ورشو و...

«اصول و مبانی نظری اندیشه‌های نظامی قرن بیستم» عبارتند از:

۱ - اصول عمده‌ی حاکم بر روشنگری و مدرنیته

۲ - پراگماتیسم

۳ - نسبی‌گرایی

۴ - کثرت‌گرایی

۵ - مارکسیسم

از جمله «عناصر سازنده‌ی تفکر نظامی نوین قرن بیستم» می‌توان به موارد

زیر اشاره کرد:

۱ - عمل‌گرایی

۲ - محتوا و ماهیت جنگ و مقتضیات زمان

۳ - میلیتاریسم ملی و نژادی

۴ - افزایش نقش مردم



۵ - جنگ روانی

۶ - شرایط استراتژیک خاص جوامع

۷ - محیط اندیشه و فرهنگ

از «اندیشمندان برجسته‌ی نظامی قرن بیستم» افراد زیر قابل توجه، تأثیرگذار و دوران‌ساز بوده‌اند:

کنت آلفرد فون اشلیفن، اریک لودندورف، لنین، تروتسکی، استالین، مائوتسه‌تونگ، هیتلر، فولر، لیدل هارت.

گفتار هفتم به بیان اصول کلی اندیشه‌ها و استراتژی‌های آمریکا از پایان جنگ جهانی دوم تا پایان نظام دوقطبی اشاره می‌کند. این اصول عبارتند از:

۱ - جرج کنان و استراتژی سدبندی

۲ - دالاس و استراتژی انتقام‌گیرنده

۳ - استراتژی‌های هسته‌ای

۴ - تیلور و کیسینجر و استراتژی واکنش انعطاف‌پذیر

۵ - ریگان و استراتژی جنگ ستارگان

در گفتار آخر مبانی کلی اندیشه‌ی نظامی شوروی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این مبانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - اندیشه‌ی مارکسیسم لنینیسم

۲ - تأثیرات ارتش تزاری روسیه و دکترین آن‌ها

۳ - تجارب نظامی جنگ جهانی اول و دوم

۴ - تأثیرات نظامی خارجی، مخصوصاً اندیشه‌های کلاوزویتس

گفتار فوق با تبیین و تحلیل موارد زیر پایان می‌پذیرد:

۱ - خروشچف و گسترش استراتژی اتمی

۲ - نظریات نظامی مارشال سرکولوفسکی

۳ - اصول اندیشه‌ی نظامی شوروی از برژنف تا گورباچف

۴ - اندیشه‌های نظامی و استراتژیک گورباچف



## **The Phenomenon of Resistance, Capable of Setting the Ground For Exerting the I.R.I Trans-National Power**

*Hossein Akbari*

### **ABSTRACT**

The rise of the Islamic Revolution of Iran, the strategy of defending the rights of the oppressed, and the concept of fighting the arrogant powers which has been formed on the basis of Shiite beliefs have generated a new phenomenon in the Twentieth Century and challenged the regional and international powers. In this conflict of ideas, the Resistance among the oppressed peoples managed to achieve considerable capabilities, and to stand against great threats. The formation of Hezbollah in Lebanon, and of Hamas in Palestine and fighting groups in Iraq, Afghanistan and Bosnia with the support of Iran brought their peoples great victories. In addition to having effects on the class and type of fighting, this phenomenon has generated mutual interests between the Resistance and the Islamic Revolution, in a way that the latter, despite its national power, is able to employ the Resistance's power and its Shiite way of thinking through an action and reaction model in developing its trans-national power, and developing the anti-arrogance front in order to defend the Resistance groups' rights which is rooted in the philosophy of providing the resistance's interests.

**Key Words:** *the phenomenon of Resistance; Shiite thoughts; the Islamic Revolution; countering arrogant powers; national power; trans-national power; defending the rights of the oppressed*

## **The Start and Finish in American Neoconservatives'**

### **Middle East Policy**

*Ayyoub PurGhayyumi*

#### **ABSTRACT**

American new conservatives' policy based on unilateral hegemonism underwent considerable changes under the auspices of Middle East developments. The progress towards a dialogue with regional and international powers and increased interaction with moderate countries, which manifested itself in Iraq's security case and Iran's nuclear case, can be evaluated on this basis. As the war of Lebanon ended and the New Middle East plan failed, America turned to adopting the policy of low-intensity war and containment, strengthening the Sunnis' capabilities against the Shiites, and trying to create a new pole of power composed of Israel and the countries that followed America in the region, as well as starting to normalize the Arab-Israel relations only to counter and contain Iran's power.

**Key Words:** *11 September; America's hegemonism; Great Middle East plan; New Middle East plan; Lebanese 33-day war; new pole of power*

## Biological Warfare in Agriculture and How to Respond to It

Aeizh Azmi

### ABSTRACT

Biological warfare (BW), known as a germ warfare, biological weapons, and bioweapons, is the use of any pathogen (bacterium, virus or other disease-causing organism) as a weapon of war. Biological warfare can destroy crops and cause millions of people to die from hungry. It is important for us to be ready against probable attacks in such a way that we can decrease damages and victims. Therefore, in this paper we study anti-crop biological warfare as well as the ways to fight it. The research method was library. The question that arises is that why should Iran consider biological warfare? The possible answer may be 1) Iran a vast population (up to 71 million people), which highlights the significance of the agriculture production sector. 2) Iran faces many enemies that can be dangerous to the country. 3) the agriculture sector has devoted a high proportion of employment to itself, and unemployment is the major challenge in the country that causes this sector to be of high importance. Therefore, the agriculture sector is the Country's Achilles' heel.

**Key Words:** *Biological warfare, the agriculture sector, pathogen, independence*

## The Application of the Principles of the Chaos Theory In Air Defense Decision Makings

*NikBakhsh Habibi*

### ABSTRACT

This article is aimed at making a query on the theory of "Order in Chaos", with a pragmatic view on the decision makings made in the management fields of air defense, so that one can apply the characteristics of this theory for advancing the operational objectives of air power in a convenient manner. Today, it has become quite possible to adequately understand this theory, under the auspices of the accessibility of advanced computer computational capabilities. This theory addresses the interaction between the entire elements in a dynamic context, the sensitivity to the primary conditions, the repeatability of the organizational paradigms from the part to the whole, and the manifestation of the available hidden paradigms in the context.

In order to address this issue, the autor's main obsession is with how the theory of chaos as a new way for making logical and reasonable decisions in chaotic and disordered environments can be employed in the field of military command and management, especially in the field of air power. Thus, in a library and virtual research and with a view to other similar efforts made in other fields, the author has set out to integrate them with military operations and war environment. The early findings indicate such integration, which can also be considered as a good starting point for developing this subject in field and empirical and other fundamental research in future.

**Key Words:** *uncertainty; disorder; chaos; management and command; linear and non-linear*

## The Challenges to Humanitarian Law in the Postmodern War

*Nader Sa'ed*

### ABSTRACT

Postmodern war is a combination of technology and expressing feeling in the form of postmodern language, which provides attractive features of behaviors that rely on the results of the most advanced sciences and technologies. Under the pretension of bringing man out of the battlefield and replacing man by machine, it appears to decrease the human victims, but actually it transforms the man-man relationship in war to a machine-man and/or machine- machine relationship, where machine destroys the maximum level of men and property in the least period of time without observing behavioral cautions based on principles of human and legal responsibilities. This type of war includes such various examples that, if all dimensions of modern war are supposed not to have been developed, have not only in many dimensions transcended the parameters of modern war, but also have made it more dehumanized.

This writing examines the postmodern war doctrine, its fundamentals and examples, as well as its effects on the humanitarian Law of the armed conflicts.

**Key Words:** *postmodern war; pre-modern war; modern war; humanitarian war; military way of thinking*

group t-test was used to test the hypotheses, and SPSS software was used to supplement the data. Then, the results of the four hypotheses were supported in which the following effects were shown: the non-physical factors with the average of 4/5, success factors 4/41, and physical factors 4/07 as the third factor and the most influential from among the three factors of the fighting strength were specified. Also, it was specified that morale and training with  $X=4/68$ , and the tactics used by the 32nd Division with  $X=4/53$ , the commanders' creativity with  $Z=4/22$ , and finally Monafeghin's (People's Mojahedin Organization of Iran) wrong estimates of I.R.I real capability with  $X=4/20$  were the major factors that contributed to the 32nd Division's success in Mersad Operation.

**Key Words:** *People's Mojahedin Organization of Iran; the 32nd Ansar-ol-Hosseini Division; Mersad Operation; Liberation Army; Resolution 598*



## **A Study of the Factors that Influenced the Success of The 32nd Ansar-ol-Hossein Division in Mersad Operation**

*Amir ShalBafiyani & Mahdi NattaghPur*

### **ABSTRACT**

During the eight-year holy defense, the *Mersad Operation* had been unique both in its own type and from among other holy defense operations. So, it is valuable to register the operational records of the *32nd Ansar-ol-Hossein* Division as the first unit in the zone. Also, one of the objectives sought by the research is to write down the sacrifices that the 32nd Division fighters made, to revere the memory of 120 Martyrs in the operation, to explain how the 32nd Division was carried out and adopted their tactics, and to explain the factors that influenced the success of the 32nd Ansar-ol-Hossein Division fighters in Mersad Operation. Also, these objectives are aimed at creating a beneficial source for all the 32nd Division fighters to utilize the strengths of it and transfer their experiences to others. For, no research has been done in this case, and it is far from good to keep the experiences of war only in minds, hence the only way to transfer experiences to others (generally speaking) is to write them down. For this purpose, 150 of the 32nd Division commanders at different levels were selected as a statistical community. Furthermore, some information was collected by using descriptive-analytic method, and information collection devices like library and survey including questionnaires and interviews. Here, a sample of 108 people was selected according to Morgan's table, and the questionnaires were filled in by them, and the findings were analyzed by using two methods, namely the descriptive statistics and the inferential statistics with average indexes, variance, and standard deviation. A one

## **Total Self-Defense Approach within the Framework of Imam Khomeini's Defense Way of Thinking**

*Dr. Seyyed Asghar Keyvan Hosseini*

### **ABSTRACT**

Issue of 'total defense' refers to a specific analytical framework concerning Imam Khomeini's defense way of thinking. The views presented on 'defense policy' can be used to explain that approach, the only difference being that Imam's attitude towards the said issue possesses unique characteristics. These characteristics are associated, in one way, to the model within which hard- and software- resources are mobilized in the society to meet macro defense-security objectives, and in another way, to other intermingled cross-national-national levels, which link the security in the Islamic system to the security in the Islamic world, and ultimately, to the world in which the oppressed/deprived live, paving the path of analysis towards a vast interpretation of defense policy.

**Key Words:** *defense policy; total defense; cultural defense; political defense; economical defense; military defense*

**Notes:**

The Journal of Defense policy is published quarterly by the Center of Defense Studies and National Security founded at Imam Hossein (P.B.U.H) University in 1991. It publishes Accademic articles in wide range of topics, from defense – strategic studies, theoretical and historical literatures to case studies of contemporary developments including: Sociology of Warfare, War Studies, National Security, Strategic Intelligence, Defense Economics, Political Geography, Military Geography, Military Pyschology, Iran’s Studies, Legal Studies of Warfare and Peace and International Relations.

***Framework for Composition of Articles:***

- 1 – The articles should contain an appropriate title, the author’s name, position, address, Tel. number, Email (if possible), an abstract in English about 150 words (and preferably in Farsi, too), an introduction, some remarks on methodology, data analysis, conclusion and references;
- 2 – Suggestions and comments on all published materials are welcomed by the editorial board;
- 3 – The articles are the views to their authours and the Defense Policy is not responsible for the views expressed in the articles;
- 4 – The Defense Policy is allowed to edit the articles;
- 5 – The articles already published in Iranian or non-Iraninan Journals will not be accepted;
- 6 – The articles on Iran’s affairs are preferable;
- 7 – The articles must be typewritten legibly on one side of paper;
- 8 – The articles should not exceed 25 typewritten pages;
- 9 – Articles are not given back (please take a copy);
- 10 – The sources will be shortly mentioned in parentheses, e.g. (Smith, 2001, 22);
- 11 – The references (at the end of article) must be included and the information required therein is:
  - 11-1 – (For books): Author’s name (year), *Title of Work*. Place of Publication, Publisher;
  - 11-2 – (For articles): Author’s name (year). “Title of work”. *Journal Title*. Issue Volume Number.

***Copyright © All right reserved, quotations are allowed with reference to the source.***

## ***Table of Contents***

*The Journal of Defense Policy, Vol. 17, Serial No. 66, Spring 2009*

<b>Title</b>	<b>Page</b>
<b>Articles</b>	
Total Defense Approach in the Framework of Imam Khomeini's Defense Way of Thinking.....	9
<i>Seyyed Asghar Keyvan Hosseini</i> <i>Masoud Droudi</i>	
A Study of the Factors that Influence the Success of TThe 32nd Ansar-ol-Hossein Division in Mersad Operation.....	25
<i>Mahdi Nattagh Pour</i> <i>Amir ShalBafiyani</i>	
The Challenges to Humanitarian Law in the Postmodern War .....	51
<i>Nader Sa'ed</i>	
The Application of the Principles of the Chaos Theory In Air Defense Decision Makings .....	67
<i>NikBakhsh Habibi</i>	
Biological Warfare in Agriculture and How to Respond to It .....	101
<i>Aeizh Azmi</i>	
The Start and Finish in Neoconservatives' Middle East Policy .....	123
<i>Ayyoub PurGhayyumi</i>	
The Phenomenon of Resistance, Capable of Setting the Ground For Exerting the I.R.I Trans-National Power.....	149
<i>Hossein Akbari</i>	
<b>Book Review</b>	
History and Bases Military Thought.....	195
<i>Davoud Olamaei</i>	
History and Bases of the World Military Thought .....	213
<i>Davoud Olamaei</i>	
<b>English Abstracts</b>	
<i>Seyyed S'aadat Hosseini Damabi</i>	

***Editorial, Advisory and Examiner Board of  
The Journal of Defense Policy***

***Editorial Board***

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan	Dr. Mohammad Ibrahim Sanjaghi
Dr. Mohammad Hossein Afshordi	Dr. Seyyed Yahya Safavi
Dr. Homayoon Elahi	Ali Reza Farshchi
Dr. Bahador Aminian	Dr. Jahangir Karami
Dr. Hossein Hosseini	Dr. Manoocher Mohammadi
Dr. Hossein Dehghan	Sayyed Hossein Mohammadi Najm

***Examiner Board***

Dr. Hossein Ardestani	Dr. Hossein Zarif Manesh
Seyyed Ali HosseiniTash	Dr. Asghar Gha'edan
Dr. Mohsen Rezaee	GholamReza Mehrabi
Akbar RamezanZade	Dr. Parviz Mir Abbasi
Dr. Allah Morad Seif	

***Advisory Board***

Dr. Hadi Morad Piri	MohammadHossein Ghanbari Jahromi
Seyyed KamaloddinMohammad Rafi'ee	Ahmad MohammadZadeh
Dr. MohammadAli Sobhani	Dr. Abbas Mehri
Ahmad GholamPur	Mahdi NattaghPour

*In the Name of Allah, the Compassionate, the Merciful*

**The Journal of Defense Policy**

***The Scientific and Promotional Journal  
of Center for Defense Studies and National Security,  
Imam Hossein (P.B.U.H) University***

---

**Vol. 17, No. 2, Spring 2009, Serial No. 66 (ISSN-1025-5087)**

---

Proprietor: Imam Hossein  
Comprehensive University, the Centre  
for Defense Studies and National  
Security

Chairman Manager: Ali Reza Farshchi

Editor: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Managing Editor: Ali Ghanbarzadeh

Typesetter and Typographer: Hossein  
Sarmadi

Observer of Publication: Andishgah-e  
Elmo-San'ate Jahan-e Moaser

Lithograph, Publication and Bookbinding:  
Shakib Publications

Address: the Centre for Defense Studies  
and National Security; Imam  
Hossein<sup>(PBUH)</sup> Comprehensive University

Tel: +9821-77105765

Fax: +9821-77105747

P. O. Box: 16765-3459 Tehran, Iran

Book Store: the Centre for Defense  
Studies and National Security; Imam  
Hossein<sup>(PBUH)</sup> Comprehensive  
University; Shahid Babaie Exp way,  
Tehran, Iran.

Tel: +9821-77105741 & 42